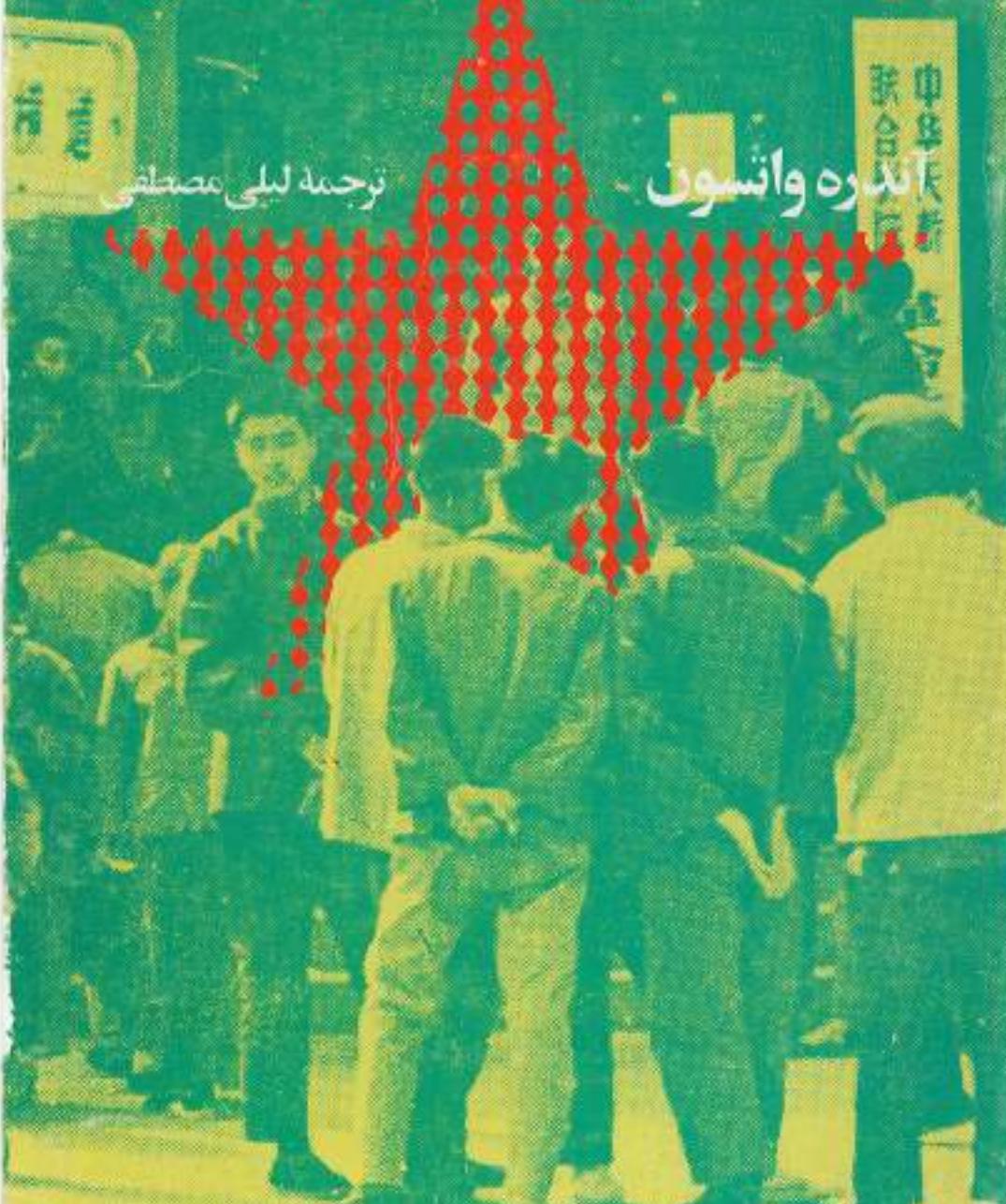


زندگی در چین

واتسوف

ترجمه لیلی مصطفی

聯合書局
中华民國
華文書局





زندگی در چین

آندره واتسون

ترجمهٔ لی لی مصلف‌فوی



نیچه هنر و مذاق

تالار عجمان

- زندگی در چین
- نوشته آندره واتسون
- ترجمه لیلی مصطفوی
- حروفچینی دستی (صمدی) مهرماه ۱۳۵۷
- طرح روی جلد از منوچهر رضایی بناد
- انتشارات توسع، اول خیابان دانشگاه

۵	پیشگفتار - آندره واتسون	۱ - دنیای چین
۸		
۹	پیران و جوانان	
۱۵	شیوه‌های دگرگونی	
۲۲	سیاست تغییر و تحول	
		۲ - قالب اجتماعی
۲۹	نفس رهبری ملی	
۳۱	کادر	
۳۵	حزب کمونیست	
۳۹	دولت	
۴۲	ارتش آزادیبخش خلق	
۴۷		۳ - بسوی روستاها
۴۸	سرزمین نضادها	
۵۳	میراث روستائی	
۵۷	اصلاح و انقلاب	
۶۵	کمون در چین امروز	
۶۹	در کنار یک یپ	
۷۲	فعالیت دسته‌ها	
۷۷	نقطه عطف‌ها و در گیری هادر کمون	
۷۹	خانه‌یک روستائشین	
۸۲		۴ - زندگی شهری
۸۳	انقلاب در شهرها	
۸۶	دگرگونی سویالیستی	
	«جهش بزرگ بسوی جلو» یک	
۹۱	راه حل قاطع	
		(الف)

صفحه	
۹۴	دربیک کارخانه
۹۷	نگاهی به جریان صنعت
۹۹	مدیران
۱۰۲	کارگر
۱۰۵	درخانه
۱۰۹	ادارات محلی
۱۱۲	نقض مفررات و کیفر آنها
۱۱۴	معاشرت دختروپسر
۱۱۹	۵- آموزش و فرهنگ
۱۲۰	تاریخچه اصلاحات آموزشی
۱۲۲	روشها و مشکلات
۱۲۷	راهچاره
۱۲۹	مدارس ابتدائی
۱۳۶	مدارس متوسطه
۱۴۰	آموزش عالی
۱۴۶	کادر آموزشی
۱۴۹	فرهنگ: هنر و ایدئولوژی
۱۵۲	اپراهای نمونه
۱۵۴	جولانگاه ادبیات
۱۵۷	هنرهاي ديداري
۱۵۸	هنرمند
۱۶۰	۶- گروه شهروندان و یزد
۱۶۹	وداع با آفت کارگران علمی
۱۷۳	مذهب
۱۸۰	اقلیت‌های ملی (ب)

پیش گفتار

زندگی در حین

توصیف دقیق زندگی یک مرد معمولی چنین هدف عمدۀ من از توشتن این کتاب بوده و در این راه تا سر حدامکان سعی خودرا کرده‌ام، اگرچه امتناع از پیکار گیری عبارات و واژه‌هایی که خواهان‌داشتم خواه مورد تائید یا نکذب قرار خواهد گرفت غیرممکن است ولی طور کلی از فضای اجتماعی یک جانبه و یکارچه درباره طبیعت نظام اجتماعی چنین اجتناب کرده‌ام. یک خواننده باهوش و آگاه خود قادر به تصمیم گیر فتن است که در یک جامعه دیگرچه چیز داشته باشد و چه چیز به مذاق وی خوش آیندیست ولی این خواننده می‌تواند فقط بر اساس آگاهی از آنچه که واقعاً در چنین می‌گذرد این چنین تصمیم بگیرد. او بایسی در مرحلۀ اول یداند که چنین از دیدگاه آداب و رسوم، سنّ مشکلات و خواستها و امیدها برای یک چنین چه مفهومی دارد. سپس بر اساس کسب این معرفت و آگاهی، ارزش‌های یک جامعه را برای شهر و لدان آن درک

کند، من امیدوارم که کتاب خاطر بتواند تا اندازه‌ای چنین دریافت و شناختی را بهخوانده عرضه نماید.

طور کلی برداشت من از جامعه چنین مساعد و خوش‌بیناند است. کمونیست‌های چنین بهنگام دست گرفتن قدرت در سال ۱۹۴۹ با مسائل عظیم وی شماری دو برو بودند، ولی آنها در ایجاد وحدت و غرور ملی در چنین‌ها موفق شده و گام‌های بلندی در راه تحولات اجتماعی و صنعتی شلن جامعه برداشتند. همچنین از نقطه نظر توسعه عادلانه تروت، درهم شکستن انحصارات و برقراری عدالت اجتماعی به توفيق‌های چشمگیری نایل آمدند. با اینحال بحث در این پاره که همه چیز در چنین در حد کمال مطلوب است و تمامی این موقوفیت‌ها بدون برداخت هیچ بهائی میسر شده است نتیجه ناگاهی است و همچنین مطرح کردن این موضوع که آنچه که کمونیست‌ها بوجود آورده‌اند بادل و جان مورد قبول افراد عادی چنین فراز گرفته است بیزی جاوی مناسب است بدون شک شکست‌ها و نارسانی‌هایی در دنگر گونه‌های اخیر چنین وجود داشته و هنوز هم ضعف و مشکلات بسیار در میان می‌باشد. بهایی را که حزب به خاطر محدود ساختن افکار و قوایت‌های سیاسی مردم برداخته تا آنان را برای برآورده ساختن بازارهای ضروری ترسیح نماید از اهمیت کمی برخورد دار تیست بلکه برای برآسایر قیمت‌هایی است که حزب برداخته است. بهر حال قضاوت‌ها و برداشت‌های محتاطانه یک خارجی در بازه چنین در بسیاری موارد می‌توانند کافی و نادرست باشد. آنچه که حائز اهمیت است اینست که خود چنین‌ها شخصاً خواهان چه‌چیزی می‌باشند و هر چقدر در این بازه خوددار و محتاط باشند بدون شک می‌توان گفت که اکثر بیان آنان آمادگی آنرا دارند که هدتها و ساستهای رهبران کنونی خود را پذیرند، کتاب‌های از این دست، مدیون کسانی است که در بازه چنین مطالعه کرده و کتاب‌نوشته‌اند، من بدعاقاً بدو نظرات ویژه‌های آنان اعتماد کرده‌ام و است پوزش مرا از اینکه قادر به معرفی مستقیم آنان در این کتاب

نودهای پذیرا شوند. من همچنین مدیون دوستان و چنی‌هایی می‌باشم که به هنگام سفرم به چین به من کمک و راهنمائی بسیار کرده‌اند و بوزیر از همکاران ساقم در استئنوزیانهای خارجی «سیان» بیز بسیار سپاسگزارم. بدون کمک ویاری این دوستان هر گز قادر نبودم که چنین شناختی را از جامعه چین کسب نمایم.

آندره واتسون

دلیای چین

کلید زندگی در چین امروز تغیر و تحول است. اولین موضوعی ره یک مسافر را به هنگام بازدید از چین تحت تأثیر قرار می‌دهد احساس قاطعیت و راسخ بودن و تحرک در جامعه است. علیرغم تمام مشکلاتی که کشور چین با آن مواجه است خوشینی و هیجان بر فضای آن حاکم است، بنظر می‌رسد هر روز که فرا می‌رسد از مراتبی تازه به همراه خود می‌آورد. رشد اقتصادی و پژوهشی افتخاراتی در فضای کشور ایجاد تحول و دگرگونی کرده و شغل‌های جدید و منافع مادی تازه عرضه کرده است.

گسترش آموزش، خدمات پهداشتی و سازمانهای رفاه اجتماعی کیفیت زندگی را بهبود بخشیده و به موازات آن، به میزان انتظارات جامعه نیز افزوده شده است. هر دگر گونی که صورت می‌گیرد تضاد آن با گذشته کاملاً آشکار شده و هم زمان با آن انگیزه نو سازی اخلاق اجتماعی، آداب منشی و نیازهای قدری می‌تیز شدت می‌یابد. شهر و ندان چینی بدستختی در گیر مبارزه

پامت‌های فرهنگی گذشته قرار گرفته‌اند و از آنجانی که سیر رشد و دگرگوئی به کتدی صورت می‌گیرد، گذشته و حال خواه ناخواه در کنار یکدیگر قرار گرفته و دائماً باد آور این موضوع است که چه کارهایی تا کنون صورت گرفته و اینجا چه کارهایی دریش است. طور مثال در یک کارخانه روشهای صنایع دستی در کنار ماشین آلات پیچیده امروزی بکار گرفته می‌شوند و یا آنکه در رستاناها پاهای کوچک در قالب گذاشته شده زبان سالخورد را با نقش فعال توهای دختری آزاد شده از قبودات گونه‌گون کنار یکدیگر قرار می‌گیرد.

جمعیت عظیم چین (بیش از ۸۰۰ میلیون نفر) و وسعت پهناور آن بعد دیگری نیز به این تضادها اضافه می‌کند. هر منطقه جغرافیائی با همایه خود طور محروسی اختلاف دارد. از نقطه نظر کارهای روزمره، غذا، لباس، مکن و آداب و رسوم محلی لفاظ گرسیر و مرطوب و مختص به کشت بر رفع در اطراف کانتون با تپهای خاکی و خشک شمال‌شرقی و یا با کوههای بومشیده شده از جنگل شمال شرقی تفاوت بسیار دارد. حتی مسافر خارجی که از این سویه آن سوی کشور با قطار مسافت می‌کند بلاfacile متوجه می‌شود که چیزی هر ناحیه مسائل و مشکلات ویژه خود داشته و چطور تغیر و تحول در آن ناحیه خاص با سرعانی متفاوت از دیگر نواحی صورت می‌گیرد و این تفاوتها و گونه‌گونی‌های منطقه‌ای بار سنتگینی است بردوش طراحان اقتصادی و اجتماعی. علیرغم تفوذ سیاست یک شکل سازی نظام حزب کمونیست چین زندگی روزمره در این کشور از یک الگوی ساده متحداً شکل به سختی پیروی می‌کند.

پیران و جوانان

سیاری از تضادهای چین در اختلاف بین نسلها نظری می‌کند. همزمان با فناوت و کوشش‌های حزب کمونیست جهت بنای مجدد اخلاقیات نوین، هنوز آداب و رسوم متعلق به نسل‌های قبل از سال ۱۹۴۹ در گوش و کنار بود.

حیات خود ادامه می‌دهند و این موضوع نه تنها مسائل جزئی مانند تزئین پلک منزل یا طرح یک لباس را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه مسائل مهمی مانند چگونگی مقدمات زناشویی، کیفیت آموزش کودکان، نقش زنان و چگونگی رفتار اجتماعی را نیز تحت الشاع خود قرار می‌دهد. طی افامتم در چین از جاذبه و نفوذ بیماری از آداب و منن گذشته در جامعه کشوری بارها در شگفت ماندم. هر چند حزب کمونیست پاره‌ای از سن باستانی چین مانند عقل معاش و پشتکار روستایان را به تعقیب خود داشته و در پیشبرد اهداف خود از این ویژگیها بهره گرفته است ولی بطور کلی کوشش سخت بعمل می‌آید تا مبادا ارزش‌های فرهنگی گذشته در میان جوانان رخنه کرده و مانع از رشد جامعه نوین گردد و در نتیجه این فعالیتهاست که جوانان بذریح گذشته را رها می‌کنند. جالب اینست که غالباً شکاف بین نسلها با اضداد بین مناطق نیز هم آهنگ است، چنانچه نقاط دور افتاده آداب و رسوم متی خود را حفظ کرده و آهسته‌تر از شهرهای پیشرفت‌هه مانند «شاانگهای» تغییر شکل می‌دهند.

من زیر از کتابی نویسنون «تخریب آداب و درسم گذشته و بنای روشاهای جدید» که از ویرایش سال ۱۹۶۵ گرفته شده است عیناً نقل می‌شود. این توشه نمونه‌ای است از تعداد کلیری مقالات که بمنظور انهدام منقدی و بالقوه مغرب گذشته به رشته تحریر در آمد است. عنوان مقاله چنین است: آیا والدین می‌توانند از خواستگار دخترشان تقاضای هدا یا نامزدی نمایند؟

اخیراً «دانستان در کمون «شورانگ وانگ» واقع در روستای «وینان» در استان «شنسی» چهان بهدهان می‌گردد. این داستان مربوط به ازدواج لیوکونگ - فنگ - دختر لیوشیان. روستائی نمونه، «بالیوهنگ». چین، سر باز و غصو اتحادیه جوانان کمونیست است. برای این وصلت لیوشو - شیان از داماد آینده خود تقاضای برگزاری جشن مفصل عروسی و با شیر بها نکرد و در روز عروسی فقط یک بیل و کانگ بعنوان هدیه عروسی به این زوجهای جوان بیشکش نمود. در آن روز، لیوکونگ - فنگ همراه خواهران خود را دو پرخنه به

خانه «لی» داماد رفت و مردم از این نوع وصلت استقبال بسیار کرده و آنرا ازدواج نموده خواندهند.

بنابراین لیشو-شیان و دخترش رسوم و سنن گذشته مربوط به عروسی را بدور انداخته و روشنی جدید بر اساس صرفه جویی، عقل معاش و عشق به کار تولیدی جاتشین آن کرده‌اند. این افراد قابل تایش بوده و رفتار و روش آنان برای والدین و زوجهای جوان و جوانان مجرد دارای اهمیت آموزشی بسیار است. هنوز شما در شهرها، شهرستانها و روستاهای از مردم می‌شنوید که مثلاً: آیا تا بحال شده است که زناشویی بدون درخواست شیر بها صورت گیرد؟ شیر بها یک امر مستقی است ... این مردم روش جدید ازدواج را مناسب ندانسته و حتی

از طریق دادن و گرفتن هدایا از رسوم گذشته تعجب می‌کنند.

رفتار ما نسبت به اینگونه مسائل چگونه بایستی باشد؟ در ابتدا بهتر است مدهوّم واقعی شیر بها و یا هدایای عروسی را درکنیم. این هدایا همچنین بنام «هدایای جسمی» یا «هدایای فراردادی» خوانده شده و ساخته و پرداخته مالکیت خصوصی بشمار می‌رود.

این رسم همزمان با تشکیل جامعه طبقاتی شکل گرفت و در دوران باستان اثری از آن نمی‌توان یافت. هنگامی که مالکیت خصوصی آغاز شد و مردمها در مقابل تضییغ موقع زنان قدرت را بدست گرفتند، موضوع هدایای عروسی نیز باب شد. همزمان با رشد جامعه طبقاتی؛ زنان برده مردان شده و همانند اموال و احشام خرید و فروش می‌شدند.

هدایای عروسی فقط راهی بود برای تعیین بیهای جسم یا لذت. چنین تقاضا و درخواست‌های زنان را تبدیل به کالاهای تجاری کرد، این رسم نشانگر موضع برتر مردان و همچنین ازدواج مستی بر اساس معامله با والدین در جوامع گذشته و نیز مظہر نظامی بود که زنان را حقیر شمرده و آنان را به تحمل دردو عذاب محکوم می‌ساخت.

بنابراین زناشویی بر اساس معامله پس از آزادی زنان یکلی منسخ

گردید.

برخی از لاهار نظر می کنند که با وجود آنکه می دانند دریافت شیر بها کار درستی نیست ولی این پول را برای دوران پیری لازم می دانند. البته در جامعه گذشته این موضوع حقیقت داشت، جامعه ای که سالخوردگان از هیچگونه تمهیلات و رفاه اجتماعی برخوردار نبود و دختران پس از ازدواج دیگر قادر به کمک مادی به والدین خود نبودند، در حالی که در جامعه سوسیالیستی امروز همه چیز دستخوش تغیر و دگرگونی شده است. اقتصاد اشتراکی رفاه مادی سالخوردگان را تضمین کرده و قوانین جدید زناشویی از زوجین خواسته است که از والدین خود اعم از والدین شوهر یا والدین زن هرستاری و مرافت کنند و تنها موضوع سر برستی والدین شوهر مطرح نیست.

در حقیقت فقط پیران نیستند که خواهان پیری ازرسوم گذشته می باشند، بلکه برخی اوقات حتی دختران جوان نیز تقاضای هدایای عروسی گردد و آنرا نشانه علاقه خواسگار نیست بخود می دانند. این طرز فکر فقط نمایانگر این حقیقت است که آنان ثروت را بر عشق ترجیح داده و در صداد حفظ سن گذشته بر انتکاء صرف به مرد اعتقاد دارند. عشق حقیقی خردمنی نیست و یا هستی بر اساس مساوات، علاقه فيما بین واشتراک عقاید بینان گیرد. زن و مرد علاوه بر همسر بودن؛ رفیق و شریک یک یا کدیگر نیز می باشند.

هدایای نامزدی و شیر بها فقط یک موضوع خانوادگی بشمار می رود بلکه با مسئله آزادی کامل زنان ارتباط دارد.

سن اجتماعی گذشته و بقایای ایدئولوژیکی ملاقات استثمار گری با هستی منهدم شوند تا سوسیالیسم جدید بوجود آید. آزادی کامل زنان فقط بر اساس تساوی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با مردان صورت حقیقت پخود می گیرد، هدایای عروسی مانع از رهایی زن از قبود گذشته می باشد و فقط از طریق آزاد شدن زنان است که قدرنهای توپلیدی آنان از پند اسازت رها می شود و در غیر اینصورت تولید اجتماعی دچار نقصان

خواهد شد. در جامعه متتحول امروزی مبارزه ملتفاتی هنوز وجود دارد. طبقات استثمارگری که از پای اختاده‌اند می‌کوشند در سوابیم رخنه و خراب کاری کنند و بدین جهت از اصول کپنه گذشته مانند شیرها به منظور گسترش عقاید بورژوازی، مالکیت خصوصی، زیاده‌روی و فاسد نمودن اراده انقلاب مردم بهره برداری می‌کند. حزب معتقد است که بایستی با قاطعیت کامل در مقابل این خراب کاری‌ها ایستادگی کرده و روش‌هایی را که با نظام گذشته ارتباط دارند به دور اندیخته و افرادی را که هنوز به این عقاید پای بند می‌باشند آموخت دهد.

نوشته فوق نمونه‌ای از فشارهای داخل سیاسی است که برای ایجاد دکتر گونی بر جامعه چین وارد آمده و نمایانگر آنستکه چنگونه تمام جنبه‌های زندگی در ارتباط با خواستهای حزب کمونیست مسورد بحث و مذاکره قرار می‌گیرند. از دیدگاه یک تخاریجی این نوع اقدامات حزب کمونیست می‌تواند تا اندازه‌ای افراطی باشد، حال آنکه اغلب چنین‌هایی که من با آنان ملاقات و گفتگو داشتم بر این عقیده می‌باشند که کوشش‌های همه جانبی‌ای بمنظور کمک به پیشرفت جامعه بایستی صورت گیرد.

به حال تضاد در رفتار اجتماعی مردم هنوز وجود داشته و اخلاق و آداب و رسوم گذشته به سختی از میان رفته است. از سال ۱۹۴۹ تلاش‌های تبلیغاتی وسیعی صورت گرفته است و «یوسمه خلق» مهمترین تشریه این کشور هنوز به چاپ مقلااتی مانند آنچه که در بالا ذکر شد ادامه می‌دهد. حزب کمونیست چین همزمان با مقلااتی که بمنظور ایجاد متتحول و مبارزه با نظام گذشته چاپ می‌کند، از هیچ کوششی به منظور تضمین این موضوع که نسل جوان می‌بایست با اندیشه و دیدگی کاملاً متفاوت از نسلهای گذشته بزرگ شود فروکناری نمی‌کند. بهنگام کار، در مدرسه و در اوقات فراغت به جوانان آموخته می‌شود که متألف دولت و جامعه اشتراکی را بالاتر و برتر از آرزوها و خواستهای فردی خود بدانند. آنها که بلند برواز می‌باشند بخوبی می‌دانند که مجبور به اطاعت و پیروی از میارها والگوهای جدید می‌باشند تا بتوانند پیشرفت نمایند همچنین بسیاری از جوانان از ازوم تئیرات ریشه‌ای بمنظور ایجاد

تحول در جامعه چین آگاهیهای کاچی کسب کرده‌اند، چنانچه شاگردانی که من در سال ۱۹۶۵ تسلیم می‌کردم به تشویق و دلگرمی چندانی راز نداشتند تا عادات و رسوم کهن و خرافات دوران گذشته را مورد انتقاد قرار گویند.

لیکن جوانان در دوران کودکی و پهنه‌گام مطالعه ادبیات باستان چین، خواه‌ناخواه‌برخی از ارزشهاستی چین را جذب کرده‌اند. روابط خانوادگی برای احترام به بزرگان خانواده و والدین ارزش بسیار قائل است. جوانان هنوز بندرت مستقیماً از دختران ابرای قرار ملاقات دعوت بعمل می‌آورند، بلکه آنان از شخص سومی برای این دعوت کمک می‌گیرند تا در صورت دریافت جواب متفق دچار احساسات ناخوشایند و کمرولی نشوند. حتی به‌هنگام انقلاب فرهنگی از سال ۱۹۶۶ تا سال ۱۹۶۹ یعنی زمانی که «گاردسرخ» پیشتر ایجاد دگرگونی و انهدام فرهنگ گذشته شد، جوانان هنوز در قید تیروهای سنتی بودند. در آن روزها یکی از روزنامه‌های شانگهای نوشت:

«یش از هزاران سال ارتباط خانوادگی بر اساس اطاعت پسر از پدر و زن از شوهر بوده است و اکنون با این برضایابی روابط انقلاب کنیم..

مثلثه براین نیست که چه کسی حق صحبت کردن دارد و چه کسی با این اطاعت کند. موضوع مهم آن است که کلمات و گفتار چه کسی با افکار مانوشه تو نگ مطابقت دارد ... اگر گفته‌های یک پدر بزرگ به موازات افکار مالوسه تو نگ نباشد، نوشه سری کاملاً حق آن را دارد که بر ضد پدر بزرگ انقلاب کند ...

بحث‌های بسیار در مورد لزوم ایجاد دگرگونی در ارزشهاستی جوانان هنوز ادامه دارد و اغلب این مسئله از دیدگاه سیاسی به عنوان مبارزه بین بولواری و کارگری به عنوان ایجاد حسن و فقار ایجاد چونان چین مطرح می‌شود. در این راه دگرگونیهای فرهنگی و اجتماعی در سطح بنیانی و افرادی باهدفهای کلی، همه جانبه و انقلابی حزب کمونیست ارتباط داده‌اند.

تحولات ۲۵ سال گذشته فضای را که در آن اعتقادات، رفتارها و آداب و رسوم سنتی ریشه داشته‌اند، درهم شکسته است ولی هم‌زمان با آن، دوام و سماجت نظام گذشته همیشه مانع بوده است بر سر راه تحولات اجتماعی و از سرعت آن کاسته است. «انقلاب فرهنگی» به‌هنگام دعوت مردم برای «انتقاد

از دنیای قدیم، در حقیقت توجه تمام چنین‌ها را بسوی خود مسلط جلب کرد. حزب کمونیست چنین، در هر مرحله از بر تابه‌برزی تضاد بین گذشته و حال را با پشتی در نظر گیرد و این تضاد است که اغلب رویداد‌های چنین امروز را تحت الشاع قرار می‌دهد.

شیوه‌های دگرگونی

حزب کمونیست شیوه‌ها و روش‌های بسیار متنوعی را به منظور ایجاد دگرگونی در جامعه چنین بکار می‌گیرد، و رسماً ترین وعلیٰ ترین آنها وضع مقررات جدید جهت ایجاد یک چارچوب قانونی برای تغییر و تحول می‌باشد، قوانین ازدواج در سال ۱۹۵۰ آزادی ملاقات را تأیید و چگونگی حقوق وظایف والدین را در مقابل کودکان روشن ساخت و همچنین به زنان حقوق مساوی اعطای کرد، این قوانین پیمان خانواده‌های سنتی را که تحت نفوذ قدرت مرد فرار داشت درهم کوپید و دروازه‌های دنیا را ملتو از فرصت‌های غنی را بر روی زنان گشود. دیگر تغییرات در قوانین آن زمان مربوط به مالکیت، اشتغال، جرائم و مقررات بود که اساس روابط اقتصادی و اجتماعی را در جامعه چنین دچار دگرگونی و تغییر و تحول ساخت، دیگران این امکان برای گروهی وجود ندارد که تروتهای کلان بر روی هم ایاشته کنند و برای اشخاص صاحب نفوذ نیز دیگر امکان آن نیست که دوستان و هم بستگان را مورد عنایت و لطف خود قرار دهند.

علاوه سازمانهای جدید اقتصادی و اجتماعی نیز به ترتیب تروهای جدید برای ایجاد دگرگونی به شمار می‌روند، اشتغال در کارخانه بر اساس برنامه روزی های مشترک، مهارت‌های فنی و دستمزد هایی ثابت و تعین شده می‌باشد و رابطه کارگر و کارفرما که مبتنی بر هم بستگی‌های سنتی و خانوادگی و حسن وفاداری بود تغییر یافت و اگرچون بیش از پیش این روابط چهره‌ای عدومی و غیر خصوصی می‌باشد. همچنین مقررات جدید فرصت‌ها و امکانات تازه‌ای برای اشتغال زنان فراهم آورده است تا آسان منبع درآمد مستقل

تصمیم شده‌ای داشته باشد، مقررات مر بوط به آهونش، بهداشت و خدمات رفاهی که از جانب دولت تأمین می‌گردد، بیان تکیه برخانواده و آشنازیان و دولستان را که قبلاً هیار رایج بود دگرگون گرده است. در روستاهای نیز اینها مالکیت شخصی و تکیه بر کشاورزی اشتراکی اثرا عثایه داشته است. ایکن از آنجاییکه ماهیت کارهای روزمره در نواحی روستائی هنوز مانند سابق می‌باشد و گروههای کثیری از افراد منسوب بیکدیگر در نزدیکی هم زندگی می‌کنند اما توان نگفت روند تغییر و تحول در روستاهای مر اتاب آهسته‌تر از شهرها است و به نسبت شهرها تحولات دا پذیر نیستند.

حزب کمونیست چین چلور آشکار و علی متأثرات و مذاکرات میانی
جایی را که برای انهدام سنت های قدیمی طراحی شده است زیرهای می کند.
غالباً این گشن از منتها از طریق نشگل گروههایی که به عنوان
گروههای پژوهشی خواهند می شوند و در کلیه مؤسسات فعالیت دارند صورت
می گیرد. هر روز این گروهها در ساعت میانی از روز به گردش آمد و تحت
دبرهای اعضا حزب مقالات میانی تهیه شده در باب مسائل اجتماعی رامطالعه
کرده؛ سپس موضوع آنها را بازندگی دوسره خود ارتباط می دهند. گزارش
ها حاکیست که به لحاظ آنکه نوع رابطه گروهها با افرادی که موضوعات
 مختلف بدانها آموخته شده شود مبنی بر نظام آموخته دهنده و آموختش
گشته است و در تفکر عمیق به آموختش گیرنده داده امی شود، افراد
دانشمندانه ای طبقاً نهاد عظیم و همه جاته مانند « انقلاب
ترکی »، « ای ای ایت »، « سر ایست پیشتری می نمایند. آنان با یکدیگر پیشتر
ملاقات کرده و تفاکروا بدان ازدواج و عقد پیشتری برخوردار است، هر کس
بخوبی آنرا است که از رفتاری مناسب و مثبت از خود نشان ندهد یا لون
تربید موردن اتفاق فرادر سعادتگفت.

علاوه بر نوشهای مانند تونگ، بیشتر نوشهای مورد مطالعه گروه های فوق، اخبار روزنامه و مقالاتی است که به آنچه که در بالا در مورد اذدواج آمد، مطابعات در چین رسالت آموزشی و تبلیغات را بهداشت دارد. در مطبوعات رویدادهای خارجی، آنرا می‌شنود ولی هدف از اتحکام اخبار صرفاً پخش

آنها نمی‌باشد. اغلب هدف از بخش گزارش‌های خبری نشان دادن نتایج حاصله از بکارگیری روش‌های صحیح و منطقی در حل یک مشکل و یا جلب اتفاقات عمومی است. گزارش‌های مدرج در روزنامه‌ها با توجه به شرایط محلی و گروه‌های هدف، یعنی گروه‌هایی که مطالب را مورد مطالعه قرار می‌دهند تغییر می‌یابد. هر گونه تغییری در محتوا اینا به کارگیری واژه‌های تازه در روزنامه‌ها چرا غرایت‌نمایی است برای گروه‌های پژوهشی تا چه ت نوع اطلاعات را عرضه نمایند.

— مثلاً گزارشی درباره اینکه چگونه یک کارخانه در مرور استفاده از مواد خام صرف‌جویی کرده است، راهنمای و مشوقی است برای تمام گروه‌های پژوهشی سراسر کشور تا راههای صرف‌جویی در منابع طبیعی را در مباحثات سیاسی خود پیگیری‌گردند.

— بعلاوه تعدادی از سازمانهای رسمی مانند، «اتحادیه جوانان کمونیست»، «اتحادیه کارگری»، «جمع‌زنان» و «گاردهای کوچک‌سرخ»، برای کودکان و «نیروهای شبیه نظامی» نیز ذیر نظارت حزب کمونیست قرار گرفته‌اند و برای توجیه و تعمیم افکار تو و سیاست‌های حزب فعالیت می‌کند. سازمانهای مزبور انتقادات و مثکلات را نیز متناسب‌با حزب گزارش می‌دهند، از آن جایی که حزب کمونیست دائمًا اهانت گفت و شنود با شهر و ندان معمولی را تشویق می‌کند این سازمان‌ها مذاکره و اظهار نظر را دائمًا مورد تأکید قرار می‌دهند، و بدینجهت وسیله مناسبی جهت انتکار عمومی به شمار می‌رود. با این وصف، تصمیمات در نهایت از جانب سران حزب گرفته می‌شود و سازمان‌های اجتماعی فقط وسیله‌ای به منظور مقاعده ساختن مردم و هماهنگ ساختن آنان بالخطوط سیاسی حزب می‌باشند.

— مبارزات سیاسی گسترده و همه چانه بود، فشارهای سیاسی بفرزد را اشیده کرده است و در ضمن روش‌ها و اقدامات حزبی نیز از سال ۱۹۴۹ دچار تحولات و دگرگونی شده است. مبارزات و تلاش‌های این جنبش‌ها گاه هدف‌های وسیع و متعددی را دربر می‌گیرد. جناحه «انقلاب فرهنگی» به موازات ایجاد تحولات فرهنگی و اجتماعی، پیشنهاد آزمونی بود تا در کنار آن حزب به قدرت بیشتری دست یافته و هدف‌های خود را در توده‌ها نافذ سازد. در دیدگر

موارد مبارزات سیاسی غالباً هدف مشخص و معنی را دنبال می‌کند، چنانچه مبارزه «علیه دشمن واقعی» در سال ۱۹۵۲ مستقیماً متوجه سرمایه‌داران بود. این پنج دشمن شامل: ارتقاء، فراز ازماییات، سوه استفاده از اموال دولتی، تقلب در قراردادهای دولتی، سرفت استاد محروم‌انه ملی بود والبته تبلیغ درباره نهضت‌های سیاسی از این دست در فراسوی قدرت و امکانات «گروه‌های پژوهشی» قرار دارد.

این مبارزات شامل ظاهرات خیابانی، جلسات عمومی و تشکیل گروه‌هایی به منظور حکوم ساختن سbastهای پیش از انقلاب می‌شود. هم‌زمان با آشکار شدن هدف معین و مشخص این نوع مبارزات، افراد آماج تبلیفات زیر فشارهای آموزشی شدیدی قرار می‌گیرند تا بخواستهای زهران جنبش توافق نمایند. در صورتی که فردی به اتهام این خلاف که بر شمرده شد دستگیر شود، برای «اصلاح اندیشه» خود مجبور به انجام کارهای سنتیک شده و در ضمن آموزش‌های سیاسی نقلی لیز بداو داده می‌شود. در مراحل حادث افراد مجبور به ارزیابی مجدد زندگی و معتقدات پیشین خود می‌شوند و این ارزیابی مستلزم عبور از مراحل زندگی سخت و پرمشقی است که هرگز از خاطره آنان محفوظ نمی‌شود.

— بالاخره یکی از مهم‌ترین روش‌ها به منظور تعییم تحولات فرهنگی، بهره‌گیری از سازمان‌ها و افراد نمونه است. حزب کمونیست تقریباً همیشه سیاست جدید خود را از طریق معرقی «بهترین‌ها» عرضه می‌نماید و از دیگران می‌خواهد تا از این نمونه‌ها تقلید بعمل آورد و از آنان تبعیت نمایند. مثلاً کمون، «داجایی» یکی از معروف‌ترین کمون‌های نمونه است. از سال ۱۹۶۴ از نام روسستان چنین دعوت بعمل آمد تا از کمون مژبور تقلید کرده، روحیه مسلط بر این کمون را سرمشق خود قرار دهند. هرگونه تحولی در سیاست کشاورزی از طریق انعکاس و انتشار گزارش در توصیف چگونگی استفاده از این سیاست در کمون «داجایی» اعلام می‌گردید، بدعبارت دیگر کمون «داجایی» منادی و میشر سیاست‌های حزب بود. چنانچه در سال ۱۹۷۲ انعکاس گزارش‌های مر بوط به سرمایه‌گذاری‌های کمون داجایی جهت خرید ماشین آلات کشاورزی

گویای سیاست جدید دولت درجهت تأکید بر کشاورزی مکانیزه بوده است، در سطح محلی از الگوها و انگاره‌های دیگر استفاده می‌شود. برای مثال در ناجهادی که ویژه کشت به است کوشش پیارش تاکمونی را که از امتیازات خاصی بر دیگر کمونهای مشابه برخوردار است به عنوان یک انگاره معرفی کرده و گرداند کان دیگر کمون‌ها را در پیروی از شیوه‌هایی که این کمون مولفه به آنها دست پایانده است تشویق نمایند.

— بدآزاد نموده بتو از طرق گوناگون امتیاز داده می‌شود. برخی از آنان برای بلذمان کوتاه و دریک زمینه مشخص به عنوان فردی برجسته معرفی می‌شوند. گرچه فضیلت و محسن این افراد مورد تمجید قرار می‌گیرد ولی از آنان قهرمان نمی‌سازند. «انگل‌گو» — فان روسانی بوده است که طی سال‌های ۱۹۵۵ و ۱۹۵۶ درباره او به خاطر کوشش‌ها و نمائیت‌هایش جهت دوام بخشنده به واحد تعاونی روسانی تبلیغات وسیع و پرسر و صدائی به عمل آمد. نام وی هنوز در برخی از مطبوعات بدویزه در مقالات مربوط به تحولات کشاورزی دیده می‌شود. برنکات بر جهت اخلاقی افزاد نموده برای تبلیغات تأکید بسیار می‌شود. شیوه تبلیغات والکو قراردادن افراد بدین صورت است که آنان برای یک دوره نسبتاً طولانی از جانب دولت عورت تعریف و تمجید قرار می‌گیرند، ولی اغلب پس از مرگ آنان است که این افزاد نموده از می‌افزیت ممتاز برخوردار می‌شوند و غالباً سیاست برای این است که دفتر چند خاطرات آنان را که حاوی جزئیات اتفاقات و اعمال آنان می‌باشد در مطبوعات چاپ می‌شود. به هنگام معرفی یک فرد نموده به جامعه چین، تاتر، سینما، داستان، شعر و تمام وسائل سمعی و بصری باشی درس‌های مربوطه را به عنده برده و بشعر و ندان معمولی عرضه نمایند. همین اصلی فرد نموده بساعت تغیر ماهیت داده‌های ای از احترام بدبور آن کشیده می‌شود و چهره‌ای دوست داشتنی و مطلوب می‌باشد.

— یکی از مشهورترین این نموده‌ها سر باز «لی فنگ» است که برای او لین باز در سال ۱۹۶۲ نام وی شنیده شد. در سال ۱۹۶۵ تمام شاگردان از جزئیات زندگی نامبرده اطلاع داشتند. وی فردی عادی بود که به خاطر آن که

زندگی خود را وقف حزب کمونیست کرده و بدون هیچ گونه نفع طلبی کلیدو ظایف مر بوطرا ناتوانی که قادر بوده انجام داد در ردیف افراد نموده معرفی نگردید.

رهبر ان چنی در وی اضال و مشخصاتی یافت که بدون تردید مورد تائید کابه شیر و ندان چنی قرار می گرفت.

«لی فنگ» در جریان یک حادثه انواعی در سال ۱۹۶۲ در گذشت. من زیر نموده ای از نوشتهدای مریوط «بن فهرمان می باشد»:

«لی فنگ» در یک تھانو اد رومانی تهیبت یافتا آمد و در دوران کودکی خود یا گرسنگی، فقر، بی رحمی و احتطاط جامعه پوشیده گذشته آشناشد. فقط پس از ظهور ناجی آزادی بخش بود که امکان دسترسی به مواد غذائی مطلوب و دسترسی به آموزش را یافت. قبل از ورود به ارتش، نامبرده بعنوان راننده تراکتور در یک وزرعه دولتی کار کرده، سپس در شهر کت آهن و فولاد آتشان واقع در شمال شرقی چین اشتغال داشت. رفخار و کردار و دفترچه ضخیم خاطرات او که حاوی ۲۰۰ کلمات می باشد، گویای وفاداری عمیق وی به پندارهای والا و گرانی یعنی کار کردن برای شادی و خوشبختی بشریت و علاقه دو افزون به مظور تسریع بنای سوسایلیسم می باشد. این شخص فارغ از خود و مشتاق کمال بدینگران، زندگی بسیار ساده ای داشته، با پشتکار و علاقه مطالعه می کرد. شخصی ساعی، متواضع و مملو از قدرت جوانی بود.

روز هشتم ۳ آنوری ۱۹۶۰ اولین روز خدمت «لی فنگ» در ارتش بود، بدین مناسبت وی یک دفترچه خاطرات خوبداری کرد و صفحه اول این دفترچه را یه عکس «هوانگجی - گوانگ»، فهرمان ملی که جان خود را در چنگ کرده از دست داده بود، اختصاص داد. «لی فنگ» هر روز به آن عکس خیره شده در دل آرزوی رسیدن به مقام این فهرمان را داشت و از هیچ کوششی برای رسیدن به این مقام ملی دریغ نداشت. آموزش مقدماتی سر بازان به خدمات وارد شده شروع شد و هنگامی که نادیجکی به «لی فنگ» داده شد تا آن را پرتاب تماید، وی متوجه گردید

که قادر به پرتاب آن به فاصله مورد نظر نمی باشد. «لی» بیمار پریشان خاطرات شد و هنگام شب پس از شام صمن ورق زدن یادداشت خاطرات روزانه خود، متوجه عکس «هوانگ حی - گوانگ حی» شد، سپس تاریخک مشقی را برداشت و به میدان رفت و در حالی که به سمت پادشاهی ایستاده بود، تاریخک را پارها پرتاب کرد. ساعتها از وقت نواختن شیبور خاموشی گذشته بود که سرجو خده بالاخره متوجه حضور او در میدان تبرین شد. «لی فنگ» تمام شب را به عمل خستگی و کوفتگی نتوانست بخوابد ولی روز بعد در دفترچه خاطرات خودنوشت: «بیاد آور چنگونه رنج‌های رژیم پیشین تمام دوران کودکی ترا آکنده از شکجه کرد. اکنون تو آموزش می‌یابی تا بتوانی از وطن خود دفاع کنی. چرا بایستی این درد کم‌اهمیت ترا این‌چنین تاراحت کند؟» «لی فنگ» اغلب چنان غرق مطالعه می‌شد که تا پاسی از شب گذشته پیدار می‌ماند. وی یک چراغ فوه خربزاری کرد تا بتواند هنگامی که دیگران در خواب هستند در زیر لحاف مطالعه کند. او در دفترچه خاطراتش می‌نویسد:

«پس از مطالعه نوشهای صدرماثو، متوجه شدم چرا و ارای چه هدفی زندگی می‌کنم... در حالی که آگاهی «لی فنگ» نسبت به دنیا اطراflash فروتنی گرفت، وی انکار خود را نظیر: «دوسم مردم فقیر در دنیا هنوز آزاد نشده‌اند. آنان می‌گناهند استعمار قرار گرفته، گرسنه و خربان می‌باشند و تازمانی که با آنان این‌چنین رفتار می‌شود نمی‌توانم سرم را بالانگه‌دارم» را در دفتر خاطراتش یادداشت من کرد.

- زندگی «لی فنگ» بسیار ساده و جدی بود. وی تمام درآمد خود را پس انداز کرده فقط اندکی خرج اصلاح موى سر و خرید صابونی - کرد. جوراب‌هایش آنقدر وصله شده بود که دیگر از جوراب اصلی چیزی باقی نمی‌ماند. هم چنان که از لباب فنجان چای او اتری دیده نمی‌شد.

- ولی «لی فنگ» علی رغم همه این صرفه‌جوئی‌ها، آماده کمک بود

دیگران بود. هنگامی که در «فوشنون» خدمت می‌کرد، مشاهده کرد که عدهای بانو اختن طبل در خیابان تشکیل کمون خلق را اعلام می‌دارند، وی بلاطاطله بهیانک رفت و مبلغ ۲۰۰ «یوان»^{۱۰} یعنی تمام پس‌انداز خود را از حساب خارج کرده، آنرا با خود به صندوق پس‌انداز کمونی باشد، رهبران کمون تقاضای اورارد کرده و به او بادآور شدند که بهتر است این مبلغ را برای خانواده‌اش بفرستد، لی‌شگفت جواب داد: «خانواده؟ اینجا خانه من است هاین تفاوت که من برای مردم آن هیچ کاری انجام نداده‌ام، درحالی که آنان همن کمک ویاری بسیار کرده‌اند، بگذارید این پول حرف نیازهای آنان بشود».

رهبران حرب که از علاقه و صمیمیت او بدهیجان آمده بودند، بالاخره بیمی از پس‌انداز «لی‌فونگ» را پذیرفتند. وی ۱۰۰ «یوان» با قیمتانده را مجدداً به حساب خود بازگرداند و هنگامی که در روزنامه خواندنکه سیل خرایی‌های بسیاری را در اطراف شهر «لایاویانگک» موجب شده است، تمام آن ۱۰۰ «یوان» را برای کمک به سیل زدگان به آن شهر فرستاد.

برخی از مردم یک‌چنین بخشندگی واز خود گذشتگی را نوعی حماقت می‌دانند. و «لی‌فونگ» با آگاهی از این طرز فکر در دفتر خاطراتش نوشته:

آن‌هاشی که مرا احمق می‌خوانند در اشتباه هستند، تنها آرزوی من این است که برای مردم و همین میل و موثر باشم، اگر متفهوم چنین آرزویی، حماقت است، من خوشحال از این که یک احمق باشم، زیرا اغلب و مینهن من نیاز به چنین احمق‌هایی دارم.

سیاست تغییر و تحول:

روند پیشرفت هتلریچ زندگی روزمره ده‌چنین را دستخوش دگرگونی

^{۱۰} Yuan — در سال ۱۹۷۲/۰۶/۴ «یوان» بنابراین یک بود.

کرده است و به موازات آن متأثرات مبادی حزب کمونیست نیز ابعاد تازه‌ای به‌این تغییر و تحول بخشدیده است. علی‌رغم اعتقاد راسخ کمونیست‌ها به نقش تاریخی خود برای بنای جامعه کمونیستی، هنوز اختلاف نظرها و عدم توافق‌های قابل ملاحظه‌ای در سطح رهبری حزب مشاهده می‌شود، با وجوده به ضرورت حل مشکلات فوری و اخطر از این مشی سیاسی حزب تاکنیر داشتاً دست‌خوش تغییر و تحول است. بدلاً از این، مسائلی مطرح می‌شود که منجر به ایجاد اتفاق در بین رهبرانی گردد. بطور مثال اشکالات ناشی از تحولات اقتصادی هم‌ماهی غامض فنی و کوتاه مدت را در بر می‌گیرد وهم مشکلات اجتماعی بلندمدت را، برای نمونه مشکلی که مطرح آن نگاه‌ها و نظرهای بسیاری به خود مطعون داشته است این بود که الوبت می‌باشد به کدامیک داده شود؛ صنعت یا کشاورزی؟ از سرمهای چگونه باشیتی اهره برداری شود؟ کدام مزرعه و کارخانه از بهترین سازمان برخوردار است؟ از چهانگیرهای این برای تشویق مردم به کار پیشتر باشیتی استفاده کرده؟ فصل‌های این کتاب نشان خواهند داد که ناکون تغیرات زیادی در میان حزب کمونیست به عمل آمده، مبارزات اندیشه‌یدی بین گروههای مختلف حزب که طرفدار پاسخ‌های متفاوت می‌باشند بیش در تقریب است، بطور کلی وحدت علی ایدئولوژیکی از برخورد و اصلاحکارهای سیاسی بدور نبوده است.

باتوجه به متأثر حزب کمونیست و تحولات آن می‌توان علت اساسی این تفاوتها را دریافت، از همان ابتدا روش بود که یک انقلاب مؤقت آمریکا باز به رهبری قوی و شرکت فعالانه و موثر تعداد کثیری از افراد عادی جامعه دارد. تمام کمونیستهای چنین در عین قول این حقیقت به مخالفت با یکدیگر بیش برخاسته‌اند. بین آنها یکه طرفدار سیاست نظارت منمر کری حزب می‌باشند و آنها یکه هوا خواه میدان دادن به ابتکارات افراد در سطح باشند تر حزب هستند دانم اتفاق و درگیری بوده است. گروهی تاکید بر اطاعت و وفاداری کرده، گروهی دیگر دم از انعطاف پذیری و بحث و گفتگو در مطلع آنها می‌زنند. در عمل، حزب کوشش کرده است که این تفاوتها از عربی اصل «تسراکز دموکرالیک» حل نمایند. اصل فوق آزادی بحث و مذاکره را

طی مراحل تصمیم‌گیری تضمین نموده، در عین حال تأکید می‌نماید که پس از اخذ تصمیم و قطعیت بافن آن اطاعت محض از دستورات مرکزی امری ضروری است. با این وصف تاکتون به وضوح معلوم شده است که وزنه کدامیک از دو قطب سنگین تر است.

از سال ۱۹۴۹، در موقعیت مختلف سیاست حزب از یک قطب به قطب دیگر تغیر جهت داده است.

مانوشه‌توانگ با اعتقاد به این موضوع که مبارزه بین دونظریه متفاوت خود بیثابه نیرویی است برای تحولات اجتماعی، از چنین حالتها و تغیر جهت دادن‌ها استقبال کرده است؛ حال آنکه تک روایای دیگری صرفاً خواهان تغییر تحول تدریجی در زمینه سیاستهای حزب بوده‌اند.

— عقاید و نظرات رهبران حزب در باره سیاست متمرکز یا انعطاف پذیر در چارچوب همین مناظرات سیاسی شکل گرفته و معکوس شده است. افرادی مانند ماثو، که تک‌یش به قطب دموکراتیک دارند، بر استفاده از میاستهایی که در اینجا در پایگاه چریکی «قبل از سال ۱۹۴۹» مذکول بود، تأکید کرده‌اند. آنها تا آنجا که قادر بوده‌اند از سیاست عدم تمرکز و بر انتی‌حقوق استعداد و اینکار افراد در سطح پائین تر دفاع کرده، آموزش آرمانهای سیاسی برای حفظ انفباط را پایه و اساسی کار خود دانسته‌اند. این نوع رهبری را که ماثو «مشی جمعی» خوانده است، مستلزم برقراری ارتباط با توده مردم، تشکیل جلسات بحث و مذاکره و پذیرش انتقاد از ذیر دستان می‌باشد. از صاحبان قدرت انتظار آن می‌رود از دفتر کار خود خارج شده و قبل از اخذ هر گوقة تصمیمی از تجزیه عملی برخوردار شوند.

حال آن که اگر این افراد پشت درهای بسته اتخاذ تصمیم نمایند بشدت مورد انتقاد واقع می‌شوند. نظرات فوق الایام بخش سیاست عدم تمرکز اقتصادی بود که موجب «جهش بزرگ بجلو» در سال ۱۹۵۸ تک‌ردید و منجر به آن شد که طی «انقلاب فرهنگی» مردم عادی از آزادی یشتری برای انتقاد از دستگاه و مقامات حزبی برخوردار شوند.

— در مقابل سیاست انعطاف پذیر ماثو، افرادی مانند «کاگانگه» در سال

۱۹۵۴، پنگ دخواهی در سال ۱۹۵۹ و «لیوشانوچی» در سال ۱۹۶۶ به مبارزه برخاستد. برای حل مشکلات چین این افراد خواهان پیروی از الگوی شودوی بودند و آنچه که انجام داده‌اند بر اساس تحولات تاریخی و از طریق پیشرفت‌های فنی و نظارت و طرح ریزی متوجه بوده است. آنان بر تجربیات حرفه‌ای پیش از تجهیزات سیاسی تکیه کرده و گرایشی شدید به دین اسلامی وسیع و گسترده داشتند. وضع مقررات گوتانگون و انقباط شدید را می‌توان ازویژه‌گیهای این سبک رهبری دانست. عقاید و نظرات مردم عادی تقریباً نادیده گرفته می‌شد. دوران «اولبن پنچ ساله» در اواسط دهه ۱۹۵۰ و «تجدید سازمان اقتصادی» در اوایل ۱۹۶۵ تحت تأثیر این گرایشها بوده است.

با این وصف، دو گرایش فوق همیشه با یکدیگر در تضاد بوده و در حقیقت تا پیش از «انقلاب فرهنگی» که تفاهدهای بین‌المللی میان مائو و رقاش پذیدار شد، در برخی موارد دو گروه رقبه نظرات موافق با یکدیگر داشتند. با استفاده از میاست «مشی جمعی» مائو از حصار حزب کمونیست چین قدم بیرون گذاشتند، از مردم عادی بویژه «گاردھای سرخ جوان» برای انتقاد از مخالفین خود دعوت بعمل آورد. پاسخ اشیاق آمیز مردم به این دعوت و واکنش انتقاد آمیز آنان علیه رقبای مائوگویای این حقیقت بود که افراد عادی همیشه از هر فرصتی برای ابراز نارضایتی و شکایت استقبال می‌کنند، چنانچه پس از طی یک دوره سکوت و تردید، طولی نکشید که تماشاگران من علاقمند بهتر کت در مباحثات حزبی شدند. آنان مطمئن بودند که از طریق شرکت در جلسات انتقادی حزب، پیشرفت کشور خود را تسريع می‌کنند. در حقیقت، مبارزات «انقلاب فرهنگی» چندان آسان نبود، بلکه متجر بهی نظمی‌هایی در کشور شد که در نتیجه بسیاری از مردم نسبت به پندارهای اولیه خود بی تفاوت شدند. سرانجام پس از بازگشت به یک دوره «انقباط» ؛ مائو موفق به کنار گذاردن «لیوشانوچی» و همکارانش شد.

این تغییر و تغونی اثر مهیی بر رابطه مردم عادی با مقامات سیاسی و دولتی گذاشت. با پیروزی مشی مائو که مبنی بر پیروزی گیری از اندیشه‌های

افراد عادی بود، مردم بالظالمی مواجه می‌شدند که به آنها این اطمینان را
می‌بخشید که صرف پیوستن به هسته مرکزی حزب عامل پیشرفت و ترقی در
جامعه نیست بلکه عرضه کار مطلوب و مفید واقع شدن برای جامعه نیز امکانات
پیشرفت را فراهم می‌آورد. حال آنکه پهنگام تأکید بر سیاست «مشی جمعی»
همه چیز بصورت عکوس درمی‌آمد. اشتیاق سیاسی و گردن نهادن بی چون و
چرا به نظامهای حزبی بیش از هر عامل دیگری اهمیت می‌یابد. انضباط شدید
در هم شکسته شد، در اینجاست که تقاضاهای سیاسی حزب کمونیست نفوذ قابل
ملحظه خود را بر رفتار و اعمال مردمی که علاقه به پیشرفت داشتند تماشان
ساخت و منابع میان رهبران و پروان را طور مداوم در سطح نزدیکتری
قرار داد.

قالب اجتماعی

جامعه چن قبیر نفوذ سه نهاد بهم پیوسته یعنی «حزب کمونیست»، «شورای دولتی» و «نقش آزاد بخش خلق» فرادرگرفته است. حزب رهبری سیاسی کشور را بهده دارد و خود را حافظ اصول و ارزش‌های انقلاب کمونیست می‌داند، شورای دولتی کارهای روزمره دولت را انجام داده، وزارت‌خانه‌ها و دیگر سازمانهای آن در ایالات یا در سطوح پائین تر سیاست و مشی‌های تعین شده توسط حزب را برخطه اجرا می‌کنند و ارتض هدفهای سیاسی حزب وهم بازهای دفاعی کشور را تأمین می‌کند. سه‌تها د حقوق هر یک شخص مشخصی داشته، از یک ساخت مستقل و فرم‌اندھی زنجیری تشکیل شده است. با این وصف، حزب کمونیست چن مهمنترین آنها به شمار می‌آید زیرا حزب رهبری کامل صنعت، کشاورزی، بازرگانی آموزش، ارتض و دولت را بهده دارد بوده، از اختیارات و قدرت خاصی بی‌خوردار است. به هنگام هر گونه بی‌خورد رعاید میان این سه نهاد حزب کمونیست توانسته است همبه حرف خود را به کرسی بدنشاند و نظارت و قدرت خود را حفظ نماید. بعلاوه «اعضاي

حزب مشاغل مهم دولتی، ارتش و جامعه را بخود اختصاص داده‌اند؛ بویژه بهنگام رهبری متمرکز یعنی در زمانیکه حزب تمام تصمیمات مهم را اتخاذ می‌کرد. چنانچه در اوایل سال ۱۹۷۴، «چوتولای» مقام معاونت دیر کل حزب و همچنین مقام نخست وزیر شورای دولتی را بهده داشت و بهمان ترتیب «بهبیان بینگ» نیز هم عضو دفتر سیاسی حزب بود و هم تظارت بر وضع قوانین را بهده داشت. رهبران نظامی که از اعضای حزب محسوب می‌شدند، دروزار تخته‌های دولتی نیز فعالیت داشتند. انحصار مشاغل حاکمی از آن بود که سیاستهای تعیین شده توسط حزب خواه ناخواه بطور مؤثر در تمام سلاح قابل اجرائی دارد، چنانچه حتی درسطوح پائین‌تر، حتی در کمون‌ها و کارخانه‌ها نیز اعضای حزب مشاغل مهم را بخود اختصاص داده بودند.

البته بعثت این واستگی تزدیک، تفاوت مبان نقصی یک فرد را ہعنوان مدیر از یکسو و ہعنوان عضو حزب از سوی دیگر در عمل بسختی می‌توان تشخیص داد لیکن یک تفاوت کلی را باستی درنظر گرفته.

به عنوان یک مدیر، فرد مسئول انجام وظایف خاصی می‌باشد اعم از اینکه وزیر باشد یا رئیس یک کارخانه و به عنوان عضو حزب، وی بلاحظ اشتراک در ارزشها و اعتقاداتش با دیگران همبستگی دارد. حزب راهنمای سیاسی و اخلاقی این شخص محسوب شده و براساس رهنمودهای حزبی تأمیرده وظایف خود را انجام می‌دهد. هدف وی فقط انجام کار بوده، بل باستی عقاید کمویی را پرورش و گسترش دهد و در ضمن مدافع این آرمانها باشد حزب استقلال سازمان خود را همیشه حفظ می‌کند، زیرا خود را صرفاً به عنوان یک دولت حاکم به شمار نمی‌آورد بل واسطه‌ای است میان اهداف انقلابی ملت و ساختمان حکومت که وظیفه آن تحقیق بخشیدن به هدفهای ملی است. از اعضای حزب انتظار می‌رود که ارزشها کموییستی واراده انقلابی مردم را فرا سوی ھر نوع واستگی و وفاداری بدانند.

نقش رهبری ملی

از دیدگاه بسیاری از خارجیان چنین تحت اداره‌گرده محدودی از رهبران قرار دارد که مرکب از مأموریت توئنگ، دیر کل حزب کمومیست و رهبر ایدتو لولو یکی جامعه می‌باشد که از بالاترین نقطه هرم سازمان سیاسی جای دارد و چون‌لای نخست وزیر و معاون دیر کل حزباند کی پائین تراز جایگاه مأمور قرار گرفته است و به ترتیب رهبران دیگر حزب و دولت مانند:

«توئنگ شیائو-پینگ»؛ «کانگ شنگ»؛ «لی شیان نیان» و افرادی در ردیف آنان که مستولیت‌های گوناگونی را بعده دارند قرار گرفته‌اند. لیوشانوجی دیش ساین دولت ولین پیائو معاون دیر کل حزب و فرمانده ساقی ارتش که پرتب درحالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۷۱ بر کتابشدن، به تکروه غوق تعلق داشتند. اغلب این افراد از سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ چهره‌های سرشناس رهبران حزب کمومیست را تشکیل داده در تشکیل صاحبمن حزب کمومیست و بقدرت رساندن آن نقش عمده‌ای بازی کرده‌اند. آنان نه تنها یک انقلاب موقت آمیز را رهبری کرده و یگانگان و مهاجمین را از کشور بیرون راندند، بلکه مستولیت نظارت بر مراحل اولیه تحول و دیگر گونی جامعه چنین را نیز بهده داشتند. وجای تعجب نیست که چنین‌ها برای آنان حرمت بسیار قائل بوده، به عنوان قهرمانان چنگی از آنان یاد می‌کنند.

در آن شرایط محبوبیت مأموریت توئنگ در این تکروه فقط بخارط نقش سازمان دهی وی به عنوان دیر کل حزب تبوده، بلکه رهبری سیاسی وایده ثولو یکی اور حزب کمومیست چنین مقام و موقعیتی را برای اوتامین کرده بود از سال ۱۹۳۵ یعنی از زمانیکه رهبر اول حزب شد، تمام تصمیمات حزب را تحت الشاع آراء و عقاید خود قرارداده، مقاومت‌های مخالفین و رقبای خود را درهم شکست.

مأمور در نوشته‌های خود اعتقادات و سیاست‌هایش را بصورت اصولی تلوین کرده است. این نوشته‌ها هسته مرکزی فنا لیتهاي حزب را تشکیل می‌دهد.

وی در کتاب گذاشتن رقبای خود تردیدی پنهان نموده از روی طرح و نقش از شخصیت خود بنت عظیم و یک قهرمان ملی ساخته است تا افکار عمومی را زیر نفوذ اراده خود نظر انت حزب کمونیست درآورد. عکس مائو در سراسر کشور دیده می شود، تو شنیدهای او در همه جا خوانده شده، در بازار آنها تبلیغ می شود.

حرمت گزاری جامعه چین به این کاسی است از موقعیت وی در آزاد کردن چین و نقش بر جسته قدرت سیاسی او.

موضوع زهیری چین توسط تعداد محدود دلیل آن بیست که این گروه همواره در مورد مسائل سیاسی گوناگون با یکدیگر هم عقیده بوده اند. گزارش های چشم و گریخته نشان می دهد که کادر رهبری در این از عقاید سیاسی خود ناگزیر از متأثرات گوناگون بوده و با مخالفت های صریحی مواجه شده اند و قبل از هر تصمیم گیری در گیری مباحثات همه جانبه ای بوده اند. در جریان «انقلاب فرهنگی» گزارش ها حاکیست که به عنوان سخنرانی مائو، باز هاسخن وی به خاطر پرسش هایی که اذومنی شد خلع گردیده است و مأموریات انان را قبول نیافرود خویش را نقد کردن و پوزش طلبیدن تو ایست افکار عمومی دا به سوی خود حذب کند و به دین طریق اغلب سخنان و بحث های اولوره موافقت مردم فرار می گرفت. در برخی اوقات، بین افراد اختلاف رأی شدیدی به وجود می آمد که منجر به ایجاد شکاف در حزب کمونیست و مبارزه بین آنان می شود، نظریه های احتمالی که در مورد «انقلاب فرهنگی» به وجود آمد، در این موارد مسائل ایدئولوژیکی و روابط شخصی از بینک سو و وفاداری بین رهبران ملی و طرفداران آنان از سوی دیگر درهم آمیخته می شود.

به هر حال، برای یک فرد عادی چنین موضوع زهیری ملی مفهومی دور دست و غیرقابل دسترسی را در بر دارد ویرای او قدرت سیاسی و دولتی در کالبد مقامات محلی که با اوی در تماس می باشد شکل می گیرد.

این مقامات از عراق گوناگون پیره جسته ای افراد را تحت کنترل خویش گیرند و کادر رهبری ملکی برای تحقق اهداف و ارزش های حزب به این قدرت های محلی نکه می کند. بنابراین آموزش و راهنمایی تعدادی از رهبران محلی قابل انکا و مورد احتمالات که «کادر» خوانده می شوند، یکی از مهمترین

وظایف حزب را تشکیل می‌دهد، رهبران بر جسته حزب مانندماشونه - نوتوگ و چون لای از طرفداران و حامیان سرخست این مهم می‌باشد.

کادر

«کادر» کسی است که دارای قدرت رهبری رسمی در یک سازمان باشد و «کادرهای حزبی» مرکب از کادرهای دولتی و کادرهای نظامی می‌باشد. اغلب همه آنان از اعضای حزب بوده، یا آنکه انتظار آن می‌رود که به آن سطح خود را بر ساند. در اصطلاح روزمره، «کادر» به کسی اطلاق می‌شود که به علت تلاش و فعالیت بسیار شهر و ندان عادی را تحت اختبار و نفوذ خود گیرد. از آنجانی که «کادر» در تصمیم‌گیری‌ها و صدور مستورات نقش مهمی را بعهده دارد، رفتار و روش اوسیرت و تهادجاعمه‌چین را تین کرده و منعکس کرده و اکنون مردم نسبت به سیاست‌های جدید می‌باشد.

- حزب تأکید بسیار پر تبحر «کادر» از نظر سیاسی و همچنین از نظر کارآئی دارد، و کوشش می‌نماید از او چهاره یک رهبر اخلاقی بازدنه دیوانسالاری که دم از قوانین و مقررات خشک و رعایت سلسله مراتب تشریفاتی را می‌زنند، به عبارت دیگر «کادر» بایستی آمیزه‌ای از کارآئی و حرقدایی و انگیزه ذروی برای بنای کمونیسم باشد؛ به عبارت دیگر بطور نظری کادرها می‌بایست آمیزه‌ای از «سرخ و تخصص» باشند. «کادر» موظف است بر اساس روش رهبری مائویعتی «مشی جمعی» بازپرداستان خود بحث و مذاکره و تبادل فکری داشته به انتقادات و پیشنهادهای آنان ترتیب اثر دهد. «کادر» بایستی اجازه دهد که قدرت یا الخصارات سدراء وی شود، الیته تمام کادرها این چنین عمل نکرده‌اند، بل تحت نفوذ سنت دیوانسالاری نسبت به موقع اجتماعی خود بسیار حساس می‌باشند. بسیاری از آنان در صورتی که مورد انتقاد یا پرسش قرار گیرند نازاحت و پریشان می‌شوند. در ضمن تضاد بین روشهای اداری و اهداف حزبی نیز داشتارای آنان در گیری به وجود می‌آورد، مثلاً مدیر یک کارخانه که برای تسريع انجام کارها و نیز چنان حل مسئله تولید، پاداش

هی بردازد، خواه ناخواه فریزه سودجوئی را در کارگران بیدار و تحریک کرده، دیگر نمی‌تواند از آنان بخواهد که مانند «لی خنگی» صرفاً برای منافع جامعه کار کنند و از خود مایه بگذارند. علی «انقلاب فرهنگی» بسیاری از «کادرها» به علت پیروی از جاهطلبی‌های اداری با نادیده‌گر فتن هدفهای سیاسی تبدیل به دیوانسالارهای کهنه‌کار شدند که موردانتقاد و سرزنش شدید حزب قرار گرفتند، تا سال ۱۹۶۶ نماینده حزب در موسسه‌ای که من تدریس زبانی کردم مایه وحشت دیگر استادان عادی بود و اصرار بدان داشت که غذای خود را در تاهارخوری خصوصی میل کند. پس از ترقی طلبی امور دانشگاه شدید «گارد-های سرخ» قرار گرفت و آن را نشانی از پس‌گرامی سیاسی دانستند. در گذشته حزب به موضوع تربیت کادر برای حفظ کیفیت آن تأکید بسیار کرده، مدارس و پژوهای برای تربیت «کادر» و تدریس ایدئولوژی، روشهای حزبی و راهنمایی تبلیغاتی تشکیل داد. همچنین کوشش‌های بسیار به عمل آمد تا «کادرها» کارتوییدی یدی تبرداشته باشند. از زمان «انقلاب فرهنگی» آموزش سیاسی و کار عملی در برنامه تربیت کادر صورت رسمی بدنهود گرفته است، — به ویژه در مس طوح متوسط و مس طوح پائیز تر کادرها علاوه بر انجام کارهای معمولی پایه‌ای افراد عادی و زیرستان خود کار کرده‌اند. اکنون «کادر» مجبور به شرکت در مدارس جدید تربیت کادر که به نام «هفتم مد» خوانده می‌شوند، می‌باشد. این نامگذاری زمانی صورت گرفت که مانو در سال ۱۹۶۶ از جامعه چین دعوت به عمل آورد تاثیری و عمل را باهم ترکیب کرده و برای این سیاست الیت قائل شوند.

تمام کادرها موظف می‌باشند که متابو با برای چند ماه یا بیشتر در این مدارس دوره بینند. در این مدارس آنان ضمن زراعت و انجام کارهای سبک صنعتی، نوشهای سیاسی را مطالعه می‌کنند.

مواسات بزرگ‌نمایند «دانشگاه‌پیکن» دارای مدارس تربیت کادر و ابتدی به نحو دمی باشند. دیگر مدارس توسط حوزه‌های شهری اداره می‌شوند و افرادی مانند کارمندان بهداشت و امور ارفا‌هی، مسئولین ترافیک و آموزکاران مدارس کوچک را می‌پذیرند. در سال ۱۹۷۱ در دیداری که با رهبران مدرسه‌کادر

ناجیه «چولنگ - ون» داشتم به من گفته شد که اعتقاد آنان بر این است که انجام کارهای بدنه به طور مرتب تضمینی است برای بروجیه «کادرها» که ارزشهاي سیاسی خود را فراموش نکرده و - احساس تردیکی پیشتر با افراد عادی داشته باشند. این اعتقاد وجود داشت که کیفیت نظام موجود در این نوع مدارس در حقیقت انعکاسی است از سیمای آینده در جامعه چنین که دور آن از تشکیل حلقه حاکم جلوگیری می شود. بدون شک آنان ورود به این مدارس را به عنوان مجازات و تنبیه کادرهاست که در انجام وظایف خود فصور ورزیده بودند نمی دانستند. موضوع این که آیاروزی آرزو های مشویان این نوع مدارس تحقق خواهد یافت یا نه، قابل بحث است. انته در سال ۱۹۷۴، وسائل ارتقا طبقه چین در هر فرصتی یاد آور می شد که «کادرها» تا اندازه ای خود مختار شده اند از موقع خود برای کسب امتیازات اجتماعی سوءاستفاده می کنند. از سوی دیگر بسیاری از افرادی که از چنین بازدید به عمل آورده اند بر این عقیده می باشند که از آغاز انقلاب فرهنگی «را بطه بین کادرها و افراد عادی به مراتب پیشتر شده است و تمامیل پشتی براي تبادل نظر و پذيرش انتقاد وجود دارد.

در مدرسه تربیت «کادر» ساعات کار بسیار سازمان یافته و تنظیم شده است، کادرها در خواپگاه عمومی اقامت داشته، بر تامه روزانه معینی دارند و هدف اصلی آن است که بدون بیان بدبیای خارج تمام احتیاجات روزانه را تأمین نمایند، در مدرسه «چونگ ون» کادرها در مزارع صیغی کار کرده و خونک و طبیور پرورش داده، در کار گاهه انجاری و آهنگری می کرند، بر تامه روزانه در سال ۱۹۷۱ به شرح زیر بود:

شروع بیداری و ورزش صحبتگاهی	۲۰:۰۶ ساعت
مطاع مدروز آنچه نوشتهدای مائونس - نوینگ	۰۷:۰۰
صبحانه	۰۸:۰۰
کار در مزارع یا کارگاهها	۰۸:۳۰
نهار واستراحت	۱۲:۰۰
کار	۱۴:۰۰
شام	۱۸:۰۰

بحث و مذاکره سیاسی، مطالعه و اوقات آزاد

۱۹۱۳۰

۲۲:۰۰

خاموشی

در اغلب موارد خاتواده «کادر» در محل اقامت خود باقی‌مانده، در صورت لزوم «کادر» می‌تواند برای رسیدگی به امور خاتوادگی چند روزی منحصري پذیرد.

موضوع مهم در زندگی «کادر» پرونده شخصی او می‌باشد، پرونده کادر در واحد اشتغالی او نگهداری شده، تمام سوابق و اطلاعات لازم درباره زندگی، خاتواده، سطح طبقاتی در گذشته کیفیت کارآئی و همچنین واکنش او نسبت به دستورات سیاسی در این پرونده ثبت می‌شود.

به هنگام ارتقاء مقام کادر، پرونده وی اساس ارزشی باشد، به شمار می‌رود و طبیعی است که همه کوشش می‌نمایند تا نمره منفی در پرونده‌شان وارد نشود. در جریان «انقلاب فرهنگی» این پرونده‌ها موضوع بسیاری از مذاکرات و مباحثات سیاسی را تشکیل می‌داد و رقبای سیاسی از این پرونده‌ها جهت حمله به یکدیگر استفاده می‌کردند. «گاردهای سرخ» موفق شدند تا اطلاعات مجرمانه بسیاری در باره «کاردها» کسب نمایند. موضوع اساسی بسیاری از مبارزات محلی در اطراف این نکته بود که نسبت‌هایی که به یک کادر داده شده‌است اعم از مشیت یا منفی عادلانه و صحیح بوده است یا بینکه در قضاوت‌های اولیه در مورد اوبایستی تجدید نظر به عمل آید. از سال ۱۹۶۹ بحث عمومی در زمینه اهمیت و نقش پرونده‌های شخصی متوقف شده و این امر بستر ناشی از این طرز تفکر بود که به جای تکه بر سوابق و رفتار یک «کادر» به مصلحت است بستریت و آموزش او در مدارس «هفتمه» توجه شود.

جهنده دیگری از زندگی کاردهای چیزی که تکرش بسیاری از پژوهشگران و چین‌شناسان را به خود معطوف داشته‌ایم است که بین نسلهای مختلف کادرها می‌توان تمايز برقرار کرد: بدین معنی که محسن ترین آنان که از الایرین مقام و منصب برخوردار از می‌باشند افرادی هستند که در نهاد اول تشکیل حزب کم و نیست به حزب

پیوستند و بعد از آنها اشخاصی قرار گرفته‌اند که طی جنگ چین و زاین وسیله جنگ «آزادی» به حزب گرویدند. دو گروه فوق تقریباً تمام مقامات حساس چین را به عهده دارند. کادرهایی که بعد از سال ۱۹۴۹ به حزب و دولت پیوستند در انجام اقداماتی مانند اصلاحات ارضی، بر نامه‌بری اقتصادی و برخی از مبارزات میانی نقش عمده‌ای بازی کردند. تکیه اقدامات آنها در تجهیز جامعه چین بسیار مؤثر بوده است و در مرحله نخست موجب ارتقاء مقام آنها شده، و ای هنوز توانسته اند به مقام مرتبه کهنه سر بازان چینی در سطوح بعمرات بالاتر دسترسی پابند. برغم اینکه در تریت «کادر» تکیه خاصی به میزان احساسات دوستانه و وهمکاری افرادی شود، تقاد و برخورده عقايدنی وجود دارد.

بعد از «انقلاب فرهنگی» کادرهای قدیمی که مورد انتقاد قرار گرفته بودند بسختی می‌توانستند با کادرهای جوان که از میان «گاردسرخ» برخاسته بودند کار بپاند و حزب ناگزیر از دست زدن به تبلیغاتی جهت آشنا دادن این دو گروه شدوهارها تجریه بران را از یکسو و قدرت جوانان را از صوی دیگر مورد متابیش قرارداد. هنوز هم تقاد با لفوه یعنی سلها در میان کادرهای محسوس می‌باشد و تأثیری بینانی در رهبری حزب دارد.

حزب کمونیست

حزب کمونیست چین از تاریخ تشکیل خود در سال ۱۹۲۱ تاکنون در درزمینه اصلاحات بینانی و حازمانی تجارت بسیاری را پشت سر گذاشده است و طی پانزده سال از حیات خود با مسائل تا ابد کننده و بحرانی روپروردیده که گاه بدعلت اختلافات داخلی و حملات مخالفین تقریباً به مرزا بودی رسید. پیشنهادها و توصیه‌هایی هم که در آن زمان از اتحاد جماهیر شوروی دریافتی گرد و ضعی را و خیم تر ساخت. تا این که بعد از «راهیمانی مولانا» در مناطق نسبتاً امن بایگاه «بینان»، حزب تحت رهبری مائوتا اسدازهای از شیوه‌ای یکپارچه برخوردار گردید. با این وصف، بعد از به قدرت رسیدن حزب در سال ۱۹۴۹، مسائل جدید به ثوب خود متوجه ایجاد اصلاحات وسیع سازمانی در حزب شد. حزب در مواد بسیار، تجارت گوناگونی درزمینه تقسیم‌بندهای تاجه‌ای اندونخت. همچنین

در میزان نظارت خود بر دیگر سازمان‌های اجتماعی تغییراتی داد و هم‌آین تغییر و دگرگونی در سطح وسیع‌تری «انقلاب فرهنگی» صورت گرفت. کنگره حزب در سال ۱۹۶۹ قوانین اساسی حزب را مورد تجدیدنظر قرارداد و در جریان آین تجدیدنظر، سازمان حزب در عین ساده ترشیت از اقتدار پشتی در جامعه برخوردار گردید. انتظار می‌رود کنگره‌های بعدی تیزدگر گونی‌های وسیع‌تری در حزب به وجود آورند.

— ساختمان حزب قوایاً مبتنی بر سلسله مراتب می‌باشد. در حال حاضر چهار سطوح سازمانی وجود دارد: ۱— واحدهای مرکزی ۲— استانها، مناطق خود اختصار و شهرهای بزرگ ۳— بخش‌ها و شهرستان‌ها ۴— در سطح کمون‌ها و کارخانه‌ها.

این تقسیم بندهی به موازات تقسیمات جغرافیائی دولت صورت گرفته است. در هر سطح، کمیته‌های حزب توسط نایندگان کنگره واحدهای حزبی که مرکزی به تاجیه خود می‌باشند برگزیده‌می‌شوند و افرادی که در کمیته برگزیده شده‌اند می‌باشند به تایید مقامات سطح بالاتر از واحد حزبی خود برسند. علاوه‌بر انتخاب کمیته‌های حزب، کنگره خطوط فعالیت‌های بعدی کمیته‌ها را نیز تعین می‌کند، ولی در حقیقت مسئولیت تعیین مشی سیاسی کنگره نیز بهده کمیته‌ها می‌باشد. بنابر قوانین اساسی حزب، کنگره ملی هر پنج سال یک‌بار و کنگره‌های ایالتی و بخشی هر سه سال یک‌بار بایستی تشکیل شود. البته به علت اختلاف نظر هائی که در رهبری حزب وجود دارد غالباً این کنگره‌ها همیشه بطور مرتب در موعد معلوم تشکیل نمی‌شود.

از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۳ کنگره ملی فقط سه بار تشکیل گردید. در سطح مرکزی، کنگره ملی کمیته مرکزی را انتخاب می‌کند و کمیته مرکزی دیر کل و دفتر سیاسی حزب را بر می‌گیرند. این دفتر بوزیر کمیته‌های دائم آن، که بطور مرتب تشکیل می‌شوند، کلید رهبری چن را در دست دارد. دیر کل ضمن نظارت بر کار کمیته‌ها تمام سیاست‌های عمده و اساسی را نیز طرح‌ریزی می‌کند. کمیته مرکزی تعدادی اداره و دفتر نیز به وجود آورده است. برخی از این تشکیلات به مسائل داخلی حزب مانند مدیریت، کارگری‌بی و مقررات می‌پردازند و برخی

دیگر باقیالیت‌های خارجی حزب مانند سیاست‌های انتصادی، نظامی و سیاست خارجی سروکار دارند، این ادارات تازمان «انقلاب فرهنگی» از اهمیت بسیار بخوردار بوده، زیر نظر یکدیگر کل مقنده اداره می‌شد، ولی از سال ۱۹۶۹ تعداد آن‌ها کاهش یافت و مقام دیر کلی نیز حذف گردید.

اعضای عادی کمیته مرکزی مشکل از اعضای حزب به موقعیت‌های مختلف می‌باشند و مرکب از پیشتر دهان ایالت‌ها، رهبران نظامی و نیز کارمندان بر جسته دولت می‌باشند. عضویت در کمیته مرکزی شان گر اهمیت آنان در حزب بوده و آنان می‌باشند در مواد تصمیم‌گیری‌های سیاسی مورد مشورت قرار گیرند. این موضوع دال بر آن نیست که آنان مجبور به شرکت روزانه در کمیته مرکزی هستند، در حقیقت جلسات کمیته مرکزی که مرکب از کلیه اعضای کمیته می‌باشد و مجمع عمومی خوانده می‌شود هم‌سا لهیک یادوگار تشکیل می‌گردد ولی تشکیل همین یکی دوبار نیز منوط به توافق رأی در سطح رهبری است. از سال ۱۹۶۴ تا سال ۱۹۶۶ هیچ مجمع عمومی تشکیل نشد.

در این فاصله زمانی حزب در گیر مناظرات بسیاری بود که منجر به «انقلاب فرهنگی» شد. غالباً هر تشکیل مجمع عمومی، دفتر سیاسی می‌تواند در موقع ازوم برای حل مسائل اضطراری تشکیل مجمع فوق العاده دهد یا بر تعادل جلسات کمیته مرکزی یافزاید.

در این موقع نه تنها تمام اعضای کمیته مرکزی پایستی حاضر باشند بلکه افراد غیرعضو نیز در کمیته می‌بورند تا شرکت کنند.

سازمان کمیته‌های حزبی در سطح استان و بخش به موازات کمیته مرکزی فراز گرفته است ولی با توجه به سیر نزولی، سلسله مرائب آن بتدریج ساده‌تر می‌شود. هر روز کمیته دائم تحت ریاست یکدیگر و گروهی از نمایندگان تشکیل و مسائل و کارهای روزانه مطرح می‌گردد. در سطح استانی، این اشخاص اداراتی را از بین نظردازند که مسائل داخلی حزب و سیاست‌های خارجی دولت را مورد رسیدگی قرار می‌دهند.

دو بخش‌ها، کارمندان حزبی ادارات کوچکتر منحصر اکارهای حزب را انجام نداده و اغلب به اعماقیت‌های دیگر نیز اشتغال دارند. در پائین ترین سطح

یعنی در کارخانجات، کمونهای و مدارس وغیره کمیته یاشعبات آنفالیت دارد. در مؤسسات بزرگ، کمیته‌ها می‌توانند دارای یکدیگر و چند کارمند باشند که بر شعبات مؤسسه نظارت داشته باشند. هر گاه مؤسسه‌ای جدید تأسیس می‌گردد پلا فاصله واحد حزبی در آن شکل می‌گیرد. هر گاه عضوی از حزب کار جدیدی را شروع می‌کند، بدون در نگاه به واحد حزبی محل کار تازه‌ای منتقل می‌شود. رهنماهه‌ها و اطلاعات از بالاسرچشمه گرفته و از طریق سلسله مراتب نزولی جریان می‌پاید. میان تقاضاها و گزارش‌ها به بالامعکس می‌گردد.

حزب هلت استقلال خود از دولت دارای چنان قدرتی است که در لحظات بحرانی می‌تواند بدون در نگاه تصمیم گرفته و اقدام کند و در مواقفی که محافظه کاری اداری عاجز می‌ماند، جسوزانه تغییرات ریشه‌ای بوجود آورد.

منبع اصلی درآمد حزب از محل پرداخت سالیانه حق عضویت و همچنین از طریق فروش برخی از انتشارات آن و مجله حزب بنام «پژوهش» تأمین می‌شود. در آمد حزب صرف فعالیت‌های حزبی و پرداخت حقوق کارکنان تمام وقت آن می‌شود. از آنجاییکه بسیاری از کادرهای حزب در واحدهای اشتغالی خود حقوق دریافت می‌کنند، حزب مجبور به پرداخت هزینه تمام کارکنان خود نمی‌باشد.

بعلاوه بسیاری از فعالیت‌های تبلیغاتی آن از طریق سازمانهای دولتی مانند اتحادیه کارگری و «مجتمع زنان» تأمین می‌شود و اغلب ارتباطات آن نیز از طریق مسیرهای عادی اداری صورت می‌گیرد. عضویت در حزب برای کلیه کارگران چنین، از هفچان نهادست گرفته تا کشاورز متوسط یا سرباز انقلابی و هر عنصر انقلابی دیگر که سن او از ۱۸ سال بالاتر است، آزاد می‌باشد، نامزد عضویت در حزب بایستی از جانب دو تن از اعضای حزب توصیه شود. آنگاه تقاضای عضویت او مورد بررسی دقیق حزب قرار می‌گیرد. عضویت وی بایستی مورد تأیید اعضای کانون حزبی مربوطه و همچنین کمیته بالاتر قرار گیرد. در عمل افرادی

که مایل به عضویت در حزب می باشند یا بایستی طی مدت طولانی فعالیت های سیاسی داشته باشند. بطور معمول اغلب اعضاء قبل از پیوستن به حزب، عضویت سازمانهای دیگر مانند اتحادیه جوانان کمونیست، را دارند. در برخی از زمان همانند پیش از انقلاب فرهنگی، هنگامیکه تعداد کثیری از جوانان فعال به عضویت حزب در آمدند، حزب بسرعت گشترش یافت. حال آن که در برخی مواقع مانند اواسط دهه ۱۹۵۰ که تأکید بسیاری بر والا بودن گفایت افراد جهت بیوستن به حزب می شد، روند عضو تازه پذیرفتن کندی و آهنجی یافت در سال ۱۹۷۲ حزب دارای ۲۸ میلیون عضو بود، یعنی از هر صد نفر چهار نفر عضو حزب بودند. ۶۰ تا ۷۰ درصد این رقم را کشاورزان و ۱۰ درصد آنان را زنان تشکیل می دادند. برای بسیاری از آین مردم مفهوم زندگی حزبی عبارت است از شرکت منظم در جلسات حزب برای بحث و گفت و شنود ایدئولوژیکی یا اثاثی ایجاد شده توسط این افراد.

دولت

طی ۲۵ سال گذشته علیرغم تغییرات بزرگی که در چارچوب دولت چین صورت گرفته است، بنای رسمی حزب هنوز با آنچه که در چارچوب قوانین اساسی جمهوری خلق در سال ۱۹۴۵ تعین شد، شباخت کامل دارد. در توری، سرچشم تمام اختیارات اداری را کنگره ملی خلق که از نمایندگان منتخب استانها، نواحی خود مختار و شهرهای عده تشکیل شده است بهده دارد. کشور چین دارای ۲۲ استان که شامل تایوان نیز می شود و همچنین ۵ ناحیه خود مختار و ۳ شهر عمده که مستقیماً اداره می شوند می باشد. نواحی خود مختار همانند استانها عمل کرده و تنها تفاوت آن است که امتیازاتی برای آداب و رسوم و زبان اقویت های ملی غیر چینی که اکثریت جمعیت این نواحی را تشکیل می دهند، قائل شده است. طبق قانون اساسی، کنگره بایستی یکبار در سال تشکیل و هر چهار سال پیکارهای کنگره جدید انتخاب شود. طی سال کمبته های دائم آن نیز کارهای حزب را انجام می دهد. در عمل از سال ۱۹۵۴ تا

۱۹۷۵ فقط سه کنگره در سالهای ۱۹۵۴، ۱۹۵۹ و ۱۹۶۴ تشکیل شده است، اغلب کارهای عمده را بین کمیته‌های دائم انجام می‌دهند. تازمان «انقلاب فرهنگی»، کنگره ملی خلق سه وظیفه مهم و اساسی را بهره داشت:

تعیین رئیس جمهوری و ادارات وابسته به آن، تنظیم قوانین که باستی تحت ناظارت قوه قضائیه قرار گرفته و اجراء گردد و تصویب وظایف شورای دولتی که مستولیت‌های روزمره دولت را از طبق وزارت‌خانه‌های خود انجام می‌دهند. در سال ۱۹۶۶ این روش منسوخ و مقام ریاست جمهوری بطور غیر رسمی حذف گردید. از سال ۱۹۶۹ به بعد، رهبران چنی برخی اوقات به موضوع تشکیل کنگره جدید و تجدید نظر در قوانین اساسی اشاره می‌کردند، ولی تا سال ۱۹۷۶ هیچگونه پیشرفت محسوسی در آین مورد صورت نگرفت. در حقیقت دولت چین توسط شورای دولتی تحت ناظارت غیر مستقیم رهبری مرکزی حزب کمونیست اداره می‌شود. بد رغم هرگونه اصلاح و تغییری که توسط یک کنگره ملی خلق جدید صورت می‌گیرد، ارتباط اساسی بین حزب و دولت کماکان ادامه یافد می‌گند.

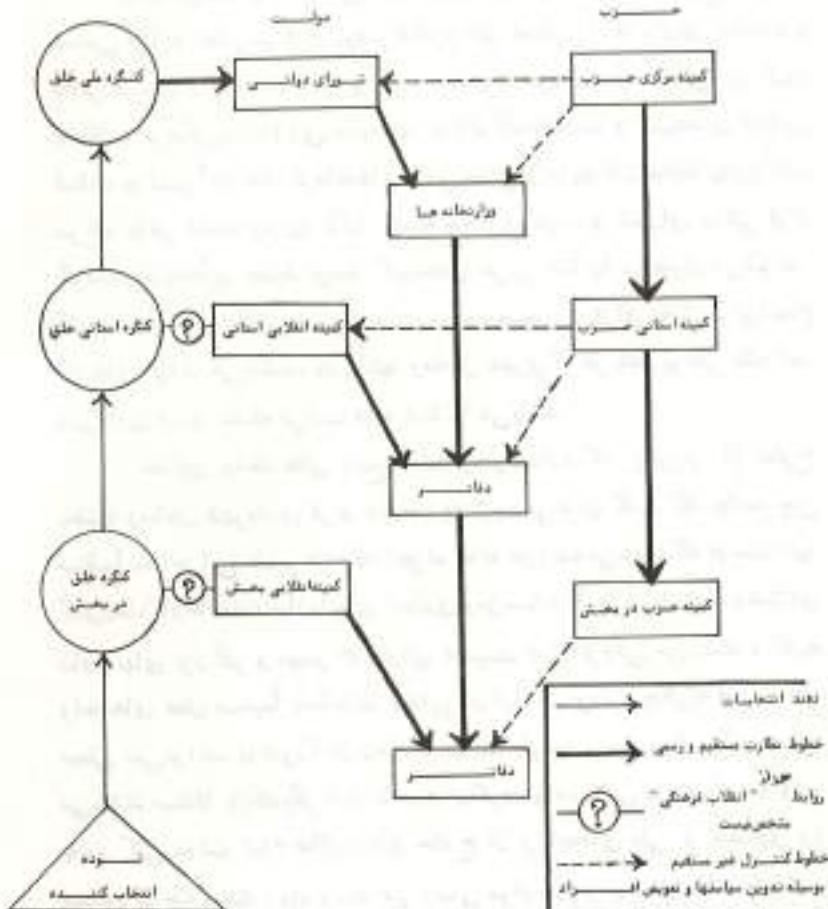
شورای دولتی زیر نظر نخست وزیر و چندین معاون نخست وزیر اداره می‌شود. آنان بر ادارات وزارت‌خانه‌های گوناگون که با چندهای مختلف کارهای دولت در ارتباط می‌باشند، ناظارت دارند. تا اواسط دهه ۱۹۵۰ گراش به افزایش تعداد وزارت‌خانه‌ها و ناظارت بیشتر بر ادارات و نهادهای وابسته به آنها در استانها وجود داشت ولی در جریان «جهش بزرگ به جلو» در سال ۱۹۵۸ این تغایر صورت ممکن بود. قدرت وزارت‌خانه‌ها کاهش یافت و موضوع ناظارت بر فعالیت‌های ایالتی بهده مقامات محلی محول گردید، در نتیجه تعادلی میان ناظارت مرکزی و ایالتی بوجود آمد. حتی طی انقلاب فرهنگی موضوع عدم تعریف قدرت شدت بیشتری یافت و تعداد وزارت‌خانه‌ها بیش از پیش کاهش یافت. تأثیر مستقیم اجرای این سیاست عدم تعریف منجر به ایجاد هماهنگی بیشتر در سطوح استانها شد که به استثنای تعداد محدودی از سازمانهای صنعتی، عالی و تجاری در استانها که جنبه استر ارزی یکی

دارند، اعمال و قدرت مستقل وزارت‌خانه‌های مرکزی در امور ایالات بساز محدود شده است، با این وصف مسئله ایجاد تعادل بین برنامه دیزی مرکزی با هماهنگی و انتقادات محلی دائمًا مطرح می‌باشد و در عمل دائمًا توسانی در کفه استان و وزارت‌خانه‌ها وجود گارد.

سایه در استانها، تواجی خود مختار و در شهرهای عمدۀ موقع و شرایط اساسی مثابه سطح مرکزی بود و کنگره خلق استان را که دارای ادارات و دفاتر مرتبط با وزارت‌خانه‌ها بود زیر نظارت خود داشت. ایکن در اینجه «انقلاب فرهنگی» تمام این سازمانها به کار گذاشته شد و کمیته‌های انقلابی استان، جاتشین آنها شد. فرماندهان نظامی محلی و نمایندگان سازمانهای «گارد سرخ» ظاهر شدند و مورد تأیید کمیته مرکزی حزب و شورای دولتی قرار گرفتند. کمیته‌های جدید توسط کمیته‌های حزبی استانها، رهبری می‌شوند، آنها دارای نمایندگانی از مردم عادی بوده و همچنین دارای دفاتر برای انجام کارهای دولت می‌باشند. در بخشها و مناطق شهری که هر یک زیر نظر یک واحد شهرداری است سلسله مراتب شبهه استانها می‌باشد.

تعدادی واحد‌های تابع دولت وجود دارد که با این‌تر از سطوح بخشها و مناطق شهرداری قرار دارند، در نتیجه می‌توان گفت که جامعه چنین مستقیماً به اجزایی تقسیم شده که اجزاء فعاله خوانده می‌شوند که از جمله آنها کمونهای، کارخانه‌ها، سازمانهای تجاری و مؤسسات آموزشی است. به امتدای سازمانهای بزرگتر و مهمتر که دارای اهمیت استراتژیکی می‌باشند، کلیه واحدهای فعال مستقیماً با مقامات بخشی در ارتباط بوده هیچگونه قدرت غیر محلی نمی‌تواند، در امور آنان دخالت نماید. گرچه برخی اوقات آنها مجاز می‌باشند مستقلان با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و می‌دلالتی داشته باشند؛ ولی بطور کلی دولت تمام قابلیت‌های خارج از برنامه‌های ملی و اقتصادی را محدود ساخته است، داد و ستد غیر رسمی مواد خام و تولیدات کارخانجات توسط شرکت‌ها مجاز نمی‌باشد.

کار عمده دولت عبارتست از تنظیم بخشانه‌ها و رهنمودها جهت به کار انداختن ابتکارات و دستورات صادر شده از بالا یا از جانب حزب و



پاسخگویی به مسائل مطرح شده از پائین، معمولاً این کار نیاز به تحقیق و جمع آوری اطلاعات دارد و برخی اوقات از ورودی اولیه و رسیدگی وسیع و گسترده به واحدهای مربوط را نیز ایجاد می‌کند. بهنگام تنظیم هدجه مرکزی و طرحهای عمرانی، ابتدا پاسطوح محلی مذکوره و نظر خواهی بعمل می‌آید، سپس دستورات و رهنمودهای لازم صادر می‌گردد. این روند درجهت سطوح پائین تر به سیر نزولی خود ادامه می‌دهد، تا جاییکه برقامها در سطح پایه به اجر ادریسی آید.

شهروند عادی به صورت تهای گوتاگون و مستقیم و غیر مستقیم با دولت در ارتباط است. اگر من اویش از ۱۸ سال استوی می‌تواند به افرادی که قبلاً مورد تائید حزب برای خدمت به کمگره خلق قرار گرفته‌اند رای دهد که خود نوعی برقراری را بده باشد این است و با در ارتباط با پلیس برای دریافت تکاهی نامه را نیز کمگره می‌باشد. ولی اغلب اوقات این تماس به صورت غیر مستقیم از طریق اشتغال او صورت می‌گیرد. کوپنهای جیره، قراردادهای پهداشی و رفاهی تغیر شد و اجازه مسافرت توسط کارفرمای او انجام می‌شود. در تیجه تجارت مستقیم شهروند عادی چنین در مورد سازمان‌های اداری اندک می‌باشد. نقش گیری‌های شخصی او در اداره امور مملکت از طریق مبارزات چمی و سازمانهای میاسی و تحت الہامات و رهنمودهای حزب کمونیست چنین صورت می‌گیرد.

ارتش آزادیبخش خلق

برخلاف بسیاری از بروهای نظامی جهان، ارتش آزادیبخش خلق چین هم دارای نقش نظامی است و هم نقش اجتماعی. به عنوان یک نیروی نظامی دارای ساختمانی شبیه دیگر ارتشهای دنیا است یعنی مرکب از بیرونی هوانی دریانی، پیاده نظام و توپخانه و مخابرات می‌باشد. هدف این بیروها آنستکه در موقع خروری به عنوان گروههای رزمی در کنار یکدیگر به بطور جداگانه انجام وظایف نمایند. سازمان این ارتش از بالا به پائین بدین صورت خلیفه بندهی شده است:

لشکر، هنگک، لکردان، لکروهان و دسته.

لکرجه بسیاری از سازوگرگ ارتش قدیمی است، ولی از لحاظ جنگی افزای پیشرفت نهوده و برخوردار از سلاح‌های کوچک پیشرفت نهاده باشد این و موشک‌های دور برد است. ارتش چین به عنوان یک نیروی اجتماعی در ارتباط نزدیک با حیات سیاسی کثیر است. رهبران ارتش در حزب و دولت بیز به عنوان افراد برجهت ای محظوظ می‌شوند و تعداد کلیزی از واحدهای اقتصادی کثیر از مزارع دولتی لکرجهت نهاده تا خدمات و کارهای حمل و نقل و کارخانه‌ای بزرگ را اداره می‌کند. سربازان پیشتر اوقات خود را خارج از سر بازخانه جهت کار در کمون‌ها و کارخانجات به عنوان کارگر عادی یا یک کار فرما می‌گذرانند. همچنین نیروهای مسلح چین رهبری تبروهای شبه نظامی را به عنده دارند و از تقدیم قابل ملاحظه‌ای در تمام واحدهای اجتماعی برخوردار می‌باشند. ارتش آزادی بخش حق، در نقش یاکیشکام برای جامعه چین انجام وظیله می‌کند. از طریق تبلیغات، ارتش به عنوان نمادی از فضیلت‌های سیاسی تجلی کرده است و دیگران بولیزه در دوران «انقلاب فرهنگی» به عنگامی که ارتش یکی از اکران اصلی و اساسی جناح مائوئیست‌ها محسوب می‌شود، رسانه های لکروهی مردم را به پیروی از الگوهای رفتار نظامی‌ها تشویق می‌کرد. ارتش آزادی بخش خلق چین تحت فرماندهی دو سازمان به یکدیگر پیوسته بنام «کمپیون مسائل نظامی حزب» و «وزارت دفاع ملی شورای دولتی» قرار دارد. در عمل این دو سازمان دارای پرسنل مشترک می‌باشد. کارها و وظایف روزانه تحت نظرت قرار گاه عالی ارتش آزادی بخش خلق که از سربازان حرقهای تشکیل شده است صورت می‌پذیرد. بدین ترتیب نظریه مائو که‌می-لکرید سلاح‌هایی باشد در اختیار حزب باشند و هرگز نمی‌باشد سیاست حزب تحت تقدیم اسلحه قرار گیرد و حزب را رهبری کند حتی اگر ارتباط داخلی حزب و ارتش بسیار از دیگر باشد، کاملاً رعایت شده است. از نقطه نظر جغرافیائی ارتش آزادی بخش خلق چین، به ۱۱ ناحیه تقسیم می‌شود که هر ناحیه به این خود به ماطق کوچکتری تقسیم می‌گردد. ارتش‌های صحرائی در سراسر کشور مستقر بوده، بیشترین تجمع آن‌ها در مقابل جزیره «تایوان» که توسط

نامیست نایت‌ها اداره می‌شود و در سرحدات اتحاد شوروی آفراد داردند باشد؛
این از نشانه‌گاهی در کشورهای خارج ندارد.

ساخت درونی و حیات ارتش آزادی بخش خلق در چارچوب آدمان‌های
سیاسی و نقش اجتماعی آن شکل گرفته است. نظام اسری و درجه‌داری که
می‌بینیم بر تبعیض بین پرسنل ارتشی بود در سال ۱۹۶۵ ملکی گردید. پس از آن
نظام ایمانی که رهبری واحد را به عهده داشتند فقط به عنوان فرماندهو احدهای خود
شناخته شدند. اختلاف در بین دورم به حداقل کاهش پافت و در میزان حقوق نیز
مساویات تا حد قابل اعتایی برقرار شد. فرماندهان در آسایشگاه‌های سربازان
وزندگی اجتماعی آنان شریک شدند. از تعداد تخفیفی ۳ میلیون سرباز در ارتش
آزادی بخش، فقط فرماندهان، متخصصین فنی و واحدهای ویژه صورت گادر
در ارتش خدمت می‌کنند. سایر پرسنل ارتش صورت وظیفه خدمت گردد و به
مدت دو تا چهار سال خدمت سربازی انجام می‌دهند. کلیه افرادی که پیش از
۱۸ سال دارند می‌توانند به خدمت سربازی بروند ولی اکثریت افرادی که
انتخاب می‌شوند با آن‌ها نیست که از نظر روحی و جسمی از قدرت پیشتری
برخوردار می‌باشند. افرادی که از حقوق سیاسی محروم شده‌اند به خدمت
سربازی پذیرفته نمی‌شوند ولی اولاد ذکور آنان ممکن است معاف شده باوارد
ارتش شوند. سال ۱۹۵۴ که آغازگر نظامی بساویزگی‌های فوق بود با
مخالفت‌های بسیار رویرو شد، ولی در حال حاضر، «ارتش آزادی بخش خلق»
از اعتبار و اهمیت بسیار است، بروز آن که آموزش نظامی مهارت‌های فنی را
بیز با خود به مراد آورده و افراد آموزش دیده می‌توانند از این مهارت‌ها
استفاده کنند. امروزه، بسیاری از جوانان اظهار می‌دارند که پیوستن به ارتش
پکی از آرزوهای بزرگ آنان است.

واحد پایه در ارتش، گروهان است که مرکب از ۱۰۰ نفر می‌باشد و
فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی پشت نکیه بر این واحد می‌باشد. در اشکن ۱۹۶۶
که در تزدیکی پکن مستقر است، افراد هر گروهان در یک واحد سربازخانه
همراه با فرماندهان خود در اطاقهای خواب مشترک زندگی می‌کنند. علاوه بر
فرمانده، هر گروهان دارای یک مردمی سیاسی است که آموزش سیاسی سربازان

را بهده دارد و این آموزش ۴۳ درصد وقت افراد را بخود اختصاص می‌دهد.

۲۰ درصد دیگر وقف کارهای توایدی که بازهای لشکر را تامین می‌کندی-
گردد و بادر کارگاهها و کمونهای خارج از محیط نظامی صرف می‌گردد. در
نتیجه ارتش حدود ۸۰ درصد از مایحتاج غذائی خود را از مزارع و استبه خود
تامین کرده، همچنین بازهای دولتها در زمینه داروهای آنتی بیوتیک و توانمندی
هایی که در کارخانجات داروسازی خود تولید می‌کند، برآورده می‌سازد.

۵۵ درصد دیگر اوقات کار سربازان به آموزش نظامی اختصاص داده شده است.
ساخته حزب دار ارتش مسئول نظام بخشیدن به جایت سیاسی گروهان و نظارت
بر کارهای «ک. ۱۰ جنگجویان انقلابی» است. این کمیته دارای ۱۵ عضو است
که ۵ تن از آنان عضو دائم ارتش بوده و مابقی از سربازان عادی تشکیل می‌شوند. مسئولیت این کمیته انجام کارهای مربوط به سربازخانه و اداره امور
باشگاه گروهان که برای فعالیت‌های اوقات فراغت و همچنین جهت تقویت
روحیه دایر شده است می‌باشد.

همچنین در اوقات فراغت بسر بازان تاریخچه گروهان و رویدادهای
مهم تدریس می‌شود، کمیته «جنگجویان انقلابی» دارای کمیته‌های فرعی نیز
می‌باشد که امور مربوط به قاعده‌های اختصاصی، هنر تبلیغاتی و انجام کار
های گروهی و نصب پوسترها تبلیغاتی بر روی دیوارهای دیوارهای دارد. شرکت
سر بازان در اداره امور گروهان ثمره سنت‌های دموکراتیک «ارتش آزادی بخش
خالق» چن است که ریشه آن را در جنگ‌های چریکی قبل از سال ۱۹۴۹ می-
توان یافت. با تمام این حال در موقع بحرانی، این فرماندگان هستند که از
از اختیارات کامل برخوردارند. با آن که سربازان در مقایسه بادیگر کارکنان
از حقوق و امتیازات بیشتری برخوردارند و تزدیک به چهار برایر دیگر ان دستمزد
دریافت می‌دارند ولی فرمانده و سرباز تحت شرایط مساوی زندگی می‌کنند
و در بر روی از اصولی چون سادگی، امساك و سخت کوشی به لحاظ حاکمیت
دموکراسی رامشین درونی در داخل ارتش و نیز آموزش‌های سیاسی فرا اکبر،
سر بازان از روحیه قدرتمندی برخوردار بوده، دارای احساس تعهد عمیقی تسبیت
به اهداف حزب کمو بیست می‌باشند، برویزه با توجه به کوشش‌های ارتش بجهت

برقراری روابط دوستانه با مردم عادی احساس تعهد نظامیان در مقابله با مردم بسیار قدرتمند است چنانچه «لی فنگ» برای تمام سربازان سرمتش و نمونه محاسب می شود .

علاوه بر کمکهای اقتصادی به کمونها و کارخانجات از طریق انجام کارهای تولیدی، «ارتش آزادی بخش خلق» در ترتیب تبروهای شبه نظامی بیز سهم بزرگی دارد. واحدهای این نیروها طبق برنامه های دفاعی چین در تمام سازمانهای جامعه تشکیل شده است. اغلب افراد قوی و زورمند در برآمدهای آموزشی آن شرکت کرده و کلیه تعریفات مربوطه انجام می دهند. ترتیب و آموزش نیروهای شبه نظامی توسط بازگشتگان نظامی صورت می گیرد که در موقع ضروری از کمک های نظامی و سیاسی ارتش آزادی بخش خلق برخوردار می شود .

دد دوران «انقلاب فرهنگی» نقش سیاسی، «ارتش آزادی بخش خلق» اهمیت بیشتری یافت . و بسیاری از رهبران نظامی جانشین رهبران حزب و حکومت شدند. گرچه کوشش های لین یا تو فرمانده ساقی ارتش برای انجام يك كودتا در سال ۱۹۷۱، مسئله افسرايش خطر غایه نظامیان بر حزب را مطرح ساخت ولی این تهدیدات هرگز تحقق نیافر و ارتش به حزب و فدار باقی ماند . پس از سال ۱۹۷۱ بتدبیح از تعداد نظامیانی که در حزب و دولت فعالیت می کردند کاهش یافت، در حالی که غیر نظامیان یعنی از پیش ارتقا مقام یافته، از آنان اعاده حیثیت شد. با این وصف، «ارتش آزادی بخش خلق» نیروی اساسی در صحنه سیاسی چین محسوب می شود . نقش اقتصادی آن به عنوان سازنده جاده و خط آهن و به وجود آور نده تحولات عمرانی در نواحی مرزی چینی است.

علاوه افراد ارتش پس از اتمام دوره سربازی به عنوان يك فرد سیاسی قابل تعيیت و يك متخصص فنی مهارت ها و اعتقادات خود را برای جامعه چین به ارمغان می برند. بدین ترتیب می توان تجفیت که «ارتش آزادی بخش خلق» چین عنصر مهمی در دنگر گونی جامعه چین به شمار می آید.

«بسوی روستاها»

چین سرزمین روستاییان است. هنی ده بزرگترین شهرها گروه کثیری از روستاییان که سرگرم خردی و فروش می‌باشند، دیده می‌شوند، از ۸۰۰ میلیون نفر جمعیت چین، ۸۰ درصد آسان در روستاهای زندگی کرده و از طاریق کشاورزی امر از هاش می‌کند. زندگی آنان بر حسب تیازهای تقویم‌دراعی تنظیم شده است. در گذشته میارزه آنان علیه هژوگر سنجکی سهم عظیمی را در تحقق انقلابی که حزب کمونیست را بر چین حاکم ساخت نقش مهمی داشته است. در حال حاضر بیز ازوم افزایش قدرت تولید و بالا ردن سطح زندگی، هسته اصلی تمام میاست. های اقتصادی چین را تشکیل می‌دهد.

از سال ۱۹۴۹ حزب کمونیست در زندگی اجتماعی و اقتصادی روستاییان تحولات بسیاری ایجاد کرده است، در نتیجه ته تهی رایله روستاییان با هم دیگر همکه رابطه روستائی باز می‌زنند گرگون شده است؛ به علاوه رفتار و ارزشیای سنتی روستایان بیز تغییر ماهیت داده است.

روستاییان در تمام فعالیت‌های خود از کشت و کار نگرفته تا اداره امور خانواده در گیر با تعدادی بین سنت و آنی های تو ان می باشند. این اصطلاح کالک تمام رویدادها و تحولات رومتائی را تحت تأثیر قرار می دهد و حزب بهمن اخراج کشته اصلاحات ارضی دانما با اکنشاهی ناشی از این اصلاحات روی راست، پلور کالی آینده چنینستگی به باطن راههای موقعیت آمیز برای حل مسائل ناشی از تحولات کشاورزی دارد.

سرزمین تضادها

بر اکنون گی جمهیت روستایی در چن، در سرزمینی به مساحت ۴/۷ میلیون میل مربع به طور هماهنگ صورت نگرفته است در حقیقت ۹۵ درصد جمعیت در ۴۰ درصد مساحت آن زندگی می کنند.

پیش از نیمی از کشور از صحراءهای بی درخت و بایر و کویرهای شمال غربی و کوههای مرتفع و دلاتهای غربی تشکیل شده است. با توجه به خاک نامرغوب، هاران کم و نوسانات شدید درجه حرارت، در سراسر این منطقه عظیم به مساحتی ۵ درصد جمعیت چن سکونت دارند. ما بقی در درهها، جلگهها، و دلثای رودخانههای شرقی و جنوبی یعنی در جانی که تمام زمینهای مزروعی چن وجود دارد و زندگی می کنند. تقریباً کثر جمعیت در بالکه محدود، نظام کشاورزی بسیار فشرده‌ای را به وجود آورده است. تمام زمینهای قابل کشت به طریقی مورد پیره برداشی قرار می گیرد که جدا کثرا تو لیده اهم آمده، حتی جزء ناچیزی از آن به هدر نرود. در صورتیکه شرایط ایجاده دهد کشاورزان طی سال دو و حتی سه بار از یک مزرعه مخصوصی برداشت می کنند.

شرایط جوی و بستی و بلندی‌های تنها توزیع جمعیت را تحت تأثیر قرار داده، بلکه مناطق کشاورزی متفاوت از یک دیگر به وجود آورده است. عامل مهم داد کشاورزی دوره بازاتهای موسمی است. در زمستان، فشارهای مرتفع در آسیای مرکزی موجب حرکت هوای سرد و خشک به سمت دریا می شود، در شمال چن پیشیدن شده، بادهای تندی از جانب شمال غربی و زیدن می گیرد که برخی اوقات منجر به طوفانهای خاکی سنگین می شود. حتی در منطقه جنوبی در نزدیکی

«شانگهای» تیر هو اسد است. در تابستانها وضع معکوس می شود، هوای گرم و مطلوب از جانب دریا بداخل چن حر کت کرده، باد و بیزش باران را به همراه مبارز و هر قدر بسته شمال غربی نزدیک شوید هوا خشک تر و خشکتر می شود، باطُری که در کویرهای سپتکیانک، و مغولستان داخلی، دیزش باران بکلی قطع می شود. اهمیت این گردش سالانه با تعریف زیر کز دیزش باران در ماههای تابستان در اختلافات محیطی بین مناطق گوناگون منعکس است. برگترین اختلاف بین نواحی مختص به کشت غله در شمال و نواحی مختص به کشت برنج در جنوب است.

اختلاف در محیط زیست موجب بروجود آمدن تفاوت‌های بسیاری در راه و روش زندگی مردم در مناطق مختلف شده است. استان «سین کیانگ» در شمال غربی دارای کمترین میزان دیزش باران است و از پک رشته‌کوه‌های کویری که در محاصره کوه‌های مرتفع می‌باشد، تشکیل شده است. روختانهایی که از ارتفاعات کوه‌ها در جایی که پوشیده از برف و بیخ است، سرچشمه می‌گیرند پس از ورود به این مناطق کویری خشک شده، بدایان می‌رسد. بدینجهت به علت کمبود دیزش باران، کشاورزی بستگی تمام به این منابع آبی کوهستان‌هادارد و محصول غله و میوه فقط طی تابستان کوتاه مدت به دست می‌آید. ساختمان خانه‌ها با توجه به مقاومت آن‌ها در مقایل حرارت شدید ها می‌شود. درجه حرارت طی سال بین ۲۰ درجه فارنهایت تا ییش از ۱۰ درجه خارهایت تناوب دارد. در نتیجه ساکنان هم‌با لباس بسته و گرم و هم لباس‌های تختی نیازمندند. مناطق وسیعی از این استان برای چرای گوستند که متبع مهم‌غلای است، مورد استفاده قرار می‌گیرد لیکن به علت کمبود پوشش گیاهی تعداد کاملاً محدود بوده، در نتیجه زندگی ایلانی وجود رتبه‌ی بخود گرفته و اکثریت کوچ‌نشین هستند و جمعیت بومی آن را که مبدأ آنان از ترکهای مسلمان است و از نظر تاریخی، زبان و قره‌تک با چینی‌ها تفاوت بسیار دارند، تشکیل می‌دهد. از سال ۱۹۴۹ تعداد کثیری از چینی‌ها به استان «سین کیانگ» رفتند تاطبق بر تامه دولت سیستم آب‌رسانی را ببود بخشیده و پیش روی کویرها را اکتشاف کنند. گرچه این استان از نظر سیاسی و اقتصادی بادیگر استان‌های کشور مرتب است ولی از نظر نظر راه‌وروش زندگی شاهتی بدویگر

لغاط چین ندارد.

برخلاف استان «سین کیانک»، بیشتر استان‌های شمالی چین مانند «کاتسو»، «شن‌سی» و «شان‌سی» بوشیده‌از خاک رس چینی است^{۱۰}؛ این مناطق از دیر باز تحت حاکمیت چینی‌ها بوده‌است که از هزار سال پیش در آن به کشت و زرعم مشغول بودند. خاک رس چینی خاکی است به رنگ قهوه‌ای از دیلک به زرد که همراه اورش باد از جانب کویرهای شمال غربی حرکت کرده و بهار تما‌عده‌ها تصدها فوت روی خاک اصلی این نواحی رسوب کرده است این نوع خاک فوق العاده نرم بوده، به علت وزش باد و حرکت آب به آسانی فرسایش می‌آید، در نتیجه پر تگاهها، دره‌های بر سر اشیب و آبگذرها ازویژگیهای این ناحیه پیش‌نمایی روند. رسمهای که توسط رودخانه زرده، نشست کرده خاک «جلگه‌شمالی» چین را تشکیل می‌دهد، به علت ریزش محلود بیان و کوتاه بودن فصل کشت، روستاییان برای تولید محصولاتی مانند خلات و پنبه در زحمت و تلاش بسیار می‌باشند. بدلاً اعلیٰ سنتی فصل زمستان دوره است راحت محسوب شده، فعالیت چندانی صورت نمی‌گیرد و روستاییان اغلب می‌کارمی باشند، بهار و تابستان هنگامی که تمامی نیروی کار برای شخم زدن، کشت، درو کردن به کار گرفته می‌شود، فصل تلاش و فعالیت شدید به شمار می‌آید، اشتر اکنی کردن کشاورزی از سال ۱۹۴۹ شکاف میان می‌کاری فصل زمستان و بر کاری بهار و تابستان را از میان برداشت و در حال حاضر علاوه بر مجهز ترین اصلاح و بهبود زمین می‌شود. همچنین کوششهای بسیاری برای بهبود می‌شم آبیاری صورت گرفته است.

گجرجه صنایع پیشرفته اجسام و کالاهای پیشتری به روستاهای عرضه کرده است، ولی روستاییان هنوز بسیاری از احتياجات و نیازهای خود را شخصاً تهیه می‌کنند، آنان با خاک رس به آسانی برای خودخانه ساخته و این خانه‌ها به محالت غار در داخل تپه‌های انتهای شده‌اند و با توجه به گرم بودن آنها در زمستان و خنک شدن در تابستان معماري آنها قابل توجه است، بسیاری از وسائل و ابزار و آلات کشاورزی به صورت صنایع دستی بومی عرضه می‌شود.

زنان اغلب با استفاده از پارچه‌نخی، لباس و کفش خود را شخصاً تهیه

می‌کند، غذای مطلوب آنان از آردگندم است که بصورت رشته تهیه می‌شود. و غالباً همراه سریجات، ادویه و سیرخورده‌های شود. گوشت بسیار گران است و ملی‌ها بیش از چند پارخورده‌ای شود. گوشت خواه در سراسر چین بسیار مطلوب است ولی در این استان شیر و گوشت گاو مصرف می‌شود. رومتايان دیگر نقاط چین، مردم این مناطق را به عنوان افرادی سرسخت، پرکار و اندکی خسین می‌شناسند. این صفات اختصاصی زائده بازاریات آنان با خشکسالی و دیگر بی‌رحمهای طبیعت است و جای تعجب بست که کمون نمونه‌ای داده‌ای که به عنلت اتکا به خود و پشتکار مشهور است، در این ناحیه ایجاد شده است.

در بخش جنوبی دلتای «پانک‌تریزندگی» به مراتب آسان‌تر است. تا استان «هاطولانی» تربوهده ریشم هاران پیشتر و زمین حاصلخیزتر است. در اطراف این جلگه سطح دریاچه و رودخانه و کانال‌های بسیار دیده می‌شود که آبیاری و ایجاد ارتباطات را آسان‌تر کرده است. تقریباً در طول سال از کله مزارع دوباره محصول برداشت می‌شود، ابتدا جو، گندم و لوبیا، سپس برنج کشت می‌شود. فصل کاروفمالیت در ناحیه جنوبی به مراتب هاطولانی تر از نواحی شمالی است به علت سهولت ارتباطات و موقعیت استراتژیکی، این دلتا از اهمیت اقتصادی خاصی برخوردار است. وجود شهر پیش‌تنه «شانگهای» در این ناحیه به اهمیت آن افزوده و کشاورزی آن را تقویت کرده است. پنهان، چای، ابریشم و سبزیجات از محصولات مهم این ناحیه بشمار می‌رود؛ به علاوه خوک، مرغ، مرغابی و ماهی تیز بصورت گسترده برورش می‌باشد. به همراه گوشت این حیوانات همیشه برنج بخته‌ورشته صرف می‌شود و مخلوط آنها با اصلاحه انواع سس‌های غلظت، غذاهای معروف چین را تشکیل می‌دهد. مردم این ناحیه پنجه‌افت و وزیانی شهرت دارند و این موضوع در کفش‌های ظریف گلبدوزی شده و پیش‌بندها و گلله‌هایی که زنان در روزهایی خاص بر تن می‌کنند مشهود می‌باشد. خانه‌های زیبا و سفید آنان هاشیروانی‌های قرمز که در کنار کاسال بنا شده‌است گویای ذوق و سلیقه آنان است. مردم این ناحیه در شادبودن و برخورداری از فرهنگی فنی شهرت دارند و بهمین علت موسیقی محلی و متهمای هنری آن نیز معروف است. نوع مقاومت دیگری از زندگی را در استان‌های جنوبی یعنی در جنوب

«بانگ نزهه» بوزیره در استان کوانگ - تونگ می‌توان دید. این استان به علت محصور بودن در حصار کوه‌ها از دیگر نقاط کشور جدا شده است و بدینجهت تا اندازه‌ای استقلال خود را حفظ کرده است. این جدائی و استقلال در زبان مردم آن‌که دارای لهجه‌ای کاملاً متفاوت است بهطور کامل معکس است. خاک نامرغوب تپه‌های این منطقه با تاخال مرغوب دردها و دلتاهای در تضاد است. کمبود زمین مناسب زمانی موجب گردید که مردم آن به خارج از کشور چین کوچ نمایند. منشاء بسیاری از جوامع چینی در دیگر نقاط دنیا از این استان است: با این وصف به علت اگرماهی هوا، نیازش فراوان باران، وزاعت در تمام سال امکان پذیر و برداشت کشت بسیار غنی است. به علت هوای گرم، تبازی به پوشان زمستانی نیست و بیشتر اوقات از لباس‌های نخی سبک استفاده می‌شود.

به هنگام کار در مزارع اغلب دهقانان فقط یاک شلوار کوتاه پا داشته، کلاه حصیری بر سر می‌گذارند، خانه‌های آجری این منطقه در مقابل باران‌های سنگین مقاوم می‌باشد. و بهمین مظلوم غایل پیشامدگی به بام خانه‌ها از حد معمول پنهان نر است. گوشت خوک و مرغایی و ماهی پیش از گوشت‌های دیگر خورده می‌شود و اغلب از طرز طبخ این ناحیه در تهیه غذاهای چینی در دیگر نقاط جهان تقلید می‌شود. مردم این ناحیه به احساناتی بودن و بهمنان اندازه غیر قابل اعتماد بودن شهرت دارند.

گوچه شمالي‌ها آنان را «غیر متمدن» می‌خوانند، در مقابل همین مردم شمالي‌هادا بآنام «بر بری‌ها» می‌شناسند. توصیفی که گذشت تا حدودی شرایط جوی و زیستی روستاهای مختلف چین را در پنهان گشود چین نشان می‌دهد.

صرف نظر از برخی برخوردهای داخلی، کشور چین همیشه همبستگی های سیاسی و فرهنگی خود را در سایه یاک ابد تو اژدهی و نظام حکومتی متعدد و همچینین به علت الگوهای مشابه سازمان اجتماعی روستائی حفظ کرده است و علی‌رغم آن‌که زندگی روزمره در نقاط مختلف کشور متفاوت است ولی شیوه اصلاحات حزب کمونیست در سراسر کشور یکسان و بدون تبعیض است.

میراث روستائی

حزب کمونیست چن به هنگام دست یافتن به قدرت در مواجهه با جامعه روستائی مشکل باشد نهاد رویرو بود: نظام خرده مالکی، تکروه‌بندی بر اساس خویشاوندی نزدیک و نظام بازاریابی که افق‌های اجتماعی و اقتصادی دهقانان را فقط در محل زندگی خویشاوندان محدود می‌ساخت. پلاکات‌های جنگ و فساد حکومت ملی کشاورزی چن را خرد کرده بود. بازارهای راکد، تورم طبیان کننده و کاهش شدید تولیدات ازویزگی‌های سال ۱۹۴۹ به شماری رفت. اختل مژده در آرزوی یاک‌حکومت صدیق و مورد اطمینان بودند. شالوده حکومت کمونیستی بر اساس چنین وضعی پی‌زی شد و جامعه تویی بوجود آمد.

در زمینه مالکیت ارضی، حزب جمهوری روستائی را به تکروه‌های مالکین، دهقانان ثروتمند، دهقانان متوسط، دهقانان فقر و کشاورزان ساده تقسیم کرد. مالکین افرادی بودند که ملک‌داشته ولی خود شخصاً در آن زراعت نمی‌کردند در عوض منبع درآمد اصلی آن‌ها از اجاره زمین تایپه‌های، و فعالیت‌های صنعتی و بازارگانی تأمین می‌شد. برخی از مالکین کارگران را برای کار در مزارع استخدام می‌کردند ولی برخی دیگر مالکین غایب بودند که در شهرها اقامت داشتند. آنان پول‌اجاره را از طریق واسطه‌ها که اغلب افراد فاسدی بودند از دهقانان دریافت می‌کردند. دهقانان ثروتمند افرادی بودند که علاوه به مالکیت زمین خود، از استطاعت اجاره زمین‌های پیشتر به منظور تأمین منافع تجاري زیاد برخوردار بودند، تک‌چه آن‌ها خود به کار کشاورزی اشتغال داشتند، ولی تعدادی کارگر تیز به خدمات می‌گرفتند. برخی اوقات آنان نیز ملک را اجاره داده با از پهله پول‌هایی که بصورت وام و نزول می‌دادند زندگی می‌کردند. ولی این فعالیت مالی در مقایسه با مالکین بزرگ در مقیاسی کوچک صورت می‌گرفت. دهقانان متوسط صاحب تقریباً نیمی از ملک بوده و نیم دیگر را اجاره می‌کردند.

آنان ایزار کشاورزی به حد کافی داشته، فقط متکی به بیروی کار خود بودند. دهقانان فقیر صاحب زمین کافی بودند و ایزار کشاورزی محدودی در اختیار داشتند. آنان برای بقای خود مجبور به اجاره ملک بودند و برای افزایش درآمد خود در ملک دیگران نیز برای مدتی درسال کار می کردند. کشاورزان ساده افرادی بودند که صرفاً به بیروی کار خود اتکا داشته و برای دیگران کار می کردند.

حزب برای طبقه بندی دهقانان به لحاظ آن که مرز مشخصی بین آنان وجود نداشت پامسایل بسیار روپرورد. متایع قابل اعتماد خاطرنشان ساخته اند که در آن‌زمان مالکین و دهقانان ثروتمند کمتر از ۱۰ درصد جمعیت روسنا شین را تشکیل می دادند، حال آنکه صاحب ۷۰ درصد زمین زراعتی بودند. این ارقام تا اندازه‌ای درباره تهر کر مالکیت اغراق آمیز به نظر می رسد. بررسی کذبیز نظر جی. ال. بوئل درسال ۱۹۲۹-۴۲ صورت تحرفت نشان می دهد که مالکین و دهقانان ثروتمند فقط ۴۶ درصد زمین‌ها را صاحب بودند، درحالی که سطح زمین‌های زراعتی متعلق به مالکین و دهقانان بایکدیگر تقاضت چندانی نداشت و برای دفع همین اختلاف از نقطه نظر امنیت اقتصادی و موقوفیت اجتماعی حیاتی به نظر می رسید. دهقان پیچاره در مبارزه و تلاش دائم بود تا تواند برای هزینه خانواده را تأمین نماید.

در پیشتر موارد اجاره به صورت غیر نقدی پرداخت می شد، به دینهاری که مالک یا مقدار مشخصی از محصول غله را صاحب می کرد یا سهم معینی از خرمن را بخود اختصاص می داد. کمترین مقدار در حدود ۴۰ درصد محصول حصاد شده را تشکیل میداد ولی در اغلب موارد این مقدار پر اتاب پیشتر بود و برخی اوقات به ۸۰ درصد می رسید. پرداخت نقدی معمول نبوده و در مواردی صورت می تحرفت که غله جزو محصول نبود.

حق اجاره گرفتن تنها قدرت اقتصادی مالک را تشکیل نمیداد بلکه امور مالی محلی و تسهیلات وامی را از طریق داد و ستد، گروگیری و وام دهی تحت الشاع قرار داده بود. نرخ بهره و ام غالباً بسیار بالا بود و بسیاری از دهقانان

قادر به باز پرداخت آن نبودند. بسیاری از آنان ابتدا ملک خود را گزنداشته و سپس به علت عدم پرداخت قروض خود ملک را نیز از دست داده و در نتیجه فقط در ملک ایجاره‌ای زراعت می‌کردند. دهقانان ثروتمند غالباً به درآمد حاصل از زمین‌های زراعی وسیع‌تر خود منکی بودند تا بتوانند بدون خطر از وامهای پرداختی استفاده بزنند.

همبستگی خاتنواودگی که خود تشکیل یاف گروه را میدهد در جنوب چنین بحراط قوی‌تر و متداول‌تر از شمال می‌باشد. هر خاتنواوده چند خاتنواوده دیگر که نامی مشترک دارند خود را، وابسته به یک دودمان خاص دانسته که غالباً مبدأ آن از یک جد پدری شروع می‌شود. در جنوب، چندین هزار از این گروهها بوده و هر گروه به گروههای کوچکتری تقسیم می‌شوند که در یک دهکده با هم زندگی می‌کردنده طوریکه غالباً در یک دهکده فقط دوایی سه گروه باشجرهای متفاوت به سر می‌برند. در شمال، این گروه بندی وسیع‌تر بوده و تعداد خاتنواودهای متعلق به یک گروه بحراط بیشتر و گسترده‌تر بود.

در یک گروه خویشاوند هم غنی وهم قبیر در آن دیده می‌شد و یک واحد بزرگ آنها را بطرق مختلف به یکدیگر مربوط می‌ساخت. گروههای نسبتاً معروف غالباً تاریخچه و خطوط خویشاوندی اعضای خود را حفظ می‌کرد و مراسمی بهمنظور بزرگداشت جد بزرگ و موقعیت‌های اعضای دودمان بر با می‌کرد. شورای بزرگ‌سالان این گروه اختلافات داخلی را حل کرده، برای انجام طرحهای بزرگ آزادسازی از کمل و پاری همه اعضا برخوردار می‌شوند. گروههای ثروتمند دارای ملک و ساختمان بودند که برای استفاده همگنی از آنها نگهداری می‌شد ولی در برخی موارد این منابع مورد استثمار خاتنواوده های قوی‌تر و غنی‌تر گروه قرار می‌گرفت. اذاعضای یاف گروه انتظار آن می‌رفت که تعهدات و وظایف خود را نسبت به گروه انجام داده، متفاپلاً در منافع و مساهی مشترک آن سهمیم گردد. بهطورکلی نظام مزبور بر اساس رابطه پیران با جوانان بنامشده بود. احترام گذاشتن و تکریم جد مشترک اعضای گروه را به یکدیگر تزدیک کرده، در یاف خاتنواوده منجر به تحکیم همبستگی‌های خاتنواودگی و اقتدار و حاکمیت بزرگ‌سالان بر جوانان می‌شد. کوششی بسیار

به عمل می‌آمد تا وضعیت و چنگونگی خویشاوندی هر گروه به هر نسبتی
هم که دور باشد تعین شود، لذا هر فرد خواه باخواه در یک جمله از نجیب
خویشاوندی قرار گرفته، براساس مقدرات آن بایستی رفتار می‌کرد.
درین جامعه روستائی، اصل خویشاوندی اساس و بنان اعمال و کردار
افراد را تشکیل می‌داد، به طور یکه هر فردی از گروه می‌دانست که در موقع ازوم
می‌تواند از حمایت و یاری گروه خود علیه دیگران برخوردار شود. بدین طبق وی
خود را همیشه جزو لایپنک یک گروه خاص دانسته و این وفاداری و وابستگی
به گروه غالباً به روابط سیاسی و اقتصادی الیوت داشت. یک گروه غالباً مستقل از
حکومت رسمی بوده اضباط و مقررات مختص بهشود را با گروههای دیگر
بدون مراجعت به مقامات دولتی حل می‌کرد. عرضه رغم آن که در سال ۱۹۴۹
تحولات اقتصادی و اجتماعی در شهرها نظام خویشاوندی را دیگر گون ساخت
نیرو و جذبیه نظام موجود در روستاهای کاهش نکرفت و حتی در حال حاضر نیز
کاملاً ریشه کن نشده است. طی «انقلاب فرهنگی» گزادش‌های مطبوعاتی غالباً
وابستگی‌ها و اختلافات بین گروه‌ها را در فضای سیاسی چندی‌بعد انتقاد قرار
می‌دادند.

گروه‌بندی براساس خویشاوندی وابستگی شدیدی بین دهقان با محل
زندگی آنان که غالباً به یک بازار خلاصه می‌شد، ایجاد می‌کرد و دهقانان غالباً
کلیه خرید و فروش و فعالیت‌های دیگر خود را از طریق این بازار و شبکه دوستان و
خویشاوندان مورد اعتقاد خود آنجام می‌دادند و از آنجاتی که داد و ستد زیر نفوذ و اقتدار،
اعتماد و ضمانت‌های فردی قرار گرفته بودند قوانین، لذا اینکا به یک چنین وابستگی
هایی حیاتی به نظر می‌رسید و عمل کردن خارج از آن خطرنای و مشکل بود. با این
وصفت، بازارها اهمیتی پیشتر از یک فضای اقتصادی صرف بود و تمامی تراکنش‌های
اجتماعی و فرهنگی دهقان را دربر می‌گرفت. بازار مکانی بود که دهقان برای
سرگرمی خود به سوی آن جلب می‌شد. تأثر، داستان‌سازی، چایخانه و مانند
آن همگی از طریقی به بازار بروت می‌شد. غالباً این هویت فرهنگی بعلت تنوع
لهججهای محلی، یا یک کاردمستی یا یک هنری‌بومی شخصی ویژگی‌های محلی بود.
اغلب وصلت‌ها در همین محدوده صورت می‌گرفت که خود منجر به قزوئی حس

همستگی می شد. دهقانان علاقمند به مسائل اجتماعی و سیاسی فقط به محل زیست و پیرامون خود می اندیشیدند و در باره آن صحبت می کردند. هر گاه شخصی از یک محل به محل دیگر کوچ می کرد و استگی خود را به محل قدیم حفظ می کرد و دائم اخاطر نشان می ساخت که پس از مرگ، چنان راهش را به موطن اصلی او برای دفن بازگردانند.

با توجه به این حقیقت که کمونهای امروزی در بیماری مواردی باوریگی های نظام محلی کهنه در این بساط است، این حس و استگی قدرت خود را همچنان حفظ کرده است و حتی امکان آن می رود که تشدید شده باشد، با این وصف مانع از رشد و فاداری های ملی غیر شخصی نشده است.

در سال ۱۹۴۹ حزب کمویست ازدواجی از بر جته چهند گروگان ساختن جامعه چون بپرهیزند شد. در مرحله اول، این حزب بر اساس حمایت دهقانان پرسن کارآمد واعضای حزب وارتش را اکثر دهقانانی تشکیل می دادند که به ایند حل مشکلات و مسائل اقتصادی و اجتماعی خود به آن گروهی و برای حزب جنگیده بودند. در مرحله دوم، حزب کمویستی توانت از تجارب مهمنی که طی میان در روز استراکتب کرده بود به نفع خود پیغام برداری تمايزد. ازاوا ایل سال های ۱۹۳۰ این حزب به علت فعالیت های موقوف آمیز در روستاهای بقای خود را تضمین کرده، چگونگی اصلاحات ارضی، سازمان های روستائی و ارتباطنزدیک پا جامعه روستا نشین را تجربه و درس های ارزشمندی فرا اگرفته بود، بهطوری که حتی تا قبل از سال ۱۹۴۹ تو احی وسیعی در شمال چین تقریباً چهار دهگران گروئی هاشی شده بود. بدین ترتیب حزب از سیاست و روش های خود برای کسب موقوفیت از آگاهی های قلی کم و پیش بر خورد از بود.

اصلاح و انقلاب

بعد از سال ۱۹۴۹، اصلاحات ارضی در رامن هدف های حزب قرار گرفت برای تحقق این هدف حزب بشرکت فعالانه دهقانان تا کبد بیار کرد و کار گزاران غایل ایاد دهقانان را به بحث و مذاکره در باره رنجها و مصائب ناشی از نظام ارباب و

رعیتی دعوت می‌کردند. احساسات دهقانان بدین ترتیب بر انگیخته شد و در نتیجه بالکه استمر کتری ازدهقانان به وجود آمد که غالباً جلسات عظیم عمومی برپا می‌کردند تا همگان بتوانند، به گونه‌ای متكلات و تاکامی‌های خود را به گوش دیگران برسانند. این هسته مرکزی براساس طبقه‌بندی‌های حزب دهقانان را طبقه‌بندی کرد. سپس برای این گذروشن شود هر خانواده چهارمین زمین می‌باشد در اختیار گیرد و از سوی دیگر چه آینده‌نگری سیاسی برای هر خانواده می‌باشد در نظر نگرفته شود می‌باختن طولانی در گرفت. حتی طبقه‌بندی‌های کوتولی خانواده در روزهای مباحثات آن روزها صورت می‌گیرد. موقع مالکین غایب یا سهولت روش نگردید، ولی تفاوت‌های کوچکی که بین دیگر خانواده‌های دهقان وجود داشت طبقه‌بندی را مشکل ساخت. بسیاری از روزستانیان فهرست مر بوط بخود را بازها مورد تجدیدنظر قراردادند. یا در طبقه‌ای که مورد رضایتشان بود قرار گرفتند. بالاخره دهقانان مالکین را در معرض اتهام عمومی قرارداده، زمین‌ها و املاک آنان را بر حسب یک نظام تخصیص متكلی بر مالکیت بهمیزان متوسط تقسیم کردند. برخی از زمین‌داران نیز صاحب سهمی شدند و لی رفتار با آنان اغلب بسیار سخت بود پویزه در مناطقی که با آیونی‌ها همکاری کرده بودند. در بسیاری موارد دهقانان یا اعدام مالکین، انتقام رنجها و مصائب خود را گرفتند. در حالیکه اثرات اقتصادی این اصلاحات برای هر خانواده اهمیت بسیار داشت از نقطه نظر ارزش‌های ملی چندان مهم جلوه نگرفت. موقعیت اساسی اصلاحات ارضی فقط از لحاظ توسعه مجدد ثروت بود، حال آنکه هیچ گونه بهبودی در وضع کشاورزی بوجود نیامد و در نتیجه افزایش محصولات کشاورزی موکول به برناهه‌های طویل مدت شد. کمبود کلی آلات و وسایل کشاورزی قابل ملاحظه و راه و روش‌های اقتصادی ساقی کم و بیش متدابل بود. با این وصف اثرات سیاسی اصلاحات ارضی به راتب مهم تر بود. دهقانان برای اولین بار طی زندگی خود نش کانون قدرت از غنی به فقیر منتقل شده بود. اصلاحات ارضی خطوط خوب شاوندی و دولتی را منقطع ساخته، روشهای مستقیم را دیگر نگون کرد. در نتیجه تعداد کثیری از دهقانان هدفهای خود را در جهت آرمانهای حزب می‌یافتد و همین‌هم از جهتی

آنان را به حزب وابسته تر می کرد.

حزب بلا فاصله پس از اصلاحات ارضی خلاص ناشی از پایان قدرت نظام مالکیت فردی را با مدیریت سوسیالیستی پرآمود و اختصار کرد که اگر تغیرات قاطعی بوجود نیاید نظام سابق بر اساس وام و اجاره اجبا خواهد شد. کلیملر جها به منظور افزایش تولیدیه کار آئی سازمان های اشتراکی و استفاده از روش های فنی سنتی و کار فشرده بدنه متکی شد. مرحله اول مستقیماً به تقلید از تجزیه زمان چند چک صورت گرفت، بدین ترتیب که گروه هایی مشکل از ۱۰ خانوار به عنوان «دسته یاری دهنده» یک دیگر گردیدند. آنان نظام مالکیت خصوصی را حفظ کرده ولی کار و آلات کشاورزی را بین خود تقسیم کردند در هر پارچه زمین به لوبه کار انجام می شد و گزارش آن ثبت می گردید تا هر خانوار از عایدات آن بطور مساوی بپرورد شود. در برخی موارد دعفانان و امها و آلات کشاورزی جدید را بطور اشتراکی اخذ و خریداری می کردند. بطور نظری عضویت در هر گروه داوطلبانه بود و در نتیجه بسیاری از دعفانان تسبیه بولدار از پیوستن به این گروه ها خود داری کردند تا مادا امنیات مالی خود را ازدست بدهند، لذا فشار از جهای مقامات حزبی منجر به آن شد که تا سال ۱۹۵۵ «عدرحد دعفانان به عضویت گروه های یاری دهنده مقابله» در آمدند، دعفانی از روستای «لیوینک» واقع در استان «شان سی» آنچه را که برای «جان بیدال» روی داد در اشتباهی به نام «گزارشی از یک روستا» به شرح زیر توصیف می کنند.

در سال ۱۹۴۹ یک گروه میادله ای تشکیل شد . . . مردم صلاح در این دیدند که یا یکدیگر همکاری کنند تاهم کارهای سریعتر انجام گیرد و هم ساعت تعطیل کار زودتر فرارند در اینجا گروه بر اساس یک بنیان دائمی سازمان یافته بود، ولی بین اعضای آن مستقیماً در باره میادله کار توافق شده بود. در سال ۱۹۵۱ ماتصومیم گرفتیم که به گروه به عنوان «یک دسته کاربرای کمک های مقابله» بر یک های و بنیان دائمی سازمان دهیم . . . کارها به نحوی انجام شد، ولی مناقشات و مجادلات بسیاری بر سر این که از زمین چه کسی بایستی شروع کرد، در گرفت. حل تمام این مسائل بسیار مشکل بود، برخی گفتند: چرا بایستی اول از زمین خلانی شروع کرد؟ محصول مزرعه من بیشتر است، بایستی اول نوبت من باشد.

علی‌غم‌همه روش‌هایی که صورت گرفت این اختلاف نظرات ادامه داشت تا اینکه ماموضوع تشکیل یک تعاونی کشاورزی را مطرح کردیم. پدین ترتیب بسیاری از فشارها برای تشکیل تعاونی‌های ابتدائی کشاورزی در مسطوح بالا صورت گرفت، حزب این شیوه را در سراسر کشور تعیین داد و ترغیب کرد. دولت نیز بهمراه آن متوجه شد که وجود تعاونی‌ها اداره امور بروط به احتمالیات زمین و همچنین موضوع خریداجاری غله را آسان‌تر می‌کند. درباره واحدهای نموانه تبلیغات وسیعی صورت گرفت تا مورد تقلید دیگران قرار گیرد.

بسیاری از تعاونی‌های ابتدائی از ۴۰ الی ۴۰۰ خانوار تشکیل شد که بکمیته مدیریت به عنوان ناظرات بر تمام مزارع و منابع در راس آن قرار داشت. کارهایین گروه‌های تولید کننده که کم و بیش همانی «گروه‌های باری دهنده متقابل» سابق بود تقسیم شد. اعضای تعاونی هنوز مالک زمین، دام و آلات زراعی خود به شمار آمدند، هرای آنها حق الاجاره دریافت می‌کردند. به علاوه، آنان زمینهای کوچک را برای انجام کشت خصوصی تحت مالکیت خصوصی بخدمتی داشتند و بر حسب میزان کارهایی که انجام می‌دادند مقدار سهمی از محصول به آنان تعلق می‌گرفت، چند درصد از درآمد تعاونی‌ها نیز توزیع نشده، برای سرمایه‌گذاری‌های بعدی کنار گذاشته می‌شد.

طی سال‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۵۵، افزایش تعداد تعاونی‌ها به آهستگی صورت می‌گرفت. عضویت در آنها داوطلبانه بود و در تیجه دهه‌های آن شروع مدار این پیوستن به آنها خود داری می‌ورزیدند. ولی فشار اجتماعی، افزایش مالیات‌ها و وام‌پذیری این که دولت برای مزارع اشتراکی جهت برداخت وام و تهیه کود شیمیائی و غیره در نظر گرفته بود منجر به آن شد که دهه‌های آن تغییر عقیده‌داده و بتدریج به عضویت تعاونی‌های آن شرکت کردند. هم‌زمان با این افزایش تعداد عضویها، سازمان تعاونی‌ها نیز مورد تجدیدنظر قرار گرفت ویژه‌تر آنها از عضویت ۱۰۰ الی ۴۰۰ خانوار تشکیل می‌شد. تعاونی‌های اوپله‌جذب «تیپ‌های تویید کننده شدند» و «دسته‌های تویید کننده» همانند سابق باقی ماند. از دیدگاه دهه‌های آنها یک عنصر تسلیل هنوز وجود داشت زیرا آنان در گروه‌هایی که کم و بیش مانند «دسته‌کمکهای متقابل» بودند

کار میگردند، ولی تغییر و تحولات اقتصادی ضروری به نظر می‌رسید. مالکیت زمین‌های زراعتی به تعاونی‌ها منتقل شد درحالیکه هیچگونه غرامت پرداخت نشد. دامها و آلات کشاورزی بر اساس قیمتهاشی که از جانب دولت پیشنهاد شده بود، خریداری و یجزو اموال اشتراکی درآمد.

در آمد اساسی دهقانان از مقدار سهمی که از کل محصول مشترک بخاطر کار در مزارع بدآنان تعلق می‌گرفت و همچنین از مقدار محصولی که در قطعات زمین‌های خصوصی خود بعمل آورده بودند، تأمین می‌شد.

مرحله انتقال از مالکیت فردی به مالکیت اشتراکی به يك دوره توافق نیازداشت. جمع آوری، سرمایه‌گذاری و مدیریت دیگر کار فردی محاسب نمی‌شد و در نتیجه بسیاری از دهقانان نسبت به فعالیت در تعاوین‌ها علاقه خود را از دست دادند. کمیته‌های مدیریت و چارکمبود مهارت و تجربه‌شده‌اند. دهقانان فعالیت‌های جنبی مانند پرورش خواک، تولید میوه و ابریشم و مانند آنها را کم و بیش کنار گذاشتند. بدین ترتیب گرچه دهقانان به انجام کارهای فرعی خصوصی مجاز بودند، ولی دیگر تمایلی از خود نشان نمیدادند. با وجود افزایش میزان تولید غله، میزان دیگر محصولات مهم تجاری و صنعتی رو به کاهش رفت. سرانجام در سال ۱۹۵۷ موادی که بین مزارع اشتراکی و خصوصی مورد تجدید نظر قرار گرفت، کمیته‌های مدیریت، بسیاری از دامها و آلات کشاورزی را به صاحبان اصلی برگرداند و مساحت قطعات زمینهای خصوصی افزایش می‌خورد. بازار آزاد در روزهای رواج پافت، البته اشتراکی کردن، هدف غایی پاتی ماند، ولی در آن زمان میر تذریجی تغییر و تحول ضروری به نظر می‌رسید. این عقب نشیبه‌از مانع صودت گرفت که بین اعضای حزب کمونیست در گیریها بی وجود آمد. بدین ترتیب که گروهی از بیانیت بر نامه‌های عمرانی شورودی طرقداری کرده، گروه دیگر به تجاری که قبل از سال ۱۹۴۹ در «پیان» بدست آمده بود، پیش مدخل داشتند. بعلاوه کامهای سریع رشد صنعتی، کشاورزی را هشت سرگذشتند، بین دویخش مزبور برخوردهای فرایندهای بوجود آمده بود. در پیورستهای امکانات اشتغال، همان افزایش جمیعت پیش تهی رفت در روزهای کار و تولید بیشتر باشی بوجود می‌آمد. در نتیجه در سال ۱۹۵۸

کمونهای خلق وجود آمد و همچنین اصلاحات سازمانی پیشتری بمنظور ایجاد صنایع رومتائی به عنوان یک منبع درآمد برای رشد کشاورزی نیز صورت گرفت. بعلت فشارهای حزب تقریباً تمام دهقانان چین در قابل اوت تاسیتاً بر ۱۹۵۸ یعنی سالی کمون‌ها درآمدند.

شماع کموتها بسیار گستردۀ بوده، در حدود ۴۶۰۰ خانوار و در برخی اوقات تا ده‌هزار تا پانزده هزار خانوار را در بر می‌گرفت. کمونها حکومت محلی را به سازمان اقتصادی ملحق کرده، بدینجهت جمعیت زارع و جمعیت غیر زارع هردو تحت نظارت کموتها قرار گرفتند. کمونها تمام فعالیتهای اقتصادی اعم از کشاورزی و غیر کشاورزی را اداره می‌کردند. بازاریابی، حمل و نقل و خدمات عمومی مانند سالن اجتماعات، لیاستوئی، مدرسه وغیره جزو اموال کمون‌ها درآمد. هملاوه رهبران کمونها دهقانان را به انجام کارهای کوچک صنعتی مانند ساختن کوره جهت ذوب کردن فلزات در داخل خانه تشویق کردند مفهوم ایجاد کوره در داخل خانه آن بود که دهقانان طی دوره کوتاهی در سال ۱۹۵۸ کوشش کردند. تا با استفاده از سنگ معدهن و زغال سنگ از طریق روش‌های ابداءی آهن و فولاد را ذوب کرده این اکار تولید کردند و بدون تردید گفته آنچه که تولید شد بسیار پائین بود. طی ماههای اویله، سازمان کمون‌ها نیز کاملاً بصورت اشتراکی درآمد. تمام زمینها و آلات کشاورزی جزو اموال عمومی قرار گرفت در برخی اوقات حتی خانه‌ها و وسائل درون آنها در مزارع نیز قصیط شد. کمبته مدیریت کمون مالک همه چیز شد و نظارت دائم بر آنها داشت.

«تبهای تولید کننده» که تقریباً معادل دسته‌های تعاوینی پیشرفتی بود، بعدهاً واحدهای حسایدار و میز عمل کرده و «دسته‌های تولید کننده» کار اصلی را انجام می‌داد. درآمد دهقان از توزیع رایگان محصول کمون‌ها بر حسب مقدار کاری که انجام داده بود، تأمین می‌شد. کشت خصوصی و فعالیتهای فردی نیز تحریم شد. در عمل تفاوتهای بسیاری در چزیات سازمان کمون‌های مختلف وجود داشت. «جان میردال» نظرات بک عضو محلی حزب را به شرح زیر بازگو می‌کند:

بحث درباره تشکیل بک کمون خلق بسیار کوتاه بود، برخی آن را

اقدامی بی‌ورود داشتند و گفته‌ند: چرا بایستی هرچیز را در باره تغیر دهیم؟ اوضاع برونق مراد است ولازم نیست که به دنبال دردسر به گردیم، با ایجاد کنونه‌امشکلی حل تخواهد شد.

ولی مادر باره ایجاد کمون‌ها بحث و مذاکره و تبلیغات زیادی کردیم. گمینه مرکزی حزب بما گفته بود که بایشی کمون خلق را تشکیل دهیم. ظاهراً کمون های خلق بهترین روش برای استفاده از تبروی انسانی و ایجاد تسهیلات برای سرمایه‌گذاری به شمار می‌رفت و علاوه اصل پرداخت بر اساس مقدار کاری که انجام شده است و کمک وباری به آنانی که دچار سختی و مشکلات می‌شوند تیز از دیگر مزایای کمون به شمار می‌آمد. بعد از اینگونه تبلیغات به کمون خلق «لیولینگ» پیوستیم.

در باره دادن خذای رایگان به دهقانان فکر‌هایی کرده بودیم ولی این اقدام را چندان مناسب نمی‌انتیم و وحشت آنرا داشتم که این کار موجب شود که دهقان به نوعی بی‌اعتمادی به کار روزانه خود بینگرد و همچنین سبب شد که ارتباط مصرف با میزان کار اشتر اکنی ازین برود. بهمین جهت مانع تو انتیم باقی‌فرایان رایگان موافق باشیم. به احاظ تبلیغات وسیعی که جهت معرفی کمونهای خلق شده بود، آگاهی اعضای کمونها فروتی باشند و احتمام مسئولیت آنان بحلی قوی شده بود که این امکان به وجود آمد تا توجه به مسائل منطقی اجتماعی را در آنان بوجود آوریم.

بین ماههای سپتامبر و فوریه ۱۹۵۹، ماتولید آهن را از طریق روش‌های محلی آجربه کردیم البته ذغال سنج و سنجک آهن در بالای پهلهای بافت می‌شد که کوره محترقه بیز درست کردیم، مسئولیت سازمان دادن کارها را در این زمینه بعده داشتیم. در حدود ۷۰ نفر از ما در این زمینه کار می‌کردیم و با توجه به تعداد کوره‌هایی که می‌ساختیم امتیاز در بیان این کردیم اما این امر دیگر تکرار نشد و بهای تدارم که رقم دقیق کوره‌هایی که ساختیم چه تمدد بود اما تا آنجا که بیان دارم در مقابل امتیازاتی که کسب کردیم وجهی بهم پرداخت نشد.

تشکیل کمونها این خوشبینی را بوجود آورد که کشاورزی گامهای سرعتی به جلو برخواهد داشت حال آنکه طی یکسال مشکلات بسیار مطرح شد، تأکید بر ایجاد کمونهای وسیع منجر به ایجاد واحدهای یقواره و سهمیه اقتصادی آنکه شد. مدیریت فاقد تجربه و بکارگیری نیروی انسانی چریقی نادرست شدیداً بر بازده کشاورزی اثر گذاشت. بروزه تولید نامرغوب طی سه سال متولی اوضاع را بدتر کرد، بسیاری از هفقاتان نسبت به گسترش مزارع اشتراکی و اندام مالکیت فردی افهار بیزاری و بی میلی کردند. آنان کادرها را متهم کردند که به منظور انتقال جامعه بسوی کمونیسم گامهای سرعت از امکانات خود برداشته‌اند. تحولات شتاب زده محلی برنامه‌های مرکزی را بیز دچار برگردانی می‌ساخت،

در فاصله سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۲، تجدیدنظر در ساخت سازمانها به صورت قابل ملاحظه‌ای انجام شد. کمونهای کوچکتر شده، تعداد آنها به طور تخمینی از ۲۶۰۰۰ به ۵۷۶۰۰۰ افزایش یافت. حجم تیپهای تولید کشند و بیز کاهش یافت و مالکیت جنبه‌های اقتصادی زمین به واسطه‌های تولید کشند و انتقال یافت. در نتیجه از اهمیت نقش رهبری کمونهای کامنه شد. طرحهای اقتصادی غیر عملی بیز کثار گذاشته شد و توزیع را پیگان غذا بیز متوقف گردید.

مالکیت خصوصی بر قطعات محدود زمین و فعالیت‌های فرعی در کثار کارهای کشاورزی مجدداً متدالو شد. بدین ترتیب کمون منهدم نشد، ولی بسیاری از بروزگاهای خود را ازدست داد.

این عدم موفقیت شکاف در داخل حزب را تشدید کرد. به طور یک‌وینگ دخواه «فرمانده ارتش در آن زمان، ماثورا موذن انتقاد علني فرازداد و بد اینجهت در سال ۱۹۵۹ تأمیرده مجبور به استعفا گردید. با این وصف ماثور خود شخصاً روش انتقام پذیرتری را پیش گرفت. در بسیاری از کمونها، هفقاتان مجاز به کشت و زرع در زمینهای خصوصی وسیع تری شدند و همچنین انگیزهای مادی نیشتری به منظور افزایش تولید برای آنان ایجاد کردند، به مکابنه کردن کشاورزی پیش از اشتراکی ساختن آن توجه می‌شد. بعد از سال

۱۹۶۲ علیرغم موقب سیاستهای دوران نفاهت اقتصادی، اختلاف بین اعضاي حزب همچنان وجود داشت، مانو با بحث در این باره که زراعت فردی بروزی اقتصاد سوسیالیستی را منهدم خواهد ساخت، حالت تهاجمی بخود گرفت؛ اوی معتقد بود که اشتراکی ساختن یا یستی به مکانیزه کردن اولیت داشته باشد. این اختلاف نظرها در جریان «انقلاب فرهنگی» به اوج خود رسید. پیروزی ماثو حرکت بسوی کشاورزی خصوصی را متوقف ساخت. ولی از آن تاریخ تاکنون درباره توسعه بنای کمون ها اقدام تازه ای صورت نگرفته است. سیاست کشاورزی به مقياس وسیع هنوز به حمایت صنعتی، گسترش تدبیجی صنایع روستائی و تعهدات اشتراکی دهقانان بستگی دارد.

کمون در چین امر و ز

در حال حاضر، کمون؛ یعنوان واحد عقلایی و اقتصادی کشاورزی با استواری تمام به فعالیت های خود مشغول است. در سال ۱۹۷۱ از یک کمون بنام کمون خلق «شوانگ-وانگ» بازدید کردم. این کمون بر زندگی رودخانه‌هایی در نزدیکی شهر وینان در استان «شهن سی» واقع شده است. جمعیت آن ۱۶۰۰۰ نفر است که در ۳۳ روستا زندگی می‌کنند و مساحت کل ذیر کشت آن به ۴۳۰۰ هکتار است. گندم، پنبه، ذرت، سیب زمینی و سریجات از محصولات عمده این کمون به شمار می‌رود. «سان گوانگ-خسو» مدیر کمیته انقلابی کمون در باره «شوانگ-وانگ» و قوایت های آن که نمایی از چهره واقعی زندگی روستائی در چین به شمار می‌رود برایم توضیحاتی داد:

مانند کمون های دیگر در چین، «شوانگ-وانگ» دارای سه زده مدیریت است، «کمیته انقلابی»، «تپه های تولید کننده» و «دسته های تولید کننده». کمیته انقلابی نقش رهبری کمون را بهده داشته، وظیفه مدیریت و نظارت کار اساسی آن را تشکیل می‌دهد. یازده «تپه تولیدی» به کمیته برای اجرای سیاست هایش کمل می‌کنند. وظیفه اصلی این تپه ها طرح برنامه های تولیدی برای «دسته های تولید کننده» که بخش فرعی

تب‌ها به شمار می‌رود، می‌باشد. تعداد تب‌های تولید کننده، به ۳۵۰ تب
می‌رسد.

کمیته انقلابی سان‌گوانگ - خسرو، دارای ۲۵ عضو است که از طرف
کنگره دهقانان مشکل از نمایندگان تیپ‌ها انتخاب می‌شوند. اعضای
کمیته را غالباً کادرها و دهقانان تشکیل می‌دهند که از جانب دولت حقوق
دریافت می‌کنند و برخلاف دهقانان عمومی عضو کمون؛ سهمهای از
توزیع محصول کمون به آنان تعلق نمی‌گیرد.

مسایبات نزدیک بین کمیته انقلابی و حکومت محلی موجب برقراری
از تباطیین مقامات بخش و تب‌های تولید کننده شده است. زهران کمون
تعیینات خود را از بالا دریافت کرده، کارهای انجام شده را نیز منقاً بلا
گزارش می‌دهند. به علاوه مقامات بخش پیوسته کادرهارا برای بازرسی
فعالیت‌های کمیته انقلابی و توجیه سیاست‌های جدید اعزام می‌دارند.
کمیته انقلابی فعالیت‌های دولتی داخل کمون انجام می‌دهد.
چنانچه این کمیته از جانب مقامات دولتی با اداره مالیات، شعبه «بانک
خلق» و اداره غله عمومی همکاری می‌کند. یکی از کادرهای کمیته مأمور
نظرارت بر بازار آزاد کوچک و محدود است که دهقانان محصول
خصوصی خود را در آن به فروش رساند، کالا خریداری می‌نمایند. این
کادر بر قیمت‌های رسمی نظارت کرده، برای خرده‌فروشان یعنی اندک‌سادر
می‌کند. نظارت بر اجرای قوانین و مقررات در داخل کمون به عهده کمیته
امنیتی کادرها است که در ارتباط با مقامات امنیتی بخش می‌باشند. کادر
های امنیتی کادرهای امنیتی است که در ارتباط با مقامات امنیتی بخش می‌باشند،
کادرهای امنیتی امور مربوط به نیروهای شبه نظامی را نیز اداره می-
کنند. «کمیته انقلابی» همچنین اطلاعات لازم درباره افراد را جمع آوری
و برای مردم اجازه سفر جهت خروج از محل اقامتشان نیز صادر کرده
و تولید، مراجعت و ازدواج افراد را نیز در دفاتر خود ثبت می‌کند. برای
انجام چنین کارهایی کمیته مبلغ ناچیزی از دهقانان دریافت می‌دارد.
نیروی رهنی اقتصادی کمون‌ها برخلاف قدرت دولتی آن به مقایسه با

دوران اولیه پیدایش کمون‌ها در سال ۱۹۵۸ بطور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است. وظیفه اصلی رهبری کمون در حال حاضر عبارتست از حفظ تعادل بین میزان تولید کمون از یکسو و میزان تقاضای دولت از کمون از سوی دیگر، کمون مجبور به پرداخت مالیات کشاورزی به میزان معین می‌باشد که غالباً در حدوده‌ای ۱۰ درصد کل محصول است، و مالیات میزان معینی از محصول غله یادیگر محصولات را باستانی بعنوان فروش اجباری به دولت عرضه نماید. این میزان بین ۱۰ الی ۳۰ درصد محصول در توسان است. کمون تا گذیر از همکاری با برنامه‌های کشاورزی بخش جهت تحقق بهخشیدن طرح‌های مانند برنامه‌های عظیم آبادی و احداث جاده می‌باشد. علاوه بر این وظایف، «کمیته انقلابی» برنامه ریزی و میزان تولید محصولات گوناگون را به ترتیب‌ها پیشنهاد می‌نماید. رهبران تیپ نیز طی جلسات عمومی در مردم راهنمایی باز همان دسته‌ها درباره برنامه‌ریزی جهت رسیدن به هدف و میزان محصول مورد نظر، قبل از اخذ تصمیمات نهایی بحث و مذاکره عمل می‌آورند. پس از اینکه درباره نوع و میزان محصولات مورد تنظر توافق شد، این خود رهبران تیپ‌ها و دسته‌ها هستند که شیوه‌های مورد علاقه خود را جهت نیل به هدف به کار می‌گیرند. آنان می‌توانند تصمیم بگیرند که مثلاً چه نوع محصول اضافی تولید نمایند یا اینکه چه مقدار از آن را ذخیره و چه مقدار از امصار کنند. در انجام این کار، رهبران کمون و حزب فشارسیار بر آنان وارد آورده‌اند تا در چار چوب‌هایی که این سیاسی و اقتصادی کشور عمل نمایند، وسائل ارتباط جمعی بطور مداوم سیاست رسمی دوستدار باره هدف‌های کشاورزی روش می‌سازد و شتوانه این سیاست تعدیل قیمت محصولات زراعی است به نحوی که دهقانان تشویق به کاشت محصولاتی خاص شوند.

کمیته انقلابی کمون، دارای دفاتر خاصی جهت مشاوره و کمک می‌باشد. این دفاتر انجام امور تولیدی مالی، تجاری، مدیریت‌غله، رفاه اجتماعی، مسئولیت‌های سیاسی و امنیت اجتماعی را بعهده دارند.

کادرها در این دفاتر انجام وظایف کرده و جوانب مختلف فعالیت تیپ‌ها را بررسی و همچنین در زمینه بهبود امن مدیریت و در مورد طرح‌های مربوط به تغیر جاده‌ها، حمل و نقل و کارهای آبیاری با تیپ‌ها همکاری می‌کند. خدمات تجاری کمون‌ها نیز نموده مناسبی پذیر می‌رسد. هر تیپ دارای یک فروشگاه کوچک تعاوی ای است که محصولات مزارع و وسائل اولیه زندگی در آن بفروش می‌رسد. این تعاوی بخشی از محصول مزرعه خصوصی دهقانان و محصول اضافی تیپ‌ها را نیز خریداری می‌کند. امور فروشگاه تحت نظرت یکی از بهتران تیپ می‌باشد.

در صورتی که سرمایه کذازی در یک کمون بعلت وسعت و هزینه‌های مستحبن آن از حوزه قدرت یک تیپ خارج باشد، سرمایه کذازی در آن به کلیه اعضای کمون که در منافع آن سهمی باشد، واگذار می‌شود.

البته چنین نموده‌ای در کمون، شوان و انگک، مشاهده می‌شود و لی بغضی از کمون‌ها که دارای تراکتور و ماشین‌های باربری، کارگاه‌های مجهر به ماشین‌آلات مناسب، معادن کوچک، کارگاه‌های نیز رگ صنایع دستی و سمارستان‌های محلی می‌باشند نیازمند هزینه‌های غرافی هستند که از توانایی تیپ خارج است.

اداره امور عالی کمیته انقلابی کمون، بددارآمدی‌های حاصل از این شرکت ها بستگی دارد و برای اجرای طرح‌های جدید به حمایت‌های اضافی تیپ، نیاز داشته باز و از اقامه بانکی و کمک‌های مالی بخشن برخوردار می‌شود.

و بالاخره، «سان گوانگ - خسو» اهمیت رهبری سیاسی را نیز خاطر نشان ساخت. بر اساس اصل «وحدت رهبری» وی هم مدیر «کمیته انقلابی» کمون است و هم‌دیر «کمیته حزبی کمون». بعد از ۱۳۰ تا ۲۵ تن از هم کارانش در «کمیته انقلابی» از اعضای حزب محسوب می‌شوند. و وجود این افراد این تکه را تضمین می‌کند که تضمیماتی که توسط کمون‌ها اتخاذ می‌شود زیر نظر حزب صورت می‌گیرد.

بهین طبق در سطح تیپ‌ها نیز شباهت حزب با رهبری تیپ در ارتباط است. کمون‌ها تعدادی سازمان‌های خلق نیز برای راهنمائی افراد غیر عضو در

حزب نیز اداره می کند که مهمنان آنها عبارت است از: «انحصاریه جوانان کمونیست» برای راهنمایی جوانان، «مجتمع زارعین فقیر و پائین تراز منسط» که بطور دائم جهت بحث و مذاکره درباره کارهای کمون تشکیل می شود و همچنین انجمن یافتوان که درباره موقع زنان، سیاست های مربوط به تساوی حقوق، چگونگی تطبیق باقرارات جدید ازدواج و راهنمایی های لازم در زمینه روش های جلوگیری از بارداری فعالیت می نماید.

کمیته حزبی کمون به بحث های عمومی و تبلیغات این سازمان ها جهت توجیه بیان های خود تکیه داشته، از خاید و انتخادات اعضای کمون نیز مقابلاً به رهبری می کند. اگرچه تصمیمات از بالا اتخاذ می شود ولی موضوع جالب این جاست که ماده اصلی برای تصمیم گیری از طریق همین مباحثات و انتخادات که در چارچوب مباحثات انجمن ها صورت می گیرد فراهم می آید، در واقع مقامات اذخواست ها و رویدادها آگاهی یافته و بر اساس همان آگاهی ها اتخاذ تصمیم می نمایند.

در گزاری یک تیپ

رهبران یک تیپ متعلق به کمون «شوانگ - وانگ» از کشاورزان محلی که از میان نمایندگان دسته انتخاب شده و مورد تأیید، کمیته انقلابی کمون، فراز گرفته اند، تشکیل می شود.

«لیوشو-شیان» یکی از موفق ترین رهبران محسوب می شود و همانطور که در داستان مندرج در قصل اول این کتاب آمده است، وی به عنوان فرد «نموده» از شهرت ملی برخوردار است. با این حال، دامستان زندگی شخصی او همانند پساری از کادرهای دهقانی چین است. «لیو» از خاتم اوه دهقان فقیری بود که پیش از سال ۱۹۴۹ زمین خود را از دست داده بود، آنان به عنوان کارگرساده در مزارع دیگران کار کرده، برای تأمین زندگی خود به گدائی نیز روی می آورند. بر اثر حادثه ای پدر «لیو» غوت کرده و مادرش مجبور به فروش دو خواهر و برادر کوچکش شد، علی اصلاحات ارضی، لیو از زمین های ذرا عتی سهمیه ای بدست آورد. سپس رهبر «گروه های یاری دهنده یکدیگر» است. در

سال ۱۹۵۲ نامبرده به حزب گمویست پیوست و طولی نکشد که مدیریت تعاونی ایندائي محلی با او را آگذار شد. وی در این سمت فعالیت کرده بمهمازات گسترش تعاونی به هنگام تشکیل کمون در سال ۱۹۵۸ به عنوان رهبر تیپ و دبیر شاخه حزب برگزیده شد. وی علاوه بر انجام کارهای اداری، بیشتر اوقات خود را صرف کار ددمز ادع می کرد، بخاطر اصرار موکدوی برکشاورزی اشتراکی عنوان «دهقان پیشو» گرفت. وی همچنین تقدیر تأمدهای متعددی از شخصیت‌هایی از جمله چون - لای دریافت کرد که آن‌ها را به دیوار محل کارش نصب کرده بود. علاوه بر «لبو» دلفردیگر عضو «کمیته انقلابی تیپ» می‌باشد که هر کدام از آنان دارای تخصص خاصی هستند که این تخصص‌ها در ارتباط با یکی از جنبه‌های فعالیت تیپ می‌باشد.

در زمان تشکیل کمون، «تیپ لبو» ۱۲۰ خانوار را در بر می‌گرفت. در حال حاضر این رقم به ۳۴۷۶۴ خانوار افزایش گرفته است. این فروزنی از یک سو به عملت عضویت خانوارهای است که در حومه شهرهای نزدیک زندگی کرده، از سوی دیگر نتیجه حرکت افرادی است که برای کار از شهرستانها به روستاهای اعزام می‌شوند. در نتیجه جمعیت کل کمون از ۶۰۰ به ۱۸۰۰ تن رسید، تعداد دستهای تولیدی از ۲۰ ستبه ۲۷ دسته افزایش یافته است. مساحت کل زمین‌های که این تیپ در آن زراعت می‌کند به ۲۵۷۴ هکتار باز است. در سال ۱۹۷۱، در حدود ۱۴۸۰ هکتار زمین‌ها به کشت گندم و ۶۹۵ هکتار از آن به کشت پنبه و ماقی به کشت ذرت، صیبز میتوان، میوه‌سازی-جات اختصاص داده شده بود. «لبو» اظهارداشت که قبیل از اشتراکی کردن می‌ارع، تولید گندم در هر ۱۰ هکتار حدود ۲۰۰ جین بوده است، در حالی که از سال ۱۹۶۵ این میزان به طور متوسط به ۱۱۰۰ «جین» رسیده است. بخشی از این افزایش تولید مدهیون مرکز تحقیقات علمی کشاورزی وابسته به تیپ می‌باشد. این مرکز روش‌های مختلف کشت چرخشی و چگونگی انتخاب

۱) جین، ۲۰۰ بن ابر با ۱ کیلو و ۵۰ گیرون، بر این نامه کیلو است.

۲) کشت چرخشی آن است که به طور مداوم روی زمین کشت می‌شود ولی یک بار بمحصولی کاشته می‌شود که درینهای عمیقی است و یک بار دیگر قادر به یشه عمیقی نیست و در نتیجه زمین آبیش می‌شود.

پذیرا تجربه بدو عرضه کرده است. در نتیجه افزایش حاصل خیزی زمین‌ها، دسته‌ها قادر می‌باشند که هم ذخیره پیشتری داشته باشند و هم مقدار پیشتری غلالات و پنبه به دولت پخروشند.

کار رهبران تیپ برای دسته‌ها دارای اهمیت خاص است، زیرا آنان خدمات اشتراکی و قابلیت‌های اقتصادی را زیر نظرارت خود دارند و از طریق سرمایه‌گذاری‌های آگاهانه و راهنمائی‌های صحیح، می‌توانند مستقیماً برای معیشت کشاورزان عمومی مؤثر باشند. دسته‌ها برای تأمین نیازهای از قبیل تهیه تراکتور، کود شیمیائی، تعمیر ماشین‌آلات و خدمات دامپردازی از کمک‌واری تیپ برخوردار می‌شوند. تیپ باوجه‌ی که از دسته‌ها در بالات‌می‌کند، سازمان‌های مر بوطه را سامان می‌دهد تا بتوانند نیازمندی‌های این دسته‌ها را رفع کنند چنان‌چهه یک کلیتبک دامپردازی برای مواظبت (جوانات بارکشی) از طبیور، خروک، دام و ستوران تأسیس کرده همچنین ۴ گاو شیرده متعلق به دسته‌ها را در یک مجتمع شیرگارانی گرد آورده است. شیر این گاوها از طریق سیر تجاری در شهر «وینان» به فروش می‌رسد، زیرا کشاورزان به خوردن شیر علاقه‌ای ندارند. اغلب «دسته» مختص به شخم ذئب مکانیزه، دارای دو تراکتور است، که در صورت عدم نیاز به آن‌ها در مزارع، جهت حمل و نقل بارهای سنگین از آنها استفاده می‌شود. تعمیر و نگهداری تراکتورها و آلات کشاورزی در کارگاه تعمیراتی متعلق به تیپ صورت می‌گیرد. در این کارگاه‌ها ۴ آهنگر و ۴ تجارت‌مشغول به کار می‌باشند. بدلاً او یک کارگاه کوچک تهیه لیاس مخصوص با ۴ خیاط، یک کارخانه کوچک آجر و کاشی سازی و همچنین یک واحد چنگل کار وجود دارد که این واسد از ۴۰ الی ۵۰ هزار غرس درخت مواظبت می‌کند.

در آمد تیپ از طریق وجود در باغی از طریق دسته‌ای برای اجرای کارهای مدیریت و کمک‌های مالی دسته‌های امور رفاهی و سرمایه‌گذاری تأمین می‌شود، یعنی که از طریق قوق فراهم می‌شود برای پرداخت مزد افرادی که در تیپ به کار اشتغال دارند و هزینه‌های لازم دیگر خرج می‌شود. و در صورت بودن این مبلغ، بخشی از آن برای تأسیس سازمان‌های جدید اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌شود، بخشی دیگر بین دسته‌ها توزیع می‌گردد و مبلغی نیز

صرف خدمات رفاهی می شود . تیپ «لیو» یک مدرسه ابتدائی و کلاس های بیارزه با بی سوادی بزرگسالان را اداره می کند . بعلاوه ، این تیپ دارای بودجه خاصی است برای کمک به سالمدان ، بماران و خانواده های که با موقعیت های اضطراری رو برو شده اند ، به طور مثال برای زنان بیوه منزل ، غذا و لباس تأمین می کند . بعلاوه هک صندوق غذایی وجود دارد که به دسته ها و اشخاص وام می دهد . یک مرکز فرهنگی با یک اطاق مطابعه و یک گروه آوازخوان و رقص غیر حرفه ای نیز برای سرگرم کردن افراد در نظر گرفته شده است . برخی اوقات تیپ ترتیب نمایش فیلم های سیار را نیز می دهد . تیپ همچنین معالجات طبی مردم را از طرق مأمورین سیار خود که به نام «بیشکان پا بر همه » (پیورز) شهرت دارند ، به عهده دارد . «بیشکان پا بر همه » از داروهای غربی و همچنین داروهای چینی برای معالجه بیماران استفاده می کند . در صورتی که بیماری شدید باشد بیمار به کلینیک کمون فرستاده می شود تا از آن طریق دریمازستان (وینان) بستری شود . تیپ «لیو» تمام هزینه های درمانی دهقانان را می پردازد . در برخی تیپ ها هزینه مداوا بین «نیم» و شخص بیمار تقسیم می شود ، با آن که بیمار از نوعی بیمه درمانی استفاده می کند .

تیپ نقشی مهم در زندگی دهقانان دارد با این وصف «لیوشیان» براین عقیده بود که «دسته تو لیدی» مهم ترین واحد اشتراکی به شمار می رود . بد طور کلی رهبران دسته هستند که اغلب اوقات جو اینکری اعضای عادی کمون می باشند نه دیگر کادرهای کمون .

فعالیت دسته ها

« دسته های تولیدی » صاحب زمین ، منابع آب و دیگر وسائل تولید ، ماشین و ابزارهای کوچک تولید و دام های ویژه کشاورزی می باشد . آنها همچنین دارای واحد های مستقل حسابداری بوده ، هر کدام شخصاً مشغول مناقع و ضرر های خود می باشد ، هر دسته دارای یک رهبر است که توسط اعضای کمون و پاتأیید سطوح بالاتر انتخاب می شوند . یکی از این رهبران به عنوان نمائنده حزب مشغول امور سیاسی بوده دیگر رهبران امور مربوط به تولید ،

حسابداری ، تبروهای شبکه‌نظامی و امور زنان را اداره می‌کند.

گروه راهبران دسته بازه بران تیپ در ارتباط می‌باشد و کارهای مریوط به گشت وزرع را سازمان داده ، بر توزیع درآمدها نیز نظارت می‌کند.

به طور متوسط هر یک از دسته‌های واپسی به تیپ «لیو» از ۵۰ خانوار تشکیل شده که جمعیت کل آن به ۲۵۰ نفر می‌رسد . این رقم متوسط جمعیت دسته‌ها در سراسر چین به شمار می‌رود . تعداد مردان اندکی بیشتر از تعداد زنان

است ، در حدود $\frac{1}{3}$ این جمعیت زیر ۱۶ سال است . نیروی کار هر دسته را حدود ۱۰۰ نفرزن و مرد تشکیل می‌دهد ، ولی تقریباً همه افراد دسته سراسر سال به انجام کاری که مزد به آن تعلق می‌گیرد مشغول می‌باشند . مردانی که دارای موقعیت سنی مناسب برای کار می‌باشند ، در حدود ۳۰۰ روز از سال را به کار در مزارع اشتغال دارند . آنان ۴ روز در ماه و یک یا دو هفته برای چشن های سال نو از مرخصی استفاده می‌کنند . فعالیت‌های کشاورزی می‌ماههای نوامبر و دسامبر کاوش می‌باشد . بدین جهت در این ماهها کارهای مریوط به حفر چاه و تسطیح زمین‌ها و پرخه انجام می‌شود . در صورتی که هوا خلی بدبادش ، دهقانان در خانه مانده و به استراحت یا انجام کارهای شخصی مشغول می‌شوند . دهقانان ۸ ساعت از روز را در مزارع اشتراکی کار کرده و قبل یا بعد از ساعت کار روزانه و همچنین در روزهای تعطیل می‌توانند در مزارع شخصی خود کار کنند .

رهبران دسته نظرات کلیه افراد عضو دسته را همیشه خواستار شده بحث و مذاکرات عمومی بسیار انجام می‌شود . مسئله تولید و توزیع درآمد غالباً موضوع مورد بحث را تشکیل می‌دهد . مسئله تولید نیز مریوط به میزان زیستی است که برای کشت هر محصول اختصاص داده می‌شود . در حالی که تولید غلات و پنبه به میزان کافی از نقطه نظر الوبت ملی حائز اهمیت است ، بسیاری از دهقانان خواهان میزان زمین بیشتر برای کشت محصولاتی می‌باشند که ارزش بازار آن بیشتر است . رهبران دسته مجبور به حفظ تعادل میان فشارهای ناشی از طرح‌های زراعت اشتراکی و منافع شخصی اعضای دسته می‌باشند . بحث و تعادل نظر در بازار توزیع درآمد دسته نیز جهت برقراری تعادل میان

منافع اشتراکی و شخصی است . در آمد دسته ازدوم بنع تأمین می شود - از طریق تولیدات و از سود سهامی که « تیپ » در اختیار « دسته » می گذارد . قبل از توزیع این در آمد ، مقداری از آن کسر می شود ، بدین ترتیب که در مرحله اول مالبات کشاورزی باید کسر شود و در مرحله دوم بخشی از محصول بایستی با بر نظام فروش اجباری ، به دولت فروخته شود . این مقدار بر حسب حاصلخیزی زمین و نوع محصول در نوسان است . در صورت خشکسالی دسته می تواند از فروش محصول به دولت حرفظ کند . با این وصف ، فروش اجباری یک ضرر کامل برای دسته به شمار نمی رود زیرا دولت به هر حال برای آنچه که دریافت می کند پول برداخت می نماید ، البته بهایی که دولت می بردازد از بازار آزاد باین تراست .

و بالاخره دسته مجبور به برداخت تمام هزینه های تولید مانند تأمین بذر ، ابزار و وسائل جدید ، تعمیر وسائل ، هزینه های مدیریت و تأمین هزینه های خدماتی « تیپ ها » است .

پس از کسر مقدار مورد نظر در جلد ، در صد در آمد او لیه برای « دسته » باقی می ماند . سپس دسته بایستی تصمیم بگیرد چه میزان از آن را ذخیره و چه مقدار را مصرف نماید . طی بحث های عمومی درباره این مسئله ، کادرها غالباً از ظریه ذخیره به میزان یکشتر دفاع می کنند درحالی که دهقانان عادی طریق مصرف یشتر هستند .

پویی که بدین وسیله ذخیره می شود سالیانه در حدود ۱۵ الی ۲۰ درصد در آمد دسته را تشکیل می دهد . مابقی این دهقاتان بر حسب کاری که طی سال انجام داده اند ، تقسیم می شود .

در روش توزیع در آمد در چین یک نواخت بوده ، در هر ناحیه متفاوت می باشد ولی کم و بیش از دوروش استاندارد در تمام کمون ها پیروی می شود که عبارتند از تعیین امتیاز کار و تعداد روزهای کار . در کمون شوانگ وانگ ، هر دهقان بر اساس نوع کاری که انجام می دهد و مقدار وقتی که صرف آن می کند امتیاز می گیرد . بدین ترتیب با بر یک قانون کلی ، دهقانی که تمام روز را صرف کود دادن مزرعه می کند ، امتیاز بیشتری تسبت به دهقانی که فقط در یک بعد

از ظهر مزاعده‌ای را وجد کرده است بدست می‌آورد. با این وصف در اغلب موارد شخص ارزش‌انواع مختلف کار و تعیین معیار صحیح برای آنها مشکل است. بطور مثال، این سؤال پیش می‌آید که آیا امتیاز بیل زدن می‌تواند برابر با خرمن کوبی باشد؟ یا امتیازی که به شخص من تن و ضعیف تر برای حفر زمین داده می‌شود می‌تواند برابر با امتیازی باشد که به شخصی جوان تر و قوی تر داده می‌شود. ممکن است این نوع از طرق دور حله حل می‌شود؛ ابتدا حساب دار (دسته) نظر ارش تمام کارهای انجام شده توسط یک دهقان را ثبت می‌کند، سپس در فو اصل معین جلسات علی تشکیل می‌شود تا امتیازات همگنی برای کاری که انجام داده‌اند، ارزشیابی شود، این ارزش باید بر اساس توافقی‌های فردی و نیز با توجه به معیار ایجاد قبول درباره نوع کار صورت می‌گیرد. در صورت هر گونه اشکال یا شکایتی، بحث و مذاکرات عمومی جهت رسیدگی به آن بعمل می‌آید، در برخی اوقات، امتیازاتی که به شخص داده شده است، تکیه‌ای چگونگی رفتار و واکنش او نسبت به کارش و همچنین تعهداتش به حزب کموئیست می‌باشد و از سوی دیگر عاملی است برای ایجاد انگیزه در دهقانان و تعمیم افراط و عقاید حزب کموئیست در روتاناها، با این حال، از زمان انقلاب فرهنگی، تاکنون ارتباط دادن نظام تغییر می‌دان کار انجام شده توسط یک دهقان با کیفیت هم-بسگی و تعهداتش به حزب کموئیست مورد انتقاد قرار گرفته است و این از تباطر رایاً عیاش اندام اصل به هر کس نایر کارش، واقع است. بعد از آن که امتیاز کار انجام شده توسط یک دهقان شخص می‌شود، کلیه امتیازات داده شده به «روز کار» بر حسب «امتیاز برای هر روز تبدیل می‌شود، در پایان سال، حساب دار (دسته)، در آمد دسته را بر حسب مجموع تعداد «روز کار» که توسط تمام اعضا دسته انجام شده است، تقسیم می‌کند. این ترتیب ارزش هر «روز کار» تعیین می‌شود.

سپس دهقانان بر اساس تعداد «روز کار» که طی سال انجام داده‌اند، مزد دریافت می‌کنند. ارزش هر «روز کار» از «دسته» به «دسته» و از محصل بدهمصول در نوسان است، در تیپ «ایو» در سال ۱۹۷۱ بعضی دسته‌ها ۰/۰۸۰، «یوان» و برخی دیگر ایوان با پیشر می‌بردارند. پرداخت دستمزد بددهقان بهدو صورت نقدي و غير نقدي و در دو مرحله

میگیرد، در بهار و در پائیز قسمتی از پرداخت‌های غیرنقدی مدد معاش است برای رفع نیازهای اولیه و به تمام دهقانان اعم از این که به حد تصادف تعین شده کار انجام داده باشد پرداخت می‌شود، مابقی پرداخت بستگی نام به کار انجام شده دارد. در کمون شوانگ - وانگ در سال ۱۹۷۱ متوسط پرداخت سرمایه عبارت بود از ۴۰ جین خله، ۲ جین پنهانگام ۵/۵۰ فوت پارچه نخی، اجناس دیگری که عرضه شدند مشتمل بود برگشت. سبزیجات متوخت (نفت سیاه) و روغن آشپزی، ارزش نقدی این اجناس برای هر خانواده به ۲۰ «یوان» می‌رسد. در آمد نقدی یک دهقان با توانایی متوسط «۲۸۰+» یوان بروحت جمعیت کل «تب» در آمدسرانه حاصل از کار اشتراکی به ۱۲۰+ «یوان» می‌رسید. این رقم البته این حقیقت را پنهان نسی کرد که برخی خانواده‌ها با تبروی کار پیشتر، از درآمد بالاتر تسبت به خانواده‌های با تبروی کار کمتر برخوردار بودند.

دهقانان شوانگ - وانگ از طریق انجام کارهای فرعی یا کشت در زمین‌ها و مزارع خصوصی به درآمد خود می‌افزونند. کارهای فرعی عبارت بود از یافتن سبد و کلاه حصیری، دونخن لباس، پروردش خونک، مرغ و مرغابی، جمع آوری گجاها طبی و این نوع.

حاصل این فعالیتها به شرکت تعاونی «تب»، عرضه شده یاد ریازاد آزاد فروخته می‌شود. مزرعه خصوصی جزو اموال «دسته» به شمار نمی‌رود ولی برای استفاده خصوصی به دهقانان واگذار می‌شود. هر عضو کمون صرف نظر از سوسالش یک بارچه زمین واگذار می‌شود ولی برای مجموع افراد یک خانوار حد تصادی وجود دارد.

ساخت این زمین به مرغوبیت خالد و تصمیمات «دسته» بستگی دارد. بطور کلی زمین‌های واگذاری تبایستی از درصد کل زمین‌های زراعی «دسته» تجاوز کند. دهقانان در این زمین‌ها سبزیجات خوراک دام و محصولات مزارع خصوصی در بازار آزاد باشد، چهل می‌آورند. ارزش غذائی محصولات مزارع خصوصی حائز اهمیت است ذیرا این مزارع، سبزیجات تازه برای دهقانان تأمین می‌کنند. «لیو» تخمین زد که در آمد متوسط از مزرعه خصوصی اش به حدود ۱۰ «یوان» می‌رسید و این رقم دهداری در آملش از کار در مزارع اشتراکی بود.

از نظر اقتصادی، قابلیت‌های فرضی مزارع خصوصی دهستان کمکی است به عرضه اجناس در بازار رسته‌ها و به عرضه تخم مرغ و سبزیجات در شهرستان‌ها و عرضه مواد خام مانند توتوون به صنایع کشود.

نقطه عطف‌ها و درگیری‌ها در گمون

اگرچه طی ۱۶ سال گذشته، گمون «شو انگک - وانگک» از ثبات پشتربی برخوردار بوده ولی هنوز در گیر مسائل گوناگون می‌باشد. اغلب این درگیری‌ها و اشکالات دراز نیاط با مسئله حفظ تعادل بین اقتصاد اشتراکی و مالکیت فردی مجاز یا توجیه سلسله مراتب درداداره امور می‌باشد. از آنجائی که حرب کمونیست دائم ازوم اقتصاد اشتراکی را مورد تأکید قرار می‌دهد، کادرها درباره اخذ تصمیماتی که از دیدگاه حزب مشوق گرایش‌های سرمایه‌گذاری به شمار آید، بسیار محتاطانه رفتار می‌کنند. ازسوی دیگر تجزیه نشان داد در صورتی که دهستان از فعالیت شخصی محروم شوند، انتقام آنان از بین رفته و درآمد بازار و رسته، کاهش می‌یابد. نمونه‌های ذیر که از وسائل ارتباط جمعی چنین منتشر شده است، نشان می‌دهد که این مسائل چنگونه وجود آمده و چنگونه به آنها رسیدگی می‌شود:

در اکتبر ۱۹۷۲، «کمونی» در استان «فوکین»، گزارش داد که مسئله تضاد اشتراک و قردادت را حل کرده است. ظاهراً بعد از نقض گرفتن «انقلاب فرهنگی» تعدادی از کادرها برای افزایش سطح مالکیت اشتراکی کوشش - هاتی را آغاز کردند. آنان تمام درختان میوه‌را که در مزارع خصوصی دهستان به عمل آمده بود، خصمیه مالکیت اشتراکی کردند. این کار منجر به ایجاد حسن عدم اطمینان در دهستان و کاهش تولید میوه شد. «کمیته حزبی بخش» به کادرها خاطر نشان ساخت که آنان بایستی هم سیاست ملی را در گمون‌ها رعایت کنندو هم به موازات آن دهستان را به انجام کارهای فرعی و خصوصی تشویق نمایند. کمیته مزبور درباره درختان میوه دهستان چنین خطمشی تعیین کرد: درختان میوه زمین‌های شخصی به صاحبان آنان تعلق دارد. محصول این درختان ثروت ملی درآمد اعصاری گمون را بالامی برد. و به موازات آن آموزش

اجتماعی اعضای کمون و قوه ابتکار آنان را در کشت و کار برای انقلاب چن افزایش می دهد . چنین فعالیت هایی زیانی به تولید اشتراکی وارد نمی کند»، بدین ترتیب برخلاف تأکیدات ظری در چارچوب مردم سوسیالیسم ، کمیته عملا برخی فعالیت های خصوصی را برای دهقانان مجاز داشت.

در همان زمان مثلاً مشابه دیگری در استان «کریم» نیز مطرح شد و آن عبارت بود از حقوق افزارمندان، مانند آهنگران، نجاران و بنادر ای که در خارج از تپ تولیدی شخصاً نیز فعالیت می کردند. طی «انقلاب فرهنگی» به موجب مقررات خاصی، کار خارج از تپ منع شد و آن را قدمی در «جاده سرمایه گذاری دانستد»، ظاهراً قبل از «انقلاب فرهنگی» افزارمندان مزبور کارهای اشتراکی را نادیده، تکرته مجاز بودند بهر جا که بخواهند رفته، کار کنند و حظ درآمد شخصی برای آنها مطرح بود. در پیاد ۱۹۷۲، رهبران «تپ» مجلداً به آنان اجازه خصوصی دادند.

بس از بحث های طولانی درمورد برقراری نوعی تعادل بین انگیزش های فردی و منافع جمعی، کمون این خطمشی را تعیین کرد:

«دسته های تولیدی» به عنوان تعیین میزان کار انجام شده باستی برای کاری که افزارمندان در خارج از حوزه دسته خود انجام می دهند بر حسب پیشه و مهارت شان امتیازاتی بالاتر از امتیازات اعضای عادی کمون در نظر نگیرند. بیشتر در آمدی که افزارمندان از طریق کار خصوصی بدست می آورند باستی به «دسته های تولید» تحويل دهند و فقط مقدار کمی از این درآمد را بابت استهلاک ابزار و آلات مورد استفاده برای خود نگهداشتهند».

نمونه دیگری از استان «پل اوینگک» در زانویه ۱۹۷۳ مثلاً را به طبق دیگری مطرح ساخت. طی سه میان ویش از سال ۱۹۷۳ کمون ها در شهر کی دست پسرمایه گذاری گسترده ای در زمینه حفر چاهها، کانال های آبیاری و ساختمان زدند. به حال کادر های کمون به طریقی دلخواه و ظایف و هزینه های لازمه جهت اجرای طرح ها را به کادر های تپ واگذار کردند. از آنجا که اعضای تپ به حد کفاایت از این اقدام منفع نشدند، در حالی که می تو انتند در اقدامی مشابه برای خودشان منافع بیشتر بدست آوردند، شورو شوق برای

فعالیت فروکش کرد و روند تند فعالیت بهستی گزید.

بالاخره، «کمیته حل بی بخش» جلسه‌ای مربوط از کادرهای کمون تشکیل داد و در آن جلسه خاطر نشان ساخت که اصول شرکت داوطلبانه و منافع مادی باشی در نظر گرفته شود، از آن تاریخ به بعد کادرهای کمون بر حسب منافعی که پذست می‌آوردند و بر اساس میزان نیروی کار تبعیها، درآمد حاصل را بین تبعها تقسیم کردند و برای تبعهایی که در انجام کارهای طرح شرکت گرده منافعی نداشتند، امتیاز استدیکتر قائل شدند، بدین طریق بین واحدهای اشتراکی مقاومت همراهی وجود آمد. وسائل ارتباط جمعی در گز ارشهای متعددی مسائل ازین گونه را طرح گرده و چگونگی مواجهه با این مسائل را ارائه می‌دادند، برخی اوقات نمونه‌هایی از فساد و اختلاس کادرها و سوء استفاده آنان از سازمان‌های اشتراکی مشاهده می‌شد که در وسائل ارتباط جمعی منعکس نمی‌گردید. البته استاد محترم‌نایابی که توسط ناسیونالیست‌ها در سال ۱۹۶۴ رهبر شده حاکمی از آنست که این کادرها عورت بازجوئی رسمی قرار گرفته و مجازات شده‌اند.

خانه یک روستائی

دیگر گونی نهاد روستائی از سال ۱۹۴۹ روش زندگی خانواده‌های روستائی را تغیر داد. اگرچه در زمینه اثای مالکیت فردی حزب دچار خطاها وستی‌هایی گردید ولی این تردید می‌توان گفت که چین در ۴۵ سال گذشته شاهد توزیع بیکسان‌تر تر روت در روستاها بوده است. مطلع زندگی بالا رفته، سازمان کمون‌ها نیز منافع اجتماعی دهقانان را افزایش داده است.

درآمد خانواده از کار اشتراکی و فعالیت‌های محدود فردی تأمین می‌شود، فشار اجتماعی و مقررات کمون همواره برای کار اشتراکی الیت قابل شده و دهقانانی که بیشتر متوجه کارهای شخصی شود می‌باشند، با منوعیت‌های سختی زور و گشته، مورد بازخواست سیاسی قرار می‌گیرند. با وجود آن که خانواده‌های بزرگتر که به لحاظ برخورداری از نیروی کار بیشتر از دو منبع کار اشتراکی و کار شخصی بر اتب درآمد بینتری نسبت به خانواده‌های

کوچک‌تر حاصل می‌کنند. با این وصف تمام اعضا خانواده از پیر و جوان به منظور افزایش درآمد خانواده به کار اشتراکی اشتغال دارند، با آن‌که کارهای روزمره خانه را انجام می‌دهند تا بیگر اعضا خانواده به تواند بر احتیت در خارج از منزل غایل است کنند. بعضی از اعضا بسیاری از خانواده‌ها نیز در کارخانه‌های شهری به کار اشتغال دارند. دستمزد این افراد از درآمد حاصل از کار در مزروعه بیشتر است و بهمین وجهت بسیاری در جستجوی کار در کارخانه‌ها می‌باشند.

برای یک خانواده، تهیه مسکن بالاترین رقم هزینه را تشکیل می‌دهد. مسکن متعلق به خانواده است و بهای آن را از پس انداز خود یا از طریق وامی که از جانب تپه‌ها دریافت می‌کند، می‌پردازند.

قیمت یک خانه برای پامزد متوسط ۱۲ الی ۳ سال کار یک فرد سالم است. از سال ۱۹۶۹ بنای تازه و تجدید بنای خانه‌های روستائی قرام‌گرفته است ولی همه خانه‌ها همان شیوه سننی خود را حفظ کرده است. پس از آنکه ساخت‌مان یک خانه تمام شد، مخارج دیگر آن بسیار ناچیز است. بقیر از برق، البته در صورتی که در خانه وجود داشته باشد، هزینه‌های دیگر به خانه تعلق نمی‌گیرد. پوشش افراد خانواده نیز تا حدودی از درآمد پنهان توزیع شده توسط دستهای تأمین می‌شود. دیگر مایحتاج از فروشگاه کمون خریداری می‌شود. در حالی که پارچه‌های ماشینی جانشین پارچه‌های دستباف می‌شود، ولی روستاشبان‌هنوذ علاقه‌ای به لباس‌های دوخته شده و آماده نشان ندارد. غالباً زنان کارهای دوخت و دوز را انجام می‌دهند. آنان همچنین از شاهدانه و پنهان کفش ساخته و از خیز ران نیز کلاه حصیری و بارانی درست می‌کنند. کفش‌های لاستیکی و بالا-پوش‌های پلاستیکی اخیراً بسیار ایجاد شده است.

سوخت برای ایجاد حرارت و آشپزی از بقایای ساقه‌های برنج و چوب، ذرت تأمین می‌شود. برخی اوقات کمون‌ها دارای معادن کوچک ذغال‌سنگ می‌باشند که محصول آن بین افراد توزیع می‌شود و گاه درختان برای نهیه همیز، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. سوختی که بدین طریق بدست می‌آید جزو بخشی از درآمد خانواده حساب می‌شود. غذا کاملاً از طریق کشتزارهای اشتراکی یا مزارع اختصاصی تأمین می‌شود. بقیر از نملک، سرکله، آدویه و مواد

غذائی او کس مانند شکر و شیر یعنی میزان خرید از مغازه‌ها بسیار ناچیز است. نظر به این که هیچگونه مقدار ای درباره ساختن شراب وجود ندارد، دهقانان به آسانی شراب خانگی درست می‌کنند. با این وصف نوشیدن مشروبات الکلی مورد پسند عالم نبوده و فقط طی مراسم و چنین‌های خاص توسط مسلمانان نوشیده می‌شود.

گرچه واشنگتگی‌های متی یهخانواده و محل زندگی هنوز ادامه دارد، ولی نظام کمون انجام تعهدات و وظایف خانوادگی را تا اندازه‌ای باشکال رو برو کرده است، چنانچه به خویشاوندان دیگر نمی‌توان کمک کرد و یا به آنها شغل داد، امور بازار نیز دیگر بستگی به ارتباط و تماس افراد نداشته، با بودن خدمات بپهلاشتی، رفاهی و مدرسه و وسائل سرگرمی در کمون‌ها، دهقانان به خانواده و خویشاوندان خود دیگر اتنکا ندارند، ولی در داخل خانواده برخی سنت‌ها هنوز مراوغاتی شود در حالی که انقلاب روحیه جوانان و مهارت‌هایی فنی و تئیز نوع برخورد آنان را باسنن گذشته دیگر گون کرده است، لیکن در داخل خانواده‌ها افراد مسن و مسلمانان هنوز هم از عزت و احترام بسیار برخوردار می‌باشند و اغلب تصمیمات مهم از جاتب آنان اخذ می‌شود. گرچه زنان برای کسب تساوی حقوق تلاش و مبارزات زیادی انجام داده‌اند، ولی مردان نیام امتیازات اجتماعی خود را کاملاً از دست نداده‌اند، و هنوز پسران به دختران ترجیح داده می‌شوند. با اینکه قوانین و مقررات خاص برای ازدواج وجود دارد، ولی ازدواج‌های سنتی در جامعه چین ازین نظره است، روش تربیت کودکان نیز ازین نظره است و از آداب و رسوم گذشته تبعیت می‌کند و هنوز هم در بسیاری از کمون‌ها کودکانی مشاهده می‌شوند که لباس و آرایش آنان دال برخراشی بودن والدینشان می‌باشد. البته ریشه کن کردن نام سنت گذشته نیاز به زمان طولانی دارد ولی در حال حاضر می‌توان^{*} گفت که به رغم تحولات و دیگر گونهای اخیر، نفوذ و تأثیر الگوهای فرهنگی گذشته کماکان کوشش در حفظ موجودیت خود دارد.

زندگی شهری

چین یکی از کشورهایی است که بیشترین جمعیت شهرنشین دارد است در حدود ۱۳۰ میلیون نفر در شهرها و شهرستانها زندگی کرده، در بخش‌های صنعتی، اداری، آموزشی و فرهنگی به کار اشتغال دارد. از سال ۱۹۴۹ راهبران چین متابع بسیاری را به ایجاد مرآکز جدید صنعتی و بهبود کیفیت زندگی شهری اختصاص داده‌اند و امروزه دولت چین از طریق صنایع و خدمات شهری نقش عمده‌ای را در تلاش‌های دولت برای تحولات اقتصادی بهبوده‌گرفته است. با این وصف، چینی‌ها دائمًا حاطر نشان می‌سازند که شهرها نبایستی ثروت و خدمات اجتماعی کشور را عرقاً در انحصار خود در آورند. صنعت هایستی در خدمت کشاورزی یا شد و کوشش‌های بسیاری هایستی بعمل آید، تا اختلاف سطح شدیدی بین زندگی روستائی و زندگی شهری بدیدار نگردد. برخی اوقات حزب کمونیست اقداماتی برای اعزام بیشک، آموزگار، و منخدضین به روستاهای بعمنظور تعمیم استعدادهای جامعه روستائی انجام داده است و در ضمن به منظور متوقف ساختن موج حرکت روستاشبان به شهرها و

همچنین جلوگیری از افزایش رشد جمعیت شهری کوشش بسیار بعمل آورده است. حزب کمونیست مبارزه و تلاش خود را تحت لوای انهدام اختلافات سه‌گانه، انجام داده است که آنها عبارتند از: اختلاف بین شهر و روستا، بین کارگر و دهقان، و بین کار فکری و کار بدنی؛ بدین ترتیب بد رغم جاذبه‌های زندگی شهری چنین‌ها در حفظ تعادل بین شهر و روستا کوشامی باشد از دیدگاه آنها، شهرها بایستی رهبری پیشرفت و ترقی کشور را تأمین کنند و نبایستی حاصل آنرا صرفا برای خود درو کنند.

انقلاب در شهرها

نظرات و عقاید انقلابی و تکنولوژی ارای اولین بار در قرن نوزدهم به دنبال پیگانگان و تجاری که بیور اسلحه در سواحل کشور قدم گذاشتند، به شهرها رخنه کرد. در اینجا جامعه چنین که تحت سلطنت قدرتهای خارجی بود، در رشد و بلوغ زندگی شهری خود موفق نبود و این وضع پس از سال‌های ۹۳۰-۱ یعنی هنگامیکه حزب کمونیست به پایگاههای روسانی خود عقب نشینی کرده و نیروهای انقلابی که نطقه آنها در داخل شهرها بسته شده بود تو اتستند خود را با حقایق زندگی چنین بطور مؤثر تطبیق دهنده، ادامه داشت. کمونیستها تا لحظه پیروزی خود در سال ۱۹۴۹ هرگز به شهرها بازنگشتند. از دیدگاه آنان، شهرها فقط مرکز فساد و تنفس امپریالیستی و ایدئولوژی سرمایه داری محض می‌شد. آنان خواستار تحول بنایی در ساخت فرهنگی و اجتماعی شهرها بودند.

کمونیستها هنگامیکه بقدرت رسیدند وارت دونوع شهر کاملاً متفاوت از یکدیگر شدند. شهرهایی که در درون چن از نفوذ خارجی بدور مانده بودند شهرهایی که وضع طبیعی آن پادآور مبدأستی چنی‌ها بوده، برج و باروهای قدیمی، شکل بندی خیابانها، ساختمان‌های بزرگ قدیمی متعلق به دوران‌الاری عظیم امپراتوری و معابد کنفیووس و بازارهای قدیمی وغیره همگی از ویژگیهای سنتی آن‌ها به شمار می‌آمدند. گرچه بسیاری از این شهرها زمانی مراکز عمله تجاری به شمار می‌رفتند، ولی هیچیک از آن‌ها به استقلال سیاسی و اقتصادی

دست بیافته بودند، تا قبل از سال ۱۹۴۹، دوران طولانی جنگ و مبارزه را بطری از آن‌ها را با جامعه روستائی قطع کرد. این شهرهای تبدیل به راکر اجتماع مالکین غایب شد و در چنین وضعی سازب کمونیست کوشش‌های خود را برای ایجاد صنایع جدید و خدمات شهری آغاز کرد.

برخلاف شهرهای عقب مانده وستی، شهرهای وسیع و پر فرهنگی در شمار مرکز نفوذ و تسلط قدرت‌های خارجی محسوب می‌شد. این شهرها از بسیاری جنبه‌های سرتاسری شهرهای سرپلک کشیده بسیک کاملاً غربی، خیابان‌های مبلو از کامپیون، تراموا و اتومبیل، مرکز وسیع صنعتی و خانه‌های زیبا و باصفای حومه آن همگی نفوذ و گسترش غرب را یکجا باد می‌آوردند. بسیاری از این مظاهر هنوز در شهرها باقیمانده است که پادآور دوران تسلط امپریالیسم در چنین قبل از سال ۱۹۴۹ می‌باشد. مرکز تقلیل این شهرها حوزه‌های تجاری بود که در آن ساختمان‌های بزرگ، بانک‌ها، شرکت‌های تجاری و کارخانجات بنانده بود، خدمات شهری مانند مدرسه، بیمارستان، تلفن، فاضلاب و آب آشامیدنی کم و بیش در این شهرها یافت می‌شد. ولی بهترین امکانات زندگی شهری فقط در اختیار خارجیها بود و فقط خارجیها و چنین های تروتمند امکان دسترسی به آنها را داشتند. تعداد کثیری از مردم بیکار و در ناحیه قبیر نشین شهر متهر کر شده، یا یکلی غافل مسکن بودند، «شانگهای» بهترین نمونه این نوع شهرها محسوب می‌شد، چنانچه طی سال ۱۹۴۹، اجداد ۵۹۵ تن فقط از خیابان‌های تحت کنترل پلیس‌های خارجی جمع آوری شد. دو سال بعد، این رقم به ۷۷۶ ۲۰ جسد افزایش یافت. جنایت و فساد چنان دایع بود که اداره فاحشه خانه و آدم دزدی نوعی کسب و کار به شمار می‌رفت، تصاد بین تروت و ققر بسیار چشمگیر بود و گرایش شدید افراد به کسب درآمدها و منافع مهل. الوصول مستویت‌های اجتماعی را روز بروز تنزل می‌داد. بدین ترتیب شهرهایی با این ویژگیها، کمتویستها را با مسائل پیچیده و غامضی رو برو ساخت که ضرورت راه حل‌های اضطراری را ایجاد می‌کرد.

صنایع شهری نیز نیاز به توجه داشت. قبل از سال ۱۹۴۹، مجموع کل تولیدات صنعتی هر گز از میزان ۱۰/۵ درصد تولید داخلی بالاتر نرفته

بود، رفاقت خارجی، سرمایه‌گذاری و نظارت هیچکدام در راه منافع چین کامی مثبت برنداشته بودند و اغلب کارخانجات فقط مواد مصرفی مانند پارچه‌های نسخی، سیگار، کپریت، کتسرو تولید می‌کردند. در صنایع سنگین میزان سرمایه گذاری ناجیز بود، تقریباً تمام ماشین‌آلات و مواد اولیه اساسی مانند فولاد از خارج وارد می‌شد. نظارت خارجی نیز الگوی رشد صنعتی را در داخل دچار اختشاش کرده بود، اغلب صنایع جدید در سواحل شرقی و در شمال شرقی کشور متصرکر شده بود. در «شانگهای» به تنها نیمی از تمام کارخانجات مکانیزه چین تمرکز یافته بود. خطوط مساقیری برای استفاده عموم دیده نمی‌شد و فقط مراکز با امکاناتی محدود به یکدیگر ارتباط می‌یافت. به علاوه اغلب کالاهای صنعتی فقط در بازار شهرها به فروش می‌رفت، اگرچه محصولات کشاورزی برای شهرها حیاتی بود، ولی تولیدات صنعتی متفاوت راهی بسوی روستاها نداشت و هیچگونه بازار و روش انتقال صنعت را به تحرک و اداره بوجود نیامده موجود نداشت.

علاوه بر کمبودها و نارسانی‌هایی که بر شمرده شد کیفیت ضعیف مدیریت، بریزه در کارخانجاتی که صرفاً تحت مدیریت چینی‌ها قرار داشت برشد مشکلاتی افزود و تمایل به کسب منافع کوتاه مدت و سفتۀ بازی نیز جریان سرمایه را از راه ترقی و گسترش منحرف می‌ساخت. ارتباط بین مدیر، سهامدار، مباشر و مرکار گریزتر می‌شوند، بر اصل مستقیم وفاداری و تعهد بود تا براساس معیارهای غیرخصوصی و کارآئی، تخصص، مزد و هزینه، بدینجهت استثمار زنان و کودکان که در شرایط بسیار بد، بازدید پائین و برای ساعت طولانی مجبور به کار بودند، نیز عادی به نظر می‌رسید. این وضعیت جامعه‌را دچار فقر و فاقه شدیدی کرده، بهلاوه نیروی کار ارزان و دستمزد پائین منافع از داشت صنعتی و بکار گیری ماشین‌آلات در کارخانجات بود. بدین ترتیب، کمویستها نهادها با یستی به اقتصاد کشور سروصورتی داده و تورم را متوقف نمی‌نمایند، بلکه مجبور به ایجاد اصلاحات صنعتی نیز بودند. شهرها مزایای اقتصادی و سیاسی زیادی را به کمویستها عرضه می‌کردند، ولی کمویستها با یستی در ابتدا یاد می‌گرفتند که چنگوته از آن‌ها استفاده بزند و بدچه طریق برمسائل مشکلات موجود آن زمان غایق آیند.

دستور گونی سوسیالیستی

در سال ۱۹۴۹، تشکیل نظارت و کنترل بر شهرهایی که از طریق اشغال نظامی، قطع شده بود و همچنین به کار آنداختن چرخهای اقتصادی این شهرها در درجه اول اهمیت برای کمونیستها فراز گرفت. در اغلب نقاط «کمیسیونهای نظامی نظارت امور» که از رهبران حزب واردش تشكیل شده بود، اداره امور را به دست گرفت. این کمیسیونها وظیفه داشته تا مقاومت‌های اقتصادی و سیاسی جامعه را در مقابل رژیم جدید نابود کرده، همچنین جرائم و جنایت را به حداقل برسانند. کمیسیون در مواجه با امور دیگر کم ویش انعطاف پذیر به نظر می‌رسید. تبروهای تقویتی برای حل مشکلات مخصوص تشکیل شده بود و از افراد اداری؛ تجاری و مدیران دعوت شد که کار خود را مجدد آجون سابق آغاز کنند، مشروط به آنکه در مقابل رهبرانها و نظرات صاحبان قدرت سره‌اطاعت فرود آورد. در اموری که فاقد حساسیت‌های سیاسی و فاقد نیاز بهارهای فنی بود، کمتر ضرورت مداخله حزب کمونیست احساس گردید. با این وصف، فعالیت حزبی و جلب اعضای پشت در شهرها بتدبیح گشترش بافت و ساختمان حزبی و دولتشی شکل رسمی تر به خود گرفت، ادارات شهرداری با دفترهایی از قبیل انتبه عمومی، بازدگانی، آموزش، صنعت و کاریابی جانشین کمیسیونهای نظامی می‌پرورد. تا سال ۱۹۵۲ به لحاظ تلاش‌های حزب پهلوی‌کلی در وضع اقتصادی پدیدار شد. و حزب در موقعیتی قران گرفت که می‌توانست چنین را به سوی «دستور گونیهای سوسیالیستی» به حرکت در آورد. و این هدف از طریق سوسیالیستی کردن اقتصاد جامعه با انتقال مالکیت صنعتی، تجاری مدیریت به دولت و به وسیله تجدید سازمان نهادهای اجتماعی بمنظور تطبیق آن‌ها با تپاز تازه اقتصادی و سیاسی کشور صورت می‌گرفت. فساد و عدم کارآئی حکومت ملی ناسیونالیست‌ها فضای مناسبی برای فعالیت کمونیستها وجود آورده بود. حتی سرمایه‌داران نیز از بسیاری از اندیشه‌های اصلاح طلبانه و اقدامات اصلاحی کمونیست‌ها حمایت به عمل آورده‌اند، لیکن حزب فاقد تجریب، تبروی کار و نهارت‌های لازم برای تحقق هدفهای خود بود، بدینجهت

حزب ازدواسترازی برای رسیدن به مقصود استفاده کرد. طی پلک مرحله انتقالی از یک سو به سرمایه داران امکان آن را داد که بتوانند مجدداً نعمایت خود را ادامه دهند و از سوی دیگر به عقاید و اراداتی اجازه عرض وجود داده و کوشیدن از تجزیات شوروی در سوسایلیستی کردن کشور بهره جوید.

کمونیستها از مدتها پیش از دست یابی به قدرت، نوعی فعالیت‌های سرمایه داری را به منظور تحولات اقتصادی پذیرا شده بودند. پیروی از این سیاست انعطاف پذیر یا کمونیست‌ها امکان داده بود تا در مبارزات اشان علیه ناسیونالیستها حامیان بسیاری برای خود کسب کنند. بعداز سال ۱۹۴۹ تبلیغات کمونیستی بر برخی جواب سودمند فعالیت‌های اقتصادی خصوصی تأکید ورزید. دولت نویا غلیرغم وضع مقررات جدید، راه را تا اندازه‌ای برای کارهای سرمایه داری باز نگهداشت. لیکن مقررات جدید در باره ساعت‌کار تجهیلات رفاهی، حقوق اتحادیه کارگری، دستمزده، میزان بهره، سود و تجارت خارجی همگی فضای فعالیت سرمایه داری را درگزینیده بودند. ومهمنتر از آن، بسیاری از صنایع عمده، تجهیلات عمومی جز خدمات حمل و نقل نیز تحت نظر ادارت دولت درآمده و این خود سیاست کلی اقتصادی کشور را تحت الشاعر قراردادند، به موازات این اقدامات، برنامه مشارکت کارگران در مدیریت کارخانه‌ها و تجهیز سیاسی کارگران از طریق اتحادیه‌های کارگری آغاز و موقع سرمایه داران راست و متزلزل ساخت. تحولات مزبور علی دومبارزه دد اوآخر سال ۱۹۵۱ و اوایل سال ۱۹۵۲ به اوج خود رسید.

اوین میازده که به عنوان ضدیت سه گانه شهرت یافت برای سرکوبی فساد، اسراف و کاغذبازی در داخل حزب و دولت درگرفت. پیداین این نواقص ناشی از پی تجربگی حزب و تاحدوی ثمره دیوان‌سالاری‌های گذشته بود که مانع از هر گونه تغییر و تحولی در شیوه کارها می‌شد. بهطور مثال، در «شانگهای» پیش از ۹۵ درصد مقامات دولتی در زمان حکومت ناسیونالیستها، هنوز بر سر کار بودند. دونین میازده که بنام «ضدیت پنج گانه» مشهور شد، نوک تیز حمله را متوجه سرمایه داران و ریشه‌کن کردن از اشان، جلوگیری از قرار پرداخت مالیات، اختلاس، جعل در قراردادهای دولتی و سرفت استاد محروم‌انه اقتصادی دولت کرد. حزب برینکنوختی و وحدت تبلیغاتی تاکید پیشتر تعدد

سازمانهای سیاسی منشکل از کار گران تأسیس کرد. این سازمانها جلسات عمومی تشکیل داده وطی آن از رؤسای و جرایم آنان انتقاد می‌کرد. آنها همچنین پوسترهاي در خیابان‌ها نصب کرده، و گروههای بازرسی جهت ثبوت و عرضه کردن دستاوردهای خود تشکیل دادند. با این حال، تعداد کمی از سرمایه داران زندانی شدند و دولت آنان را اغلب به مجازات‌های مالی مانند پرداخت جریمه‌نقدی یا پرداخت مجدد مالیات محکوم ساخت. این واکنش‌ها باعث ضعف و فتور شرکت‌ها و کارخانجات شده و آنها را مجبور کرد که بیش از پیش از روام دولتی استفاده کنند که این خود نیز عاملی برای دولت در کنترل امور بود. به علاوه، سیاست و مقررات جدید برای مقاطعه کاری، استفاده از مواد خام و دادوستده امکانات فناوری‌های فردی را محدود و محدودتر ساخت.

به هر حال کوتاهی و تصویرهایی که توسط سرمایه داران خصوصی صورت می‌گرفت موجب شد که دولت در زمانی هرچه کوتاه‌تر اقتصاد مختلط را پایان بخشد. طی سالهای بعد، گسترش سریع صنایع دولتی منجر به فرمایش بخش خصوصی شد. در قاصده سال ۱۹۵۲ و سال ۱۹۵۵، ارزش تولیدی صنایع خصوصی از ۴۲ درصد به ۱۶ درصد مجموع تولیدات صنعتی تنزل یافت.

سرمایه داران در مقابل سازمانهای حزبی و اتحادیه‌های کارگری سرتسلیم فرود آورده و بدون تأیید و تصویب قیلی آنها نمی‌توانستند کوچکترین تصمیمی اخذ کنند. بالاخره در سال ۱۹۵۶، تمام شرکتهای خصوصی به شرکت‌های مشترک دولتی - خصوصی تبدیل شده و در توجه این تغیرات و تبدیل «مالکیت و مدیریت آنها» به دولت و اگذار شد. سرمایه داران به عنوان کارمندان حقوق پنجم دولت کار کرده و فقط حق برداشت ۵ درصد سود ثابت از سرمایه اولیه خود را داشتند. برخی از سرمایه داران غنی تر تو اanstend در مقابل شرکت‌های مقاومت کرده و موقع خود را به عنوان میلیونر تأسیل ۱۹۶۶ حفظ کنند، البته آنان فاقد هر گونه قدرت اقتصادی بوده، از پول خود هیچ استفاده‌ای نمی‌برایند خرید و خرج کردن نمی‌توانستند. برغم انتقادات سرمایه داران که طی «انقلاب فرهنگی» به گوش می‌رسید از جانب دولت هیچ گونه اقدام رسمی جهت از جریان خارج کردن اموال آنان به عمل نیامد.

تجدد پسازمان صنایع خصوصی به تبعیت از نظام دولتی متوجه تغییر و تحولاتی

در سازمان صنایع گشودشد. به طوری که کارخانجات کوچکی که تو پیدم شا بدداشتند بهم پیوسته و تبدیل به واحدهای تولیدی بزرگ شدند، رو تدبیرات، بازرگانان خرد و فروشان و صنعتگران را نیز تحت تأثیر فرادراد و فعالیت آنها در سازمانهای تعاونی تصریح یافت - به عنوان اعضای تعاونی، این اشخاص مالک واحد های خود بودند و به حالت انتراکی آنها را اداره می کردند.

هرچه سباست خدمه مایه گذاری فردی بیشتر شکل گرفته رو به تکامل می رفت، استراتژی تقلید از روشهای والگوهای شوروی و تکیه بر کمکهای آن گشود پیش ازیش از خصوصیات اصلی تحولات صنعتی و شهری آن زمان بد شماره می رفت. وا استگی به شوروی نا اندازه ای بدان علت بود که غرب روابط بازرگانی و سیاسی خود را با چین تحریم کرده بود و به رغم تمايل چین برای ایجاد تماس یا رابطه، این تحریم ادامه داشت، به هر حال پیوند سیاسی بین دو کشور بسیار قوی بوده و چین تقریباً در همه زمینه از طرح دریزی ساخته ای دولت مدیریت کارخانه و اداره مدرسه گرفته تا تکنیک های خاص مانند مهندسی، محاسبه هزینه طرح و ماشین سازی هم و همه از شوروی اکتوی گرفت. طی سال های ۱۹۵۰-۱۹۵۱ ها تعداد کثیر از کتابها و مقالات روسی را ترجمه و هزاران دانشجویه دانشگاه های شوروی اعزام داشتند. طی آن دوران متخصصین شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی، بیز برای آموزش به چین رفتند. چهار و ماشین آلات روسی جزو آشنائی از سیمای زندگی مردم شهر نشین چون بود.

اوین پر نامه عمرانی پنج ساله چن از سال ۱۹۵۳-۱۹۵۷ تا سال ۱۹۵۷+۱۹۵۸ بیز رکوردن تجزیه این گشود با الگوهای شوروی محسوب می شود. هدف اصلی این پر نامه دو برابر کردن تولیدات صنعتی از طریق ۶۹۴ کارخانه و شرکت های دولتی بود که ۱۵۶ شرکت و کارخانه توسط شوروی طرح دریزی و یا سرمایه آن گشود ساخته شده بود. این کارخانه ها و شرکت ها مشتمل بودند بر مجتمع های آهن و فولاد، کارخانجات ذوب آهن، معادن زغال سنگ، کارخانه های شیمیائی، تولید نیرو و تعداد کثیری کارگاه های ماشین آلات صنعتی.

تفاوت این کارخانجات بسیاری چن امکان تولید اتومبیل، تراکتور، لوکوموتیو، هواییما و کالاهای صنعتی متنوع را فراهم کرد ترقی این سرمایه گذاری ها در شهر های درون مرزی چن تصریح یافت یا در شهر های ساحلی که

قبل از بقدرت رسیدن کمومیستها مرآکر صنعتی کشور به حساب می‌آمدند. تفاوتی مانند «ووهان» و «یاتوتو»، «لانچو»، «چنگکچو» و «لوی یانگ» تبدیل به مرآکر صنعتی شدند. بر نامه عمرانی مزبور تمام خصوصیات و ویژگی‌های سیاست شورشی را در چار چوب رشد اقتصادی دربر می‌گرفت. رشد صنایع سنگین پهلویه آهن، فولاد، ذغال، سیمان و یرق از اولویت‌های نخست برخوردار بود. صنایع سبک و کشاورزی در مقایسه با صنایع سنگین نادیده گرفته شد. بر نامه مزبور برای نظارت کاملاً منصر کر مزبت قابل شده بود تا در هر مرحله از طریق وزارت توانهای مرکزی و ادارت آن در استان‌ها هماهنگی‌های لازم به عمل آید. امکان ابداع و ابتکار از مسلووح پایین جامعه بسیار محدود شد. بطور کلی سرمایه‌گذاری در سطح وسیع با سرمایه‌های سنگین جایگزین سرمایه‌گذاری‌های کوچکی که متکی به نیروی کار بود، گردید.

بالاخره در بر نامه عمرانی کفه تخصص‌های فنی در تصمیم‌گیری‌ها به مر انت سنگین تر بود تا کفه ارزش‌های سیاسی.

به رغم نوسانات سالیانه و تاخیر در برخی از طرح‌های وسیع، اولین بر نامه عمرانی ۵ ساله چین، کم ویش به پیش‌اهمای خود دست آورد. تولید صنایع سنگین افزایش مزیع یافت و فعالیت‌های جدید صنعتی پهلوی وجود آمدند. با این وصف مشکلات و کاستی‌های سیاری هنوز وجود داشت. عدم هماهنگی بین طرح‌ها سلسله اعرضه مواد نیروی کار شده بود. گرچه تاکید بر صنایع سنگین رشد اقتصادی را بین ریزی کرد، ولی کمکی به افزایش تولیدات کشاورزی نشد. به علاوه تاکید بر رشد صنایع در شهرها، شکاف بین شهر و روستا را تشکیل کرد، میزان دستمزدها خدمات اجتماعی و سطح زندگی در شهرها در مقایسه با روستاهای ارسطوی به مر انت بالا رفت از داشت و در ضمن گرایش به سوی شهر نشیتی در روستاهای نشیده می‌شد. انکاء به متخصصین اینی که برای اداره بر نامه ریزی‌های منصر کر، پیچیده و مدرن ضروری بود، نیز اهمیت ارزش‌های سیاسی را در تصمیم‌گیری‌ها و تبعات کاهش داد. نادیده گرفتن صنایع سبک و کشاورزی بازار مصرف را دچار رکود ساخته و منجر به کمبود محصولات کشاورزی مورد استفاده در صنایع و مواد غذایی در شهرها شد. پارچه‌تخی در سال ۱۹۵۴ و غلات در سال ۱۹۵۵ چیره بندی شد. گرچه بر میزان دستمزدها افزوده شد، ولی محلی برای خرج کردن آنها وجود نداشت.

بدعلاو و سرمايه گذاري فشرده در صنایع سنتي بهمراه از ارتشد جمعهٔت برای افراد کار تامين نکرد. تعداد بی کاران و کم کاران در شهر هارو به افزایش می داشت. برخی از این مسائل از نتایج اجتناب ناپذير شد اقتصادي محسوب شده و برخی دیگر از عدم کار آفی روشهای مورد استفاده ناشی شد. یادآوری این کاستی‌ها و مشکلات موجب شد که چشمی‌ها موضوع استفاده از الگوهای شوروي را در مردم شک و تردید فراز دهند و همین امر نقش عمده‌ای در شکاف این روابط چین و شوروي داشته است و موجب شدت گرفتن اختلافات مباسي در داخل حزب کمونيست چین گردید. اختلافات در داخل حزب پیغمبر به بحث و انتقادات بسیار در زمانه سياست کشاورزی و مسائل اجتماعی شد. بسیاری از رهبران یا تدبیر سياست‌های موجود موافق خود را اعلام داشتند، ولی مأموریت‌های وظرفدارانش از یك تغیير وسیع کلی حمایت کردند.

«جهش بزرگ به سوی جلو» یا کرده حل قاطع

جهش بزرگ به سوی جلو؛ در سال ۱۹۵۸، کوششی بود برای مقابله علیه مسائلی که تا آن تاریخ بد علت پیروی از الگوهای شوروي، هنوز امس نشده بودند. این نهضت تمام سياست‌های اجتماعي و اقتصادي جامعه را در بر گرفته و ارتباط نزديکی با ايجاد کمونهای خلق در روستاهای داشت. مأمور استراتژي را که مبتنی بر ايجاد تحولات اقتصادي از طریق سرمایه گذاري به مقیاس وسیع و پیشرفت‌های قنی باشد مردود شناخت. از آنجاییکه چین قادر سرمایه‌هارت بود، لذا پیروی از این استراتژي مانع از پیشرفت می شد و موجب ۹ استنگی دائم چین به کملک‌های خارجی می گردید. به جای این استراتژي، مأمور معتقد بود که ايجاد اصلاحاتی در تهددهای سیاسی و اجتماعی می تواند موجب بوجود آمدن ذخایر کافی و ابتکارات بسیار برای تسریع روند پیشرفت باشد. مأمور خواستار برقراری تعادل بيشتر بين صنایع سنتي و سیك، بين سرمایه فشرده و پیروي کارشنده و بين روش‌های مدنی و سنتي شد. سياست او در شعار «پیروي دوپا ایستاند» خلاصه گردید. مبارزه برای رشد سریع اقتصاد روستاهای متوجه پیدا گردن راهی بود برای جذب پیروي کاراضافی شهرها و روستاهای بی نامه عدم تمرکز برای انتقال

قدرت نظارت و رتخانه هادر پکن به مقامات استانی به این منظور صورت گرفت که دیوان اسالاران دیگر قدرت سرکوی شور و اشتباق محلی را نداشته و همچنین از تعداد کارمندان می کار و بدون بازده کاسته شود.

در عمل، «جهش ازرگ» به سوی جلو «بساری از رهنمودهای اولین برنامه عمرانی پنج ساله» را دیگر گون و باطل ساخت. کارمندان اداری و فنی در مقابل مقامات حزبی تسلیم شدند و به استثنای «شرکت های عبد صنعتی» دولت اداره ۸۰ درصد تمام صنایع خود را به مقامات استانی واگذار کرد و این مقامات می توانستند مالیات های گردآوری شده را به جای فرستادن به پکن به مصارف لازم در محل بر ساند.

مدعیران شرکت ها مجاز بودند که میزان پیشتری از منافع را به منظور سرمایه گذاری های مناسب بعدی برای خود بردازند. برنامه ریزی حالت انعطاف پذیر به خود گرفته و دائمًا مورز تجدید نظر فرازی گرفت.

هماهنگی تمرکز یافته غیر ممکن شد ویه موافقات آن، ابتکارات و تجربات ریشه ای واساسی مورد تشویق قرار گرفت. کارخانه های کوچک با ماشین آلات اندک در سراسر کشور به سرعت پایی گرفت. علی تابستان ۱۹۵۸، تشکیل کمون های روستائی منجر به پیدایش کمون های شهری به منظور یک کاسه کردن همه همایی های اقتصادی و اجتماعی در یک واحد، شد. در نتیجه ای که تحت الشاعر یک معدن یا یک کارخانه بزرگ بود، این برنامه موقعیت هایی در برداشت، ولی در محله های مختلف و متفاوت شهرها تشکیل کمون های شهری امکان پذیر نبود؛ ولی طولی نکشید که اجرای این برنامه منتفی شد.

گرچه سال ۱۹۵۸ ناظریه تشویق صنایع بزرگ و حمامات از کشاورزی بود، ولی صایعات زیاد بود و کیفیت تولیدات نیز تزلیل یافت. برنامه های جاطلبانه از یک سو و نادیده گرفتن ملاحظات فنی از سوی دیگر به کمی و موارد خام و بنست های حمل و نقل ارجامید. طرح های جدید بسیاری بدون درنظر گرفتن سود آوری آن ها، سودی که برای مراحل بعدی رشد ضروری بود، آغاز شد. عدم هماهنگی مانع از آن بود که حکومت مرکزی اشتباها را خود را اصلاح نماید، در نتیجه بحران صنعتی سختی روی داد که دست ندادن محصلو بحد کافی طی سال های ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۹، آن را تشید کرد. توقف

ناتکهانی کمک‌های شوروی و خروج کارشناسان فنی آن کشور در سال ۱۹۶۰ وضع را و خیم تر ساخت. این رویدادهای تعادل رفاقت‌های سیاسی را به نفع افرادی که پیروی از اصول فنی را سودمندتر از تکیه بر ارزش‌های حزبی می‌دانستند، منگین تر کرد و در نتیجه مأمور مجبور به تجدید نظر در روش‌های موجود شدند.

علی سال‌های بعد، هنگامی که اوضاع روبه بیرون می‌رفت، دولت و حزب مجدداً میزان نظارت مرکزی را تشدید کرد، بر تحرولات فنی تأکید پیشتری به عمل آمد. اینجاد انگیزهایی نظری اخراج باکاهش قیمت‌ها، سود‌دهی برخی فعالیت‌ها یش از مجهز شدن به ملاحهای سیاسی موجب پیشرفت جامعه شد.

در این رهگذر کادرهای حزب نیز مجبور شدند که میدان تصمیم‌گیری را در مقابل متخصصین فنی خالی کنند. از ابتکارات محلی برای انجام طرح هائی که سودآوری آنها مورد شک و تردید بود نیز استغالی به عمل نیامد، ولی با توجه به کمبود بودجه و غیب کارشناسان فنی شوروی، بازگشت به سیاست های گذشته به سهوت امکان پذیر نبود. مضافاً به اینکه اغلب در تهاجم رهبران چنین برقراری تعادل بین صنایع منگین و سیک وین روش‌های فنی پیشرفته و سنتی را ضروری دانسته و نیز توجه آنان معلوم به موادی از قبیل کودشی‌بائی شدکه برای بی‌بود کشاورزی کمال ضرورت را داشت. با این وصف، برخورد نظرات در داخل حزب کما کان اداء داشت. مأمور بر این عقیده بود که روش‌های صرفه «فنی و حرفه‌ای» نیروی بالقوه جامعه را، که از طریق بسیج سیاسی بر اینکهنه می‌شود، تادیده گرفته و باعث اینجاد شکاف بین شهرها و روستاهای اندکایی به علت ظهور طبقه نخبگان دیوانسالار متخصص در شهرها، به دست فراموشی سپرده شود و بدین ترتیب «انقلاب فرهنگی»، مأمور نقطه عطفی بود در سیر تحویل و تکامل جامعه چین، پیروزی مأمور منجر به آن شدکه مجدداً وی اشارات خود را به کرسی نشاند. با این تفاوت که این بار تردید وی تجربگی سال ۱۹۵۸ جای خود را به هماهنگی و کارآئی عملی داده بود.

گسترش صنعت طی ۲۵ سال گذشته منجر به اشتغال تعداد کثیری از چیزی‌ها در کارخانه‌ها شده است ، حتی در رستاهات ، کارگاه‌های کوچک گروشه‌ای از زندگی در کارخانه‌را برای دهه‌انان مجسم می‌سازد ، در شهرهای اغلب مردم به هشت ساعت کار روزانه طی شش روز در هفته اشتغال دارند و تراکم ترافیک در مسیح و بعد از ظهر از جبهه‌های عادی زندگی شهری به شمار می‌رود . البته این تراکم پر اثر حرکت اتوبوس‌ها و دوچرخه‌پیش می‌آید نه اتومبیل‌های شخصی . اتومبیل شخصی در چین به فروش نمی‌رسد و اغلب وسائل نقلیه متعلق به مؤسسات است . زمان طولانی لازم است تا چین بتواند برای مصرف کنندگان عادی خود اتومبیل به حد کافی تولید کند .

ترکیب و طرز کارخانه‌ای چین به علت متوجه بودن آنها مشابه یکدیگر نمی‌باشد . یک کارگاه کوچک صنایع دستی که فقط از یک منبع محلی استفاده کرده و به طور مستقل و در کمال سادگی به حسیر باقی اشتغال دارد به مراتب پایین کارخانه ایز ارسازی که بر اساس برنامه‌های دولت اداره می‌شود ، فرق دارد . بدھر میزان تکلیک‌های پوششی و ماشین‌آلات دقیق تر و گران قیمت تردد این کارخانه‌ها به کار گرفته شود ، به همان میزان نیز تحت نظارت شدیدتر دولت قرار می‌گیرد . مدیریت چینی کارخانه‌ای به فرامین مقامات عالی رتبه دولتی محدود شده و میدان ابتکار و تجربه بسیار تنگ و کوچک می‌باشد . در حالی که واحدهای کوچک توایدی مواد مصرفی به علت استفاده از منابع موجود و قابل استفاده از استقلال یشتری برخوردار می‌باشد . چنانچه مدیریت کارخانه کفش سازی مجاز است پس از مشاورت با خبریداران برنامه‌های توایدی و مطرح کفش‌های خود را شخصاً تنظیم کرده و یا آنکه بخشی از منافع کارخانه را به سرمایه گذاری‌های مناسب دیگر اختصاص دهد .

گرچه در حال حاضر برنامه‌های پنج ساله هنوز اجرا می‌شوند ولی بسیار جامع بوده و به استثنای برخی طرح‌های مشخص ، بقیه آنها غالباً کلی و بدون دکر جزئیات تنظیم شده و قابل تجدید نظر می‌باشند . برنامه‌های مهم توایدی

عمدآ از مجاری بالا و پائین بطور مبالغه تظییم و کنترل می شود برای تولید یک محصول غالباً دولت مرکزی در پکن پیشنهادهای خود را مبنی بر میزان استفاده از منابع خام مورد نیاز و میزان تولید به استان مورد نظر عرضه می کند استان مر بوط با توجه به ظرفیت و احتیاجات خود، پیشنهادهای مزبور را بررسی کرده و در صورت لزوم تصمیم هایی برای تنظیم نهایی طرح به آن اضافه می کند. پس از آنکه طرح کلی تنظیم گردید، جزئیات آن از طریق بحث و مذاکره با تعاونیت کارخانه استان و شهرداری و مدیریت کارخانه نیز مشخص می شود، در این مرحله است که بیشتر سوابقات مر بوط به تولید و عرضه مطرح شده و درباره آن پس از مذاکرات بسیار توافق می گردد.

در داخل یک کارخانه، کمیته حزبی و کمیته انقلابی مهمترین بخش های آن به شمار می روند. کمیته حزبی تقریباً تمام تصمیمات اساسی را اختیار کرده و کمیته اقلالی آنها را برحله اجرا در می آورد. اعضای کمیته انقلابی عبارتند از کادرهای حزب، کارکنان اداری و فنی و تعاونیت کارگران. تشکیل این نوع کمیته ها از ابتکارات «انقلاب فرهنگی» به شمار می دود. کار این کمیته ترکیبی است از کارهای اداری و سیاسی و کوششی است برای ایجاد ارتباط بیشترین مدیران و کارگران. اغلب این کمیته ها دارای اداراتی مانند اداره تولید، کارگری، برناهای زیری، آمار، تحقیقات، رفاهی و پایگانی می باشد. در کارخانجات بسیار عظیم، کمیته های انقلابی حتی در سطح کارگاه ها نیز تشکیل می شود. در بسیاری از کارخانجات کوشش هایی بعمل آمده است تا کارگران عادی و فاقد تخصص از طریق دوره های آموزشی یا از طریق شرکت مستقیم با مهارت های فنی آشنا شوند. علیرغم نوسانات سالیانه، رشد صنعتی چین از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۷۲ سریع بوده است. میزان مزد افزایش یافته و بموازات آن سطح زندگی و میزان کالاهای مصرفی مانند دوچرخه، ساعت مچی، رادیو و پوشاک بالارفته است. مزد کارگران بصورت ماهیانه برداخت می شود. در حال حاضر مزد کارگران از ۳۵ «یوان» (تقریباً در حدود ۷۶۰ لیره استرالینگ) در ماه به ۱۰۰ یوان (۴۵۰ لیره استرالینگ) افزایش یافته است. کادرها و تکیین ها از کارگران عادی مزد بیشتر دریافت می کنند. میزان مزد بر حسب اختلافات منطقه ای و نوسانات هزینه زندگی و نوع تولید

صنعتی نیز اندکی بالا و پایین می‌رود. دستمزد متوسط ماهیانه در کارخانجات چن در حلوود ۵۰ الی ۶۰ «یوان» است و مزد زنان و مردان به یک میزان می‌باشد. کارگران از مزایای بیمه درمانی برخوردار بوده و خانواده‌های آنان فقط مجبور به برداخت نیمی از هزینه‌های درمانی می‌باشند. در دوران بازنشستگی ۸۰ درصد حقوق به آنان برداخت می‌شود. مردان در ۵۵ سالگی و زنان در ۵۵ سالگی بازنشسته می‌شوند، قبل از «انقلاب فرهنگی» کارگران قراردادی و موقتی مزد کمتری دریافت داشته و از مزایایی که بر شمرده شد محروم گردند، بعد از خاتمه دوره قرارداد این کارگران مجبور به شروع کار دیگر شده یا به رستای خود هازمی گشته‌اند. مدیران کارخانها از آنان به عنوان ابروی کار ارزانتر بهره می‌برند. طی «انقلاب فرهنگی» این نظام مورد انتقاد قرار گرفت. البته از جانب حزب قوهای برای بهبود وضع کارگران قراردادی داده شد ولی تا این تاریخ اصلاحات تاکنون صورت تحقق نگرفته است. از دیدگاه بسیاری از چنین‌ها، کارخانه مقهوه‌ی پیش از ایک شغل یا یک منبع درآمد را دارد. یک کارخانه بزرگ باخته‌ها و مقازه‌هایش به یک جامعه شباهت پیشتری دارد تا صرفاً مکانی برای تولید محصولات صنعتی، حتی یک کارخانه کوچک بدون تسهیلات نیز زندگی کارکنان خود را تحت الشما ع قرار می‌دهد. کارخانه کالون زندگی رسمی و سیاسی کارگران است. کارگری که عضو حزب است از طریق کارخانه‌اش به سازمان حزب مربوط می‌شود. آموزش سیاسی هر روز در کارخانه صورت می‌گیرد، کارت شناسانی کارگر کارخانه بمثله هویت اجتماعی او به شمار می‌رود، کوین‌های جبره‌بندی، اجازه‌های سفر و حتی کارت کتابخانه همگی از طریق کارخانه به کارگرداده می‌شود. کارخانه حتی وسائل سرگرمی و فعالیت‌های اجتماعی از قبیل های ورزشی گرفته تا اطاق مطالعه، سینما و باشگاه برای کارگران تأمین می‌کند. بهمین روی کارگران چنی پیش از کارگران کشوارهای غرب زمین به محیط کار خود دلستگی و علاقه‌نشان می‌دهند.

تکاهی به چریان صنعت

تأمیسات کودشیپارائی «نانکن» واحد بزرگی است که تولید سالیانه آن به بیش از یک میلیون تن می‌رسد. این کارخانه در شمال «رودخانه یانگک تز» در نانکن واقع شده است. مجموع کارکنان آن به ۱۲۰۰۰ نفر و تعداد افرادی که بصورت خانوادگی وابسته به این تأمیسات می‌باشند مجموعاً ۴۸۰۰۰ نفر است که در محل مسکونی در کارکارخانه زندگی می‌کنند. کارگران نهادتها در کار پکدیگر کار می‌کنند بلکه در تجارت، فرهنگ و خدمات بهداشتی با پکدیگر نیز سهیم می‌باشند. ساختمان‌های کارخانه بطول چندین میل در کار رودخانه پناشده است. قدیمیترین بخش کارخانه در سال ۱۹۳۷ برویا شده، تعداد کارگران آن در آن هنگام به ۱۰۰۰ نفر می‌رسید. در سال ۱۹۴۹ تولید آن بعلت کمبود مواد خام وارداتی موقتاً متوقف شد. دولت نظارت کارخانه را به دست گرفت و از آن تاریخ تاکنون توسعه سریعی در همه جوانب داشته است. این کارخانه تحت نظارت مقامات «سیان کیسا گسو» است که تصمیمات نهایی در زمینه بیزان تولید، صرایح، مواد خام و توزیع مخصوصاً لاترخدمی کشند البته مدیریت کارخانه می‌تواند این تصمیمات را تاحدی تحت نفوذ خود دد آورد و لی هیچگاه مستقلانه نمی‌تواند آنها را تغییر دهد، ولی در داخل کارخانه نسبت به تعیین روش‌های مربوط به استفاده از تبروی کار، مواد خام و ارزار کار برای رسیدن بیزان تولید مورد نظر آزادی عمل دارد. تغییرات کلی باستی پاتائید و تصویب مقامات بالاتر صورت گیرد.

این کارخانه یا توجه به وسعتی که دارد، به دو واحد گروه فیقات و گروه بینرولن تقسیم شده است که هر کدام از آنها دارای ادارات حسابداری جداگانه می‌باشد. یک چنین تقسیم بندی در اغلب کارخانه‌های بزرگ صنعتی متداول است. دو گروه مجموعاً از ۳۳ کارخانه تشکیل شده است و کبیه‌های انقلابی و سیاسی در تمام سطوح حتی تا سطح کارگاهها مشاهده می‌شوند. بیزان مزد بر حسب درجه بندی دولت تعیین می‌شود. بالاترین مزد ماهانه کارگر ۱۰۷ «یوان» (۲۳ پوند)، مزد متوسط ۵۵ «یوان» و پایین‌ترین

مزد ۳۶ «یوان» است. دستمزدهای بالا برای مدیران و تکنسین‌ها به ترتیب ۱۱۰ و ۱۲۰ «یوان» در ماه است. در سال ۱۹۷۱، کارگاههای درصد ناچیزی از بودجه خود را به عنوان پاداش به کارگرانی که در تولید محصول به میزان مورد نظر پادربانی روش‌های فنی ابتکاری موفق بودند، تخصیص داد. در سال ۱۹۷۳ این نوع پاداش نقدی مورد انتقاد قرار گرفت و دیگر برداخت نگردید. انقباط کارخانه از طریق یک سلسله قوانین و مقررات و همچنین تعین مسئولیت‌های فردی صورت واقع بخود می‌گیرد. یعلاوه تشویق برخوار و کرداری نیک که در تمام تبلیغات سیاسی متداول است، خود فشارهای اجتماعی را موجب می‌شود که افراد را ناگزیر از اطاعت از مقررات می‌سازد.

کارخانه صنایع دستی و هنری «سیان» نیز جنبه دیگری از نظام اداره امور صنعتی چین به شمار می‌رود. این کارخانه بحالت تعاونی اداره می‌شود و در سال ۱۹۶۴ با ۷۰ کارگر فعالیت خود را آغاز کرد. برخی از این کارگران هنرمندان و پیشدوران سالماند و پرخی دیگر جوانان فارغ‌التحصیل هنرستان بودند در حال حاضر در حدود ۴۳۰ کارگر به ماختن کارهای دستی از چوب، سنگ و عاج اشتغال دارند. از شروع «انقلاب فرهنگی» طرح این کاردهستی‌ها اغلب کلاسیک بوده و رخدیس‌ها و تدبیس‌هایی از چهره‌های تاریخی و پرندگان و گلهای را تشکیل می‌داد. ولی امروزه طرحهای کلاسیک فقط بمنظور صادرات که «عدر صد تولید کل را تشکیل می‌دهد، مأخذ می‌شود». حال آنکه فرآوردهای هنری دستی برای بازار داخلی منحصر آ باطری‌هایی ملهم از موضوعات انقلابی تهیه می‌شود.

از آنجاییکه کارخانه از مواد وارداتی گران‌قیمت مانند عاج، گرد طلائی استفاده می‌کند، نوع فرآورده یوپلیه دفتر برنامه‌ریزی شهرداری تعیین شده ارزش صادراتی آن را نیز معین می‌کند. در تعیین ارزش صادراتی محصول مقامات میزان سود پیشتری در نظر می‌گیرند تا برای محصولی که جهت بازار داخلی تهیه می‌شود، در بازارهای موضوعات دیگر کمیته تأمین اتفاقاً کارخانه نقش تضمیم نگیرند را دارد. تا سال ۱۹۶۴ کارخانه یا مالکیت اشتراکی کارگران اداره می‌شد و منافع حاصله پس از کسر هزینه‌های مریوط و تخصیص بخشی از آن برای سرمایه‌گذاری بهیه بین کارگران تقسیم می‌شد. این روش

اچیر آکنار گذاشته شده است و کارگران فقط حقوق ماهیانه در رفاقت می کنند، بالاترین میزان دستمزد ۱۰۸ «بیوان» و متوسط آن ۴۵ «بیوان» و کمترین آن ۳۶ «بیوان» است. یک سوم کارگران در خوابگاه های کارخانه اقامت داشته و بقیه درخانه های اطراف شهر زندگی می کنند.

مدیران

تا شروع «انقلاب فرهنگی» مدیران صنعتی چین در مقایسه با کارگران عادی از مزایای بسیاری برخوردار بودند، آنان با برخورداری از بالاترین میزان حقوق و حق استفاده از تسهیلات کارخانه همانند اتومبیل و مسکن بهتر دارای سطح زندگی براتی بالاتری بودند و خانواده این افراد نیز از پوشال، غذا و دوا و درمان و امکانات آموزشی مناسب تری بهره می برند. فعالیت مدیران کارخانه نیاز چندانی به تیروی جسمی نداشت، بسیاری از آنان همانند دیوانسالاران سنتی انجام کارهای جسمی را کسرشان خود می دانستند. «گارد سرخ» بر این عقیده بود که اغلب این مدیران هنگام برخورد با کارگران عادی چهره و حالاتی کاملاً دیوانسالارانه بخود گرفته و اهداف سیاسی حزب را نادیده اند گذاشته، مقررات و مهارت های قنی را داشتند از پیش با این تراهمی کشیدند گزارش زیر که از یک کارخانه ساعت سازی تهیه شده است نموده ای است از تأثیر این نوع مدیریت بر کارآئی کارخانه:

... رهبری کارخانه تشکیلات عربیض و طوبیل اداری درست کرده و یک سلسه مقررات غیر منطقی وضع کرد. اگر کارگری می خواست طرحی نازه و ایتکاری عرضه کند، می بایستی از بیچ و خم های آداب و رسوم و تشریفات اداری بگذرد. برای شروع کار، وی بایستی از پنج مقام تأثیدیه بگیرد. از تکسین های مسئول کارگاه و تکسین های کارخانه گرفته تا زیس کارگاه، زیس بخش فنی و بالاخره سرمهندس ماشین آلات کارخانه به چند طبقه تقسیم شده و مسئولیت هر طبقه به عهده گروهی خاص بود.

چرخ های تراش ساخت خارج که تعداد آنها بسیار محدود بود در طبقه

بندی الگ گنجانده شده بود و فقط با استناد تکمیل‌های کارخانه تعمیر می‌شد، پرخواهی تراش ساخت چین (طبقه ب) فقط توسط تکمیل‌های کارگاه تعمیر می‌شد و ابزار آلات ساخته شده توسط خود کارگران (طبقه ج) فقط می‌توانست توسط کارگران تعمیر شود، بدین ترتیب هرگاه کارگری یا کوچک مابین تراش جدید را عوض می‌کرد، اداره فنی اورا مورد بازخواست و سرزنش شدید قرار می‌داد.

پس از انتقادات و عیوب جوئی‌های «گاردنرخ» کمیته انقلابی در بازارهای کردن شکاف موجود بین مدیران و کارگران و جلوگیری از تشکیل گروه انحصاری مدیران، کوشش هائی به عمل آورد. امور اداری از طریق انتقال مدیریت به سطح پائین‌تر مشاغل پر زحمت ساده‌تر شد و بسیاری از مقررات زاید نیز ملغی گردید.

این کمیته موضوع تماس دامن بین کارگران و مدیران را تضمین کرد، کارگران نیز به عضویت کمیته‌های انقلابی درآمدند. مدیران در حدود یک سوم وقت خود را صرف کارهای عملی در زمینه‌های مختلف کردند. عهددار شدن کارهای اجرائی از جمله ضوابطی بود که برای ازتقاء کارگران به دوره قنی و مدیریت در نظر گرفته شده بود و بالاخره کارگران از حق انتقاد از تصمیمات مدیریت برخوردار شدند.

بدین ترتیب زندگی یک مدیر کارخانه دیگر، مانند سابق تیست وی بهترین بوشک را نمی‌پوشد و در استفاده از رستوران و دیگر خدمات بازیز دستانش سهیم است و غالباً در حال انجام کاری در کنار کارکنان عادی دیده می‌شود، تبلیغات حزبی همه روزه به خاطرش می‌آورد که میادا نسبت به دیگران احسان برتری کند. هاین وصف مزایای حقوقی او از بین نرفته است و هنوز وظایف شخصی خود را انجام می‌دهد.

از سال ۱۹۶۹ یک چینی دیگر گونی در کلیه کارخانه‌های چین بوجود آمده، حال آن که تعادل بین شرکت کارگر درامر مدیریت و نظارت مدیران بر جریان کارهای کارخانه، موضوع بسیار حساسی است.

چنانچه در سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲، برخی وسائل ارتباط جمعی چین

برای این عقیده بودند که اصلاحات انجام شده توسط کمیته های انقلابی تا اندازه ای جنبه افراطی به خود گرفته و در تیجه کیفیت و کارآئی مدیران کارخانه ها در حال تزل است و ضرورت تجدید نظر در اصلاحات کمیته های انقلابی در چارچوب تبلیغاتی از این دست مصرا آباز نگو گردید:

مدیریت تخصصی کارخان مسون فرات اداره یک کارخانه به شمار می رود. بدرویزه در کارخانه های پیروزگاه باشی در مقابل گرایش به سمت مدیریت عمومی از طریق نادیده گرفتن نقش مدیریت تخصصی شدید مقاومت کرد.

بسیاری از کارخانجات اعلام کردند که مجدداً ادارات تخصصی بوجود آورده و از مدیران ساقی برای انجام امور تخصصی دعوت به عمل آورده اند. ولی این دوند نیز با واکنش هایی رو بروشد. چنانچه انتقادانی که در این زمینه در سال ۱۹۷۳ از گوش و کنار به گوش رسید همگی دال بر تشديد انصباط اداری و افزایش مقدرات بود و اعمال انصباط رازیشه بسیاری از مسائلی می دانستند که قبلاً طی «انقلاب فرهنگی» مورد حمله و انتقاد قرار گرفته بود. بد رغم این واکنش ها، کارگران نادیده انگاشته شده و مسلمه مر اتب عربیش و طویل دیوان سalarی مجدداً حاکم بر امور شد.

در مقابل این فشارها و واکنش ها برای افراد خارج از چن این سؤال مطرح می شود که چرا مدیران چیزی این چنین به تحقق آرمان های خود مصمم می باشند. آیا آنان به اندازه کافی در تحریر مسائل اقتصادی و حتی سیاسی نیستند؟ در حقیقت گزارش های تهیه شده طی «انقلاب فرهنگی» حاکمی از آن بود که برخی از مدیران و روسا به علت حملاتی که متوجه آنان شده بود روحیه خود را باخته بودند. از سوی دیگر رشد صنعتی دائم چن نیز نمایان گز این موضوع است که میزان کارآئی و تمايل مدیران برای انجام امور کاهاش نباشه است. شاید تهدابل پایداری و ساخت کوشی مدیران را می باریست و استنگی آنان به تعهدات خود نسبت به عمران و آبادی وطنشان داشت. باهر مدیری که رو بروشد، با غرور و افخار تمام از موقوفیت های کارخانه اش سخن می گفت و در ضمن کاملاً آشکار بود که با مفهوم تغیر و تحول و در تیجه نارسانی های ناشی از آن آشنایی کامل دارد. هنگام صحبت در باره تاریخچه واحدش روشن می شد که از سال ۱۹۴۹

به بعد همه‌ساله تحولات وسیعی در کارخانه‌اش روی داده است، در ضمن نقش سیاست در زندگی کارخانه نیز برای آنان مهم به شمار می‌آمد. البته این حقیقت را نبایستی انکار کرد که مدیران در صورت دانستن علایق جاوه‌طلبانه برای کسب قدرت به صحبت علیٰ در بازار آن مجاز نمی‌باشدند و این گونه احساسات را در درون پنهان نگه می‌دارند. آنان در مقابله این پرسش که آیا مدیریت تحت نظام سیاسی متفاوت دیگری می‌توانست از کارآفرین و موقوفت پیشتری برخورد از باشد موضوع را با سکوت بر گزار می‌کنند. البته، کوشش چین برای برقراری عدالت اجتماعی، مساوات و از خود گذشتگی معیارهای متفاوتی برای قضایت در بازار مفهوم موقوفت بوجود آورده است که بدون تردید با معیارهای نظام رفاقتی و خودپسندانه دیگر کشورها اختلاف بسیار دارد.

کارگران

کارگران چینی از موقعیت اجتماعی والا بی‌برخورد دار بوده و زحمت‌کشانی به شمار می‌آیند که یعنوان نمونه طبقه انقلابی سرمتش دیگران قرار گرفته‌اند، در ضمن با این حقیقت‌دا در نظر داشت که انقلاب چین در هلن رومستها با حمایت توده دهقانان شکوفان گردید. حال آنکه بحث‌ها و مذاکرات سیاسی در چین همیشه تأکید بر این نکته دارد که کارگران رهبری دهقانان را بدهمراه دارند، در کتابهای روزنامه‌ها، و حتی در روی صحنه تئاتر، تلاش، خداکاری و ایشانگی کارگران به‌جزب کموئیست مورد تقدیر و ستایش قرار می‌گیرد، این برتری در عمل نیز منعکس می‌شود، چنانچه در آمد کارگران، سطح زندگی و تسهیلات رفاهی آنان نیز بردهقانان مزیت دارد. آنان در کمیته‌های انقلابی که کارخانه‌ها، مدارس، دانشگاهها و دولت محلی را اداره می‌کنند، عضویت دارند و بعلاوه در واحدهای تیروهای شیه نظامی مربوط به پلیس شهری نیز فعالیت دارند.

با این وصف حزب کموئیست چین کارگران را بطور خودکار از طرفه داران نمونه و پرو-پاقرض خود فرض نکرده، چه کارگران مانند دیگر افراد جامعه‌چین، موظف بشرکت در کلاس‌های روزانه آموزش سیاسی بدلت نیم ساعت قبل و پس از اتمام ساعات کار می‌باشند، مبارزات و الدامات بسیاری جهت تشویق کارگران به پیروی از انضباط صنعتی با توجه دقیق به اصل صرفه

جویی به عمل آمده است. طی «انقلاب فرهنگی» واحدهای تجاری و برخی از سازمان‌های بزرگ کارگری «گارد سرخ» بعلت تفاضلی حقوق پیشتر و سطح زندگی بالاتر مورد انتقاد شدید قرار گرفتند.

هرچند ساخت و سازمان کارخانه زندگی کارگر چینی را متفاوت از زندگی کارگران دیگر نقاطه جهان می‌سازد، ولی نوع و کیفیت کار عملی مشابه سایر فعالیت‌های صنعتی کشورهای دیگر است. کارگران هشت ساعت در روز کار می‌کنند که شامل یک ساعت استراحت می‌شود. اضافه کار معمول تبوده و در صورت انجام آن مزد اضافی پرداخت نمی‌شود. پرداخت حقوق به طور ماهیانه انجام می‌گیرد. تاسال ۱۹۶۶، برنامهای گوناگونی برای پرداخت پاداش به کارگران جهت بالا بردن میزان تولید یا انجام کارهای دشوار که در نتیجه ناطلوب می‌شود وجود داشت. در کارخانه‌ایکه در سال ۱۹۶۵ بازدید کرد معلوم شد که کارگر ایکه با امویاک سر و کار داشتند، جیزه ۳۰میون و تخم مرغ داده می‌شد. در کارخانه دیگر، چند درصد از مجموع مزد‌ها بین کارآمد زین و فعال ترین کارگران تقسیم می‌شد. اغلب این برنامه‌ها بعلت انتقادات «گارد سرخ» متوقف گردیدند، ولی اخیراً امکان استفاده از روش‌های معقولانه پرداخت پاداش، جهت ایجاد انگیزه مجدداً مطرح شده موضوع داغ و حسامی بحث و مذاکرات میانسی را تشکیل می‌دهد. بدغیر از جشن‌های ملی مانند «روز ملّه» یا «روز ملی» (اول اکتبر) هیچگونه تعطیلات مالانه وجود ندارد. ولی اگر یک کارگر به شغل منصوب شده است که یا محل اقامت خانواده اش فاصله بسیار دارد، وی به استفاده از مرضی استحقاقی، بعده دوهفته برای دیدار از خانواده‌اش مجاز است.

تبییر شغل دادن از کارخانه‌ای به کارخانه دیگر بسیار مشکل است زیرا هیچگونه بازار آزاد کار وجود ندارد و اغلب مشاغل از طریق دفاتر کار تعیین می‌شود. یک کارگر اس از آن که به پست سازمانی خود در کارخانه‌ای منصوب شد، امکان انتقال او بجای دیگر بسیار کم است. البته کارگران موقعی و قراردادی از نقطه‌ای به نقطه دیگر در حرکت و انتقال می‌باشند، ولی آنان بیزینی کار نماینده پس از خاتمه یک قرارداد بلا فاصله کار دیگری به آنان پیشنهاد می‌شود. در صورتی که کارگری بدلایل شخصی مجبور به تغییر شغل باشد، هیچگونه

سلله مراتب اداری رسمی برای انتقال او وجود ندارد. در سال ۱۹۷۱ متوجه آگهی‌های خصوصی شدم که بر روی دیوارها و تیرهای چراغ‌برق نصب شده‌و چویندگان کار برای تغییر حرفة خود اعلام آمادگی نموده بودند. در این اعلامات غالباً یک کارگر شهرستانی از طریق این نوع آگهی‌ها ضرورت انتقال به‌کن را بدلاًیل خاتم‌گی مطرح کرده و خاطرشنان می‌ساخت که با داشتن اجازه از کارخانه حق تغییر شغل دارد مشروط بر آن که جانشینی برای خود تعیین نماید.

بنابراین وی از کسی که مقیم پکن باشد و پتواندجای او را در شهرستان پذیرد درخواست تعویض شغل می‌کرد. کارگرانی که فعالیت‌های سیاسی دارند عضویت «حزب کمونیست» و «اتحادیه جوانان کمونیست» و کمیته‌های انقلابی کارخانه‌های مربوطه بخود را دارا می‌باشند. ولی تقریباً تمام آنان به اتحادیه‌های کارگری تعلق دارند. این اتحادیه‌ها بر اساس کارخانه و نوع تولید سازمان داده شده است، نه بر اساس حرفة‌های جداگانه و شدیداً تحت نظارت حزب کمونیست می‌باشند. در زمان «انقلاب فرهنگی»؛ اتحادیه‌های کارگری در بی اشتباكات سیاسی که مرتب شدن دوران تقاضا شدید قرار گرفتند و نتیجه تحت تقدیر قدرت کارگران درآمد. ولی امروزه مجدداً از قدرت و اعتمادیش بتدبیح برخوردار می‌شود. کاراصلی اتحادیه‌های اخراج از سازمان دادن به بحث و مذاکرات سیاسی و همچنین سازمان هادن پمسیر از تباطع کارگران با مقامات و مدیر کارخانه.

اتحادیه‌های اخراج از کارخانه امکانات آموزشی و تفریحی فراهم آورده و حتی برخی از آنها دارای آسایشگاه برای معالجه و استراحت بیماران بیز می‌باشند. اتحادیه‌ها به طریق مختلف نقش عمده‌ای در اصلاح نیروی کار و آموزش سیاسی بازی می‌کند. موافقی که کارگران جدید از نواحی روستائی استخدام شده و داری تجربیات اندکی در زندگی صنعتی می‌باشند، اتحادیه در آنها ساختن این کارگران نقش عمده‌ای بمعهده‌دارد چه، با مشکل ساختن این کارگران جدید آنان را برای یکدش نوبن زندگی آماده می‌سازد. و اتحادیه کارگری در برخوردها و تصاده‌های بین کارگران و کارفرما یا بندهای از کارگران بر نمی‌خیزد بلکه نقش هماهنگ کننده را دارد.

مهمترین ثمرة سیاست‌های صنعتی جزو کموئیست‌لی ۲۵ سال گذشته‌شد سریع جمعیت شهری بوده است. در فاصله سال‌های ۱۹۵۳ و ۱۹۵۹ تعداد مردم مقیم شهرها از ۷۷ میلیون به ۱۱۵ میلیون نفر رسید. سپس با تدبیری که دولت اتخاذ کرد از جمله اعزام افراد و فراهم آوردن امکانات مختلف به روستاهای از هجره روستاشیان به شهرها کاسته شده ولی با این حال در سال ۱۹۶۶ مجموع جمعیت شهرنشین به ۱۳۰ میلیون نفر رسید. این رشد شتاب‌بند مانع بزرگی بر سر زاده مسئله تأمین مسکن و خدمات عمومی به شماری دقت. در حال حاضر بسیاری از شهرها دارای مناطق وسیع آپارتمانی بوده و از خدماتی نظیر بیمارستان، فروشگاه‌های سیستم فاضلاب، خطوط اتو بوس اتوبوسی و وسایل تفریحی برخوردار می‌باشد. با این وجود، پایان افزایش تقاضا، مشکل می‌توان بر میزان عرضه افروز و نواحی بسیاری در شهرها هنوز علاوه بر خانه‌های کهنه و فرسوده قادر آب‌لوهه کشی و پیدا شت مناسب می‌باشد.

بسیاری از تحولات جدید در زمینه مسکن مدیون طرح‌های «اسکان مرکب» می‌باشد. شهرک کائوینگ، در شمال غربی حومه شانگهای یک نمونه کامل از «اسکان مرکب» است. این شهرک متعلق به «دفتر مسکن شانگهای» است که در سال ۱۹۵۱ ساختمان آن شروع شد. در ابتدای جمعیت آن با ۱۲۰۰ خانواره ۴۵۰۰۰ نفر می‌رسید و تا سال ۱۹۷۱ با ۱۵۰۰۰ خانواره به ۶۸۰۰۰ نفر بالغ گردید. تقریباً تمام افراد مقیم این ناحیه کارگران صنعتی فعال یا بازنشسته بودند و بسیاری از آنان قبل از محله‌های تقریباً نیز کرده بودند. به موازات رشد جمعیت، شهرک مزبور بهشت ناحیه تقسیم شد و هر ناحیه مستلزم شغل نگهداری و تعمیرات تأسیسات به خود می‌باشد. تیازمندی‌های روزانه از طرق فروشگاه‌کوچک بازار سبزی و کلینک‌های هر ناحیه برآورده می‌شود و به علاوه یک فروشگاه بزرگ با تک، اداره پست و یک کلینیک بزرگتر نیز در شهرک جهت رفع احتیاجات مهم‌تر تأمیس شده است. بیماری‌هایی که تا حدودی خطیر نات می‌باشد در بیمارستان شهرداری که در نزدیکی شهرک واقع شده است معالجه و درمان می‌شود. تعلیم و

تریست ۳۵۰۰۰ کودک این شهرک در هفت دیرستان، چهارده دبستان و سیزده کوهدشتان و مهدکوهدک صورت می‌گردد. برای نفیع و استراحت‌های آن باع واستخر شنا، مینما و مرآکر فرهنگی تأسیس شده است.

پک زن کارگر بازنشسته به نام «گروچاو - بی» که مقیم شهر لکاتوریانگ است از من برای صرف ناها ر و صحبت درباره شهرک دعوت به عمل آورد. این زن که از سال ۱۹۵۲ مقیم آنجا بود، خاطرنشان ساخت که خانه‌های این شهرک به کارگران نیازمندو اگذار شده است، مشروط براینکه آنان از نظر سیاسی و کار بسیار قعال و معتمد باشند. خانه او و شوهرش که او نیز کارگر بود، از یک اطاق بو پک توالت تشکیل می‌شد. آشیزخانه مشترک بین آنان و دو خانواده دیگر بود، اطاق این زن و شوهر در طبقه اول پک ساختمان سلطیقه واقع شده و میمان آن از پک تختخواب، کمد، میز ناهارخوری، دو صندلی و چند آئینه و تعدادی صندوق و چمدان تشکیل می‌شد. گفت سیمانی اطاق راهیچگوته فرش یا قالیچه‌ای پوشانده بود با وجود آنکه هیچ گونه اثرباری از لوکس‌گرایی در این خانه نبود و مساده مشاهده نمی‌شد، ولی خانم خانه با غرور و علاقه بسیار از این خانه صحبت کرده و به تلحی از دوران قرق‌گذشته خود بیاد می‌کرد.

«گرو» و شوهرش حقوق ماهیانه بازنشستگی به میزان ۴۰ «یوان» (۸۹۷۵ پوند) دریافت می‌کنند و اجاره‌ماهیانه مسکن به میزان ۳/۱۵ «یوان» با ضایعه ۱۰۰ «یوان» برای برق و ۰/۷۰ «یوان» برای آب می‌باشد. کارهای روزمره خانم گوومانند بسیاری از همسایگان و خانه‌داران دیگر آن محله می‌باشد. وی معمولاً ساعت ۶ صبح یدار شده و پس از صبح می‌بخانه به نظافت و مرتب کردن خانه می‌برد ازد، سپس خریدهای موردنیاز را انجام می‌دهد. از آنجائی که همگی از مواد غذایی تازه برای آشپزی استفاده کرده و مواد غذایی کنسرو شده گران است لذا رفتن به بازار در صبح زودتریا در تمام خانواده‌ها معمول است. ناهار در حدود ساعت ۱۰ صبح صرف می‌شود. برخی اوقات ماهی و گوشت بیز خورده می‌شود. حال آنکه اغلب اوقات فقط میز یجات تازه برای تهیه غذا استفاده می‌شود.

در بعداز ظهرها، خانم «گرو» در جلسات مربوط به کمیته افراد محل شرکت می‌کند و در موافقی که وقت آزاد داشته باشد با اتویوس برای خرید با

دیدار دوستان به شهر میرد. وی در تندگی اجتماعی بینارهای می باشد. وی آنها را از کودکانی که والدین آنها به کار اشتغال دارند نگهداری و مواظبت می کند، بلکه در موقع لزوم خریدهای لازم را برای دیگران انجام می دهد. در بسیاری از شهرهای چین، سالمندان خانواده یک چین خدماتی را عرضه کرده اند که به نوبه خود بسیار ارزشمند می باشد.

تاسال ۱۹۷۳ در شانگهای مجموعاً ۴۵ شهرک مانند کاتویانک ساخته شده بود؛ بسیاری از شهرهای بزرگ طرح هایی مشابه این شهرک نمونه در داشت اقدام دارند. بدلاً از برخی از شهر که صرفاً برای کارخانجات بزرگ صنعتی به وجود آمده است، یک نمونه آن کارخانه کوشاپیائی «نانکن» است. خانه های شهرک این کارخانه فقط به کارگران آن کارخانه و گذاری شود و خارج از این شهرک مردم یا درخانه های خود زندگی کرده یا مسکن برای خود اجاره کرده اند. مقامات محلی اجاره بیهای خانه ها را تعیین می کنند.

هم زمان با افزایش مزد طی سال گذشته، قیمت ها کم و پیش ثابت مانده در برخی موارد حتی کاهش نیز گرفته است و این موضوع باعث شده است که شهر تشیان از احساس امنیت اقتصادی قوی تری برخوردار شوند. تمام قیمت ها زیر نظارت دولت است و مواد کمیاب جبره بنده می شود. بطوری که در جریان بحران اقتصادی اوایل ۱۹۶۰-۱۹۶۵ بسیاری از مواد غذائی و کالاهای مصرفی جبره بنده شد. در حال حاضر فقط مصرف غلات و پارچه تختی جبره بنده می باشد. به عضو خانواده یک کوپن جبره بنده داده شده است. میزان جبره غلات بر حسب کارهای انجام شده، توسط مزد نوسان می باشدو غالی بین ۳۵ الی ۵۰ جین ($\frac{1}{2} \text{ کیلو}$) در ماه در نوسان است. جبره سالانه پارچه تختی طبق میزان تواید سالانه تغیر است. در «سیان» در سال ۱۹۶۵ جبره پارچه تختی بد ۲۵ فوت سر اندازید. در سال ۱۹۷۱ خانم «گوو» و دو هرش جداگانه هر کدام ۲۹ فوت مکعب پارچه تختی دریافت کردند. فهرست زیر شاخص بیان مواد غذائی و کالاهای مصرفی در «کاتویانک» در سال ۱۹۸۱ می باشد. این فهرست قدرت خرید کارگر چینی را با حد آمد. ۵ «پوان» در ماه نشان می دهد.

بها به «يوان»

(۱ «يوان» برای است با ۳ بیوند)

هر جین (نیم کیلو)	۰/۸۵	تخم مرغ تازه
»	۲/۷۶	سوسیس چیزی
»	۰/۹۸ - ۱/۰۲	گوشت خوار نمک زده شده
»	۰/۸۰	مرغابی
یک	۰/۹۰ - ۱/۵۰	جوچه
هر جین	۵/۴۰ - ۷/۵۰	ماهی کپور
۳	۰/۰۲ - ۰/۰۶	سبزیجات
۹	۰/۴۵ - ۰/۶	صیب
»	۰/۱۶۴	برنج (مرطوب ترین نوع)
هولنتر	۰/۵۰	آبجو
هر عدد	۱/۰۰ - ۲/۴۰	کلاه پارچه ای
هر چفت	۱/۵۰	کفشهای پارچه ای
کفش تیس	۴/۹۵ - ۴/۶۵	کاسه هایی برای صرف بر تج
هر عدد	۰/۱۵ - ۰/۴۱	رادیو ترازیستوری
هر عدد	۴۰/۰۰	دوچرخه
هر دستگاه	۱۱۰/۰۰ - ۹۰/۰۰	

بسیاری از خانواده ها برای خریدمایحتاج اولیه خود و مخارج بوشاگی با اشکال دیگر نیستند، هر چند که تامین نیازهای یک خانواده یک خانواده بزرگ فقط از طبق یک نان آور میسر نبوده و پس انداز چندانی باقی نمیماند. فلی خانواده های کوچکتر قدرت پس اندازده اشته و حتی بازنشستگانی مانند خانم، گوو، از رفاه بیشتری برخوردارند. با این وصف از اسراف و زیاده روی در خانواده ها خبری نیست و کاغذهای پسته بندی و ابطاری های خالی نگهداری شده مجدداً مورد استفاده قرار میگیرد. لباس های تیز و مصله دوزی شده و تا فرسودگی و کهنه گی کامل مورد استفاده

فرار می‌گیرد. گرچه همگان برای داشتن لاس‌های مناسب و مرتب کوشش‌می‌کنند، ولی بروی از مدد مغارح نبوده و عدم چشم‌محضی میان همسایگان هم کمتر کسی را وادار به خرید پوشاک نمی‌سازد. آگهی‌های تبلیغاتی تجاری به سینه‌دنیای غرب کاملاً ناشناخته است و دوچرخه، رادیو، ساعت‌مچی، دورین و چرخ‌خیاطی تنها کالاهای لوکس بدمدار می‌آیند که هر کس به دنبال تهیه‌آنها می‌باشد. شرینی وستی و صرف غذا در رستوران نیز کم و بیش جنبه تشریفاتی دارد. تلویزیون و یخچال به بعد از محدودی تو لیدمی شود و به علت قیمت بالای آن فقط از جانب موسات خریداری می‌گردد.

به طور کلی زندگی خانوادگی در چین بسیار تحریر و مسمیانه است و با این حال افراد خانواده‌یشتدرهای بسته‌باقی تمی مانند بلکه با همسایگان رقت و آمد زردیک و دوستانه‌دارند. در بسیاری از منازل درها و پنجره‌های رو به خیابان دائم باز است و عابرین از آنجه که در داخل خانه‌های اطراف می‌گذرد، آگاهی پیدا می‌کنند. به محض تمام شدن فصل زمستان، مردم به حیاط خانه‌ها روی آورده و ضمن صرف غذ او استراحت یا انجام کارهای روزمره در هوای باز، به صحبت و تکنگر با همسایگان می‌بردازند. در تکمیل ترین ماههای سال برخی از خانواده‌هادر فضای آزادی خواهند بودند از ترتیب در محله‌های مسکونی آثار حیات و تحریز همیشه به چشم می‌خوردند.

ادارات محلی

بسیاری از وظایف حکومت شهری مانند کنترل ترافیک، پیدا شت‌همومی ثبت احوال و صدور تجوییزه به وسیله ادارات شهرداری و ناجههای صورت می‌گیرند، ولی در پایین ترین سطح مسلسله مرائب اداری « محله » وجود دارد که اداره‌آن به مردم و اعیان شده است و ساکنان ناجه در اداره امور شهر خوددار کت فعال نه دارند. به طور مثال پکن دارای ۹ ناجه است که هر ناجه به محلاتی چند تقسیم شده است محله‌ونگک‌شنگک، یکی از ۹ محله واقع در ناجه غربی شهر است و دارای مساحتی به میزان ۱/۵ کیلومتر مربع، با دو خیابان اصلی و ۱۳۲ خیابان فرعی می‌باشد. تعداد ۱۵ و ۱۶ خانواده با جمعیتی از بیک به ۵۳۰۰۰ نفر در این محله زندگی می‌کنند. در راس سازمان اداری محله «ونگک‌شنگک»، کمپته انقلابی که اعضای آن توسط افراد محله انتخاب شده و موردناید مقامات بالا گرفته،

جای دارد که انجام امور اداری اساسی و بنیانی محله را در اختیار دارد. پس از کادرهای دولت که در واقع انتصاب هستند انتخابی، اکثریت اعضای کمیته دا کارگران ساکن این محله تشکیل می‌دهند. کمیته «فناگ شنگ» مجموعاً دارای ۲۷ عضو است که ۱۰ عضو آن از کادرهای دولت می‌باشد.

«کمیته‌های انتخابی محله‌ای» فعالیت‌های سازمان‌های پائین‌تر خود را که «کمیته‌های ساکنین» خوانده می‌شوند کنترل می‌کنند. فناگ شنگ دارای ۲۵ «کمیته ساکنین» است که هر کمیته نمایندگی ۴۰۰ الی ۸۰۰ خانوار را بهمراه دارد. کمیته‌های ساکنین و انتخابی رسمی دولت به شمار نمی‌آیند. ولی گروههای غیر رسمی می‌باشند که از ساکنین محله تشکیل شده است تا سیاستها و راه روشای مریبوط به اداره امور محله را هم‌آهنگ و مرتبط ساخته، اجرای آنها را تحقق بخشنند. در رأس هر «کمیته ساکنین» ۱۵ الی ۲۵ نفر که از جانب اهالی محل انتخاب شده‌اند، قرارداد نمایندگی پسورد انتخابی انجام وظایف می‌کنند. غالباً هر یک از اعضای «کمیته انتخابی محلی» چندین «کمیته ساکنین» زیر نظر خود اداره می‌کند. «کمیته‌های ساکنین» گروههایی مانند آموزش ۵۰ تا ۶۰ نفری مرکب از زنان خاندار و بازنشستگان برای فعالیت‌هایی مانند آموزش سیاسی و بحث و مذاکرات تشکیل می‌دهد. از دیدگاه حزب کمونیست، تشکیل چنین گروههایی بسیار مهم و اساسی است زیرا از طریق آنها بهترین و مناسب‌ترین شناسن وارتباط بین مردمی که در خارج از خانه کار نمی‌کنند با جیات سیاسی کشود یورقرار می‌شود. در عمل اعضای «کمیته انتخابی محلی» مطالب مورد بحث را به اعضای کمیته ساکنین اعلام کرده و اعضای این کمیته نیز ترتیب تشکیل جلسات کوچک را با شرکت گروههایی که وصف آن شده، می‌دهند. در «فناگ شنگ»، این نوع جلسات ۱۲ الی ۳ بار در هفته از ۸ تا ۱۰ صبح تشکیل می‌شود. تمام اعضای «کمیته انتخابی محلی» و کمیته ساکنین، در یک از مباحثات و گفتگوها شرکت کرده؛ تکرداشتن گان کمیته دا باری می‌دهند. در عدد سیاستهای جدید شرح لازم داده می‌شود و اعضا از پیشنهادهای نیز بازگو می‌شود، بدین طریق، حکومت محلی همیشه از چگونگی خواست‌ها و قضاؤت‌های مردم تابع خود، آگاهی کامل دارد.

پیشتر سازمان‌های اداری محلات تعداد محدودی کارخانه و کارگاههای

کوچک را اداره می کند که بهمنظور برآوردن احتیاجات محلی یا به عنوان بخشی از طرحهای شهرداری بطور اشتراکی تأمین شده است. محله «فنجان شنگ» دارای ۷ کارخانه تولید ظرف اتومبیل، غایق سازی مواد پلاستیکی، تهیه بوشک پچکانه و وزر گسالان، فلز کاری و جعبه های مقوایی می باشد. یک کارگاه گلندوزی نیز وجود دارد ولی اغلب کارهای گلندوزی توسط زنان درخانه انجام می شود کلیه محصولات این کارخانجات یا در بازار به فروش رفته یا به کارخانه های نزدیک این محله عرضه می شود. این نوع کارخانه ها یا ارزان ترین و ساده ترین وسایل ساخته و مجهز می گردند. از ماشین و آلات امروزی و پیشرفته فقط در صورت نیاز مردم استفاده می شود. در حدود ۸۰ الی ۹۰ درصد کارگران این کارخانجات را زنان ساکن محله تشکیل می دهند. در آمد کارخانه صرف پرداخت مزد و تأمین منافع رفاهی می شود. حزب کمونیست معتقد است که چنین کارخانه هایی منابع و نیروهای بلا استفاده را بکارانداخته و نقش مهمی در پر کردن شکافهای احتمال ناشی از اجرای طرحهای عمرانی دارد.

«کمیته های انقلابی محلی» مهد کودک، کودکستان، رستوران و معمازه های خدمائی برای انجام کارهای خیاطی، تعمیر کاری و شستشو و نظافت را نیز اداره می کند. بسیاری از این خدمات به منظور باری و کمل به زنانی که مایل به انجام کار در خارج از منزل می باشند ایجاد شده است. برخی اوقات درمانی گلنهای کوچک برای درمان بیماری های معمولی و جراحات کم اهمیت نیز تأمین شده است. این نوع درمانگاههای بیمارستان های شهرداری مرتبط است. نگهداری و انجام تعمیرات لازم محله در دست کمیته مدیریت مسکن است. کمیته مزبور ترتیب اسکان خانوارهای نوسازی خانه های قدیمی و تعمیرات برق و آب و فاضلاب را می دهد. کمیته انقلابی محلی می تواند از مقامات بالاتر تقاضای خدمات اضافی مانند افزایش کابل تلفن و غیره پکند در تمام فعالیت ها، سعی و کوشش آگاهه به منظور برقراری و پیشبرد روحیه تعاون و همکاری در چارچوب جامعه پیش از هر نکته دیگری جلب نظر می کند.

نقض مقررات و کیفر آنها

چندین نهاد رسمی و غیر رسمی برای حفظ قانون و برقراری نظام و ترتیب در شهرهای چن به وجود آمده است، کمیتهای انقلابی محلی، از طریق رخنه کردن در جامعه بر فشار و کردار افراد نظارت داشته، میزان آزادی عمل و اصل رعایت حقوق دیگران را دائمًا خاطر نشان می سازند. بدین ترتیب در صورت گرایش به ارتکاب جرم با انتزاع سیاسی موضوع از طریق کمیتهای انقلابی محلی غالباً کشف می شود وطنی جلسات کوچکی مورد بحث و مذاکره ویژگی قرار گرفته راهنماییهای لازم بعمل می آید، چه بسیار موارد که تنکیل این نوع جلسات مانع از بالتفعل شدن انتزاعات بالقوه بوده است. در پیشتر موارد این نوع فشار اجتماعی از طیعت و روش مناسب و مطلوبی بر خوردار است و تعلیم محلودی از افراد وحشت آنرا دارند که مورد انتقاد و عیوبی فراز گیرند. البته فقط در جریان مبارزات سیاسی است که این فشارهای سنگین تو شدهای آنان غالباً می شتری می گردد.

تشویق به کردار بیک از طریق وسائل ارتباط جمعی و درادیات بینما و تأثیر صورت می گیرد. داستانها و افسانه های بسیار درباره مردانی گفته می شود که مثلاً شیشی گران بهایی را پیدا کرده و علی رغم تمام موانع و مشکلات بی انتها برای یافتن صاحب اصلی آن کوشش های بسیار به کار برده و پس از عرضه آن شیشی از قبول پاداش امتناع ورزیده است. همانکه چنگونه شهر و ندان مرائب و باهوش در مقابل وسوسه انجام کارهای ناپسند مقاومت کرده اند. گزیده حقایق همواره یا الایشه های مطلوب و آرمانهای پستدیده هم آنکی ندارد و همه مردم در حفظ و نگهداری اموال خود اقدامات امنیتی لازم را بعمل می آورند، ولی بنابر هیماری از گزارش ها در مطلع وسیعی از چن جرم و جایت بندرت مشاهده می شود: در جریان انقلاب فرهنگی هنگامیکه نظام اجتماعی دگر تکون شد، جرایمی مانند، شرارت، دردی و جنایات صورت گرفت «گارد سرخ» گزارش هایی از تجاوز و قتل داشت با این وصف، ارش این چنین قانون شکنی ها را در سال ۱۹۶۸ با قدرت بسیار سر کوب کرد و برخی موارد محاکمات

عمومی و مجازات اعدام صورت گرفت . پس از آن دوره مجدداً تأکید بسیار بر ارزش‌های اخلاقی مانند صداقت ، درستگاری و پندارهای پستدیده بعمل می‌آید . تضاد بین موارد قانون شکنی و قاده در چین قبل از سال ۱۹۴۹ و اخلاق و معنویات امروزه چنان آشکار و واضح است که هر بازدید کننده‌ای که چین آن زمان وامروز را دیده باشد بشدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد . امر امنیت شهری بهدهد افسران دفتر امنیت عمومی است وظایف آنها عبارت است از جلوگیری از ارتکاب جرائم ، بازرسی و دستگیری مجرمین و همچنین کنترل ترافیک و صدور گواهی سفر واقامت می‌باشد . در پیشتر موارد ، کلاهتری که در سطح یک محله فعالیت دارد در ارتباط نزدیک با «کمیته اقلایی محلی» برای اداره امور می‌باشد . ناجیه تحت کنترل علیق تقیم بندی نفریبی واحدهای «کمیته‌های ساکنین» به مناطق «گشت» تقسیم می‌شود و پاسان ، در ارتباط بسیار نزدیک با افراد محل بوده و ضمن برقراری تعامن با همه ساکنین از اوضاع واحوال آگاه شده ، کوشش می‌کند تا از وقوع جوادت ناگوار جلوگیری بعمل آورد . می‌«انتقلاب فرهنگی» از گوش و کثار انتقاداتی مبنی بر اینکه بسیاری از پاسانان فاقد رفتار دوستانه می‌باشند ، شنیده می‌شد . در اغلب شهرها ، دفاتر امنیت عمومی شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته و از آن تاریخ به بعد اصلاحاتی در آنها صورت پذیرفت . در سال ۱۹۷۳ واحد های مسلح نیروهای شبه دولتی در انجام وظایف شهریانی و نگهداری خیابانها همکاری کرده‌اند . از آنجاییکه واحدهای مزبور از افراد «عمولی» ولی فعال سیاسی تشکیل شده است ، لذا مسئله جلوگیری از ارتکاب جرایم فقط بهدهد شبکه پلیسی تبوده و مسئولیت آن برداش از ارادتخارج از این شبکه نیز گذاشته شده است .

گرچه دفاتر امنیت عمومی برای انجام وظایف خود تا حد زیادی به فشار های سیاسی و اجتماعی متول می‌شود ، ولی از سلاح مجازات بین استفاده می‌کند . جرائم عمده مانند ارتکاب به قتل غالباً مجازات اعدام دارد و برایهم کوچک نیز غالباً به آزادی مشروط و تحت نظارت منجر می‌شود . در حد طائل بین این دو کیفر ، مجازات‌های گوناگون از کار اردوگاههای دور افتاده گرفته

تاکار در اراده گاهای محلی داده می شود . در این موارد تاکید بسیار بروزی اصلاح مجرم از طریق انجام کارهای بدنبی و آموزش سیاسی بعمل می آید . افراد قبل از انجام هر کار خلاف یا مخالفت با حزب کمونیست از وجود چنین مجازات های بخوبی آگاهی دارند . به هر حال یلیس چن در انجام وظایف خود از وقوع جرم جلوگیری کرده و کوشش دارد که با بازداشتمن مجرم از ارتکاب به جرم اور از مکافات و کیفرهایی بخشند .

هنگامی که اختلافات داخلی مانند دعوا و تراع برسر مالکیت باطلان روسی دهد ، همه گونه کوشش از جانب پلیس بعمل می آید تا در صورت آشتب دادن طرفین از مراجعت آنان به مقام قضایی جلوگیری بعمل آید . مفهوم مبانجی گری به صورت غیررسمی بین طرفین دعوی تاریخچه بسیار طولانی در تمدن و فرهنگ چن دارد و امر و زده یکی از وظایف «کمیته انقلابی محلی » به شمار می آید . در صورتی که مبانجی گری کمیته های مزبور و همچنین کمیته های رسمی مبانجی گری در رفع اختلافات و کشمکش ها مؤثر نباشد ، طرفین دعوی برای طرح دعوا بهدادگاه رجوع می کنند .

عاشرت دختر و پسر

بسیاری از افرادی که از چن بازدید به عمل آورده اند برای بن عقیده می باشند که جامعه چن سردوبروح و مهافتله کار است ، بطوری که حتی اگر دختر و پسری دست یکدیگر را در معرض عموم بگیرند پاسرزنش و تکاهای تنلو مخالفت عموم روبرو می گردند . عدم پیروی زنان از مد و لباس های یک نواخت وی قواده آنان را نیز مظہر رفتار طالمانه جامعه نسبت به جنس مؤنث می دانند . بررسی داستان های کوتاه و گزارش های روزنامه های معاصر اهیت تکیه بر روابط سیاسی و اخلاقی زن و مرد را منعکس می نماید . درباره عشق و علاوه کمتر اشاره ای شده است . و تقدیم ای ادبی نیز غالباً عشق را انکاری از یک روحیه خود خواه و منحرف با برداشتی نادرست از مقاهم زندگی توصیف کرده است . عشق قهرمان زن داستان به قهرمان مرد از طریق سنایش کیفیت والا بی سیاسی او نشان داده می شود ، بدین جهت جای تعجب نیست که چن به عنوان کشوری عفیف

معرف شده است.

حال آن که چنین برداشتن نسبت به جامعه چنین تا اندازه‌ای گمراه کننده است، برای یک‌چنین نوع را بله زن‌مرد در جامعه‌ای هاتند افغانستان و مقدار ابردی و وقتی که صرف روابط فرعی خارج از محلوده سکس می‌شود شگفت آور است. وی داستان‌ها و آوازه‌های عشقی راستخی پنداشته و آزادیش ظاهری پیو شبدن لباس‌های آخرین مد را نیز بهوده و مصنوعی می‌داند، واکنش یک چنی در مقابل سکس صریح وی پرده است، آنان به روابط طبیعی میان زن و مرد دور از هر گونه ویژگی‌های شخصی متداول در دنیا، غرب معتقد می‌باشند، همچنان تعدد زوجات و آزادی‌های دیگر در زمینه سکس که در دوران گذشته معمول بود، همچنی سر کوب و دیشه کن شده است، ولی روحی سخت‌گیر چنی‌ها بدغافت نزدیکتر است تا افسردگی و فشار، هر گاه شخصی خارجی برای مدت طولانی در چنین زندگی کند، بدون تردید متوجه خواهد شد که لباس‌های ساده جاذیه جنسی را کاهش نداده، زیرا شیوه‌ای ویژه در حرکات و اشارات و شخسمیت افراد جایگزین آن شده است.

پزدگی ترین قدمی که تا کنون در چگونگی روابط زن و مرد برداشته شده است انگیزه و اشتباق زنان برای کسب آزادی است، به رغم فشار سنت‌های گذشته، زنان از تساوی حقوق در تمام جنبه‌های زندگی برخوردار شده‌اند، ولی هنوز کمتر دختری حاضر است برای دعوت از مردی بیشقدم شود و آن را کار اخلاقی و صحیحی نمی‌داند، در حقیقت مردان جوان برای دوستی با دختران گام اول را بر می‌دارند و غالباً شخص سومی دخالت کرده و ترتیب ملاقات آن دور را می‌دهد، در شهرها، افراد تحصیل کرده جوان تا اندازه‌ای در باره این مطالب صریح نر و بدون مقدمه چنی اقدام می‌کنند ولی در روتاها آغاز دوستی دختر و پسر نیاز به پیچ و خم بسیار دارد، زناشوئی غالباً از طرقی خواستگاری والدین پسر از والدین دختر صورت می‌گیرد ولی در حال حاضر عقیده و نظر عروس با داماد جوان قبل از تضمین هر گونه تعهدی تیز در نظر گرفته می‌شود، روابط جنسی قبل از زناشوئی در صورتی که آشکار شود با واکنش منفی جامعه و برو و می‌شود با این وصف در نتیجه سهو و خطا در صورتی که دختری قبل از ازدواج حامله شود، امکان سقط چنین به سهولت بسیار امکان پذیر است، بسیاری از

چنین‌ها بر این عقیده می‌باشند که حواله‌منی این چنین در جامعه به ندرت روی می‌دهد.

طبق موادین مستن، مردان و زنان بسیار زود ازدواج می‌کردند حال آنکه حزب کمونیست جوانان را به ازدواج در سنین بالاتر تشویق می‌کند. تبلیغات تکیه زیادی بر آسایش و فراغت خجال دوران تجرد کرده و آن را فرست مناسبی برای تمکن از زیستی در راه انجام وظایف و پیشرفت می‌داند و مزایای اولاد به تعداد کمتر را با این تأکید که در صورت ازدواج در سنین بالاتر فرزندان کمتری خواهد داشت، دائمًا خاطرنشان می‌سازد. گزارش‌های رسمی حاکمی از آنست که فحشا در جن ازین رفته است و همه چنین‌ها این موضوع را تائید می‌کنند.

فراغت و تفریح

بخش عظیمی از زندگی مردم چین را فعالیت سیاسی و اجتماعی بخود معطوف داشته است چنانچه بیشتر مطالب این کتاب روشن‌گر این بخش عظیم می‌باشد. بعلاوه قشاری سنگین بردوش جامعه چین وارد می‌آید تا با کار بیشتر و فعالیت شدیدتر تحولات اقتصادی دوام و ثبات تأمین. با این وصف برای خواسته تپایستی آن تصور وجود آید که در چین فقط سیاست و کار مطرح است و فراغت واستراحت جایگاهی در جامعه چین ندارد. شهر و ندیجینی پس از خاتمه ساعت کار و روزهای تعطیل از طرق گوناگون برای تفریح و استراحت استفاده می‌کند.

بودن تلویزیون و دیگر سرگرمی‌های تجاری در خانه‌ها به مفهوم آن است که اغلب خانواده‌ها شخصاً و سبله سرگرمی و تفریح خود را فراهم می‌کنند. بازی باوری و همچنین بازی‌های مانند شطرنج بسیار رایج است. معمولاً کودکان نیز تا دیر وقت بیدار می‌مانند و همدوش بزرگسالان خانواده تفریح می‌کنند و مجبور نیستند بزرگرها را برای زفاف بهتر نزد تکوین. در هوای گرم تابستان مجمع خانواده از اتفاق‌ها به حیاط خانه‌ها یا کنار خیابان منتقل می‌شود و آنان در کارهای به گفتنگو و غیبیت دیگران می‌بردارند. کودکان تیزهای بازی‌های

گوناگون دستگمی در خیابان‌ها سرگرم می‌شوند، رقص، آواز و موسیقی نیز مورد علاقه مردم بوده، اغلب گروه‌های غیر حرفه‌ای وابسته به کارخانجات یا واحدهای دیگر این نوع سرگرمی‌ها را تأمین می‌کنند.

علاقه بهورزش می‌نهاشد است وینگ پونگ و سکبیال از محبوب‌ترین ورزش‌ها بشمار می‌آید، در هر زمین بازی که می‌توان بافت گروهی مشغول بازی سکبیال یا پینگ پونگ می‌باشد ورزش شنا نیز علاقمندان بسیار دارد بدویژه این از شناهای مشهور مائو در روختانه «پانگتزا» در سال ۱۹۶۶ بطور کلی در کارهای ورزشی بر مفهوم اشتراک‌تاکید بسیار می‌شود. هیچ‌گوشه‌ای تحادیه یاما به در سطح وسیع توأم با رقاوت دائم وجود ندارد، حال آنکه مسابقات بین کارخانجات و استان‌ها با اقبال و اشتیاق عموم روبرو می‌شود، «تمرین بکس پاساپه» و ورزش‌های سنتی از این قبیل میان افراد کم‌اندری تر طرفداران بسیار دارد، هر روز صبح زود تعداد زیادی زن و مرد در پارکها و گردشگاه‌ها مشغول تمرینات ورزشی برویژه تمرین بکس پاساپه بوده و چنان در خود فرو می‌روند که گویا از دنیای اطراف خود بکلی فارغ می‌باشند.

خاتمدهای چینی برای گردش اغلب به باع و حش و پارک‌رتفه و دریتر این قبیل گردشگاه‌ها در یاچه کوچک برای قایقدانی و پاک‌آفهای کوچک برای صرف چای و تخمه هندوانه شکستن وجود دارد، اغلب شهرها نیز دارای یک میدان یاقصربدیعی است که تبدیل بهموزه یا پارک شده، مردم در فضای سنتی آن گردش و تماشا می‌کنند، در فاصله اندکی از «لویانگک» غارهای بوداپان فرازدارد که بر دیوار آن‌ها حکاکی‌های مختلف شده است، در کنار این غارها ورودخانه مشرف بر آن مردم ناظر به جریان برخورد آب باخته سنجها به تحسین و تماشا، ایستاده و روز تعطیل خود را می‌گذرانند و عصر هنگام برای صرف شام یکی از رستوران‌های اطراف شهر می‌روند، غالباً اوقات آنان مجبور به بخارت نهیه‌های صرف‌فا مخصوص استان خود نبوده، بلکه بسیاری از رستوران‌ها بخارت نهیه غذاهای مخصوص دیگر استان‌ها معروف می‌باشند، حتی در شانگهای و پکن تعدادی رستوران مخصوص طبخ غذا به سبک غربی وجود دارد، گاهه مردم برای تفریح بهسته، یا آتر محله‌خود می‌روند، صرف مشروبات الکلی و بازی فرار و سما منفع است و هیچ گونه باشگاه یا محل مخصوص برای میگاری و قمار-

بازی وجود ندارد. با مقایسه با شهرهای اروپائی، زندگی شبانه در چین خیلی زود
خاتمه یافته، در حدود ساعت. ۱ شب اغلب خانواردها در خانه خود آماده رفتن
به بستر می‌شوند.

و بالاخره به فستیوال‌های سنتی و امروزی تبیه‌ایستی اشاره کرد. در آغاز
«سال نو» غذاهای مخصوص از بر تج و مواد خاص دیگر تهیه و هدایا رد و بدل
می‌شود. هنگام فشوی‌ال‌بهاری، مقبره‌های خانوادگی آب‌وجارو شده و بنابر یک
سنت جدید برای شهدای انقلابی مراسم یادبود برپامی شود. در «فشوی‌ال‌مهتاب»
با این، مردم ضمن صرف کلک‌های هلالی شکل معلواز خرم‌ماهه مظہر ماه است از

هلال‌ماه ستایش به عمل می‌آورند.
در «روزملی»، که سالگرد تشکیل جمهوری خلق چن است روزه، آتش-
بازی، مراسم شبانه و جشن‌های شبانه برگزار می‌شود. فستیوال‌های سنتی و جشن
های ملی مورد علاقه چنی‌ها است و شوق و حرارتی به زندگی روزانه آنان
می‌بخشد.

آموزش و فرهنگ

اگر حقیقته یک چیزی را درباره نقش آموزش و فرهنگ پرسید، پاشما خواهد گفت که آن دو بخشی ازروبا و حاصل رشد اقتصادی است و ارزشها و هدفها و روش‌های سازمان داده شده آموزشی و فرهنگی را بر حسب ساخت اقتصادی کشور تصریح می‌کند. بدلاً از او خاطرنشان می‌سازد که آموزش و فرهنگ انعکاسی است از تحولات اجتماعی. البته عقاید و نظرات چینی‌ها فقط تأکید بر این بیست که تغیرات اجتماعی می‌بایست اول صورت گرفته، سپس مدارس و فرهنگ بصورت خودکار دچار دگرگونی و تحول شود بلکه چینی‌ها معتقدند که انقلاب آگاهانه در آموزش و هنر شوه‌ای ارزشمند برای کمک به تغیر شکل یک جامعه سنتی به یک جامعه نوین می‌باشد. هدف از آموزش، تربیت افراد نموئه (ایده آل) است به طریقی که آموزش اثری مثبت بر اندیشه‌های افراد گذارده و صفات مطلوب را در آنان پرورش دهد. فردی می‌بایست کوشش کند تا قابل خود را بر اساس این کمال مطلوب مجدداً مطرح ریزی کند و به هنگام خواندن

و نوشتن یا به هنگام نقاشی کردن نیایستی صرف‌آ این کار را برای ارضای حس جاه مطلبی خود یا سرگرمی انجام دهد، بل مناور او بایستی کمک به انقلاب باشد.

تاریخچه اصلاحات آموزشی

هدف اساسی از آموزش درجهن تحکیم بنیان و رشد یک جامعه توین کمویستی است، برای رسیدن به این هدف تعلیم و تربیت سه‌وظیفه اساسی را پیغامده دارد، آموزش در مرحله اول بایشی شامل تدریس، خواندن، نوشتن، ریاضیات، جغرافیا و علوم تجربی به مردم باشد، و در کنار آن حس و قادری و ایمان به چین و سیاست‌های چینی و بهما تو و مارکیسم می‌بایست بهملت اتفاق شود، و بالاخره آموزش می‌بایست سخت کوشی و صادق بودن به مناسع اشتراکی و اندیشه‌ی دندا تشویق و تقدیر کند، مدارس تنها وسیله تحقق این سه آرمان نبودند بل فقط یکی از راههای آموزشی است، بهره‌حال چنین‌ها جهت ایجاد نظامی که با ساختگویی نیازهای آنان باشد، با مشکلات و موانع بیبار رویرو شده‌اند که نفوذ سنت‌ها در مدارسی که درین تحولات اقتصادی تغیر چهره‌داده ازمهترین آنها به شمار می‌آید.

تکیه بسیار بر آموزش اخلاقی از جمله میراثهای سنتی است، دانشی که از طریق مدرسه یا از طریق علوم اخلاقی و فقهی کسب می‌گردد در ارتباط از دیک با یا کدیگر می‌باشد و نفوذ آموزشی اخلاقی و سیاسی امروزه در مدارس چنین موضوع تازه‌ای نیست بل فقط مفهوم اخلاقی تغییر یافته است، به عبارت دیگر، قوانین کیهن کنفیوس حای خود را به اعتقادات مارکیستی داده است، ارتباط نزدیک بین آموزش، موقعیت اجتماعی و قدرت سیاسی از دیگر ویژگی‌های دوران گذشته بود، فقط افراد تحصیل کرده می‌توانند بجز گه طبقه حاکم بیرون از این پول و وقت کافی برای کسب دانش داشتند، کمویست‌هاد اثما وحدت بین آموزش، طبله و قدرت را مورد انتقاد قرارداده‌اند و دانما احاطه شان ساختند که نظام جدید آموزشی باستی از تشکیل طبقه اتحادی نخبگان اجتثاب ورزد، در جاری‌جوب همان شیوه‌هایی سنتی که مبتئی بر روش‌های آمرانه بود، معلمین به احترام به آموزگار و رعایت مقررات و انتظام اهمیت

سیار قابل بوده بر آن تأکید داشتند. مفهوم مدرسه عبارت بود از یادگیری از روی عادت و بدون فکر و اندیشه و تکرار مکررات. بدراهم تغیراتی که طی قرن حاضر صورت گرفته است، سیاری از این روش‌های سنتی مبتنی بر ارتباط بین آموزش و موقعیت اجتماعی و نقش علم هنوز استادگی کرد و مدارس امروزی چنین را نحت تأثیر قرار می‌دهد.

نظام آموزشی که دریم جدید چنین در سال ۱۹۴۹ به مدارس برد، تمره فعالیت‌طلبین مذهبی و دیگر بیگانگانی بود که طی صدها سال تکذیب شده بچنین آمدیه بودند. آنان به پیروی از نظام غربی مدرسه، دانشکده و دانشگاه تأسیس کردند، سیاری از آن‌ها تا سال ۱۹۶۹ مستلافاً بیلت می‌کردند مدارس دیگر تیز توسط حکومت امپر اتوئی در سال ۱۹۰۵ به عنوان کوشش محدودی درجهت پیشرفت مملکت تأسیس شده بود. این مدارس به تقلید از نظام آموزشی ژاپن، که آن نظام خود نیز تقلید از نظام فرانسوی بود، بوجود آمد. در سال ۱۹۱۱ به نگام تشکیل جمهوری، تغیرات و تحولات منجر به آن شد که در سال ۱۹۲۳ نظام آموزشی بر اساس الگوی آمریکایی طرح ریزی شود. مدارس مزبور روش‌های تدریس و مواد خواندنی همگی مستقیماً به تقلید از خارج شکل گرفته و حکومت ملی برنامه درس و محتوای سیاسی آن را شدیداً زیر نظارت خود داشت. گرچه نظام مزبور قطع رابطه قاطعی بود با تکذیب، ولی توانست سایه خود را بر توده عظیم مردم چین بگسترد. آموزگار و وسایل تدریس کمیاب بود و کمتر کسی استطاعت پرداخت شهریه مدارس را داشت. عدم ثبات سیاسی، نیز مانع برسره راه تعکیم نظام آموزشی بشمار می‌رفت. این نظام فقط در شهرها برقرار آبوجه که بتوade دهقانان آموزش داده شد برای آنان کاملاً بیگانه و غیرقابل درک بود. آمار و ارقام حکومت آن زمان نشان می‌دهد که تا اواخر سال‌های ۱۹۴۰ فقط در جنوب ۵ درصد از جمعیت ۰۰۵ میلیونی چنین بهطور تمام وقت به مدرسه می‌رفتند.

کمبود مدرسه و دانشکده یکی از مظاهر عقب‌ماندگی گشود چنین بشمار می‌رخست. بعد از سال ۱۹۴۹، کوشش‌های وسیع و همه جانبه‌ای جهت گشرش نظام آموزشی به عمل آمد و ابتکار فقط بمنظور فراهم آمدن امکانات برای دهها میلیون کودکی که تا آن تاریخ هرگز به مدرسه نرفته بودند، صورت

نگرفت، بل هدف عبارت از تریت افراد متخصص برای کاروغاپلیت درجهت پیشرفت مملکت بود، معلم، امکانات آموزشی و بودجه اندک بود، بعلاوه نیاز آموزشی می باشد دانشآموز استهای کشاورزی، صنعت و خدمات بزرگی و غیره رقابت کند. هیچ جائی برای تلف کردن بودجه وجود نداشت و تضیین ایجاد مدارس جدیدی که شایستگی مقابله با قبایل چون کشاورزی، صنعت و پهاداشت داشته باشد، جاتی بود. با توجه به اوضاع اقتصادی کشور، چیزی‌ها پایشی مثل تصمیم می گرفتند که آماهه بهتر است تعداد کثیری مکانیک‌با بودجه کم تریت کنند یا آن که تعداد کمی مهندس بازرسیه بالاتر. اخذ چنین تصمیمی آسان نبود. برخی اوقات تمرکز بر آموزش همگانی به کمیت آن لطفمنی زد، بعلاوه پیش‌بینی بازارهای تخصصی کشور با تضیین تریت صحیح نیز مشکل بود، چنانچه طی «انقلاب فرهنگی» داستان مر بوط بشخصی که در رشته طرح بیان از تحصیل شده و از حل مشکلات مر بوط بدیگر طرح‌های راه‌آهن یا اتوخ دیگر پل‌ها عاجز بود، دهان‌بهان می‌گشت. تقریباً این داستان اغراق آمیز است ولی مشکلات برنامه‌ریزان آموزشی چنین را نشان می‌دهد.

روش‌ها و مشکلات

از سال ۱۹۴۹، سیاست آموزشی چن تحت تأثیر دوروش متضاد باشد، دیگر بوده است، یکی تأکیدی است بر ایجاد یک بنای منظر کز آموزشی به تقدیم از اتحاد شوروی و شق دیگر به نظام غیرمتصرکز و انعطاف پذیر نکیه می‌کند، ایله طرفداران شیوه دوم، تجربیات خود را مدیون دوران جنگهای جریانی می‌دانند یعنی زمانی که کمونیست‌ها را بطریخانه خود را با نظام آموزشی قطع کرده و از روی ناچاری به تجربیات دیگر در زمینه آموزش متولی شدند، برخی اوقات این دو روش در کنار یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیز داشته و گاه با یکدیگر در تضاد بوده‌اند، «انقلاب فرهنگی» منجر به برخورد شدیدی بین این دو نظام مخالفت گردید.

تاسال ۱۹۶۶، بدقتلید از الگوی آموزشی شوروی دار مدارس تمام وقت، مؤسسات و داشگاهها، زیر نظر وزارت خانه‌های آموزش و تعلیمات عالیه،

که از سال ۱۹۵۸ تا سال ۱۹۶۴ ادغام شده بود، بودند.
مقامات مرکزی این دو وزارتخانه مسئولیت کامل مدارس، برنامه های
درسی و امور مالی آنها را بهده داشتند. یک سلسله قوانین و مقررات نیز بر-
کلیه امور و شرایط نظام آموزشی حاکم بود.
مدارس ابتدایی کودکان را در سن هفت سالگی می پذیرفت و تا ۱۲
سالگی دوره ابتدایی را طی می کردند و مدارس متوسطه در دوره حله نوجوانان
۱۳ تا ۱۵ ساله و مسی ۱۵ تا ۱۸ ساله را پذیرا می شد.

دوران تحصیلات دانشگاهی غالباً ۴ سال بود. تعداد کثیری از مدارس
متوسطه دروس کلی را آموزش داده و فقط تعداد کمی مدارس حرفه ای با
آموزشگاههای تربیت معلم وجود داشت. علاوه بر دانشگاهها، تعداد زیادی
 مؤسسات آموزشی به تقلید از شوریوی تأسیس شد. این مؤسسات تقليدي به
رشته های خاص محدوده شد و شاگردان آن مؤسسات نیز فقط از آن رشته خاص
قارخانه های تخصصی شدند. هنون کتابهای درسی نیز اغلب از کتابهای درسی
شوریوی ترجمه شده، تحت نظر انتشار کرده استفاده معلمین قرار می گرفت.
به دروس علمی و فنی تأکید می شد و افزایش یافته بست روشهای نظری
برد نا عملی.

باتوجه به کمبود بودجه، اغلب مدارس غافل ساختمان و وسائل مناسب
بودند و ساختن مدرسه در سطح مطلوب به سرمایه ای سختگی تبارزداشت.
بدینجهت اغلب مدارس در نواحی منزه کر شهری ساخته شد تا دولت بتواند
هزینه ها و مخارج مربوط را بدل نیازهای جمعیت کلی آن بهتر تأمین کند. در
نواحی رومتاپی، جایی که امکانات رفاقت و آماد و تعداد مدارس اندک بود، اغلب
مدارس جدید بصورت شباه روزی با خوابگاه و رستوران ساخته می شد.

بعد از سرمایه کنواری های قابل ملاحظه و رشد سطح مدارس ابتدایی،
شرایط مکانی و نظام تمام وقت هر گز یاسنگوی نیازهای آموزشی آن زمان
نشد. بنابر ارقام رسمی، تعداد دانش آموزان ابتدایی در سال ۱۹۴۹ تا سال
۱۹۵۹ از ۲۴ میلیون به ۳۵ میلیون نفر افزایش یافت؛ به عبارت دیگر در سال
۱۹۴۹ فقط ۳۵ درصد کودکان به مدرسه می رفتند و این رقم در سال ۱۹۵۹ به
۱۰ میلیون نفر افزایش یافت. با توجه به این نکته که تعداد دختران و پسران

جوان فقط در سال ۱۹۵۳ به ۷۵ هیلیون نفر می‌رسید، می‌توان میزان رشد آهسته مدارس متوسطه را تخمین زد. ارقام فوق نشان می‌دهد که تعمیم آموزش فقط در سطح مدارس ابتدایی صورت گرفت. یعنی کسبود ساختمان مدارس متوسطه، فقط دانش‌آموزان ساعی و با استعداد پس از قبولی در آزمون‌های خاص قادر به ادامه تحصیل در این مدارس متوسطه بودند. برای ورود به دانشگاه نیز آزمون‌هایی در سطح بالاتر بعمل می‌آمد. بسیاری از معلمین مدارس تمام کوشش خود را صرفاً برای قبولی شاگردان در این آزمونها متمرکز کرده بودند و اهمیت و اعتبار مدارس مستقیم به میزان افرادی داشت که این آزمونها را با موفقیت می‌گذراندند. پذیرنجهای مدارس برای بالا بردن سطح خود، سعی می‌کردند که دانش‌آموزان باهوش و ساعی را به سوی خود جلب کنند. در اوائل سالهای ۱۹۶۰، هنگامیکه دولت تصمیم گرفت در هزینه و مخارج آموزشی در مقایسه با سایر هزینه‌ها تعادلی ایجاد کند وجود این شبکه مدارس موقت و معتبر رسمی تأیید گردید. دولت تعدادی از این مدارس را برای تجربه روشهای خاص خود انتخاب کرد و بدجای منابع محدود که در سطح گسترده خرج می‌شد، سرمایه‌گذاری را به این مدارس محدود کرد تا حداقل بالا ترین سطح آموزشی را در آنها تأمین کند. بدین ترتیب یک سلسله مرائب اتحادی در نظام آموزشی بوجود آمد.

از آنجاییکه آموزش رایگان نبود، اتحادات آموزشی قدرت گرفت و گرچه شهریه مدارس چندان بالا نبود و بین ۵ الی ۱۰ «یوان» در سال بود، ولی برای کارگران رادرآمدی در حداود ۵۰ الی ۶۰ «یوان» در ماه پرداخت چنین شهریه‌ای امکان پذیر نبود؛ بهخصوص اگر تعداد فرزندان آنان زیاد بود. بعلاوه میزان شهریه‌ای یکسان نبود؛ مدارس در سطح مطلوب تر شهریه بالاتری می‌گرفتند. از کودکستان شبانه‌روزی که در شهر «چنگ چاوا» در سال ۱۹۶۶ بازدید کرد، برای هر کودک مبلغ ۱۳/۵۰ «یوان» در ماه شهریه می‌گرفت، حال آنکه مؤسسه‌ای مشابه آن در پکن ۲۵ «یوان» در ماه شهریه می‌گردید، کیفیت هردو از نظر ساختمان، کارکنان و بهداشتی دریک سطح بود. در برخی مدارس متوسطه میزان شهریه به ۴۰ «یوان» در سال و مخارج شبانه‌روزی به ۱۰ الی ۱۵ «یوان» در ماه می‌رسید. تحصیل در دانشگاه رایگان بود و برای تأمین

مخارج زندگی بهداشجویان بورس تحصیلی داده می شد، در سال ۱۹۵۶، یکی از روزنامه های چنین تخفیف زد که هزینه تحصیلی هر کودک در مدرسه ۲۰ «بیوان» در سال می باشد. بنابر بر آوردهای دیگر این رقم بالاتر رفت. بدین ترتیب ترکیب معیارهای بالاتر تعیین و ترتیب با شهریه های گرانتر و کمبود مدارس، آموزش را کم و بیش در اختصار عناصر ترومند جامعه و بهویژه ساکنین شهرها کرد.

به رغم کوشش هایی که به منظور اعطاف پذیر ساختن مقررات مدارس و تطبیق آنها با نیازهای تو احی مختلف و تدریس یتی آموزش سیاسی و کارهای عملی صورت گرفت، نظام آموزشی تمام وقت و آزادمیک کما کان مقاومت ورزید. این نظام به کمال مطلوب فرهنگ و تخصص حرفه ای برآمده روش های پیکان و تحت نظرارت مستقیم وابسته و متعدد باقی ماند. طرق داران آن نیز کاملاً مطمئن بودند که این نظام به بهترین وجهی تیازهای یک جامعه پیشنهاد را تأمین کرده، نیروی کار متخصص به اندازه کافی و حساب شده عرضه می نماید و امکانات یادگیری را نیز در اختیار بخش معینی از جامعه برای کسب معلومات درسطح معین پیش بینی شده گذاشتند.

بعد از سال ۱۹۶۶، «گارد های سرخ» این نظام را به شدت موردانتقاد دادند و لیوشا نوجی و همکارانش را مقصو شناختند. تعریز آموزش در مناطق شهری آماج حملات قرار گرفت و با توصل به آمار و ارقام نشان داده شد که بهه شکافی بین شهر و روستا ایجاد شده است. چنانچه شهرستان «زنگ» لاواقع در استان «شاتانگکه»، تجزیه ای از این شهر و روستا ایجاد شده است. در حد کودکان آن شهرستان بعلت می داشتند. در سال ۱۹۶۸، کمون «هیل و نگ چبانگک» اعلام کرد که در ۵۷ خانواره فقر دهقانی آن کمون ۳۰ نوجوان ۱۷ الی ۲۰ ساله بی سواد بودند. علاوه بر کمبود تعداد مدارس، عوامل یازد از نیازهای دیگری تهمیم آموزش در روستاهای را با دشواری مواجه ساخت. هزینه های آموزشی بالا بود و برای خانوارهای روستائی ها در آمدی در حدود ۴۰۰ «بیوان» در سال امکان پرداخت ۱۰۰ «بیوان» در سال فقط برای آموزش یکی از فرزندانشان به بیانی نمایی نبوده از آنجاییکه در روستاهای خلاف شهرها امکان کار کردن کودکان در مزارع و زمین های شخصی وجود داشته اند با غرستادن

فرزندان به مدرسه والدین نه تنها ناگزیر از تحمل هزینه های آموزشی بودند ، بل از ددرآمد های مالی کودکانشان تیز محروم می شدند . در نتیجه تعداد روز افزونی از کودکان روستایی از رفتن به مدرسه محروم و به تدریج راهی کار درمزارع می شدند ، درحال حاضر این مسئله هنوز مطرح است و کودکان روستائی می توانند به درآمد خانواده خود اضافه کنند و والدین قانوناً مجبور به فرستادن فرزندانشان به مدرسه نمی باشند .

مسئله دیگر یکنواختی برنامه های درسی بود . با توجه به متوسط یون آب و هوا و روش های زندگی ، هیچ کتاب درسی نمی توانست به تهائی باش - گویی نیاز های همه مردم باشد . علاوه بر این تأکید بسیار بر یادگیری نظری ، کودکان را برای «تحام کار پس از خاتمه تحصیل آماده نمی ساخت . چنانچه «گارد سرخ» بارها انتقاد کرد که «روی تخته سیاه نوشتن» هر گز در کارهای عملی ثمر بخش نخواهد بود . با این وصف بسیاری از داشتن آموزان نسبت به تحصیل نکرده ها احساس برتری می کردند و دریکی از گمراهی های شابنازگ ، به این نکته اشاره شد و گفته شد که «کارگران مدارس ابتدایی والدین خود را تحصیل کرده ، شاگردان مدارس متوجه براي «کادرهای» تیپ تولیدی ارزش چندان قابل تبوده و دانشجویان دانشکده نیز خود را مهمتر و پر ارزش تر از آن می دانستند که در روستاها اقامت گزینند .

آمیزه مدارس گزینشی و شهریه نیز آماج دیگر حملات «گارد سرخ» بود . آنان این آمیزه را خلاف منافع دهستان و کارگران دانستند ، در فاصله سالهای ۱۹۵۲ و ۱۹۵۸ نسبت فرزندان کارگران در آموزش عالی از ۲۰ به ۶۴ درصد افزایش یافت و بقیه شاگردان متعلق به خانواده «کادرها» و روشگر ان بودند . با از خانواده هایی که از آنان به عنوان بورزوای سرمایه دار و مالک اسم بوده شد ، تعریز شدید شاگردان طبقه بالای اجتماع در مدارس و در دانشگاه های پهتر که رشته هایی مانند موسیقی و طب تدریس می کردند ، نیز ادامه یافت ، بنابر برخی گزارش ها این نظام آموزشی ویژه یا باصطلاح «گنج بتنکده» تبعیض بر ضد کودکان فقیر را تشید می کرد . در شهرهای عمده ، بسیاری از این مدارس سطح بالا ، فقط فرزندان رہبران کادرها را منحصر می بذیرفتند و «دبستان شماره ۲ پکن» که فقط کودکان رہبران به آنجا می رفتد ، سوئه ای از

آنها به کار می رفت . وجود این قبیل مدارس، ادعای «گارد سرخ» را مبنی بر اینکه نظام رایج آموزشی متوجه به پیدایش یا تحلیقه حاکم می شود، بدیهی است رساند، شاگردان این مدارس به برنامه های درسی بیش از میزان نوچه اشان می دادند آنان به کار و شغل آپنده خود بیشتر می اندیشیدند تا خدمت به رفع نیازهای جامعه.

گفته شد که این افراد پس از اتمام تحصیلات در صورتی که به متابغ حساس در حزب، دولت و مدیریت گمارده بشوند ، دیگر انقلابی نبوده، در نتیجه یک طبقه تجدید نظر حلب حاکم بوجود می آید. در سال ۱۹۷۱، آموزگار جوان یکی از استان های پکن به من گفت که به عنوان یک روشن فکر همیشه خود را برقرار از توده مردم داشته و فکر نمی کرد که از آنان می تواند فراگیری داشته باشد و فقط در اندیشه شغل و آسایش خود بوده است . وی تصریح کرد که پس از «انقلاب فرهنگی» بادگرفت که چگونه به مردم خدمت کند و برای حفظ منافع اجتماعی آماده انجام هر کاری بود. حتی اگر در صداقت اظهارات این آموزگار جوان شک و تردیدی وجود داشته باشد، باز هم گفته های او حاکمی از اهمیت خاصی است که چن امروز برای این مسئله قابل شده است.

راه چاره

«گارد سرخ» ضمن حمله به الگوی آموزشی شوروی با توجه به منابع محدود، تها در اندیشه پیدا کردن راههایی جهت تأمین نیروی منتصمن کافی و آموزش های فشرده نبوده، بلکه به توزیع عادلانه امکانات آموزشی و ایجاد ارتباط نزدیک بین مدرسه و مسائل ضروری جامعه را منظور نظر خود قرارداد. برای «گارد سرخ» کمال مطلوب آن نظامی بود که طی دوره جنگ در «بنان» شکل گرفت و نظام تمام وقت آموزشی را بسازد خواند.

اوپرای جنگ قبل از سال ۱۹۴۹ و کمبوء منافع در منطقه کمونیست ها امکان بوجود آوردن نظام آموزشی یکجا و تخت نظارت متمرکز را غیر ممکن ساخت. سیاست عدم تمرکز اختیارات و اعطاف پذیری رو شها به منظور تبلیغ باش ایض محتوا تهاراه حل اساسی دنبال شد. مقامات راهنمایی

های بنیانی را ارائه داده ولی جزئیات امور به مسئولین مستقیم واگذار شد، مطابق و دهقانان تصمیمات لازم را درباره مدرسه خود اخذ کرده و حتی مواد غذائی مورد نیاز را بین از طریق کشاورزی تأمین می کردند. محدودیت سنی وجود نداشت و پیر و جوان در کنارهم در کلاسها بیکه باعیزان معلومات آنان مطابقت داشت درس می خواندند. بر تابعه ترتیب معلم وجود نداشت و اغلب آموزگاران فقط مهارت‌هایی مورد نیاز زندگی روزمره را به شاگردان یاد می دادند. شاگردان بیز تشویق می شدند که پیشتر به آموزش‌های عملی توجه کنند تادروس توریک و نظری، مهمترین هدف این مدارس ایجاد پیوندین محتوای برنامه‌های درسی هاروشهای عملی بود. در فضای کمونیست یک چنین نظام آموزشی مطلوب و منصر ثمر نظر می رسد. دهقانان این نظام آموزشی را مورد تأثیر قراردادند زیرا نه تنها نیازهای آموزشی آنان را منفع می ساخت بلکه دانش آموزان را متکی به نفس پرورش می داد. بعداز سال ۱۹۴۹، توجه به نظام تمام وقت معلوم شد و فقط دوچند از نظام آموزشی نمونه «بنان» حفظ شد؛ میارزه با بی سوادی در مقیاس وسیع برای بالین آوردن میزان بی سوادی در آن زمان حدود ۹۰ درصد مردم بی سواد بودند و تشکیل مدارس غیر رسمی با کلاسها نیمه وقت برای کارگران به منظور بالا بردن مهارت‌های فنی آنان.

در جریان مرحله، «جهش بزرگ بخطو» در سال ۱۹۵۸، کوشش‌هایی بعمل آمد تا مجدد آ روش «بنان» متداول گردد. مائزه شد سریع آموزشی ها محتوای سیاسی عمیق‌تر و ارتباط نزدیکتر بازحتکشان و کارگران غیر صنعتی را ضروری دانست. وی خواهان وحدت کار فکری و ادبی بر اساس تجربیات آموزش در «بنان» بود. بدین ترتیب کمون‌ها، کارخانه‌ها و معادن مدارس نیمه وقت ویژه‌ای تأسیس کردند. شاگردان نیمی از روز را درس خوانده و در نیم دیگر به کار اشتغال داشتند. تا سال ۱۹۶۰ بیش از ۳۰۰۰۰ مدرسه از این نوع تأسیس گردید که رقیق نزدیک به ۳ میلیون دانش آموز را به خود جذب کرد.

با توجه به سرعت رشد این کشور و کیفیت بالین آموزگاران که غالباً خود فاقد تحصیلات کافی بودند این مسئله مطرح شد که به رغم تأمین منافع

می باشی و محلی «معارفهای علمی دانشگاهها» به سرعت مسقط می کرد. تامیس دانشگاههای کارگری جا به طلبانه ترین طرح‌ها به شماره‌ی آمد. دانشگاههای مزبور در حقيقةٔ مرکز آموزش‌های فنی به شماره‌ی آمد که مطابق دوره‌های کوتاه‌مدت بهارت‌های مورد نیاز صنعت و کشاورزی را عرضه می‌داشت، برخلاف دانشجویان دانشگاههای عادی، «کارگران دانشجو» بیشتر وقت خود را در کارخانجات صرف کارهای می‌کردند که پس از خاتمه تحصیلات نیز به انجام آنها گمارده می‌شدند.

شکست هیاری از سیاست‌های «جهش بزرگ به جلو» منجر به کاهش این نوع مدارس و دانشگاهی غیررسمی شد. اغلب آنها منحل و بقیه نیز به صورت فصلی درآمدند، به طوری که شاگردان نیمی از هال را در کلاسهای آموزش مشغول بوده و یعنی دیگر را در خارج کارهای کردند. به موجب این تغییر و تحولات مدارس مزبور به تدریج به صورت آموزشگاههای عادی درآمد و دهقانان شاگردان آنها را به عنوان افرادی که از انجام کارهای ضروری شانه خالی می‌کردند، پائین‌تر از خود به حساب می‌آوردند. سیاست‌رسمی نیز برای این نوع مدارس اهمیت چنانی قابل نشد. و به موازات تعمیم نظام نظام و تقویت به تدریج واحدهای آموزشی که نظام نیمه وقت تبعیت می‌کردند تبدیل شدند. تا اینکه علی «انقلاب فرهنگی» به نظام تبعیت مجدد آتوجه شد. از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۸، به استثنای مدارس ابتدائی، سطح آموزش تقریباً بصورت راکد درآمد و فقط در باره دو نظام متفاوت فوق الذکر بحث و مناظره صورت می‌گرفت. در حقيقةٔ الگوهای جدید آموزشی از مال ۱۹۷۱ در چین به کارگر فرهنگی شدن هم‌مسایل و مشکلات زیادی مطرح است.

مدارس ابتدائی

یکی از نتایج مهم «انقلاب فرهنگی» جاری ساختن امکانات آموزشی از شهرها به روستاها بوده است. تامین آموزش ابتدائی برای همه کودکان رومتایی هدف اساسی به شماره‌ی رفت. به موازات آن توجه زیادی به آموزش بنیانی و عملی شده است. مطالعات دانشگاهی و نظری کاهش یافته، تعدادی شتری مدارس

نیمه وقت مجددا در کمونها بوجود آمد و در اغلب مناطق روستائی‌شین، ۱۸۰ درصد کودکان راهی مدرسه شدند. با این وصف، مدارس تمام وقت نیز پکار خود را داده با این تفاوت که دروس عملی و سیاسی پیشتر برای آنها انتخاب گردید. نظام تکنیشی که در چارچوب آن به برخی نواحی باش ایطلاعات توجه پیشتر مدنول می‌شد نیز از میان رفت و آنی کیفیت آموزش در شهرها هنوز هم بالاتر از روستاهامی باشد.

دوره عالی مدرسه ابتدائی به مسال کاهش پائده است و اینکار از طریق ادغام رشته‌ها در حد امکان و کم کردن دروس نظری صورت گرفته است. مدارس تمام وقت زیر نظارت دفاتر فرهنگی و آموزشی که بخشی از حکمران محلی می‌باشد، قرار گرفته است. مدارس نیمه وقت و غیررسمی توسط «تیپ‌های تولیدی» و «دسته‌های تولیدی» در روستاهای توسط «کمیته‌های محلی» در شهرها اداره می‌شود. در تمام موارد مسئله امساك و صرفه جویی و کارآبی تأسیس حد امکان مطرح است. در تمامی مدارس، کمیته‌های انقلابی وجود دارند و رئیس این کمیته وظایفی را که قبل از مدرسه انجام می‌دادند، نیز بعده دارد. رئیس کمیته غالباً از کادرهای حزبی است و کمیته نیز از معلمین، شاگردان، والدین و کارگران یاده‌قانان تشکیل می‌شود، برخی مدارس بزرگتر پاکد هر شبکه نظامی یا یک سربازدارد، کلیه اعضا کمیته جهت اخذ تصمیمات اساسی و مهم درباره مدرسه تشکیل جلسه می‌دهند. ولی مدیریت روزانه توسط گروه کوچکی مرکب از اعضای کمیته صورت می‌گیرد. این گروه امور مختلف مربوط به آموزگاران، دانش‌آموزان، رتوس مطالب درسی و نظارت آموزش سیاسی را رسیدگی و اداره می‌کنند. در مدارس تمام وقت، اداره امور آموزشی با مشاورت مقامات آموزشی محلی انجام می‌گیرد، مدارس نیمه وقت از آزادی پیشتری برخوردار است.

کیفیت مدارس بسیار متنوع است. مدارس تمام وقت واقع در شهرداری ساختمنهای جدیدها اطاقهای تورگیر، میزونیمک و تخته‌میاء مناسب و همچنین برای آنها وسائل سمعی و بصری مانند ضبط صوت، فیلم، اسلاید، پروژکتور و آزمایشگاه پیش‌بینی شده است. زمینهای ورزش با تجهیزات لازم برای ورزش‌های گوناگون به ویژه سکتبال، بینک پونک و والیبال فراهم آمده است. اطلاعات مخصوص نیز برای آموزش و عرضه داشتن تبلیغات سیاسی، اطلاعات بهداشتی و رفاهی و

کارهای فنی و ادبی دانش آموزان تخصصی داده شده است. اغلب این مدارس دارای کتابخانه می باشند و برخی از آنها چندین هزار جلد کتاب را اگر داردند. خلیلغم رغایت حرفه‌جویی و پرهیز از اسراف در ساختمان مدارس بانی‌های ماده و کفهای سیمانی و قفلان حرارت مرکزی، اغلب وسائل کارهای ساده و سودمند می باشد، حال آنکه کلاس‌های نیمه‌وقت روتایی در هر نوع ساختمان مناسی از معاابر قدیمی تغییر شکل یافته تا خانه های دعفانی تشکیل می شود. در این نوع مدارس وسائل ولو از نخستین وجود نداشت، از میر و صندلی عادی استفاده می شود. همچنین وسائل مورد استفاده در کمون مانند ایزار کشاورزی یا پر تکه حابداری نیز نیازهای این نوع مدارس را تامین می کنند. روش‌های از این قبیل نه تنها کمود وسائل آموزشی را جبران می کنند، بلکه پو تدبیان مدرسه و جامعه را نیز استحکام می بخشد.

طول سال تحصیلی در مراتق مختلف متغیر است، سال تحصیلی در مدارس تمام وقت شهری به دو دوره از سپتامبر تا ۱۵ نویم و از قوریه تا زویه و در نواحی روستایی با توجه به تقویم کشاورزی سال تحصیلی بدسه پاچهار دوره تقسیم شده است. شاگردان شش روز در هفته به مدرسه می روندو در مدارس نیمه‌وقت شهارات درس طبق شرایط محلی تنظیم می شود، به طوری که در برخی دیگر راه روز در میان روز درس خوانده شده و کار انجام می شود، در بعضی نقاط در صورت پراکنده گی جمعیت، آموزگاران ناگزیر از حرکت از روستای به روستای دیگر می باشند. بهین روى در بعضی از روستاهای کلاس‌ها فقط یک الی دوبار در هفته تشکیل می شود. در موارد دیگر، معلمین ناگزیر هستند که روزانه درس به مرحله صحیح و ظهر و عصر دانش آموزان مختلف را آموزش دهند. در اغلب مدارس کلاس‌های تمام وقت در حدود ۵-۶ شاگرد از یک سن را در خود می پذیرند، ولی کلاس‌های نیمه‌وقت شاگردان بیشتر و باسینه مختلف را پذیرا می شود. برای مدارس غیر رسمی هیچگونه شهریه‌ای پرداخت نمی شود ولی برای مدارس تمام وقت، بدغنم لغو شهریه‌های مستگین، پرداخت مبلغی در حدود ۵ الی ۶ یوان اجباری است.

در برنامه‌های درسی سه رکن عمده در نظر گرفته شده است. یادگیری

اساسی و بنیادی، تریت سپاسی و کاردستی طی «انقلاب فرهنگی» به سیاست و کاردستی پهلوانی بیشتر توجه شد تا یادگیری در کلاس، ولی اکنون وضع تغییر یافته و درصد اوقات مدارس صرف یادگیری در کلاس می‌شود.

یادگیری اساسی و بنیادی شامل خواندن، نوشتن و ریاضیات می‌شود. در مدارس تمام وقت بر نامه‌های درسی تبتاً وسیع بوده و حتی در پرخی موافق شامل تدریس زبان خارجه نیز می‌شود، حال آنکه در مدارس نیمه وقت فقط بر حسب امکانات موجود بر نامه‌های درسی تنظیم می‌شود. مدرسه ابتدایی «چنگ کشیان‌چی» در نانکن را که در سال ۱۹۷۱ بازدید کرد^۲ می‌تواند تموثه‌مناسی از مدارس تمام وقت باشد. این مدرسه از ۸ صبح فعالیت خود را آغاز می‌کند. نیم ساعت اول صرف مطالعه خوشه‌های مانو و بحث و مذاکره در اطراف روی. دادهای جاری می‌شود. پس به مدت ۰:۴ دقیقه حرکات ورزشی انجام می‌شود. هر روز صبح ۴ کلاس از ساعت ۸:۵۵ تشکیل شده و هر کلاس به مدت ۰:۴ دقیقه ادامه می‌یابد و بعد از هر کلاس ۰:۱ دقیقه تقسیم داده می‌شود. پس از صرف ناهار و استراحت، کلاس‌ها مجدداً در ساعت ۲ بعد از ظهر تشکیل می‌شود و شاگردان در ساعت ۳:۳۵ به خانه‌یابان می‌روند. فهرست زیر تعداد ساعت دروس را طی هفته نشان می‌دهد:

زمینه‌ی زبان	ساعت	۱۰-۱۲
ریاضیات	۶	۰
سیاست	۴	۰
هزار	۲	۰
ورزش	۲	۰
معلومات عمومی	۱	۰

تدریس زبان چینی در حدود نیمی از برنامه آموزش ابتدایی را بخود تخصیص داده است و این امر صرفاً نتیجه دشوار بودن خط چینی است. بجای استفاده از حروف واحدهای معنی‌دار که آن را «علامت» می‌خوانند، در نوشتن زبان چینی بکار می‌رود. برای بیان مقصود قهرست لغات اساسی به ۳۰۰۰ حرف می‌رسد ولی برای قرائت کتابهای گوناگون و ادبی و بدون مراععه به فرهنگ لغات، بایستی در حدود ۷۰۰۰ حرف داشت. یادگری عنوان علامات به آهستگی و

از طریق کپی کردن و بخاطر سیر دن آنها صورت می‌گیرد. فارغ التحصیلان مدارس ابتدایی در حدود ۳۰۰ لغت می‌دانند. به علت طول زمان و نبروی ذیاد که صرف یادداهن زبان چینی می‌شود، ضمن تدریس دروس دیگر بویژه سیاست ورقان را پستیده؛ تدریس زبان چینی بیز صورت می‌گیرد. محتوای دروس سیاسی در توئنده‌های مائو و سیاست‌های حزب کمونیست متصرک شده است. حسن وطن برستی و وفاداری به مائو و کمونیسم بیز تقویت می‌شود، سرمایه‌داری مورد انتقاد قرار گرفته، از نهضت‌های انقلابی در سطح جهانی حمایت می‌شود. معمولاً هر گونه تحول سیاسی در چین موضوع تازه‌ای به عنوان درسی اضافه می‌کند. به شاگردان یادداوه می‌شود که از نظام اجتماعی قبل از سال ۱۹۴۹ متنفر بوده و کشور خود را در مقابل دشمنان حفظ و حراس است کند. من ذیر ازیک کتاب درسی که برای کودکان ۹ ساله می‌باشد در سال ۱۹۶۶ استخراج شده است:

«حزب مادر من است»

چقدر زندگی امروز خوبست، ولی هر گز روزهای تلخ و غمگین قل از «آزادی» را فراموش نخواهم کرد. در آن زمان خانواده من فقط قادر بخوردن صباحانه بودند و برای ناهار چیزی نداشتند، حکومت مرجع ناسیو تایتها و از بایان هر گز اهمیتی بما تداده و فقط برای اخذ مایات و اجاره به سراغ مامی آمدند. توکرها و پادوهای آنان مانند گرگ و پر مردم را هاشلاق می‌زدند. پلدم من دیگر نمی‌توانست بخاطر یاورده که چند بار وحشیانه شلاق خورده بود. وقتی که هشت سالم بود خشکسالی بدی در ده سال رویداد و همه مجبور بخوردن ساقه‌های گیاهی و پوست تنه درختان شدیم، در ماه سپتامبر، پلدو مادرم از تکستگی مردند. پلدر بزرگم با چشم‌انی اشک بار مرا به «هوانگ لانو با» ارباب ده، در مقابل دریافت مبلغی ناچیز برای تهیه تابوت، فروخت، سپس پدر و مادرم را بخاک سپرد، از آن به بعد پلدر بزرگم برای گرفتن غذا گدائی می‌کرد و من هم برده «هوانگ لانو با» شدم.

این از باب بهیچ وچه مرا در زمرة افراد بشر بحساب نمی‌آورد. از
صبح سیار زود تا شبا دیر وقت پکسره بدون اندازگی استراحت کار
نمی‌کرد. با این حال اودانما می‌گفت که من از النجام و ظایفم شانه
خالی می‌کنم. فقط لحظاتی مرا نفرین نمی‌کرد که مشغول کتک‌زدنم
بود و چه بسا که مدها چیزی برای خودمن یعنی تمی‌داد. در زمان
های سرد از سرما داشتم می‌لرزیدم. تمام مدت سال فقط یک پیراهن
کهنه و کثیف پر از وصله پوشیده و موهای بلند را تمی توانستم کوته
کنم. صورتم رنگ پریله و گوشت بدشم کم کم آب شد تاجائی که
شما هست خود را به انسانها از دست دادم.

پس از آزادی «هو انگل‌لانو»، بر کنارشد و یک خانه و یک قلعه زمین
به خانواده من و اگذار شد و هردوی مایعی پدر بزرگ و نوه پسری
مجددآ پدهم بیوستم، سپس در «ادمه کمل‌های مقابل» و بعد از آن
در «تعاونی تولید کنندگان زراعی» کار و فعالیت را شروع کردیم.
از سال ۱۹۵۸ پس از تشکیل کمون خلن تاکنون زندگی ماسال سال
بهتر شده است.

غلب اوقات حس کرده‌ام که حزب مادرمن است و اگر حزبی امروز
وجود نداشت، شادی و آسایش را در کجا می‌توانستم جستجو کنم؟
من هایستی فعالانه کار کرده و بشدت درس بخوانم تا بنویم پایی
«حزب پیش روی».

در آخرین قسمت این درس، چگونگی رفتار و کرداری که در مدارس موره
تشویق قرار می‌گیرد توصیف شده است. از شاگردان خواسته می‌شود افرادی
فرماینده‌دار، آماده برای فلک‌کاری، امین و کوشا باشند. بیاری از دستان‌های
کودکان در اطراف مفاہیم عالی انجام و غلیقه و اهمیت پاری و مشارکت دور
می‌زند. مثلاً در یک درس گفته می‌شود که چگونه کودکی مانع از آن شد که
جوچه‌های خانواده‌اش در مزارع کمون برآکنند شوند و دانه‌های گندم متعلق
به کمون را بخورند. گرچه در این درس اشاره شده است که جوچه‌ها غذای
کافی نداشتند ولی مفهوم عیق‌تر آن است که خانواده این کودک هر چیز حاضر
بودند به بهای از دست رفتن منافع کمون، منافع بیشتری برای خود کسب

کنند. در مدارس، کودکان وظیفه تمیز کردن جایاط یا مرتب کردن کلاس‌ها را به عهده دارند. منتظر از این کارها، تقویت روحیه همکاری و منارکت در کمون است. در صورتی که رختار و کردار کودکی خیلی خوب باشد، از او تقدیر به عمل آمده؛ به عنوان شاگرد نمونه معرفی می‌شود تا دیگران از او تبعیت کنند. در دروس سیاسی، شاگردان نوشتہ‌های کمونیستی و ادبیات مفاہیم آنها را با زندگی روزمره مطالعه می‌کنند، حتی یکی از نوشته‌های مانورا حفظ کرده و پس درباره ارتباط بین آن و شغل و پیشه‌ای که در زیر آن مایل به انجام آن می‌باشد بحث و مذاکره می‌کنند. بهر حال، عقاید سیاسی در تمام موضوعات درسی رخنه کرده است، بطوری که مثلاً در طرح مسائل ریاضی از شاگردان پرسیده می‌شود که مالکین قبل از سال ۱۹۴۹ به چه میزان دعوهای را استمار کرده یا اینکه روزانه چه تعداد از سرپازان دشمن در جنگ جنوب شرقی آسیا از پای در آمدند. در کلاس‌های نقاشی، شاگردان تصویر رویدادهای انقلابی و مظاهر آنرا ترسیم می‌کنند. و نیز شعرها و آوازهایی که شاگردان می‌خوانند در باره تحکیم بنای کمونیسم است. خارج از مدرسه کودکان در تمام مراسم ورزش‌ها شرکت می‌کنند. آنان گروه‌های کوچک تبلیغاتی برای نشر و پخش آرمادهای سیاسی و سیاست‌های حزب در خانواره و کوچه و بازار تشکیل می‌دهند. طی مبارزه برای ایمنی چاده‌ها، در کنار چاده‌ها پست نگهبانی تشکیل داده و شعارهایی مربوط به راهنمایی و رانندگی و ایدئولوژی در گوش و کنار نصب می‌کنند. بدین ترتیب کودکان در زندگی سیاسی کشود شرکت فعالانه داشته، اهمیت تعهد نسبت به حزب کمونیست را فراترگفته و از رختار و کردار انحرافی شدیداً انتقاد می‌کنند.

انجام کارهای بدنشی در مدارس تیمه وقت مهمترین نقش را ایفا می‌کند. در این مدارس شاگردان نیمی از وقت خود را به کار در مزارع یاد رکارگاه‌ها و کارخانه‌ها می‌گذرانند. گرچه نیرو و کارهای مصرف شده کودکان برای اقتصاد کشور مفید است، ولی رهبران حزب بر این عقیده می‌باشند که هدف اساسی این کارآموزشی است ذیرا به نظر آنان کارمنبع و سرچشمۀ معلومات و اخلاقی است. در مدارس تمام وقت، کارهای بدنشی در کارگاه‌های کوچک مدرسه و برای مدت کوتاهی در کارخانه‌ها و کمونهای اطراف آن انجام می‌گیرد.

در دبستان : «چنگ کسیان جی» شاگردان صافی بنزین را برموده راهای آتو میل سوار کرده و لوازم مورد نیاز مدرسه را شخصاً درست می کنند . در قلعه زمین مجاور مدرسه نیز زراعت غلات و حبوبات صورت می گیرد . دانش آموزان هر کلاس هفته‌ای چند ساعت را در کارگاه می گذرانند . در سال چهارم دبستان کودکان به طور گروهی به روستاها و کارخانجات رفته و به مدت یک الی دو هفته در آنجا اقامت و کارهای مربوط را انجام می دهند .

کنجه موضوع امتحانات طی «انقلاب فرهنگی» مورد انتقاد قرار گرفت و هنوزهم درباره آنها بحث و مذاکره می شود ، ولی بسیاری از مدارس تمام وقت از شاگردان خود جهت ارزیابی میزان پیشرفت آنها امتحان به عمل می آورند . در نوامبر ۱۹۷۳ ، یکی از مدارس پکن گزارش داد که امتحان سایبانه برای تشخیص میزان پیشرفت شاگردان انجام می شود . در صورتی که شاگردی در دو درس پایه ، مانند زیان چینی و ریاضی یا دریک درس پایه و دو درس فرعی نمره حد تصادب تیاور در دود شناخته می شود . وی مجبور است که مجلداً در همان کلاس تحصیل کند . سال بعد به کلاس بالاتر برود . بعلاوه شاگردان کارنامه خود را در آخر سال به منزل می برد ، در این کارنامه آموزگار درباره موقوفه های درسی و واکنش شاگرد نسبت به مطالعه و انجام کارهای دستی ، اضیباط ، توانایی تشریک مساعی و مشارکت ، واکنش او نسبت به اموال عمومی و اشتراکی آگاهی های لازم را می دهد . برای یچه های بزرگتر ، آموزگاران چنگونگی مطالعه شاگردان را در زمینه انقلاب و گفت علاقه آنان را بست به امور مملی و میهنی نیز اعلام می کنند . بدین ترتیب کودکان چنین از فشارهای فرهنگی نیز برکنار نمانده اند .

هدایت متوسطه

مدارس متوسطه تمام وقت و تیمه وقت مانند مدارس ابتدایی در کنار هم فعالیت دارند . ولی اغلب مدارس متوسطه تیمه وقت فقط دوره اول دیستان را تدریس می کنند ، بهویژه در مناطق روستایی جائی که گسترش مربع مدارس متوسطه تیمه وقت حصول به این توجه را گزیر نایذیر ساخته است . اکنون

۶۰ تا ۷۰ درصد کودکان ۱۲ و ۱۳ ساله قادر به تحصیل در دوره اول دیرستان می باشد . در حقیقت درسواری از نفاط درهمان مدارس ابتدایی داشت آموزان در مدت دو سال درس های دوره اول دیرستان را آموختند میگیرند ، کمون های دیگر دیرستان های جداگانه تأمین نکرده اند . امتحانات ورودی برای دوره اول دیرستان اذین دفعه است مشروطه باشند که شاگردان درس های دیرستان را به طور موقت آمیز بپایان رسانده باشند . حتی برای دیرستان های نیمه وقت چنین شرایط خاصی لازم نیست و شاگردان مستقیماً وارد دوره اول دیرستان می شوند ، ولی طی سال های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ ، پس از آنکه «تب انقلاب فرهنگی » که آموختن سیاسی را مقدم بر هر نوع آموختن دیگر می دانست ، کمی فروکش کرد ، مجدداً اگر ایش به معیارهای آکادمیک و نظری و انجام برخی امتحانات لازم مطرح شد ، به هر حال مسنه آزمودن شاگردان برای ادامه تحصیل در مطلع بالاتر آموختنی هنوز موضوع داخلی برای سیاری از بحث ها و مذاکرات به شمار می رود .

سازمان مدارس متوسطه مشابه مدارس ابتدایی می باشد . کمیته های انقلابی متشكل از تماينندگان حزب ، آموزگاران ، کارگران و شاگردان بوده و به مسائل سیاسی و تربیتی بدتری توجه بسیار می شود . دیرستان « ۳۱ نوامبر » در پکن یکی از دیرستان های نمونه چنین به شمار می رود .
 این دیرستان در سال ۱۹۶۶ اعلام کرد که بیش از ۵۰ الی ۷۰ درصد از قارئان از انتشار و اهمیت سیار برخوردار بوده ، مدعیین خارجی غالباً از آن بازدید به عمل می آورند . برنامه درسی این دیرستان مشتمل بر علوم سیاسی ، زبان چینی ، انگلیسی ، ریاضیات ، فیزیک ، شیمی ، کشاورزی ، بنیادی ، تاریخ ، چترالیا ، هنرهای انقلابی ، ورزش و پدراشت می باشد ، کارگاه این دیرستان تیزداری انواع واقع و مسائل فنی والکترونیکی است .
 برنامه درسی به شرح ذیر است :

۸:۰۰

نماینده نوشتہ های مانو

۸:۱۰

تحشیش کلاسی که تشکیل می شود (به مدت ۵۰ دقیقه)

۹:۰۰

جله دوم

۹:۵۰

وانجام حرکات ورزشی

۱۰:۴۰	جله سوم
۱۱:۱۰	جلسه چهارم
۱۳:۰۰	جلسه پنجم
۱۴:۵۰	جلسه ششم
۱۵:۴۰	بحث و مذاکره درباره رویدادهای جاری
۱۶:۰۰	ورزش ، کارهای دستی ، جلات سباسی
۱۸:۳۰ -	به طور متوسط شبی یک ساعت صرف انجام تکالیف منزل می شود .
	کلاس ها ۴ روز در هفته تشکیل می شود . غالباً شاگردان یک‌ماه در سال را به کار
	در کارخانجات یا کمپونهای می گذرانند .
	برخلاف دیگران های نعام وقت ، مدارس متوسطه نیمه وقت به مرائب ساده تر و ابتدائی تر می باشد ، بدین طوری که دروس مانند زبان انگلیسی ، قیمت یک و شیوه تدریس نشده و تأکید بسیار بر کار های تولیدی و گسترش مهارت های عملی می شود . مطالعه در کلاس با کار در خارج مرتبط بوده ، شاگردان درباره چگونگی انتخاب بذر و تولید محصولات متعدد و دیگر مسائل فنی تجربیات لازم را کسب می کنند . درحالی که دولت بودجه لازم را برای حقوق آموزگاران تعیین می کند ، بقیه تیازهای مالی این مدارس از طریق واحدهای ذی دبط با توابدات داخلی آنها تأمین می شود .
	از زمان « انقلاب فرهنگی » وزارت آموزش منحل شده و « شورای دولتی آموزش و علوم » وظایف آنرا انجام می دهد : بسیاری از مقرراتی که تا قبل از سال ۱۹۶۶ اجرا می شد مجددآ مورد بررسی فرار گرفته است . مقررات زیر که برای شاگردان وضع شده است کم و بیش انتظارات دولت را از کیفیت رفتار ، اخلاق و سلوك بوجوانان چیزی عصر حاضر روش می سازد :
	« آئین رفتار دانش آموزان متوسطه »

(نوئن ۱۹۵۵)

- کوشش برای یادگاردن ، توجه به اصول اهداف و مسلماتی ، مطالعه مفید و رفتار مناسب . آمادگی برای خدمت به میهن و نلت .
- احترام به پرچم ملی ، احترام و علاقه به رهبریات .
- پیروی از مقررات مدرسه و دستورات ناظم و معلمین .

- ۴- عدم تأخیر وحضور مرتب در کلاس های درس ، اجتناب از غیبت غیرمعوجه ، عدم خروج از مدرسه قبل از ساعت مقرر .
- ۵- همراه داشتن تمام کتاب های درسی مورد نیاز به مدرسه .
- ۶- دقیقاً به سخنرا ای تکالیف روزمره . خروج از کلاس با اجازه معلم .
- ۷- بر پا خاستن به هنگام سوال از معلم ، نشستن با اجازه معلم ، بلند کردن دست به هنگام سوال کردن .
- ۸- انجام تکالیف شخصی با دقت بسیار و به موقع .
- ۹- احترام به نظام و معلمان ، ادای احترام و برپا خاستن به هنگام ورود معلمان به کلاس ، ادای احترام به هنگام مواجه شدن یا معلم و نظام در خارج از کلاس .
- ۱۰- رفتار دوستانه و حادقانه با همکلاسی ها ، اتحاد و همکاری با آنان .
- ۱۱- احترام و علاقه به اولیاء : دوست داشتن و حمایت از برادران و خواهران ، کمک به خانواده برای انجام کارهای منزل .
- ۱۲- احترام به بزرگان ، سالمندان ، عشق و علاقه به کودکان ، نگهداری و پرستاری از بیماران و ناتوانان ، دروس ایل نقلیه عمومی جای خود را به آنان دادن و رعایت حق تقدیم آنان در خواجهانها .
- ۱۳- رعایت صداقت ، صمیمیت و توافع ، بر همیز از دروغ و غنوثی ، نفرین ، دعوا و اجتناب از آزار دیگران .
- ۱۴- بر همیز از دخانیات ، مشروب و فمار و استفاده از اموال دیگران بدون اجازه آنان .
- ۱۵- انجام حرکات ورزشی ، تقویت چشم ، مراقبات نظافت و پیداشت خانه ، کفرچه و مدرسه .
- ۱۶- بیرونی از مقررات عمومی ، مواظبت از اموال عمومی .
- ۱۷- حفظ اعتبار و شهرت کلاس و مدرسه .
- ۱۸- همراه داشتن کارت شناسایی بطور دائم و دفعت در نگهداری آن .

آموزش عالی

تعداد کمی از فارغ‌التحصیلان ۱۶ و ۱۷ ساله دیپلماتانها مستقیماً وارد دانشگاهها و مدارس عالی می‌شوند. بسیاری از آنان به کارهای صنعتی، تجارتی، کشاورزی گمارده شده، یا آنکه وارد ارتش می‌شوند و پس از یک الی دو سال کار در رشته‌های مزبور می‌توانند تقاضای ورود به دانشگاه کنند. مسئله گزینش دانش‌آموز برای تحصیلات عالی موضوع داغ بسیاری از مباحثات و مذاکرات سیاسی می‌باشد. پس از «انقلاب فرهنگی» امتحانات ورودی بلا قابله لغو شد و گزینش دانشجو بر اساس معیارزیر صورت می‌گرفت: اول آنکه اکثر دانشجویان می‌باشد از صفوی کارگران، کشاورزان و سربازان انتخاب شوندو اقلیت ناچیزی از دیگر علیقات راه ورود به دانشگاه برایشان گشوده بود. دوم آنکه داوطلبین باستی اشتیاق و علاقه زیادی به مطالعه و بکار گرفتن دستورات مالو داشته باشند. سوم آنکه سن داوطلبان در حدود ۲۰ سال و دارای چند سال تجربه کاری باشند. چهارم آنکه داوطلبین باستی دوره اول دیپلماتان را با موقفيت به پایان برسانند و از آگاهی‌های لازمه برخوردار باشند. وینچمن و آخرین معیار جهت ورود به دانشگاه آن است که آنان از سلامت کامل برخوردار باشند.

داوطلب ورود به دانشگاه باستی از واحدهای که در آن به کار اشتغال داشت اجازه ادامه تحصیل می‌گرفت و پس از تأیید کارفرما و کارگران دیگر، داوطلب به مقامات محلی توصیه می‌شد. مقامات نیز به توبه خود تقاضای داوطلبان ابررسی و در صورت تائید توبه اورا به دانشگاهی کردند. دانشگاه نیز یک گروه گزینش برای بررسی تقاضای داوطلبین ورود به دانشگاه به تواحی مختلف تکمیل می‌داشت. بنابراین برای ورود به دانشگاه موضوع توصیه و گزینش هر دو مطرح بود.

اوایل سال‌های ۱۹۷۰، دانشگاهها متوجه شدند که میزان معلومات و آگاهی دانشجویان پائین‌تر از مطلع مواد درسی بود و آنها مجبور به تشکیل کلاس‌های تقویتی و تعلیمات اضافی شدند ہدینجهت امتحانات ورودی برای

از زیابی کیفیت و شرایط داوطلبین مجدداً هاب در دید. البته داوطلبین دانشگاهها برای مدتی در کلاس‌های آمادگی رشته‌های مورد نظر شرکت می‌کردند. واداره نامنوبی دانشجویان هوبده که مسئول بررسی تقاضا نامه داوطلبین برای ورود به دانشگاه است، اعلام داشت که کلاس‌های آمادگی برای داوطلبین که از جانب توده مردم توصیه شده اند و آزمون‌های سیاسی موافق گردیده‌اند، باعیستی تشکیل شود تا در این کلاس‌ها میزان معلومات و توانایی آنان در تجزیه و تحلیل حل مسائل سیاسی آشکار گردد. این اداره در ضمن اشاره کرد که چنانچه شرایط و توانایی دانشجویی، پس ازمه ماه شرکت در کلاس‌های دانشگاه در سطح معابرها و استانداردهای تعیین شده بود وی به واحد خود باز گرداند می‌شود.

چنین تغییر جهتی در سیاست گزینش دانشجو موجب ناامیدی بسیار از افرادی که بدامید رفتن به دانشگاه بر اساس تجربیات عملی و سیاسی شان در کارخانجات و روستاها به کار مشغول شده بودند، گردید. بسیاری از آنان با توجه به اینکه فرصت مطالعه کافی نداشتند امتحانات ورودی را خیلی مشکل تصور می‌کردند. در زوئن ۱۹۷۳، یکی از این شاگردان بنام «چانگکتی - شنگک» سالن انتخابات را پس از توشن یا شکایت نامه در پشت ورقه امتحانیش ترک کرد. وی خاطر نشان ساخته بود که بعلت اشغال در روز امتحان قرصت کافی برای مطالعه نداشت و دعوت از او برای شرکت در امتحانات بسیار غیر منطبق بوده است وی چنین ادامه داده بود:

اگر راستش را بخواهید، من برای کسانی که عشق به مطالعه دارند و بیشتر اوقات آنان صرف خواندن شده است و همه چیز را آسان گرفته و کار مفیدی برای دیگران انجام نداده‌اند، احترام چندانی قابل بیشم، طی تابستان پر کار، به هنگام بیل زدن بیهیچ وجه قادر به رها کردن کار تولیدی خود نبودم و نمی‌توانستم خود را در یک اطاق درسته به منظور مطالعه مخفی کنم. این کار خیلی خود خواهانه است و اگر چنین کرده بودم، بدون تردید احساس گناه می‌کردم. زیرا نصویر من آن است که گزین از کار و صرفاً به مطالعه پرداختن ای توجهی به سر توشت همراه و هفچانان سطح پائین می‌باشد و در چنین صورتی

احساس پوچی و بی ارزشی می کرد؟ ...

لعن نامه «چانگک» حاکی از آن بود که برقراری مجدد امتحانات ورودی آرمان‌های «انقلاب فرهنگی» را متزلزل می سازد. شکایت و انتقاد چانگک، موجب سروصدای بسیار در جامعه و متجر به محلات بسیار به نظام آموزشی آن زمان شد. برخی افراد می گرفتند که دیو آزمون نظام قدیم برای ورود به دانشگاه مجدد آباز گشته است و برخی دیگر خاطرنشان می ساختند که فرزندان «کادرها» از طریق پارتی بازی پدرهایشان می توانستند مجددآ به دانشگاهها راه پابند، حتی تعدادی از شاگردان اعتراف کردند که از طریق سفارش و پارتی بازی به دانشگاه وارد شده‌اند. بدین ترتیب موضوع معیارهای مبانی و تجزیهات عملی در گریش دانشجو مجددآ در ثوابت قرار گرفت.

تحصیلات دانشگاهی هنوز بزرگترین تأمین کننده منبع نیروی کار متخصص چنین به شمار می‌رود. تا شروع «انقلاب فرهنگی» تعداد شاگردان مورد پذیرای تحصیل در یک رشته خاص طبق برنامه‌های متصرکر تعیین می‌شد و دانشجویان مجبور به تحصیل در رشته‌های پیشنهادی بودند، البته آنان رشته‌های مورد علاقه خود را نیز اعلام کرده و در خواست آنان مورد رسیدگی فراز می‌گرفت و در صورت امکان عملی می‌گردید. در اوایل سال های ۱۹۶۰ درصد توزیع دانشجویان بر اساس رشته‌های مورد نیاز در حدود ۴۰ درصد رشته مهندسی، ۲۲ درصد در آموزش و پرورش و ۱۳ درصد در پژوهشی بود و رشته‌های علوم اجتماعی و هنرهای زیبا از توجه کمتری برخوردار می‌گردید. به نظر می‌رسد این نحوه توزیع دانشجو برای تربیت متخصص کما کان ادامه داشته باشد، هر چند که دولت تاکنون رسماً این گونه مبتنی است. تهها دیگر گوینی که طی سال‌های اخیر صورت گرفته است، افزایش درصد تعداد زنان، نماینده‌گان اقلیت‌ها و افراد متعلق به نو احی عقب افتاده در میان داوطلبین و زواده دانشگاهها است، در ضمن طبق گزارش مربوط به نامه‌رسی در دانشگاه در سال ۱۹۷۳، در حدود ۱۰٪ شاگردان جدید از اعضای حزب کمونیست بودند. در سال ۱۹۶۵ گفته شد که ۶۶۵ واحد تحصیلات عالیه در چین وجود دارد که از این رقم ۴۳ واحد دانشگاه کامل و ۱۱۳ دانشکده تربیت معلم و پیشه مؤسسات تخصصی می‌باشند. بیش از یکی از مؤسسات تخصصی رشته‌های

صنعتی مانند: ذوب آهن، معدن، مهندس ساختمان، تصفیه نفت و پا رشته هایی از این نوع را تدریس می کردند. بقیه مؤسسات تخصصی تدریس رشته هایی مانند طب و کشاورزی، رشته های تجارتی و زبان های خارجی و هنر های زیباز ابه عهد داشتند. گرچه اکثریت این مؤسسات در جین هنوز فعالیت می کنند، ولی در هسته اصلی نظام آموزش عالی تغییراتی صورت گرفته است: بدین ترتیب که بجای تأکید بسیار بر مهارت، گراش بیشتری به سمت کار عملی بوجود آمده است. بطریک که بسیاری از دانشکده ها با واحد های صنعتی در ارتباط نزدیک بوده و شاگردان و استادان اوقات بسیاری را به کار در واحد صنعتی مر بوطه پرداخته و تجربه کسب می کنند.

دانشجویان تحقیقات فنی مر بوطه کارخانجات را به عهده گرفته و کارهای توسعه در کارگاه های دانشگاه انجام می دهند.

مؤسسات دیگری نیز برای ادامه تحصیلات عالی وجود دارد که البته در سطحی کمی پائین تر از دانشگاه ها قرار دارند، دانشگاه های کارگری دوران «جهش بزرگ» بسوی جلو مجددآ تشکیل شده و بسیاری از کارخانجات نیز طرح های آموزشی در زمینه های تخصصی برای کارگران پیش یافته اند. در رأس تمام دانشگاه ها، کمیته های انقلابی قرار گرفته اند. کمیته های مزبور به گروه های کوچکتر تقسیم شده و این گروه ها مسئولیت امور عالی، اصلاحات آموزشی، آموزش سیاسی و امور اداری را به عهده دارند. اصلاحات آموزشی دائم امور بحث و تبادل نظر استادان و دانشجویان قرار گرفته و جلسات هفتگی به منظور بررسی بر تامه های درسی و تطبیق اولویت های سیاسی تشکیل می شود. در دانشگاه های بزرگتر «کمیته انقلابی» در سطح هر دانشکده نیز وجود دارد.

تا سال ۱۹۶۶، استادان غربی که از چین بازدید بعمل آوردند بر این عقیده بودند که به استثنای رشته های مر بوط به علوم اجتماعی، کیفیت های دانشگاه ها در سطح بالایی بوده و در رشته های مهندسی، علوم ویژشکی همچنان دانشگاه های غربی به پیش می روند، بعد از همان سال ۱۹۶۶، همان محدود بازدید کنندگان که از چین دیدار داشتند بر این نظریه حسنه گذارند هر چند که دوره دانشگاه از ۴ سال به ۳ سال کاهش یافته بود. بهر حال، گراش به سوی ایجاد

ووابستگی بیشترین توری و عمل و افزایش درس‌های عملی حاکم از آنست که امروزه اولویت‌های آموزش بر حسب ضرورت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه تعین می‌شود.

در محیط دانشگاه زندگی دانشجویان کاملاً سازمان یافته است. گلبه دانشجویان در محوطه دانشگاه در خوابگاه‌ها زندگی می‌کنند و در هر اطاق حدود عدالت‌جو اقامت دارند. هر ترم تحصیلی پنج ماه طول می‌انجامد و تعطیلات در ماه‌های زانویه و زوئیه است. دانشجویان بر اساس رشته و سال تحصیلی تقسیم شده و هر یک دارای یک برنامه کامل از فعالیت‌های روزانه می‌باشند. برنامه روزانه‌ای که شرح آن در ذیر آمده است مربوط به فعالیت‌های روز مرد دانشجویی بنام «کوانگ - تونگ» در سال ۱۹۷۱ می‌باشد و کاملاً مشابه برنامه روزانه، « مؤسسه زبان‌های خارجی سیان » جاتی که من در سال ۱۹۶۵ تقدیس کردم، است.

شیوریداری، ورزش صبحگاهی	ساعت ۶:۰۰ - ۶:۳۰	بامداد
توجه به اخبار رادیو و تفسیر سیاسی روز	۶:۳۰ - ۷:۰۰	صبحانه
مطالعه روزانه نوشته‌های مائو	۷:۰۰ - ۷:۳۰	کلاس درس یا کار تولیدی
کلاس درس یا کار تولیدی	۷:۳۰ - ۸:۳۰	وقت آزاد
وقت آزاد	۸:۳۰ - ۱۱:۳۰	ناهار و استراحت
کلاس درس، مطالعه شخصی یا کار	۱۱:۳۰ - ۱۲:۰۰	کلاس درس، مطالعه شخصی یا کار
کلاس درس، مطالعه شخصی یا کار	۱۲:۰۰ - ۱۴:۳۰	وقت آزاد
کلاس درس، مطالعه شخصی یا کار	۱۴:۳۰ - ۱۶:۳۰	وقت آزاد
کلاس درس، مطالعه شخصی یا کار	۱۶:۳۰ - ۱۷:۳۰	مطالعه شخصی
مطالعه شخصی	۱۷:۳۰ - ۱۸:۰۰	مطالعه شخصی
مطالعه شخصی	۱۸:۰۰ - ۱۹:۰۰	پیکنیک‌ها روز استراحت دانشجویان می‌باشد و اغلب شخصاً و سایل
پیکنیک‌ها روز استراحت دانشجویان می‌باشد و اغلب شخصاً و سایل	۱۹:۰۰ - ۲۰:۰۰	سرگرمی خود را فراهم می‌کنند.
پیکنیک‌ها روز استراحت دانشجویان می‌باشد و اغلب شخصاً و سایل	۲۰:۰۰ - ۲۲:۰۰	

در سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ بسطور مرتب برای تماشای امایش‌های که با شور و هیجان بسیار تنظیم کرده بودند از من دعوت به عمل می‌آمد. بسطور کلی دانشجویان هیچگونه تاریخ‌بینی از برنامه زندگی خود نداشتند و هنگامی که با آنان درباره آزادی سی که در زندگی جوانان انگلیسی وجود دارد صحبت می‌کردم اظهار نظر می‌شد که عدم انصباط مجرم به سیاستگذاری و سیاست‌های مدنی شود. از سوی دیگر، هنگامی که شاگردانم مطالب «کاردهای سرخ» در آمدند، مقامات حزب را به خاطر آنکه سعی و کوشش دارند از آنان موجوداتی مطلع و سر برآد بازند، شدیداً مورد انتقاد قرار دادند.

شاگردان چنین برای انصباط وجودیت در کار ارتش زیادی قائلند و این نوع احساس تا اندازه‌ای مددیون انگلیسی می‌باشد است که از دوران کودکی هنگام وزود به مدرسه تمام جنبه‌های زندگی آنان را در بین می‌گیرد، به آنان آموخته می‌شود که کارشان پیشتر برای خدمت بدیجامعه است. تا برای ارضی چاه طلبی‌های فردی، در صورتیکه تضادی بین منافع فردی یا حرفاً‌ای یا ممانع جمعی پیش آید، معلمین و مشاورین آنان همیشه این تضادهای از دیدگاه سیاسی بررسی کرده و با نظرگاهی ایدئولوژیکی به آنها می‌نگرند و با همین طرز فکر دانشجو را هدایت می‌کنند. بدینجهت دانشجویان و دانش‌آموزان فرا می‌گردند که افکار و کردار خود را در سایه اصول حزبی از زبانی کرده و کوشش آگاهانه بعمل می‌آورند تا خود را با اصول حزبی تطبیق دهند. موازات آن امکان دسترسی به مطالب تردید برانگیز خارجی یا ایدئولوژیکی برای دانشجویان وجود ندارد. در دانشگاه «جینگ - هوا» در سال ۱۹۷۱، کتاب شناسی‌ها و کتب زبان، ادبیات و فلسفه غرب بصورت مجموعه‌ای بدور از دسترس دانشجویان نگهداری می‌شد. به علاوه نوع سلنه و تسبیلات شاگردان درباره انتخاب مطالب خواندنی تبریز دقیقاً بررسی و نظرارت می‌گردید. در صورت «الحراف» احتمالی پیشگیری‌های لازم بعمل آید، با این وصف در بسیاری از کتابخانه‌های دانشگاه‌ها، استادان جلسات انتقادی تشکیل داده و نظرات خود را درباره کمیود برخی از کتابهای لازم اعلام می‌داشتند. عقیده آنان برایست که دانشجویان بایستی برخی از کتابهای بحث‌انگیز را مطالعه کنند تا بتوانند تفاوت بین خوب و بدرا تشخیص دهند. در غیر اینصورت آنان مانند گلهایی خواهند بود که در «گلخانه‌های مخصوص» از روش باقی‌داشتن خارج از محیط پروردش

خوبیش هیچ نمی‌دانند و در صورت خروج از آن محیط پژمرده و افسرده می‌گردند.

کادر آموزشی

در سال ۱۹۴۹، زندگی معلمین در چین مستخوش تغیر و دیگر گونی بوده است، زمانی مقامات دولتی خود مراحل مقررات جدیدی برای آنان وضع کرده و زمانی دیگر معلمین از طریق بحث و انتقاد تا اندازه‌ای در تصمیمات دولت نقش مؤثری یافته‌اند.

به علت تعیین سریع آموزش، کمبود معلم به عنوان یک مسئله اساسی مطرح است و تأمین آموزشگاه‌های تربیت معلم تاکنون نتوانسته است پاسخ‌گوی این نیاز فوری و غیرم باشد. در نتیجه ترکیب سازمان معلمین چلو قابل ملاحظه‌ای تغییر کرده است، بدین صورت که به اوازات افزایش تعداد معلمین جوان و آموزش دیده، تعداد کثیری معلمین فاقد شرایط و تخصص نیز به این حرقه روی آورده‌اند.

در سال ۱۹۵۶، بنا بر گزارش‌هایی، تعداد آموزگاران دهستان‌ها به ۱۱۷۰۰۰، تعداد ۱۱۶۵۰، نفر می‌رسید و پیش از شدن سال ۱۹۶۳، تعداد ۱۱۷۰۰۰ نفر آموزگار مورد نیاز خواهد بود، یعنی ۵۰۰۰۰ نفر بیشتر از تعدادی که از آموزشگاه‌های تربیت معلم فارغ‌التحصیل می‌شوند. در دیرستان‌ها، وضع بدتر بود و برای رفع این کمبود، بسیاری از آموزگاران که برای دوره ابتدایی آموزش دیده بودند، در سطوح بالاتر مشغول تدریس شدند و افراد فاقد شرایط در سطح ابتدایی جانشین آنان شدند. استفاده از این نوع افراد در زمینه آموزشی برای پر کردن شکافهای موجود هر گز از جای دلت به عنوان یک اقدام درجه دو شناخته نشده است؛ بویزه آنکه در مدارس نیمه وقت هیچ‌گونه راه حل دیگری برای رفع کمبود معلم وجود نداشت. ولی طی «انقلاب فرهنگی» اظهار نظر شده که تدریس توسط اشخاص غیر متخصص این مزه است را دارد که به افراد گوناگون از قشرهای مختلف جامعه فرست مناسب داده می‌شود تا مهارت‌ها و تجارت خود را در کلاس‌های درس به دیگران بیاموزند.

از کمک آنان بیویزه در زمینه آموزش سیاسی و عملی استفاده شده است. تغیر و تحول در فضای ایدئولوژیکی نیز در موقع معلمین تأثیر داشته است، هلا فاصله پس از سال ۱۹۴۹، آنان طی یک دوره هماهنگی ناگزیر از قطع تماس خود با دنیای غرب شدند و به سوی اتحاد شوروی و کمونیسم سوچ داده شدند. از آن تاریخ به بعد، حزب گرایش‌های سیاسی فرد قدر افراد را زیر نظرات دقیق و فراینده خود داشت. معلمین مجبور به شرکت در کلاس‌های مخصوص مطالعه مارکسیسم شده و سریچی از مارکسیسم شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت. سیاست هر این بود که روشنفکران غیر کمونیست را از طریق مطالعه عقاید مارکس و انجام کارهای بدنی اصلاح کنند و این سیاست کم و بیش هنوز هم در چین اجرا می‌شود. البته تشویق جوانان به پیروی از عقاید مارکس کار دشواری نیود، ولی برای معلمین مسن‌تر، بیویزه آنان که در خارج تحصیل کرده و در مقام بالایی قرارداده شدند، عبور از این مرحله انتقالی به آسانی صورت نگرفت. برخی مانند «ماین-چو» رئیس دانشگاه پکن تا سال ۱۹۶۰ حاضر نشد که در عقاید و رفتار خود تغیری بوجود آورد و بالاخره مقام خود را ازدست داد. برخی دیگر مانندیکی از استادان سابق جامعه‌شناسی که در آمریکا تحصیل کرده بود و در سال ۱۹۷۱ در «جنینگ هوا» فرصت آشنای با اورایا یافت، پا توجه پانکه دیگر چشمها و روشهایش مورد تأیید نبود، مقام استادی را رها کرد و مدیریت کتابخانه را بهده آگرفت. بسیاری از استادان متوجه شدند که مجبور به تجدید نظر در نظر گاههای ایدئولوژیکی خود و تطبیق با معیارهای جدید می‌باشند.

در موضع عادی، مسائل سیاسی از طریق بحث و مذاکره و گروههای مطالعه وابسته به مدارس و دانشکده‌ها مطرح می‌شود، ولی طی مبارزات گروهی غالباً گروهها از خود انتقاد شدید کرده و درین آن خویشتن ارزیابی عمومی؛ گاه اعترافات تلخی برقرار یا خطای صورت می‌گرفت در جریان «انقلاب فرهنگی» گروه کثیری از معلمین این مراجعت سرگذشتند. بسیاری از آنان از تقلیل اختیارات یا اخذ تصمیماتی که احتمالاً بدآ آنان را در معرض انتقامات علی قرار می‌دادند، اکراه داشتند. آموزش گاههای تربیت معلم به صورت تمام وقت است و دوره‌های کوتاه

مدت و تحصیل مکانیه‌ای تمهیلات پیشتری برای دانشجویان بوجود آورده است. دوره‌های کوتاه مدت از طریق تدریس گروههایی صورت می‌گیرد که به مغایر با این سطح آگاهی معلمین غیر متخصص بر روش‌های مختلف برای انجام سخنرانی‌های لازم اعزام می‌شوند.

میزان مزد و شرایط کار معلمین متوجه است. در دانشگاه‌ها حقوق استادان به ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ بیوان در ماه می‌رسد حال آنکه حقوق متوسط سخنرانان در حمله ۶۰ «بیوان» است. در مدارس تمام وقت حد اکثر میزان حقوق در حمله ۱۵۰ «بیوان» حقوق متوسط ۶۰ «بیوان» و حداقل میزان حقوق ۲۵ «بیوان» است آموزگارانی که مدارای تحصیلات دانشگاهی باشند حقوق پیشتری دریافت می‌کنند. اغلب معلمین در خانه‌های ارزان قیمت در محوطه مدارس یا دانشگاه‌ها زندگی کرده و از منافع طرحهای بهداشتی و رفاهی نیز برخوردار می‌باشند. در مدارس نیمه وقت درآمد به مراتب کمتر است. معلمین به عنوان اعضای عادی و احدها به حساب آمده و بر اساس معیارهای ثابت مزد یا بر حسب کار انجام شده حقوق دریافت می‌کنند. عرضی اوقات حقوق فوق العاده به آنان داده می‌شود ولی بطور کلی کوشش عمل می‌آید که بین معلمین و کارگران دیگر از نظر میزان حقوق هیچ گونه تبعیض وجود نداشته باشد. با توجه به تخصص کمتر معلمین مدارس نیمه وقت روستاها و کارهای پیش عملی آنان می‌توان اختلاف فاحش بین آموزگار روستایی و آموزگار شهری را بازیافت.

در کلاس‌های درس معلم هم آموزش دهنده است و هم مشاور. روشهای تسبیح آمرانه بوده و بدینامدیری دقیق و تهیه مطالب تکمیل کننده تکیه بسیار می‌گرد. قبل از شروع به تدریس، معلمین جهت مذاکره درباره برنامه درس و چگونگی روش تدریس با یکدیگر ملاقات می‌کنند. بعلاوه محتوای مطالعه می‌سازی و کیفیت آموزش آنها را نیز در مدت نظر قرارداده، سپس تصمیمات نهایی را اخذ می‌کنند.

کیفیت تدریس تا حد زیادی با معیارهای ثابت تطبیق داده شده است و فضای جدی کلاس از بذله گویی و شبورین سخنی پدیدور است. حتی انتقادات «انقلاب فرهنگی» نتوانست در این وضع تغییر به وجود آورد. در سال ۱۹۷۳

«هوانگ شوای» یکی از شاگردان دستانهای پکن طی نامه‌ای که به یکی از روزنامه‌ها نوشت از سختگیری معلم خود شکایت کرد، این دانش‌آموز در در فرجه حاضرات خود چنین نوشتند بود:

امروز یکی از شاگردان کلاس از مقررات و انشیاط کلاس سریچی کرد و به علت قصور در انجام کاری مقصراً شناخته شد. شما آقای آموزگار از او خواستید که جلو آمده، میس گفتند که می خواهید با این خط کش برسش به کویید. سخنان شما بنظر من به هیچوجه مناسب نبود، خط کش شما یک ایزادر آموزشی است، توصیله تنبیه، شما انتقادات شدیدی از همکلاس‌های من کرده و رفتار صبورانه‌ای با آنان ندارید، آیا می توانید مسئله ایدئولوژیکی را از طریق ضربه روی میز زدن و عصانی شدن حل کنید؟

در صورتی که شاگردان مرتكب اشتباهی شوند، امیدوارم با صبر و حوصله بیشتر به آنان کمک کرده و مرافق گفتمارستان هم باشد، ولی بدملوکلای، بنا بر اغلب تجزیه‌ها؛ روش رسمی تدریس روابط دوستانه بین معلم و شاگرد را از میان تبرده است و مانند روزگار کهن، معلم هنوز به عنوان یک راهنمای اخلاقی با شاگردان پیوند تزدیکی دارد و انشیاط و مقررات مانع بر سرداه او نیست. تنبیه بدنی غیر قانونی است.

موضوع تأمین آموزگاران مناسب یکی از مسائل اساسی آموزش ده‌چین به شمار می‌رود و با توجه به تقاضای روزافزون صنایع پیشرفته، مسئله آموزش‌های تخصصی صورت حادتری به خود می‌گیرد. بهر حال کشور چین با استفاده از معلمان غیر متخصص و مدارس نیمه وقت به مظلوه مقابله با این مسئله روش‌های جدیدی را تجربه می‌کند.

فرهنگ: هنر وايدئولوژي

علی قرن حاضر، حتی قل از تشکیل حزب کمونیست، هنر چینی درجهت پذیرفتن تحولات رُوف و بنیادی بود، عقاید و روش‌های یگانه متنهای و قالبهای قدیمی را به مقابله خوانده و هنرمندان و توانستگان چینی نیز تا حدی

رده آوردهای خارجی را جذب کردند. نویسنده‌گان زبان کلاسیک چین را به کنار گذاشته و از سلک‌جدیدی که نزدیک به زبان عادی و روزمره است پیروی کرده و داستان‌های کوتاه امروزی، تماشانمدهای تاطعن و روشهای تازه در شهر و داستان نویسی عرضه کردند. نوازنده‌گان نیز آلات موسیقی غربی و فرم‌های اوتومobil آن را در کار موسیقی سنتی چینی قرار دادند؛ به موازات آن، هنرهای جدید مانند عکاسی نیز بوجود آمد.

در قلب چین دگرگونی محتوا و قالب موضوع داغی بود که داشتارخ آن ضروری بود، تکریچه جنبه فنی هنر غرب راههای غنی برای یافتن احساسات فراهم کرده است؛ ولی محتوای هنری همیشه محفوظ مانده است. هنرمندان چینی، چه کمو نیست و چه غیر کمو نیست، همیشه کار خود را با انقلاب سیاسی و اجتماعی که در اطراف آنان صورت گرفته است، ارتباط داده‌اند.

تشکیل جمهوری خلق در سال ۱۹۴۹، زمینه جدیدی برای این تحولات فراهم آورد، تحولاتی که بین آنرا مسائل ایدئولوژیکی و تجارب بومی تشکیل داده تماذهای غربی؛ درحال حاضر محدودیت‌های شدیدی برای محتوا و قالب‌های هنری بوجود آمده است و بسیاری از هنرمندان متعلق به دوره قبل از سال ۱۹۴۹ مورد انتقاد شدید قرار گرفته و آثار آنان منع شده است، سرگرمی و مهارت‌های هنری و سیل و رابطه است برای انتقال یک‌بیام و یا تا فاصله ساختن یک‌اندیشه و ایدئولوژی، این پیوند و ارتباط براساس یکی از سخترانی‌های ماثوکه به عنوان «گلزار در اجتماع یانان درباره ادبیات و هنر» در سال ۱۹۴۲ صورت گرفت، مشخص شده است. ماثو از هنرمند می‌خواهد که با توجه به جامعه خود بر اساس و مقاهم مارکسیستی کار کند. وی معتقد است که وظیفه هنرمند فقط توصیف چیزی نموده؛ بل بایستی مفهوم درونی حقیقت را از دیدگاه مارکسیست روشن سازد، هنرمند سیاسی خوب را باید متأثراً کرد از هنرمند سیاسی ضعیف تشویق عمل آورد و هنرمند سیاسی بد را مورد حمله قرارداد، ماثو اظهار نظر می‌کند که در هرجامدهای معیاری هنری و سیاسی با پکنیگر پیوند نزدیک داشته و معبار سیاسی از ارزش پشتی دارد است، وی جداسازی هنر و سیاست یا برتری کارهای برکار تولیدی را محکوم می‌سازد. بنا بر نظریه ماثو، هنرمندان بایستی مارکسیسم را مطالعه کرده و با

مردم عادی هش رو شرداشتند و کوشش‌های لازم را برای درک آنان و بادگیری زبان آنان بعمل آورند. مانور بر اساس اینکه مارکسیسم هرگز جزئی مسلک نبوده است مخالف آنست که دروشهای فوق منجر به تبلیغات جزئی و قالبی شده و قدرت خلائقیت را ازین بین ببرد.

گرچه کوشش‌های بسیار برای تطبیق هترمند بایک ایدئولوژی خاص به عمل آمده است ولی زندگی هنرمندان دست‌خوش دیگرگونی و ناراحتی‌های بسیار شده است. هترمندان در صورت مخالفت با مأموریت انتقاد و عیجوئی قرار می‌گرفتند و در ضمن هنرمندان نسبت به یک جامعه سیاسی متغیر، جاتی که یک سیاست جدید امروزی می‌تواند ارزش یک اثرباری دیروزی مورد حمله قرار دهد، نامطمئن می‌باشند. با این وصف، مناظرات در زمینه هنری ازین برقه و انتقادات گوناگون از سیاست‌های مأموریت به عمل آمده است. البته این مناظرات برخی اوقات آزاداً تر صورت گرفته و برخی اوقات زیر نظارت سیاسی دقیق و شدیدتری بوده است. در جریان مناظرات و مذاکرات نسبتاً آزادتر که در سال ۱۹۵۴ صورت می‌گرفت، یکی از نویسنده‌گان بنام «هومنگ» تقاضا کرد که سختگیری‌های سیاسی در زمینه فعالیت‌های هنری تخفیف یابد. چندماه بعد، حزب ضمن حمله به این نویسنده در صدد پاسخگویی برآمده و او را به ندان محاکوم ساخت. دو سال بعد، نویسنده‌گان مجددًا خواهان آزادی یشنتری برای هترمندان شدند. تا آن‌اند نتوانند ضمن تعبیر و تفسیر جامعه، ذوق و استعدادهای خود را برای توصیف واقع بیانه جامعه به کار گیرند. این بارهای نویسنده‌گان آزادی خواه به جرم خطای ایدئولوژیکی محاکوم و برای انجام کارهای «اصلاحی» اعزام شدند. «انقلاب فرهنگی» نطقه اوج این تضاد‌آراء و تظرفات به شمار می‌رود. در حقیقت این انقلاب پس از یک دوره نسبتاً آزادتر یعنی زمانی که هنرمندان در انتخاب موضوع افق وسیع تری را در اختیار داشتند، مجددًا گرایش بست نظرات مأمور را تقویت کرد.

از سال ۱۹۴۹، تاکنون، دو مسئله مناظره هنری را با دشواری مواجه کرده است. یکی آنکه گروههای ادبی مخالف یک دیگر این نوع مناظره را به عنوان وسیله‌ای برای درهم کوبیدن یکدیگر به کار گرفتند. تا سال ۱۹۶۴، «هومنگ» معاون سابق اداره تبلیغات حزب و معاون دیر کل «اتحادیه نویسنده‌گان»

قدرت آنرا داشت که مناظرات هنری را بسود دوستان و همکارانش بازی گیرد. هونگ و پارانش در سال ۱۹۵۴ انتقادات خود را در این زمینه ابرازداشتند و تفاضل کرده بودند که گروه آنان جانشین گروه «هو» شود.

اشکال دوم آنکه از کوشش‌های هنری بعنوان وسیله‌ای برای انتقادات سیاسی استفاده می‌شود. چنانچه از یک نمایشنامه ظاهر آرام و غیربیشدار می‌توان وسیله‌ای برای حمله بفرد یا سیاست خاصی ساخت. مقالات تاریخی، نمایشنامه‌ها و قصه‌های کوتاهی که توسط «ووهان»، «دنگ» تلوو، و دیگران بین سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۶۰ بر شته تحریر درآمده است، فقط آثار هنری محسوب نشده، بلکه انتقادات نقاب زده‌ای علیه سیاستهای ما توشه توئنگ بشمار می‌آمدند. از جمله در نمایشنامه «ووهان» نیز عنوان «اخراج‌های سزوی»، از دستان مخالفت یکی از مأموران سلسله مینگ با سیاست‌های رومانی امپراتور بعنوان وسیله‌ای استفاده شده است تا اقدامات مائورا برای ایجاد کمون‌های خلق وارد حمله قرار گردد. «های - روی» بعنوان یک مأمور رفادار با رفتاری مهربان و پنهانه نسبت به دهقانان عادی توصیف می‌گردد. وی مانع از احتکار زمین توسط طبقه ملاکان شد، ولی امپراتور از مقاومت وی تاخو شد و شده، اورا اخراج می‌کند. «ووهان» در مقدمه خود گفته است که مفهوم این داستان «درستی برای امروز» است. تشیه این رویداد تاریخی با تشکیل کمونها توسط حزب کاملاً قصد بوسنده را آشکار می‌ساخت و این موضوع وقیعه علی ترشد که «بنگ دو-هوای» رهبر حزب، مائورا بخاطر اشکالاتی که برای دهقانان بوجود آورد و بود، مورد انتقاد قرارداد. وی مجبور به استغاثه شد. بدین ترتیب مفاهیم سیاسی این داستان بمراتب سنگین تراز ارزش‌های هنری آست، ایته تاسال ۱۹۶۶ «هنگامی-که «گارد سرخ» موضوع را روشن ساخت، دنیای خارج از چین هیچ گونه اطلاعی از این رویداد نداشت.

اپراهای نموفه

اپراهای چینی مانند اپرا در دنیای غرب فقط مورد توجه تعداد محدودی بوده، بلکه برعکس توجه و علاقه بسیاری از فشرهای مختلف جامعه را به خود

معطوف کرده و کابه بیت‌های آن پیش فروش می‌شوند. هر ناحیه چون ایرانی مخصوص بخود دارد. بعد از شروع «انقلاب فرهنگی» تم تمام ایرانی‌ها قبل از سال ۱۹۶۹ مردود شناخته شد و دیگر بر روزی صحنه اجرا نشد.

ایرانی‌ها قبل از «انقلاب فرهنگی» هم مورد شک و تردید قرار نگرفتند. خبر از رقص و آواز بسیک سنتی و امروزی درستایش مانع، حزب کمونیست و «گارادسرخ» بر نامه دیگری خلق نشد. فقط تعداد کمی ایرانی‌ها این رقص را تحولات عمدۀ در زمینه ایران وجود آمد. ایرانی‌ها از سنتی‌بکن و تازه‌های موسیقی غرب با ارائه‌ای بهشیوه مدرن بود و آمیز‌ای از آواز، رقص، آکروبات و نمایش را تشکیل می‌داد. باله تاحدی زیبادی زیر نفوذ اندیشوری بود. تحول در ایران از سال ۱۹۶۴ زیر نظر «جانک چونگک» همسر مانو، آغاز شد و در سال ۱۹۶۶ چنان نمونه و سرمهشی برای دیگر معیارهای هنری عرضه گردید.

ایرانی «چراغ بادی قرمز» که خلاصه‌آن به شرح زیر در مجله‌چینی به نام «دوباره سازی چین» چاپ شد، گویا ترین نمونه این نوع ایرانی‌ها به شما می‌رسد:

دانستان ایرانی «چراغ بادی قرمز» طی «جنگ مقاومت» علیه ژاپنی‌ها در شهری که توسط دشمن اشغال شده است روی می‌دهد:
«ای بوس‌هی» سوزبان قطار از اعصابی حزب کمونیست بوده و کارگری است که بطور قصای کاری کند. در تاریخ هفتم فوریه ۱۹۲۳، این سوزبان قطار، مادر و دخترش که از سه خانواده مختلف کارگر می‌باشند بههم می‌پونندند.

«ای بوس‌هی» یک نشان رمزاریکسازمان عالی حزب دریافت کرده و مأموریت دارد که آنرا به پریلک‌های «کوهستان درختان سرو» بر سانده، ولی قبل از انجام این مأموریت، توسط «هاتویاما» رئیس ژاندارم‌های ژاپنی شناخته می‌شود. هاتویاما از وی برای شرکت در یک مهمانی دعوت به عمل می‌آورد. وطنی آن کوشش می‌کند که از طریق سماجت، تهدید و سپس دستگیری و شکنجه «ای بوس‌هی» را مجبور به فاش کردن نشان رمزسازد ولی «ای بوس‌هی» در مقابل دشمن با

شجاعت مقاومت ورزیده و هم در مهمنانی و هم در محل اعدام با مقاومتی
که از خود نشان می دهد «هاتویاما» را بزانود مری آورد. و بالاخره
هاتویاما در حالی که از خشم عقلاش را از دست داده است «لی بو-هی
ومادرش «گرانی لی» را اعدام می کند.
«بیه هی» دختر «لی بو-هی» جای پدر شیپیش را گرفته و نشان رمز را
به کمک همسایگان و به زهیری حزب به پریکها می رساند.
این ابرا ویژگی های کلی بسیاری از اپراهای نمونه را در بردارد
و محتوای آن بارها جهت تطبیق با سیاست های روزمرد تجدید نظر
قرار گرفته است. زمان ابرا مربوط به دوران معاصر بوده و بر اساس
جهنمگین نیکوبد است و قهرمان داستان از سریت اصلی برخوردار
و تمام فضایل پک کمونیست خوب را بدون هیچ عیب و نقصی دارد
می باشد. اشخاصی که دچار تضاد درونی بوده و نه کاملاً «خوب و نه
کاملاً» بد باشند در داستان ابرا مشاهده نمی شوند. هیچ گونه توجهی
به عشق و رستگاری نیز نمی شود.
گرچه موضوع این اپراها یک نواخت و قالبی است، ولی بایستی با
توجه به فراین فرهنگی محتوای آن را مورد بررسی قرارداد. اپراهای پکن
و اپراهای محلی، مسائل اخلاقی را بطریزی سیاست ساده و بی تکلف ارائه داده اند.
تاسال ۱۹۷۱، اپراهای نمونه تنها کارنماشی به شمارمی آمدند، از آن
تاریخ تاکنون تمام آثار نماشی از یک سیمای کلی بیرونی گردد و هنر در خدمت
سیاست نموده است. بطوری که در سال ۱۹۷۴ یک نمایش در استان «شانسی»
بعلت دفاع از سیاست های روسانی «ایوشانوجی» که از مدتها قبل مخصوص شده
بود، محکوم و منوع گردید.

جو لا نگاه ادبیات

بعد از سال ۱۹۶۶، همانند ابرا، آثار ادبی نیز بهزیان محدودی خلق
گردید، بسیاری از نویسندهای از اینکه قلم را یدست گرفته و احتمالاً در معرض
انتقادات شدیدتر قرار گیرند، اکراه داشتند. ولی تشویق و دلگرمی مطبوعات

منجر به آن شد که پس از سال ۱۹۷۱ کارهای تازه‌ای از گوشه و کنار عرضه گردید. نوشه‌های جدید صرفاً درباره کارگران، دهقانان و مربازان بود و نویسنده‌گان تشویق می‌شدند که در میان مردم عادی زندگی کرده و کار کنند تا هواندن زندگی آنان را در نوشه‌های خود منعکس سازند. در سال ۱۹۶۳، یکی از داستان‌نویسان معروف آن زمان بنام «هاواران» برداشت خود را از نویسنده‌گان بدین شرح توصیف کرد:

اختلاف عمدۀ بین نویسنده‌گان بورژوا و مانویسنده‌گان در این مسئلۀ است که آیا ادبیات با این‌تری برای سرگرمی طبقه مرفه باشدو با صلاح با «دنیای درون» و احساسات بورژوازی سروکار داشته باشد یا آنکه برایستی جلوه‌گر کارگران، دهقانان و دیگر مردم کاری باشد که نیروی محركه در ساختن تاریخ دیابشمار می‌آید. آیا «موضوعات همیشگی بورژوازی» درباره «عشق»، «مرگ» می‌تواند با مبارزه عظیم توده‌های کارگر مطابقت داشته باشد؟ زمانی یک روزنامه توپس طریقی از من سوال کرد،

چرا داستان درباره عشق بین زن و مرد نمی‌نویسی؟

پاسخ من چنین بود:

ایله عشق در زندگی هست، ولی در یک جامعه طبقاتی بدون تردید عشق با برچسب یک طبقه مشخص شده است. در یک چنین فضایی بدجه چیز عشق بورژیم و عشق به فرد را چنگونه توصیف کنیم؟ یک دهقان قیری و یک مالک هیچ وجه مشترکی ندارند. در یک داستان عشق هنگامی از ائمه می‌شود که با موضوع و قهرمانان آن مناسبت و ارتباط داشته باشد.

«هاواران» در حادثه روتایی قبری یزدیش می‌گیرد و فقط به مدت سه‌سال به مدرسه می‌رود. وی نویسنده‌گی را از سال ۱۹۵۷ آغاز می‌کند. قبل از چاپ کتابش نسخه خطی آنرا میان کارگران و دهقانان برای اظهارنظر توزیع می‌کند و بر اساس انتقادات آنان در توشیه‌های خود تجدید نظر به عمل می‌آورد. وی نوشه‌های دیگران را نیز مورد تقدیر قرارداده و نویسنده‌گان شیر حرفا‌ای را راهنمایی می‌کند.

در حال حاضر تعدادش نویسی بکی از فالهای مهم ادبی درچین به شمار می‌رود. توپنده طی یک تکارش تخلیه یاک رویداد واقعی را در قالب داستان کوتاهی توصیف کرده و حقیقت غریبان، شاخه و برگ می‌دهد و آنرا بحد کمال مطلوب می‌رساند. این نوع نویسندگی موضوعات تکوناگون از جمله ویتمام تا میازره برای پیشرفت در کمون نموده «داجای» را در می‌گیرد. سیک آن شباهت بسیار به یک داستان کوتاه دارد و تکریج داستان آن کاملاً تخلیه است ولی رویدادها و مسائل روز را مطرح می‌کند. در حقیقت ارتباط از دیگرین بین بازده ادبی وسائل جاری اجتماعی و سیاسی وجود دارد. حتی اگر داستان تخلیه باشد باز هم در حد کمال مطلوب بوده و نتیجه آن برخلاف برخی از جنبه‌های زندگی واقعی همیشه خوشایند است و از نظر سیاسی اوضاع کنده می‌باشد، زیرا که در جوانان برای توجه به رومتاها و جذب روستا شدن ایجاد انگیزش می‌کند. در این داستانها به موضوعات دیگری از جمله آزادی زنان و تلاش آنان برای قایق آمدن بر مشکلات زندگی توجه شده است. عسله تضاد منافع بین زراعت فردی و اشتراکی در داستانها آمده و چگونگی حل این تضادها را بیز عرضه می‌نماید. بدین طریق ادبیات موجب شناخت مسائل ناشی از تحولات اجتماعی و چگونگی قایق آمدن بر آنان می‌شود. سالهای بعد از ۱۹۷۱ با افزایش آثار جدید و آزادی پیش در ادبیات سنتی و مطلعه آثار گذشتگان همراه بود. برخی از داستانهای قدیمی و افسانه‌های مربوط به مسئله‌های پادشاهی مجدد آنچه شده‌اند. همان‌گهار نظر خارجی‌هایی که از چین بازدید کرده بودند، این نوع آثار قدیمی دارای علاقمندان و خریداران بسیار در جامعه چین بود. و این خود انعکاسی است از علاقه و توجه دائم مردم ییبراث فرهنگی گذشته. به علاوه، مجلات مربوط به باستانشناسی و فرهنگ کلسا لیک نیز مجدد آنچه در می‌نماید. اینه گسترش این نوع مطالب هنوز با محدودیت‌های مواجه بوده و تمام ارزیابی‌ها باستی بر اساس نظرات مارکسیستی صورت گیرد. بهر حال، به رغم انتقادات «گاز دسرخ» چیزی‌ها بهسته‌ای فرهنگی بزرگ خود می‌باشد.

هنر های دیداری

در این زمینه نیز اوضاع سیاسی سوژه را دیگته کرده و موضوعات انقلابی مطابق دیگر را تحت الشاعر قرار می دهد. بدقا لبها بی که مورد توجه توده مردم باشد و وزندگی روزمره را منعکس می سازد ، توجه پیار می شود ، هنر پیار روشن فکر آنه و انتزاعی وجود نداشته و تأثیرگذاری که به نظر می رسد، مورد علاقه و توجه هنرمندان چینی که قالب های سنتی و تمادی و سلک های قدیمی را حفظ کرده اند، نمی باشد. نظر داشت یه سیاست از یک شخص و به کار گرفتن فتون جدیدی که از خارج وارد شده است از سوی دیگر، نقاش چینی را با فرم های گوناگون برای ارائه کار هنری خود مواجه می سازد. بدین جهت تصویرهایی که به سبک های مختلف بوجود آمده است اهمیت یک سیاست جدید با رویداد عمده ای را از دشمن می سازد. نقاشی که موضوعات قدیمی را ترسیم می کند ، غالباً پایام سیاسی را در آن می تجذبند بدین ترتیب که مثلاً در صورت تصویر کردن یک منقاره بسبک قدیم ها قر ازدادن یک کارخانه کوچک در گوش آن پیشرفت روستاه را منعکس می کند. در نقاشی های پوستر که در آن جزئیات و تناسب تحریف شده است، این پایام جتبه اغراق آمیز بخود می گیرد.

موضوعات قهرمانی برخی اوقات بازنگ روغن و گاه از طرق فرم های سنتی ارائه می شود . از سهولیسم نیز در طرح موضوعات استفاده می شود ، بطوری که طاوی خورشید آشین ظهر ما را و درخت کاج مفهوم طول عمر را در بردارد. توجه به هنر های بومی در صنایع چوبی و کارهای کاغذی طبیانی بوجود آورده . این هنرها علاوه بر حفظ ارزش های سنتی، تصاویر معاصر را نیز ارائه می دهد . بطور کلی با نگاهی به هنر های تصویری چین از کارهای بزرگ تا کارهای معمولی و سطح پائین می توان گفت که تمامی آنها بازگو کننده مسائل و اشغالات کشود است، مثلاً با مقایسه عکس های یک نسخه از کتاب «ادیات چین» چاپ ۱۹۶۷ با عکس های این کتاب چاپ سال ۱۹۷۳ می توان به آسانی بد نقض هنر های تصویری در چین و طبیعت جامعه چینی بی ارد.

در چین بنا بر دلایل می‌سازی از هنرمند آماتور تشویق بسیار به عمل می‌آید. کمپبود وسائل ارتباطی گروهی و دیگر وسائل سرگرمی تجاری به موقع هنرمند وجهه خاصی می‌بخشد. تقریباً همگی قادر به خواندن آواز یار قصیدن و نواختن یک آلت موسیقی بوده ویرای سرگرم ساختن دیگران آمادگی واشیاق داردند تعداد کثیری نیز تویستندگی و نقاشی را تجربه کرده و در صورت تمایل، آثار خود را به مرافق انتشار این محلی یا محلی برای چاپ ارسال می‌دارند و از این طریق مبلغی نیز دریافت می‌کنند. برای هنرمندان غیر حرفه‌ای با استعداد، تبلیغات وسیعی صورت گرفته و کارهای آنان از شهرت ملی برخوردار می‌شود. از سوی دیگر هنرمندان حرفه‌ای غالباً مجبور به طی دوره‌های طولانی تخصصی برای تکمیل هنر خود می‌باشند. جوانان مستعد به مدارس مخصوص فرستاده شده و سپس می‌توانند وارد آکادمی یا کسرواران تورها در سطح داشگاهی بشونند، پس از فارغ التحصیل شدن، بسیاری از آنان بکار مناسب با تخصص شان گمارده می‌شوند. بازیگران و نوازندگان در تاترهای وازکسنهای مشغول کار می‌شوند. بدینه نیز مشاغل فرهنگی و آموزش در مرافق انتشار این یا در داشگاهها داده می‌شود. این افراد نه تنها هنر خود را بکار می‌گیرند، بلکه مقداری از وقت خود را صرف مدیریت و تدریس نیز می‌کنند، مثلًا یک تویستنده در یک اداره انتشار ای اتحادیه تویستندگان، ضمن ویراستن و تصحیح کردن پیش تویسها، آثار خود را نیز چاپ می‌کند. تمامی تویستندگان عضو این اتحادیه می‌باشند و کارهای خود را برای افهار نظر و چاپ به آن ارائه می‌کنند. در این فراگرد مسائل سیاسی دست کاری شده و در صورت لزوم مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد. بدون تائید این اتحادیه با سازمانهای ذیر بعل دیگر برای تویستنده یا نقاشه امکان چاپ یا نمایش هر گونه کتاب یا تابلوی نقاشی وجود ندارد، او بیرون آنکه هیچ گونه مجله‌ای روزنامه ای در چین توزیع نمی‌شود. تویستندگان علاوه بر دریافت حق تویستندگی، برای چاپ آثار خود نیز مبلغی دریافت می‌کنند و ای میز ان آن چشمگیر نیست و هیچ‌گونه محدودیت حق تقلید وجود ندارد.

بدون تردید بسیاری از هنرمندان بعلت فشارهای سیاسی در زمینه‌های هنری، خود را در قید و بند بسیار یافته و اعتقاد آنان بر اینستکه سطح کارهای خلافه یا تین است. با این وصف ایجاد فرمهای جدید که ملهم از توده مردم باشد و مسائل و تحولات اجتماعی را مطرح کند مورد توجه قرار گرفته است و برای این موضوعات ارزش پژوهی قابل میاشند تا پرداختن بهم زیانی.

گروه شهر و ندان و یزد

شاید خواتندگان تاکون متوجه شده باشند که من در این کتاب توصیف کلی چهره زندگی در چین را مورد نظر قرار داده‌ام. بدینجهت در اغلب موارد ناگزیر بر بحذف مطالبی بودم که به زندگی روزمره چینی‌ها جلوه ورنگ حیات می‌بخشد. بازی شطرنج رانندگان تاکسی و دوچرخه بهنگام انتظار یاری مسافر، ماهی‌های کوچک طلازی که توسط افراد علاقمند نگهداری می‌شوند، از سرگرمی‌های جالب بسیاری از چینی‌ها از زمان قدیم بشماره باید و جیر جبرلک‌های بزرگ‌تری که در قفسهای حضیری حمله در تابستانهای داغ توسط دهقانان برای فروش شهرها آورده می‌شود، پیر مردی که پر نده قفس نشین خود را برای گردش آورده آنرا در گوش خیابان بناخته درختی آویخته و با دوستاش مشغول صحبت و درد دل می‌شود و مناظری از این گونه در دل جامعه چین فراوان دیده می‌شود، و این گونه تفریحات آرام جایگاه مهمی در زندگی عادی و روزمره مردم دارد. بعلاوه برخی مشاغل و گروههای اجتماعی بیزوجود دارد که در این توصیف کلی از جامعه چین مشکل بتوان آنرا نادیده گرفت. بسیاری

از این گروهها به هر میزان هم که کوچک باشند، در ساختان اجتماعی نقش بسیار عمده‌ای را بجهده دارند، بویژه گروههایی که خارج از جریان اصلی زندگی، فعالیت می‌کنند و بدون تردید تلاش و فعالیت آنها شایسته تحسین است. در فصلهای گذشته این کتاب خلوط کلی سیماهای زندگانی در چین ترسیم شده است، حال آنکه در این خصل اندکی وارد جزئیات شده و نگاهی به اقلیت‌های مهم جامعه چین می‌افکریم.

وداع با آفت

رفع بیازمندیهای بهداشتی جمعیتی بیش از ۸۰۰ میلیون نفر، مستلزم سرمایه قابل ملاحظه‌ای در زمینه تیروی انسانی و دیگر امکانات می‌باشد. پزشک، قابل، داروساز، پرستار و پزشکیار بایستی دوره تخصصی ملی کرده و بیمارستان و درمانگاه و وسائل مورد بیاز نیز تأمین شود، در سال ۱۹۴۹، تعداد تیروی انسانی در زمینه پزشکی و امور بهداشتی چین که در غرب آموزش دیده بودند به ۱۸۰۰۰ نفر میرسد و فقط ۴۰۰۰ نفر آنان پزشک بودند بعارت دیگر برای هر ۱۴۰۰ نفر بخشی یک دکتر وجود داشت. مجموع تعداد تختخوابهای بیمارستانها در حدود ۸۴۰۰ واحد بود، یعنی برای هر ۵۰۰ نفر یک تخت وجود داشت و حتی این تجهیزات کم و ناجز تیز بطور مساوی تقسیم نشده بود. اغلب کارکنان و خدمات در شهرها متصر کر شده، در نواحی روستائی طب غربی ناشناخته باقی مانده بود. دهقانان فقط از طب سنتی که میتوان براستفاده از گیاهان و طب سوزنی بود آگاهی داشته، شناخت اساسی از بلن انسان و بیماری‌های گرناگون نداشته‌اند. به علاوه اطایی سنتی نیز قادر تخصص و مهارت‌های لازم بودند. بسیاری از آنان اندکی بیش از شیادان و پزشکان چاچول باز بودند که از اعتقادات خرافی دهقانان بی‌سواند سوء استفاده می‌کردند، بدین جهت سلطع بهداشت روز بروز تزل می‌کرد. امر ارضی عفوری مانند آبله، وبا و حصبه و انواع بیماری‌های انگلی مانند مالاریا، کرم روده غوغایی می‌کرد. در چین موقتبی، آموزش‌های ساده می‌توانست تا اندانهای به حفظ سلامتی مردم در مقابل بیماری‌های مهلك کمک کند. حال آنکه

انجام این کار فقط از طریق دولتی که قدرت وارداد آزاد داشته باشد، امکان پذیر بود. در نتیجه میزان مرک و میر سالیانه بیش از ۳۰۰۰ دلار ۱۰۰۰ کودکی که به دنیا می‌آمد ۲۷۵ تن آنان در سال‌های اولیه طفویت می‌مردند.

بعد از سال ۱۹۴۹، دولت جدید برای مقابله با مسائل بهداشتی سه میاست را دستمال کرد. تعداد افرادی را که به عنوان کارکنان طبی و بهداشتی آموزش می‌دیدند، افزایش داد؛ مبارزه وسیع و همه جانبه درجهٔ پیشگیری‌های لازم و آموزش‌های بهداشتی آغاز کرد و پیوند طب غربی و طب سنتی را که از نظر علمی مورد تائید بود، تشویق و تقویت کرد.

علاوه‌هه اصل عده پیشگیری، توجه به تواجی روماتیسی و گنجاییدن اقدامات هر بوط به بهداشت عمومی در نهضت‌های توده‌ای در سر لوحه می‌باشد. های بهداشتی قرار گرفت، بدین ترتیب امکانات بهداشتی به سوی نواحی نیازمند سر از بر شاد و مواد آن توده مردم از طریق براء اندختن مبارزاتی برای بهداشت و زیستگاه ساختن آفات بسیج شد و در نتیجه نه تنها برخی از ریشه‌های امراض ازین رفت بلکه شناخت یکسری از علائم پزشکی در میان مردم حاصل آمد.

طی ۱۰ سال اول حکومت جمهوری خلق چین، تعداد کارکنان پزشکی متخصص افزایش چشمگیری یافت و در سال ۱۹۵۹ ۴۸۰۰۰۰ نفر رسید که ۸۰۰۰۰ نفر از آنان پزشکان متخصص از طرف بودند. و برای هر ۸۷۰۰ نفر یک پزشک وجود داشت. بموارد این تحولات، تعداد نخست‌های یمارستان‌ها په ۴۰۰۰ رسید که به میزان یک تخت برای هر ۱۵۰۰ نفر بود. از سال ۱۹۵۹ برای چندین سال هیچ گونه آمار و ارقام معنی دارزی نداشت که کارکنان پزشکی در چین منتشر شد. تا این که در ماه مه ۱۹۷۳ سخنگوی دولت چین در شورای بهداشت جهانی «اعلام داشت که: مجموع نخست‌های یمارستان‌ها در چین به مقایسه با دوره قبل از آزادی ۱۹ برابر و مجموع تعداد فارغ التحصیلان رشته پزشکی و بهداشت در مقایسه با ۲۰ سال آخر قبل از آغاز حکومت جمهوری خلق چین ۲۷ برابر شده است.

از آنجائی که پایه و اساس برای ارقام فوق ارائه نشود لذا تهاتیجه‌ای که می‌توان گرفت اینست که طور کلی خدمات بهداشتی کماکان بر شدسریع خود ادامه داده است.

برغم سرعت گرفتن میزان رشد خدمات پزشکی از سال ۱۹۴۹، تحولات محسوسی در زمینه‌های گوناگون آموزش پزشکی صورت گرفته است. تا اواخر سالهای ۱۹۶۰، دوره‌های تخصصی کامل و طولانی در رشته پزشکی غرب‌مورد نظر بود و پزشکان بهیروی از روش‌های مغرب زمین تربیت می‌شدند و بیمارستان‌های وسیعی که از میان مذهبی پادگار باقی مانده بود، مرکز اصلی تخصص‌های پزشکی به حساب می‌آمد. گرچه مبارزات بهداشتی در نواحی روستائی تحولاتی بوجود آورد ولی هنوز امکان آن می‌رفت که توجه بیش از چند به فنون پیشرفته در شهرها مانع از تعمیم طب جدید روستاهای بشود. مطی «انقلاب فرنگی» به ترتیب پزشکاران و پزشکان کم تخصص تر که با استفاده از طب غربی و طب سنتی قادر بدوازی بیماری‌های ساده باشند، توجه پیشترمی شد. این افراد به تعمیم خدمات ابتدایی پزشکی در روستاهای ویشگیری و درمان امراض شایع وهمه گیرمشغول بود.

برای کاهش میزان رشد جمعیت راهنمایی‌های لازم در زمینه کنترل موالید به روستایان می‌گردند. به علاوه، مقداری از وقت خود را در کمونها و کارخانجات با نجام کارهای تولیدی اختصاص می‌دادند آنان به «دکترهای پا بر هنده» مشهور می‌باشند، زیرا مانند دهقانان عادی، در کشور از های بر رنج پا بر هنده مشفول کار دیده می‌شوند. تحصیل در دوره‌های مختلف به دکترهای پا بر هنده برای همه افرادی که از استعداد کافی برخوردار بوده و از نواحی نیازمند خدمات پزشکی آمده باشند مورد نظر است. امتحان و رویدی برای این دوره وجود ندارد. مدت آموزش دو سال است و تشریع بدن، فیزیولوژی و آسیب‌شناسی و شناخت طب سنتی و تکیاهان طبی، امراض رایج و جراحی به آنان تدریس می‌شود. «دکترهای پا بر هنده» بهنگام معالجه افراد در صورت ازوم از مشاورت دکترهای متخصص باری و کملک می‌گیرند. گر ارش زیر چنگو نگی آموزش، «دکترهای پا بر هنده» در روستاهای را توسط دکترهای یک بیمارستان بخش در سال ۱۹۶۵ شرح می‌دهند:

دکترهای شهری دردهات کوهستانی به مدت دو ماه اقامت کردند و حتی به هنگام تراک آن محل مردم هنوز هم برای مداوا و انجام عمل جراحی دائماً به آنان مراجعه می‌کردند. آنان منوجه شدند که تریت پزشک برای روستاهای باع罔ان بک ضرورت مطرح است لذا به هنگام بازگشت به شهر، دونفر از کارکنان جوان درمانگاه کمون را به همراه خود برداشتند.

دونرن از پزشکان ورزیده کارآموزی آنان را به عهده گرفتند و وظایفی از قبیل بازرگانی بخشای یمارستان، تشخیص نوع بیماری، انجام عمل جراحی و تجدید پائیمنان را به آنان محول کرده در ضمن کوشش بعمل آوردند تا وجود ان کارآنها را در انجام دقیق وظایف پزشکی بر انگیزند. این جوانان که تعداد آنها سیستی به ۲۰ نفر می‌رسید، مطالعه و تحقیق را با اشتیاق انجام می‌دادند و اس از پیکسل می‌توانستند جراحی عمومی و عمل آپاندیس و فتق را انجام دهند. دکتر «وانگک» اظهار داشت: از آن تاریخ تا کنون از روش مزبور به منظور تریت یک با دو جراح برای هر درمانگاه کمون و همچنین برای آموزش کارکنان پزشکی در دیگر رشته‌های پزشکی استفاده کرده‌ایم. بدعا لوازمه یک مدرسه بهداشت به منظور آموزش کارکنان بهداشت برای کمونها و تیپ‌ها بوجود آورده‌ایم. طی سالهای اخیر، هر بار در حدود ۱۰۰ نفر با هم آموزش می‌یابند، بدینظریق که هنگامی که نیمی از آنان در کلاس‌های درس شرکت دارند، نیم دیگر در بخش‌های یمارستان تجربه عملی کسب می‌کنند. دوره آموزش مدت دوسال به طول می‌کشد و سپس در خاتمه دوره مزبور همراه «دکترهای پا بر هنر» به روستاهای رفتند تا در محل نیز کیفیت مداوای آنان را بررسی و اصلاح کنند.

نگرچه «دکترهای پا بر هنر» برای معالجه امراض تادر و پیچیده تریت نمی‌شوند؛ ولی مسلمًا کوشش‌های آنان در بالابردن سطح بهداشت عمومی نقش خوبهای داشته است. از سوی دیگر مبارزات عظیم تردهایی به منظور تعمیم اقدامات پیشگیری کمک از رنجی به موقعیت آنان کرده است. تبلیغات کلی

از مطرب وسائل ارتباط جمعی صورت می‌گیرد و حتی در هتر وادیات نیز منعکس می‌شود. گروههای کوچک برای انگیزش و ایجاد اشتیاق در مردم وارد میدان فعالیت شده و مردم را برای همکاری و پیروی از اصول پاکیزگی و بهداشت بسیج می‌کنند. در نتیجه این مبارزات که از سال ۱۹۴۹ بطور متواتر و در غالب موارد در فصل بهار قبل از آغاز فصل ترم صورت گرفته است، امراض انگلی بطریق چشم گیری کاهش پافته است. گزارش زیر چخونگی یکی از این مبارزات را در «استان آن هووی» در ژوئن ۱۹۵۹ توصیف می‌کند:

در ده روز اول ماه ذوئن، مبارزه شدیدی به مظدو ریشه کن ساختن پشه و مگس و همچنین برای جمع آوری فضولات در استان «آن هووی» آغاز شد. در شهر و روستا، تمام خاکروبهها جمع آوری، علفهای هرزه ازین برده شد و نهرها لاروی و حوضها برآز آب شد. گیاهان سمی وحشی برای کشتن مگس و پشه جمع آوری و کرم مگس توالاتها و آبریز گاهها ازین برده شد. در حومه شهر، «جي شو» طی دوروز در حدود ۱۷۸۰۰ کیل^۱ خاکروبه جمع آوری و ۱۹۶۰ گودال پرشد. در بخش «مان شان»، ۱۱۰۰۰ کیل خاکروبه ازین برده و ۱۱۰۰ کیل فضولات پس از جمع آوری خاکروبه و لارویی گردن نهرها پرروی هم اباشته شد. هنابرآمار و ارقام تکمیل شده در برخی از نواحی «شکبان» ۱۷۰۰۰ کیل علفهای سمی وحشی جمع آوری و کرم مگس ۱۱۰۰۰ آبریز گاه منهدم شد، در بخش «وهو» پیش از ۴۰۰۰۰ که گیاهان وحشی آتش زده شد تا ۱۲۰۰۰ اطاق را ضد عقوتی کنند.

برای جلوگیری از یماری‌های دستگاه گوارشی در تابستان، در شهر «آن هووی» اقدامات فعالانه برای تضمین بهداشت مواد غذائی و آشامیدنی بمورد اجراءگذارده شد.

فروش مواد غذایی و آشامیدنی شهری تحت نظارت و رسیدگی

«Hundred weight»، وزنهای کشور انگلستان بر این با ۱۲ در آمریکا

بر این با ۱۰۰ پوند است

سازمان بهداشت فرازگرفت. کارکنان مرکز فروش مواد غذایی و آشامیدنی در بخش «مو» ماسک دهانی نمود و دستهای خود را به دینی با صابون می‌شستند و به پیش از ۱۰۰۰۰ آشیز در شهرستان «موی یکسی» تعليمات لازم در زمینه رعایت اصول بهداشتی داده شد.

از سوی دیگر، جراحان چنی روشن‌های پیشرفته در زمینه جراحی عرضه کرده و به موازات می‌استهای طرفداری از کارگر، تمرکز خود را متوجه مداوای جراحات و خدمات ناشی از انجام کارهای صنعتی کردند. آنان بدوزیره در پیوتد اندام‌های بدن و انگشتان بریده شده به موقعیت‌های قابل ملاحظه‌ای نایل آمده‌اند. در دیک موردنم در سال ۱۹۷۳ یا سر و صدای بسیار گزارش داده شد، جراحان، ساق پای راست زنی را به این چپ اوپیوتد زندند در جریان تصادف فقط، ران راست و ساق پای چپ این‌زن خردشده بود. در انجام اینگونه معالجات پزشکان نه تنها به تکنیک‌های جدید و پیشرفته فن پزشکی توجه دارند، بل از معالجات گیاهان سنتی و طب سوزنی نیز استفاده می‌کنند. در حقیقت تعمیم بکاربردن طب سنتی شکفت اینگیز ترین تحولات رادر طب چین بوجود آورده است.

استفاده از گیاهان طبی تاریخی‌ای بس طولانی در چین دارد. از قرن‌ها پیش، پزشکان سنتی به خاصیت گیاهان شفا بخش برای معالجه بسیاری از بیماریها پی بردند و این شناخت علمی اساس موقعیت آنان به شمار می‌رود. تحقیقات امروزی نشان می‌دهد در حقیقت بسیاری از این گیاهان دارای مواد دارویی هستند که خاصیت درمانی دارند. در گذشته، اغلب این نوع گیاهان وحشی بوده و در نقاط دور افتداده می‌روند. جمع آوری آنها غالباً مشکل و خطرناک بود. در حال حاضر این گیاهان توسط کمون‌ها کشت می‌شوند. ساقهای برگ‌ها، گلها و بذر این گیاهان جمع آوری شده‌انها را برای تقداری کوییده یا خشک می‌کنند. در عطاری‌ها بسته وجهه‌های بسیار می‌لو از گیاهان عجیب و غریب و خشک شده با بوهای ناآشنا بردویهم انبائش شده است. برخی اوقات داروسازان نسخه را شخصاً می‌یچندند. پزشک سنتی غالباً فهرستی از مخلوط گیاهان خشک شده بهیمار تجویز می‌کند. داروساز هر کدام از این گیاهان را به دقت وزن کرده و مخلوط فوق را بهتریدار می‌دهد. خریدار هم درخانه آنرا

بهصورت جوشانده می‌کند.

اغلب اوقات جوشانده مخلوط گیاهانی مانند زنجیل شاهی، سبل-ختایی و اسارون برای مداوای سرفه، سوه هاچمه، تنگی نفس، و بالا رفتن با کاهش درجه حرارت بدن تجویز می‌شود.

طب سوزنی برای اسناده از سوزنهای نازکی به طول دهایچ است که در نقاط معین از بدن وارد می‌شود. طبق فرضیه سنتی، این نقاط به سبک خطوط دایره‌ای باهم در ارتباط می‌باشند که به موازات آنها خون و «انرژی حیاتی» جریان دارد. گفته می‌شود که هر نقطه خاصی از بدن با عضوی یا بیماری مشخصی مرتبط بوده و مجموعاً در حدود چند درصد نقطه مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس از آنکه پیشک معاينات لازم را انجام داد، سوزن‌ها را در چندین نقطه وارد بدن می‌کند. بعضی اوقات سوزن‌ها را داغ می‌کنند و لی بیمار بهیچ وجه احساس درد نمی‌کند. مثلاً در معالجه روماتیسم، نقاطی روی مج دست؛ پا و شکم مورد استفاده قرار می‌گیرد. در زمان گذشته طب سوزنی فقط برای معالجه بیماریهای مزمن مانند تاراچنی‌های جریان خون تنگی نفس، نفرس و سردرد به کار گرفته می‌شد؛ البته برخی از بزرگان آنرا برای درمان عالارها، اسهال و بیماریهای گوتاگون دیگر مؤثر می‌دانستند. به هر حال روش‌های پیشنهاده امروزی نتوانسته‌است میزان کارآیی و ارزش طب سوزنی را تاکنون تعیین کند.

همچنین هیچ گونه توضیح علمی برای اثرات طب سوزنی داده نشده است و فرضیه قدیمی «خطوط دایره‌ای» تاکنون مانند کشف سلسه اعصاب که از طریق آن واصلاح نیروی حیاتی، جریان دارد این به ثابت نرسیده است. به هر حال در اوائل سال ۱۹۷۴ دکتر های چینی گزارش دادند که به هنگام استفاده از روش طب سوزنی در مداوای بیماران، فعل و انفعالات را در فالیت شبیه‌ای مزد اندازه گرفته‌اند، گرچه تحقیقات آنان مراحل اولیه را مطی می‌کنند، ولی امکان آن می‌رود که این فعل و انفعالات با اثرات طب سوزنی در ارتباط باشد.

از اوائل سال‌های ۱۹۶۰ اغلب تحقیقات درباره طب سوزنی در زمینه اثرات کنترل کننده آن بر روی سیسم عصبی تمرکز یافته‌است و معلوم شده‌است

اگر طب سوزنی ضربان قلب را کاهش داده و ممکن درد می‌باشد، این اثرات
را می‌توان باعورد جریان برق از سوزن‌ها تشخیص داشت. مهمترین تحول اواخر
سال ۱۹۶۰ صورت گرفت یعنی، هنگامی که کشف شد که از روش‌های طب
سوزنی بهجای بیهوشی می‌توان استفاده کرد. یک یادو سوزن که در نقاط معینی
وارد بدن می‌شوند، در تمام اندام‌های مریوط به مدت ۴ ساعت بیهوشی موجود
می‌آورند. جراحان با توصل به این شیوه سهل و آسان، توانسته اندیجه احی های
مشکل و پیچیده‌ای مانند عمل قلب باز، جراحی زیست، و معده را انجام دهند. به هنگام
عمل، بیمار کاملاً بیهوش بوده و در صورت لزوم با جراح همکاری می‌نماید.
نهنگه می‌شود که دوران نفاهت این بیماران کوتاهتر است و قادر اثراست نا
مطلوب بی‌هوشی بروی بدن می‌باشد. به علاوه روش طب سوزنی ارزان و
مقرن بصره و در عین حال آمان است به طوری که عمل جراحی را در نقاط
دور افتاده تیز امکان پذیر می‌سازد، پزشکان در مطابق مختلف تخصصی از
یوحشی به میله طب سوزنی استفاده می‌کنند و در باره مورد استفاده آن تیز
 Mataعلمات گسترده و عینی صورت می‌گیرد.

خدمات پزشکی رایگان نمی باشد ولی هزینه آن بائین است. مخارج جراحی آپاندیس در حدود ۸ یوان (کمتر از ۲ یوند) و مخارج زایمان در حدود ۲ یوان می شود. هزینه جراحی های عمله مانند جراحی مفرز در حدود ۳۰ یوان و عکس برداری از سینه در حدود ۴۰-۵۰ یوان می باشد. وبهای آمپول ۴۰۰،۰۰۰ واحد پنی سلین نیز حدود ۱۰۱۲ یوان است. در نوامبر ۱۹۷۲ یکی از نشریات چینی مخارج معالجه بیماری را که بعلت سینه پهلو به مدت ۸ روز در بیمارستان بستری بود در حدود ۱۶ یوان تخمین زد. علاوه بر آن مخارج غذای بیماران بستری بعده خود بیمار است. باین وصف تعداد کمی از چینی ها کلیه مخارج درمانی خود را شخصاً می بردازند. کارگران تمام وقت بخش تحت پوشش کامل بیمه درمانی بوده و خانواده آنان نیز فقط ۵۰-۶۰ یوان مخارج درمانی را می بردازند. دهقانان با پرداخت یک الی دو یوان از ازبیمه ارزان کمون هاسود می برنند و فقط واستثنای کارگران غیر تولیدی مانند کارگران ادارات دولتی، مستحیماً تحت پوشش بیمه درمانی قرار دارند. در اوایل سال های ۱۹۷۰ تواحی شهری طرح های مر بوط به بیمه های محله ای

و اگه این گروه را زیر یوش خود می گرفت نجر به کردند، اغلب چنین ها از تحولاتی که از سال ۱۹۴۹ در زمینه بهبود کیفیت و شرایط خدمات بهداشتی صورت گرفته است ابراز رضایت می کنند.

کارگران علمی

چنین در زمینه تحقیقات علمی کاملاً مخالف آنست که «محققین صرفاً در داخل آزمایشگاهها با تکیه بر معلومات نظری کار پردازند، و بر عکس تأکید بسیار بر علوم عملی می نمایند که می تواند تابع مکاوب و سرعین در بهبود کیفیت تولید داشته باشد. به علاوه پلکانشمند چنین به عنوان عضو بر جسته گردید کان جامعه که ذکر و ذکر خود را مصروف نظریه خاص نماید، بحساب نیامده، بلکه در زمرة افراد عادی است که بهمان کارکنان کارخانجات و مزارع می رود تا مسائلی که در اینجا کارهای عملی مطرح می شود تشخیص داده، آنها را حل و فصل کرده، یا نظرات جدیدی را در جهت بهبود تولید با همکاری کارگران عادی کسب نماید.

اجرای این سیاست بر اساس دو نظریه است: از طرفی چنین ها بر این عقیده هستند که علم مخصوص تجزیه است و علوم تجزیی از معلومات و دانستنی های بشر در مورد قوانین طبیعت سرهشمه می گیرد و حاصل تجزیه ای است که در کنایش تولید و آزمایشات علمی بدست می آید. لذا علم محققان می تواند نتیجه فرضیات هشتمجزا از تمرین و عمل باشد.

از سوی دیگر، بیازهای میرم اقتصادی چنین اجازه نمی دهد که سرمایه گذاری های بزرگ در زمینه تحقیقات بنیان صورت گیرد، چنین نمی تواند با کشورهای ثروتمندتر در مورد تحقیقاتی که کاربرد عملی محدودتری داردند بد رفاقت پردازد و چن امروز خاقد ساختن اجتماعی، صنعتی و تهادی لازم جهت تبدیل سریع این تحقیقات بنیان به تکنولوژی مولد می باشد. لذا از دانشمندان چن خواسته می شود که تمام معنی خود را صرفاً متوجه توسعه تکنولوژی نمایند که با خواسته های بومی چن وقی دهد و فقط آن قسمت از دانسته های علمی و اراداتی را کسب نمایند که پاسخ گوی احتیاجات داخلی باشد. باید

دانست که تمام دانشمندان چین اذاین نظام راضی و خرسند نیستند. بسیاری از آنان در خارج از چین تحصیل کرده و در سال‌های بعد از ۱۹۴۵ به چین بازگشتند. آنان پژوهیه تحقیقات عادت کرده و ارزش نظری و غیر عملی زیادی برای بسط معلومات نظری قائل می‌باشند. حزب کمونیست با این طرز فکر دائمآ در مبارزه است و مبارزات انتخاباتی زیادی در جهت توسعه و آموزش مجدد اندیشه‌های دانشمندان برآء انداده است. وهمچنین دگرگونی‌های بسیاری بوجود آورده است تا عالمی شود که دانشمندان بیشتر اوقات خود را صرف اندیشه‌های عملی نمایند.

در سال ۱۹۷۱، دو زیست‌شناس آمریکائی به چین رفته و با دانشمندان چینی به تفاهق نشستند. در میان دانشمندان چینی که با آمریکائی‌ها صحبت می‌کردند فردی بنام «لوشی‌وی» بود که از قبل با آنان آشنائی داشته و در آمریکا تحصیل کرده بود. این شخص در آن زمان ۶۴ سال داشت و آمریکائی‌ها تکرارشی بر اسم «گفتگوهای وی راجع به کارش پسرخواه تهیه کردند:

وی هنوز یک فیزیولوژیست تجاهی در « مؤسه علوم آکادمیک شانگهای» می‌باشد. او قبلا در آزمایشگاه در مورد اثرات هورمون تجاهی بر روی رشد و بهبود تجاهانی که دارای اهمیت کشاورزی می‌باشد، کار می‌کرد. بعد از دوران « انقلاب فرهنگی » در باره مسائل و موضوعات مشابه تحقیق می‌کند، ولی با این تفاوت که این بار هایک « بریگاد تولید » در « کمون خلق ماو » خارج از شانگهای همکاری می‌نماید.

وی همانند دیگر تجاه شناسان غربی می‌دانست که بکار بردن هورمون تکثیر لین در دانه تجاهان رشد تجاه را افزایش می‌دهد، اما از اما در میان برداشت ممکن است تأثیری نداشته باشد.

به هر حال چنان بر توصیه بعضی از دهقانان کمون، وی این هورمون را در مورد دانه‌های جودر مرحله گل دادن آزمایش کرد و در نتیجه گیری بدین‌آن برداشت ۲۰ درصد اضافه شد. از آنجاکه گیر لین تصفیه شده تکان قیمت است، او واعضا کمون متفقاً تکیه چندیدی یا استفاده از گیر لین خام و ارزان که خود تهیه کرده بودند، ایداع نمودند.

آقای «لوشی-وی» می‌گوید که بس آنکه تو سلط حزب بسمت جلدی‌لی
سوق داده شد، احساس می‌کند که از نظر اجتماعی شخص مفیدتری
بوده و از کارش نتیجت پیشتری می‌ارزد. نامبرده موقعیت خاص خود را
شاهد مثال دانسته تأکید می‌نماید که اکثر دانشمندان می‌توانند از
پیشنهادهای سودمند کارکان غیر متخصص که آنگاهی هایشان بر اثر
مشاهده و تجربه بالا رانه است، بهره‌گیرند. امّا معتقد است که این بهره
گیری قل از «انقلاب فرهنگی» بعلت مجزا بودن روشنفکر ان از مردم
عادی امکان پذیر نبود.

آمریکائی‌ها متوجه شدند که اغلب تحقیقاتی که در مؤسسات مورد بازدید
آنها صورت می‌گرفت از دیگر تولید را از یکسو و آموزش کارکان علمی با
کارکان عادی را از سوی دیگر هدف خود قرار داده بود. برنامه ریزی
تحقیقات علمی در سطح کلی در دست اعضا شورای ایالتی استه این شورا
رشته‌های مختلف تحقیقی را تعین کرده و جهت مساعی و کوشش‌های محققین را
نیز مشخص می‌سازد. انجام کارهای تحقیقی در مؤسسات تحت کنترل شورای
دولتی صورت می‌گیرد و آکادمی علوم چن ازمهم‌ترین آنهاست این آکادمی
در سال ۱۹۴۹ تأسیس شد و دارای پنج بخش فیزیک، ریاضی و شیمی، علوم
فلسفه و علوم اجتماعی زمین‌شناسی و چگرافی و علوم زیست‌شناسی می‌باشد.
بکی از این بخش‌ها دارای شعبات تاریخی ای و مؤسسات تحقیقاتی وابسته است
که بوسیله ماهرترین و متخصص‌ترین نیروی انسانی اداره می‌شود. در سال
۱۹۷۵ بطوری که گزارش شده است، ۱۷۰ مؤسسه با ۲۸/۳۰ کارمند غالب
دارند و از این تعداد ۴۹۰۰ نفر فعالانه بکار پرداخته اند. در زمینه
علوم طبیعی توجه بیشتر به علوم عملی می‌شود. به علوم اجتماعی به طور نسبی
توجه‌چنانی نمی‌شود. در ضمن در سال ۱۹۶۵ کارهای اساسی و پیشرفت‌های
چشم گیر و قابل ملاحظه‌ای نیز در مؤسسه پوشیده شانگهای در مورد منتزه کامل
انواعی فعال انجام گرفته است. علاوه بر آکادمی مزبور، کارهای پژوهشی از
طریق دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزشی و همچنین توسعه اعضا پژوهشی
و اپسته بوزارت توانه های مرکزی و مؤسسات وابسته به آنها صورت می‌گیرد.
کارهای تحقیقی که در این مؤسسات صورت می‌گیرد بایستی بر اساس تأثید و

موافقت وزارت خانه‌های مر بوط انجام گیرد. در سال ۱۹۵۸ تعداد کل پژوهش-
گران ۳۲۵۰۰۴ می‌رسید که در ۸۷۸۸ تشكیلات پژوهشی فعال است. بدین
شك تعداد این افراد در سال‌های اخیر افزایش یافته است، ولی متناسبانه ارقام
جدیدتری داده نشده است.

به موازات انجام تحقیقات عالی، به انتشار نتایج پژوهش‌های علمی نیز
در چین اهمیت بسیار داده می‌شود. سازمان‌های «آنند» مؤسسه انتشار دانسته‌های
فی و علمی چین، «الدراسیون انجمن‌های علمی چین» و «انجمن علمی و فنی
چین» دارای شعب، کمیته‌ها و تیم‌های فرآوانی می‌باشد که در مقیاس وسیع برای
گسترش و تعمیم آثاری‌های علمی افراد جامعه چین تلاش می‌کنند. برغم این که
استانداردهای موردنظر این مؤسسات بسیار بالا بودند، ولی نباید اهمیت آنها
را ادرازد علمی و افزایش مهارت‌های فنی افراد نادیده گرفت. بهارت دیگر،
در اثر فعالیت این مؤسسات انگیزه ملی بهست ابتکار و عرضه ابداعات سوچ
داده می‌شود. همه افراد در این اعقابه برای بهبود کیفیت کار تشویق شده‌اند.
نظرات آنان مغاید تشخیص داده شود بلطفاصله نکار گرفته می‌شوند. میدان
ابتکار در تمام زمینه‌ها از روش‌های اثبات کردن کالا تاطراحتی ماشین‌های کار آن
پا طرق جدید تقدیم خواهد کرد. و در پیشرفت مهارت‌های فنی بمقیاس
واسع مؤثر می‌باشد. بدین ترتیب ایداع کنندگان و مبتکرین نیز از اعضای جامعه
علمی به شمار می‌آیند.

نظرات و عقاید درباره کیفیت و پتانسیل پژوهش‌های علمی در چین هم‌طور
قابل ملاحظه‌ای متفاوت است.

یک دانشمند روسی بنام بیکالیل کلوچکو که در اوخر دهه ۱۹۵۰ در چین
کار می‌کرد، معتقد بود که کیفیت محققان چینی همان بادیگر کشورهای جهان
است و بیش بینی می‌کرد که دانشمندان چینی در صورتی که به انجام امور تحقیقی
دخلخواه خود مجاز باشند؛ می‌توانند بروزی از دانشمندان روسی بیش گیرند.
پیرحال بعقیده‌وی، اولیت علوم علمی، عدم اعتماد حزب کمونیست به روش‌های
چینی، نقلیت از نظام شوروی در برنامه‌ریزی علمی و عدم ارتباخت بین دانشمندان
چینی و دانشمندان کشورهای خارجی همگی مانع از پیشرفت علوم و امور
پژوهشی بشمار می‌آیند. حال آنکه آمریکائی‌هایی که درباره ملاقات آنان با

دانشمندان چینی اشاره شده، عدم ارتباط دانشمندان چینی را با دیگر دانشمندان جهان احساس نکردند و هر جا که رفاقت متأهد کردند که مؤسسه‌های پژوهشی آخرين مقالات علمي کشورهای غربی را مطالعه و بررسی می‌کنند. هنگام گفتگو با محققین متوجه شدند که آنان با پیشرفت‌های علمی در خارج از چین که با موضوعات مورد تحقیق آنان ارتباط داشته باشد، آشنا نی‌کامل دارند. از دیده‌گران همان کیم بسیار بروی علوم کاربردی تا این از مسائل مبتلا به کشور چین است. آنان آگاهی کامل داشتند که فشارهای سیاسی دوران «انقلاب فرهنگی» امور تحقیقی را دچار وقفه ساخت که در نتیجه آن زیان‌های متوجه کارآیی علمی مملکت شده است. ولی آزمایشگاه‌های مورد بازدید این آمریکا، نی‌ها، همگی در سطح معقول نهایی فعالیت داشته و به اثرات طوبی العدل ارتباط جدیدی در دانشمندان و کارکنان عادی نیز علاقه و توجه بسیار مبنول می‌شد. آزمایشگاه‌های چین بشرح ذیر توصیف شده است:

اکثر وسائل آزمایشگاه‌ها ساخت چین و از کیفیت بالایی برخوردار بودند. در ضمن نظافت و سادگی آزمایشگاه‌ها نیز انسان را به داد آزمایشگاه‌های شیمی و بیولوژی آمریکا در سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۴۲ می‌آورد و این موضوع حتی در آزمایشگاه‌هایی که انسولین مصنوعی می‌ساختند صدق می‌کرد.

بطور کلی اغلب دانشمندانی که از چین بازدید کرده‌اند تحت تأثیر متأهدات خود قرار گرفته‌اند. موقوفیت‌های چین در زیست انسولین و سلاح اتمی حاکمی از آنست که چین در صورتی که تلاش‌های لازم بعمل آوردن می‌تواند به عبارهای عالی تحقیق دست باید، حال آن که در حال حاضر تارویزی که چین ثروتمندر بشود اغلب منابع فقط در جهت تحقیقاتی سوق داده می‌شود که به میزان تولید کمک ننماید. در نتیجه دانشمندان چینی فقط در همین مسیر تلاش و فعالیت می‌کنند.

مذهب

اعتقادات مذهبی برای حزب کمونیست چین تا کنون در گیری های

اید تولو زیکی بوجود نیاورده است. باور کلی چنین های شتر بسایل اخلاقی اجتماعی علاقه نشان داده اند. تامباخت مذهبی، بطریقی که در سال ۱۹۴۹ هیچ آگونه مذهب سازمان یافته ای معرفت حکومت جدید نشد. مذهب فقط در اواحی اقلیت نژین یعنی مخالفی که تبعیض های نژادی و فرهنگی دائمآ تقویت می گردید دارای اهمیت اجتماعی بود. بنابراین حزب با آسوده گی خیال آزادی مذهب را در قانون اساسی کشور گنجانیده و بر این عقیده بود که رشد نظم جدید اجتماعی و تعمیم آموزش تحت لوای افکار کمونیستی بروزی منجر به مساقط جوامع کوچک مذهبی خواهد شد. درواقع در بسیاری از جوابات سیاست حزب صحیح بوده است با این وصف موضوع پذیرش اعتقادات مذهبی تبلیغات فعالانه نشده مذهبی را نیز هموار داشت. حکومت در مورد اشخاص مذهبی تبعیض قائل شده آن هارا از اعطای فرسته های متفضی برای پیشرفت اجتماعی محروم می ماند. طی دوره های پسیح سیاسی مانند «انقلاب فرهنگی» افراد مذهبی مبدداً مورد انتقاد قرار گرفته و از امر برئیش جلوگیری بعمل می آمد. عکس العدل دولت در مقابل مذهب در یکی از مجلات پژوهی در سال ۱۹۶۵ به شرح زیر خلاصه می شد:

... مذهب هر گز در جامعه محروم خواهد شد بلکه به نیزی روی عرف و عادات کما کان وجود تحلیل رفته خود را حفظ می کند و حتی در صدد آنست که روزی باز گشت نماید. پیش مادر کبری بمعهجان هنوز کشته است؛ بدین جهت حتی اگر اندکی از اسم مذهب باقی بماند باستی مبارزه عظیم و همه جانبه ای در تمام جیمه ها برضد مذهب آغاز و تمام ریشه های سمن آن را خارج ولگذ کوب ساخت.

در حال حاضر اغلب مذاهب از جانب تعداد محدودی از سالمندان حمایت می شود و جوانان بذریت به مذهب دل مثنوی دارند. بعد از سال ۱۹۶۹، حزب کمونیست چهار مذهب بوده اند، مسیحیت، تائویسم^{۷۰}

۷۰ تائویسم - نام حکتب فلسفی و سیاسی و اجتماعی منسوب به لاآوتse (۱۵۰۴-۱۶۰۴ ق.م) فیلسوف بزرگ چین است که بوسیله وی تهدی چین به اهل مسیحیت رسید. فلسفه های شاعل یک نوع مذهب لیبرال، آزاد و عاری از قید بوده و با تشکیلات و قالب های مختلف ورزیده، نیکی طبیعی انسان بی فید و نزجر را متوجه و در حدود یاتک هن ارسال فارغ از زندگی دلت و احساس نیاز به دنیا نیز را که در چین معمول و حکم فرماید. (متترجم)

و اسلام را از طرق مجتمع ملی مجدد سازمان داد. این مجتمع بر حمایت های وطن پرستانه خود از حکومت جدید تاکید بسیار کرد و کوشش به عمل آورد تا برنامه حزب کمتویست را با آرمان های مذهبی خود تطبیق دهد. به علاوه از طریق ایجاد تماس با تکروه های مذهبی دیگر کشورها در روایت خارجی کشور نقش خود را ایفا کرد. همچنانه مجتمع اسلامی و بودایی که در فعالیت های خاور میانه و آسیا شرکت داشتند، طی سال های ۱۹۵۰، جوانان مسلمان چینی به همکاری و آنار تاریخی بود ایستی ایز به خارج فرستاده شد. با این وصف چنین تماس های مذهبی طی سال های ۱۹۶۰ هنگامی که روابط چین با کشورهای مورد نظر تیره تغیر دید، متوقف شد.

در میان مذاهبت های مسیحیت کمترین پروناد را در چین داراست. در سال ۱۹۴۹، در حدود ۸۰۰/۰۰۰ پرستشان و در حدود ۳ میلیون کاتولیک بودند که مجموعاً کمتر از یک درصد کل جمعیت را تشکیل می داد. کلپسا به علت رابطه نزدیک خود با هجوم و نفوذ خارجی ها در مقابل انتقامات آسیب پذیر گشته، طی سال های اول جمهوری، کمیت های روحانیون و مبلغین خارجی را از کشور اخراج کردند.

مبلغین خارجی به جاسوسی، خراب کاری و حتی به شر ازت و بی رحمی نسبت به چینی ها متهمن شدند. برخی از آنان محاکمه و زندانی شدند، سپس حزب دومجتمع وطن پرستانه تشکیل داد، یکی برای پرستانه و دیگری برای کاتولیکها. پرستانه در مقایسه با کاتولیکها تغیر و تحولات از جمله قلعه رایله با واتیکان را آسان تر پذیرا شدند. مجمع آنان در سال ۱۹۲۵ بطور رسمی تشکیل شد. مجتمع جدید خارج چوبین برای اداره و نظارت جامعه مسیحی قراهم آورد. مسیحیان ارجسته ریاست آنرا به عده داشته و برخی از آنان از جانب حزب منصوب شده بودند. آنان اصول آزادی در انتصاب روحانیون، حق استفاده از منابع مالی خود و عدم تبلیغات مذهبی را تأمین کردند.

در سال ۱۹۶۵، از یک کلیسای پرستان واقع در «سیان» دیدن کرد. این کلپسا توسط کمیته ای مشکل از یک دیر کل، مدیر و کشیش اداره می شد. آنان همن گفتند که ۱۴۰۰ پرستان، ۵ کشیش و ۱۰۰ واحد در شهر سیان یا ۱/۴ میلیون جمعیت وجود دارد. سه کشیش کاتولیک بیز در آن شهر بودند، کلپسا بی

که بازدید کردم، قبل اکلیسی تعمیدی بود ولی پس از سال ۱۹۴۹ تمام کلیساهای پروتستان پاییز دیگر ادغام شدند. در آمد کلیسا از مبالغه جمیع آوری شده در مراسم کلیسایی و از اجاره خانه‌های متعلق به کلیسا تأمین می‌شد. میزان اجاره این خانه‌ها تحت نظارت دولت بود ولی مالیات به آن تعلق نمی‌گرفت. مراسم کلیسا، سرود و موسیقی، کاملاً مانند مراسم کلیسا در انگلستان بود. بنی گفتند که عروسی و مراسم غسل تعمیدی بتدبر در کلیسا صورت می‌گیرد، ولی برخی اوقات مراسم تشییع جنازه در آن محل بعمل می‌آید. در زمان «انقلاب فرهنگی» این کلیسا توسط گاردهای سرخ بسته شده، صلیب سرد آن برداشته و پوستر تبلیغات ضد مسیحی روی دیوارهای آن نصب شد. در سال ۱۹۷۱ هنگامی که مجدداً از آن شهر بازدید به عمل آوردم، ساختمان کلیسا تبدیل به اداره شده بود. برداشت من این بود که مسیحیت در چین سرعت ناپودمی شود و بعد بدنظر می‌رسد که پس از نسل‌هایی که قل از سال ۱۹۴۹ توسط مبلغین خارجی به مسیحیت گرویده بودند، این مذهب تواند به حیات خود ادامه دهد.

تا تویسم که مذهب یومی چن بشمار می‌رود حتی قبل از سال ۱۹۴۹ تیروی معنوی خود را کم و یش از دست داده و فقط برای ازواؤ گوشة گیری افراد پناهگاه مناسی به نظر می‌رسید. تا تویسم پروران بیار داشت و متاثر از خرافات و نفوذ بودایسم بود و خدا یان گونا گونی را پرستش می‌کرد. با این وصف این مذهب مانند دیگر مذاهب در چین امروز پذیرفته شده است. تا سال ۱۹۶۶ در اغلب شهرهای پر رکوردهای تا تویستها گروههای کوچکی از راهبه‌ها دیده می‌شدند و این مذهب در روستاها بلاحظ خرافی بودن روستایان مورد حمایت دهقانان بود، چنانچه در کوه مقليس «هواشان» تمام معابد تا تویستی فعالیت داشته و دهقانان از جاده‌های باریک و سر بالایی برای بازدید از آنها و نماشای مناظر اطراف بالا می‌رفتند. طور کلی فقط سالمدان به تیا پشن برداخته و بخور می‌سوزاندند. البته تعداد محدودی از جوانان را دیدم که در مقابله مجسمه خدایان زانورزده بودند. اغلب راهبه‌ها لباس‌های سنتی بر تن داشته و فقط یکی از آنان لباس امروزی پوشیده بود. این راهبه بنی گفت که «مائو» ماهیت اعتقادات تا تویستی را فشرده و متحول کرده است تا تواند آن را با آرمان‌های کمویستی تطبیق دهد. در دوران انقلاب فرهنگی تمام معابد تا تویست بست

و در برخی موارد داخل آنها ویران و منهدم شد، ولی بسیاری از آثار به جای مانده این معابد که دارای ارزش‌های تاریخی و فرهنگی می‌باشد در موزه نگهداری می‌شود.

مقام و ممتاز بودایسم بیشتر از تأثیریم حفظ شده است و یکی از دلایل آن اینست که بودایسم لامائی در مناطق اقلیت نشین مانند تیت و مغولستان داخلی، هنوز مورد حمایت شدید مردم است. بودایسم مانند تأثیریم در روزاتها پیش از شهرها طرفدار دارد، در سال ۱۹۶۵ هنگامی که بار ایله‌های بعد، «کنی شا» در ۲۰ کیلومتری شهر نانکن ملاقات کرد بخوبی مسید که تمام آنان ذندگی عادی مذهبی را دنبال کرده و در جامعه محلی خود بسیار فعال می‌باشند، شهر و ندان معمولی می‌توانستند به معابد رفته و در آنجا برای مردمگان صدقه داده و فرایض مذهبی انجام دهند، نفوذ غالب بودایسم بر تأثیریم هنجر به تأسیس «استیتوی بودایست چینی» در سال ۱۹۵۶ شد و زهرا بودایستی در تشکیلاتی مانند «کنگره ملی خلق» از موقع مهم تری برخوردار شدند. با این وصف، بودایسم همانند دیگر مذاهب مورد انتقاد فرار گرفت و فقط تعداد معنوی از جوانان به آن گرویدند. در سال ۱۹۶۶ به پاک استرالیائی بنام «فل-هانتر» که در چین تدریس می‌کرد، از معبد «اسپ مفید» در تزدیکی «لو یانگ» بازدید عمل آورد و در باد داشت‌های خود چنین نوشت:

به همراه گروهی از خارجیان با کمک مترجمین با راهیه‌ای در آن مبعده صحبت می‌کردیم، از وی سوال شد:

شما راهیه‌ها وقت خود را چگونه می‌گذرانید؟

وی پاسخ داد: در مزرعه کشت و کار کرده و به درون نگروی و نگر می‌بردازیم.

یکی از همراهان با تعجب پرسید، تفکر، درباره چه فکرمنی کنید؟ راهیه بدون تأمل جواب داد: درباره این مسئله که «چه کسی می‌خورد و قنی که من می‌خورم؟، چه کسی مساحت می‌کند، و قنی که من صحبت می‌کنم.»

این پاسخ که برای تمام بودایست‌های سراسرجهان قابل درک است، برای مترجمین ما که از شاگردان شانگهای بودند و به نسل رُزیم کنونی تعلق

دارند حیرت انگیز و تا اندازه‌ای خنده‌آور به نظر می‌رسید. بطوری که مترجمین در اینجا اظهار اشتباه که گفته‌های راهبه قابل فهم نیست، ولی وقتی که تعدادی از خارجی‌ها پافشاری به عمل آورده و خواستار ترجمه دقیق کلمات آن را هبّه شدند، آنان نیز پاسخ راهبه را کلمه به کلمه ترجمه کرده و خاطر نشان ساختند که مفهوم گفته‌های او برای آنان نامانوس ویگانه است.

الغلب جوانان چین احساس می‌کنند که دیگر احتیاجی به مذهب ندارند و مذهب بقدرتی از جارچوب جدید جامعه دور افتاده است که مانند یکی از زبان‌های مرده جهان یادگر قرن آن می‌مورد به نظر می‌رسد.

طی «انقلاب فرهنگی» بودایسم در چین گرفتار می‌شود و دیگر مذهب شد؛ بدین ترتیب که معابد آنسته و راهبه‌ها هم بر سرها اعزام شدند و موضوع عشق و ایثار به بودا متنوع و انتشار نشریه «بودایسم امروزی» متعلق به «مجمع بودایست چینی» نیز متوقف گردید.

بسیاری از بودایست‌هادر معرض انتقاد عمومی و علني فرار گرفتند و برخی از آنان اجراء ازدواج کرده و گوشت خوردند.

پیروان اسلام به ۱۰ میلیون نفر می‌رسد و اغلب آنان در میان اقليت‌های ملی «ایهود»، «کازاخ» و «خوای» مشاهده می‌شوند. تا زمان «انقلاب فرهنگی» اسلام مذهب فعالی به شمار می‌آمد. مسجدی که در سال ۱۹۶۴ در «سیان» بدین کردم، قبله‌گاهی برای جامعه ۳۰۰۰ نفری اقبال «خوای» به شمار می‌آمد و بسیاری از افراد آن هنوز از معتقدان دین اسلام بودند. آنان گوشت خوک را حرام دانسته و در ماه رمضان روزه می‌گرفتند. تکریه مساجدهای این مسجد به سبک چینی بود، ولی عربی زبان مذهبی به شمار می‌آمد. در آمد مسجد از منابع جمع آوری شده و اجاره خانهای متعلق به آن تأمین می‌شد. در آنجا سه یشنزار بود که یکی از آنها در سال ۱۹۵۶ به مصرف رفته بودند. مسلمانان چینی طی روز، ۵ بازدیدهای آورده و در روزهای جمعه در حدود ۴۰۰ الی ۴۰۰ نفر از آنان نماز جمعه را در مسجد به جای می‌آوردند. این مسجد در سال ۱۹۶۶ نیز بسته شد.

در بسیاری موارد، به نظر می‌رسد که حملات «تاریخ سرخ» تقطه علطی است برای پایان نهادن بر آزادی مذهب. «تبل هائتر» وضع را در «شا لگهای» چین

توصیف می‌کند:

از آنجایی که مذهب رویه زوال بود، لذا حملات «گاردریخ» در ماه اوت سال ۱۹۶۶ به نظر عجیب می‌آمد. در شهرهای عملده، پر روحانیون دستورداده شد که بروستاها خود بازگردند. ویژگی‌های معماری و تزئینی بناهای مذهبی از بین رفته، شعار و یوسترهای ضد مذهبی پاروی دیوارهای آنها نصب شد، و تمامی مساجد، کلیساها؛ معابد و صومعه‌ها در خدمت امور «دینی» قرار گرفت. در شانگهای و «سیکاووی» هرج کلیساها کاتولیک خراب و ماختهان آنها به اثمار بیوه تبدیل شد. یکی از مساجد نیز جایگاه کارمندان اداری گردید. کلیساها بین المللی پرستستانها نیز به اشغال گروههای «گاردریخ» درآمد و صومعه بوداییست‌ها و مسیحی‌ها نیز خالی از سکنه ماند. بدون تردید این رویدادها زوال مذهب را در چین سریع کرده است با این وصف، بعد از خاتمه تهضیت «گاردریخ» در سال ۱۹۶۷، چینی‌های مقیم خارج که از اقوام و خوشنان خود در چین دیلن می‌کردند گزارش دادند که بسیاری از صومعه‌های بوداییست‌ها در روستاها به فعالیت‌های عادی خود هنوز ادامه می‌دهند. در سال ۱۹۷۲، «مجمع بوداییست» تیز مجلداً انجام وظایف خود را از سر گرفت ولی این بار نزیره وابسته به خود را چاپ نکرد. دو تن آمریکائی که در حال پازدید از چین بودند، بارگیس این مجمع ملاقات و از معبد «شینگ جای» در نزدیکی شهرها و روستاها دیلن کردند؛ گزارش دادند که در معبد «شینگ جای» در نزدیکی «سیان» تعداد محدودی راهبه هنوز در فعالیت بوده و مادام که فعالیت آنها صرفاً در سطح فردی و بدور از تبلیفات مذهبی باشد می‌توانستند به نیاپش خود ادامه دهند. برغم تحلیل وزوال علی تهددهای مذهبی در شهرها، اوضاع کم ویش به دوران قبل از سال ۱۹۶۶ برگشتند.

در سال ۱۹۷۴، از «نیکی نیوانو» رهبر بوداییست ژاپونی برای شرکت در جلسه سران مجامع بوداییست، مسیحی، اسلامی و تائویست چینی دعوت بعمل آمد، بوسیله کنفرانس شد که بوداییست‌ها از دولت برای نوسازی معابدی که طی «انقلاب فرهنگی» منهدم شده‌اند کمک مالی دریافت می‌دارند. در آن جلسه کاتولیک‌ها اعلام کردند که در موضع خود نسبت به متهم ساخن و ایکان هلت

رقان غیر اخلاقی و همکاری با امیر بالیم تغیری نداده‌اند. مجتمع اسلامی چنین به «بیوانو» اظهار داشت که در تقویت روابط دولتی با کشورهای مسلمان دنبال نقش عمده‌ای بعهده دارد.

بدون شک حزب کمونیست تجدید حیات فعالیت‌های مذهبی را مجاز نمی‌داند و در تائید سیاست‌های قبل از سال ۱۹۶۶ این احساس وجود دارد که سخت‌گیری‌های «انقلاب فرهنگی» اثر معکوس خواهد داشت، حال آن‌که مذاهب خود بخود پتدربیح ازین خواهند زفت، بهر حال جوامع مذهبی چن‌哉قد هر گونه قدرتی بوده ویش اذیش در ازدواج ارمی‌گیرند.

اقلیت‌های ملی

تمامی مردمی که مقیم چین بوده و از نظر نژاد، زبان و فرهنگ با همانهای چینی (چینی‌های اصل) که ۰/۹۵ جمعیت آنرا تشکیل می‌دهد، تفاوت دارند، «اقلیت‌های ملی» می‌خواهند. در گذشته این اقلیت‌ها تحقیر شده و اسامی قدیمی چینی که به آنها اطلاق می‌شد، مفاهیم «وختی»؛ «کمی بالاتر از جوان» را داشت، از سال ۱۹۴۹، حزب کمونیست از تحولی که در این زمینه به وجود آورده است بخود می‌بالد. حزب تاکید بسیار به مسئله کمک ویاری به اقلیت‌ها و حظ فرهنگ آنها کرده است. در نتیجه این کوشش‌ها حکومت چین وجود ۵۴ اقلیت جداگانه را رسمی تایید نموده است. برخی از این اقلیت‌ها مانند «منجو» بقدرتی در همانها ادغام شده است که دیگر شخص آنان به عنوان یک اقلیت جداگانه مشکل می‌باشد. دیگر اقلیت‌ها مانند «حوالی» بخطاطر وایستگی دائم به اسلام، دین اجداد عرب‌آنها، بعنوان یک تزاد جداگانه تلقی می‌شوند. با این وصف اغلب اقلیت‌ها با همانها از نظر فرهنگ و طرز زندگی تفاوت بسیار دارند.

در سال ۱۹۵۷، جمعیت اقلیت‌های ملی چین ۴۳۸ میلیون نفر می‌رسید و دو سوم آن از مجموع ۱۰ ترازد با جمعیتی بیش از یک میلیون نفر مانند «تبتی‌ها»، «ایغور»، «مغولها»، «میا»، «چوانگک» تشکیل می‌شد. یک سوم دیگر آن مرکب از تکروه کوچک ۶۰۰۰ نفری «هزه» می‌باشد که در شمال شرقی اقامت دارند.

و گروههای چند صد هزار نفری «پا» «دونگک» و «لی» که در استانهای شمال، غربی بر اکنونه هستند. گرچه جمعیت اقلیت‌های چین فقط ۵ درصد جمعیت کل این کشور را تشکیل می‌دهد، ولی حدود ۱۰۵۰، مساحت کل کشور تحت استقرار آنان می‌باشد، اغلب آنان در نواحی مرزی، بلویزه در مناطق وسیع شمالی و غربی که در قرن هیجده در زمان هجوم فرمادروایان «چینگک» در قرن ۱۸ به سرزمین چین ضمیمه شد. فرمادرداری و تایعیت مردم این نواحی از دولتمرکزی چین تا قبل از ۱۹۴۹ با سرمهختی صورت می‌گرفت، حال آن که سرزمین آن به علت کوههای مرتفع، وفلات و کویر چندان حاصل نخیز نمی‌باشد. ولی موقعیت سوق الجشی آن در طول مرزهای چین برای دولت مرکزی از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است.

بساری از اقلیت‌های ملی و بیشتری‌های مشرکی دارند که به عنوان یک گروه به‌سامی مانند «تبت-برمهای» «ترکی» یا «جوانگک» - تاهی «خوانده می‌شود، حال آنکه در عمل از نقطه نظر فرهنگ و روابط تاریخی آن‌ها با چین، با یکدیگر اختلاف فاحشی دارند. برخی از آنان مانند سین کیانگ و «کاراخ» و «ایبور» در ارتباط فرهنگی با جهان اسلام بوده و به مردم اتحاد شوروی در آن سوی مرزها و استگی دارند. اقلیت‌های دیگر مانند «تبی‌ها» و «ملول‌ها» دارای نظام اجتماعی ثابت شده متعلق به خود می‌باشند، مردم این اقلیت‌ها همشه در مقابل رخته فرهنگ ناقلو موفق چین استقلال خود را تا اندازه‌ای حفظ کرده‌اند. اقلیت‌های کوچکتر، بیویزه آن‌ها را که در مناطق مرتفع استان‌های جنوبی مستقر می‌باشند از این نوع استقلال برخوردار نبوده‌اند.

گرچه سیاست دولت ظاهرآ بیویزگی‌های فرهنگی این اقلیت‌های ملی تأکید بسیار کرده است، ولی در عمل فشارهای زیادی برای ایجاد تحول و حل ساختن پیشتر آنان در جامعه چین وارد آورده است. هرگاه این فشارها زیاد شده‌اند، اقداماتی درجهت برانداختن مذاهب اقلیت‌ها، نوسازی قوری جامعه اقلیت به موازات خلط‌جامعه چین و بیان بخشیدن به عناصر باقی‌مانده استقلال داخلی آن‌ها بعمل آمده است. ولی پیروی از چین سیاستی تدریجی بوده و به اقلیت‌ها فرصت کافی برای تطبیق خود با تحولات اجتماعی داده شده است. اغلب رهبران جوامع سابق مانند لاماهاي تبت یا گلخدايان روستاهای منطقه‌جنوبی

دزورهبری سیاسی نظام جدید شرکت داده شده‌اند. در اوخر سال‌های ۱۹۶۰ نظام کمون در تمام مناطق اقلیت‌نشین برقرار شد و ایجاد نواحی، مناطق و بخش‌های اقلیت‌نشین با استقلال داخلی محدود مقیوم آن را داشته است که برای آداب و رسوم، زبان و ارتقاء اعضاً این اقلیت‌ها در سازمان‌های دولتی و خارجی توجه قابل ملاحظه‌ای مبنول شده است. بدین ترتیب چنین‌ها سیاست خود را نسبت به اقلیت‌ها برآمیس راهنمای آن‌ها برای ذندگی بهتر و جدیدتر توجیه می‌کنند. با این وصف اعتقادات و روش‌های گذشته به سخنی ازین می‌دوند و حزب کمونیست پارها بر ضد احساسات برتری جوئی‌های اخطرهای بسیار صادر کرده است و به عنین علت در سال ۱۹۶۱ برخی از کادرهای «مغولستان داخلی» مورد انتقاد قرار گرفتند:

«از آن‌ها که اغلب «کادرهای» اعزامی حزب از نژاد‌های این می‌باشند . . . + تسبیت + تحقیر «کادرهای» مقول گمراهم داشته، آنان را قابل اطمینان نمی‌دانند. این کادرها بقرا اگرچنان زیان معمولی رفاقتی اشان نداده و مطرز تذکر و احساس رفای معمولی خود را درک نمی‌کنند . . . ما بایشی‌های این‌چنی و بوبزه «کادرهای» آنها را آموزش دهیم تا حقوق مساوی و عتاید اقلیت‌های ملی و پرهیز اذی برتری جوئی‌های ناشی از ملیت بزرگتر و احترم گذاردند. . . تا زمان «انقلاب فرهنگی» امور اقلیت‌های ملی مشترکاً توسعه «اداره جمهوری متحده کار» وابسته به کمیته مرکزی حزب و کمیسیون دولتی مایل‌مایت‌ها اداره می‌شد. بحال و ارتش و چندین وزارت خانه و سازمان در نواحی اقلیت‌نشین تعاملی داشتند. از جمله این سازمان‌ها می‌توان از سپاه تولید و ساختمند در سین‌چانگک و سر بازخانه آن در تبت پاد کرد. ملی «انقلاب فرهنگی» ظاهرآ هیچ گونه تغییر و تبدیلی در این زمینه به عمل نیامد، در حال حاضر هنچ‌منطقه اقلیت‌نشین در سطح استان در چین وجود دارد که از استقلال داخلی محابودی برای حفظ فرهنگ و زبان و ارتقاء کادرهای اقلیت‌ها برخوردار است و در روابط خود با دولت مرکزی همانند دیگر استان‌ها رفتار می‌کنند. برخی اوقات اقلیت‌ها مقررات جدیدی برآمیس اوضاع محلی وضع می‌کنند. مثلاً، آنها تعداد نیازگان انتخابی را بر حسب اوضاع اجتماعی و درجهت فزونی فدرات تبخیان ستی تعیین می‌نمایند یا آنکه سازمانهای مخصوص دولتی و مالی ویژه خود تشکیل

می‌دهند، ولی تمام این ایده‌اعات با هنسنی مورد تأیید و تصویب دولت «رکزی باشد».

به پیروی از سیاست شناسایی ویژگی‌های نواحی اقلیت‌نشین، حکومت چین روش‌های خاصی را دنبال می‌کند. بدین طریق که به آنها کمک اقتصادی کرده و در مورد پیشرفت اقتصادی و ادغام آن با اقتصاد ملی اقداماتی به عمل آورده است. مخصوص‌بین «هانهای چینی» برای راهنمایی آنان اعزام می‌شوند. اقلیت‌ها از شاوه حقوق سیاسی برخوردارند، حتی در برخی موارد به آنان امکاناتی داده می‌شود تا در سطح وسیع تری از آنجه که حق آنان باشد در سازمان‌های دولتی شرکت و فعالیت داشته باشد. دولت در مناطق اقلیت‌نشین با استفاده از زبان و خط اقلیت‌ها در امر آموزش تحولاتی ایجاد کرده است و حتی برای اقلیت‌هایی که فاقد خط بودند، خط بوجود آورده است. در مورد فرهنگ اقلیت‌ها بیز تبلیغ شده و توازندگان مقول واپسی در سراسر کشور با استقبال گرم هستگان رویرو می‌شوند. بموازات این اقدامات، رشد و تقویت یوسنگی‌های اقتصادی و اجتماعی بین مناطق مرزی اقلیت‌نشین و «هانهای چینی» منجر به استفاده از زبان و نهادهای چینی در این مناطق شده است.

حزب همیشه‌خواهان آن بوده است که اقلیت‌های ملی بامیل و رغبت سیاست‌های دولت را پذیرا شوند، لذا بهتریست کادرهای وقادار که از میان اقلیت‌ها برخاسته‌اند توجه خاصی مبذول داشته است خاتم «چون دری بیر» در مقام تحقیقی خود زیر عنوان «نخبگان اقلیت‌های متنی» در مورد کیفیت عالی تربیت و استفاده از «کادرها چینی می‌نویسد»:

«نکتیکها بر حسب شرایط منطقه‌ای فرق می‌کرد، ولی چار چوب کلی آن بود که «اردش آزادی بخش خلق یک «تیم کار» را برای مذکوره باز هر بران محلی اعزام داشته و رؤسای محلی به عنوان مسئول سرنوشت جوامع ذیر بخط خالیاً به عنوان سخنگوی آنان باشند مزبور وارد مذکوره می‌شد.

اگر رهبری همکاری‌های لازم را انجام نمی‌داد، «تیم کار» وی را مجبور به همکاری تاخته و در جستجوی فرد مناسب تری از می‌آید، این تیم سپس راجع به مسائل و مشکلات محلی سوال کرده و زاه‌حل-

های پیشنهاد می‌کند. مثلاً اگر به متنه خشکسالی اشاره می‌شد، افراد تیم آمادگی خود را برای پیاده کردن یک طرح کوچک آیاری اعلام می‌کنند. درصورتی که درمورد مالاریا شکایتی شود، دارو توزیع شده و برنامه‌ای برای اذیان بردن پشه‌های مالاریا در نواحی مردابی تنظیم می‌شود. «تیم کار» همچنین اطلاعاتی در زمینه آداب و رسوم محلی از طریق رئیس به دست می‌آورد تأمیناً موجب رنجش احساسات محلی شود. ناشی گری‌های مانند تشتن درست راست شله‌آتش، بجا ای نشتن درست چپ آن باطبخ غذا با روشن مقاومت کوشش‌های حزب را برای جلب نظر اقلیت‌ها ختنی می‌کند.

به موازات توزیع بند، ایزار و آلات کشاورزی و نیروی کار رایگان و اجرای برنامه‌های سرگرم کننده، اعضای نیم‌زبان محلی را یادگرفته و درمورد مردم و سیاست‌ملی حزب تبلیغ می‌کند. افرادی که از یک اقلیت ملی تبلیغات حزب کموپست را پذیرفته و تحت تأثیر آن قرار قرار می‌گیرند و همچنین واحد شرایط رهبری باشند، برای تربیت خاصی از دیگران جدا شده و برخی از آنان بهدارس تربیت کادر وایسته بهارنش آزادی بخش خلق فرستاده می‌شوند. . . اغلب بر روى پائین ترین فشرجامه تبلیغات صورت می‌گیرد، زیرا آنان بیش از گروه‌های دیگر مورد استئصال قرار گرفته و نسبت به پذیرش نظرات حزب گراش دارند. . .

هدین طریق، حزب در میان اقلیت‌ها رخنه کرده، از داخل آنها اصلاحات را شروع می‌کند. با این وصف، همانطور که اشاره شد، بسیاری از هانها نسبت به اقلیت‌ها احساس برتری کرده، آنان را پائین تر از خود بحساب می‌آورند. بدین ترتیب در عمل کمال مطلوب نادیده گرفته شده و دولت با یک سیاست نظارت مستقیم بر اقلیت‌ها پاروش‌های کج دار و مریز در جلب آنان کوشش می‌کند.

نقض در فرهنگ سنتی و ساخت اجتماعی، سیاست چین را در مواجهه با اقلیت‌های ملی با مشکلات پیچیده تری دست به گریبان کرده است. اقلیت «ایغور» بزبان ترکی صحیت کرده و به حفظ عربی می‌تواند. آنان مسلمان بوده و در عین حال به اشباح و ادوات اعتقاد دارند. آنان در یکجا ساکن بوده، کشاورزی

می کند و گاه بدبار چرا گاه کوچ می کند.

در گذشته و فادری نسبت به خاتم اده، تمام ملاحظات دیگر را تحت تأثیر قرار می داد. برخلاف «ایشور» تبیه ها به بودائیسم لاما اعتقاد داشتند بزرگانی نزدیک به زبان برمهای صحبت می کنند. خط آنان از هنری مشق شده است. این گروه فاقد احساسات و همبستگی های ملی بوده بزندگی قبیله ای گرایش دارند غذای آنان غالباً شامل گوشت گاو تر کوهان دار، گوسفند، آرد و جووجای می باشد و به غذای چینی شاهتی ندارد. در گذشته جامعه آنان بر اساس سلسله مراتب اصالت و بزرگزادگی و روحانیت قرار گرفته، نظام ارباب رعیتی نیز متدالوی و قدرت سیاسی و اقتصادی در صومعه بزرگ تعریف کرده بود، چگونگی رویارویی و ایجاد تحول در این نوع جوامع سنتی یکی از مسائل بزرگ چینی ها به شمار می رود. در مثال دیگر می توان از تصاده های درون اقلیت «میا» که در استان «کوی چو» زندگی می کنند نام برد. این گروه در جوامع بزرگ آنده روستایی زندگی کرده و هر یک و بیزگی های محلی برای خود دارند. آنان به زراعت استغلال داشته زمین را از طریق شخم زدن و سوزاندن ریشه ها، آماده کرده و پس از چند سال زراعت در آن، در زمین دیگری به کشت و کار مشغول می شوند و اغلب به صورت گروه های خانواری زندگی کار می کنند. زبان آنان باز بآن چینی ارتباط دارد ولی لهجه های آن متفاوت است. تا سال ۱۹۴۹ نظارت سیاسی در دست کد خدا بوده و مذهب اساسی آنان شامائیسم است که در آن خدایان گوناگون، شیاطین و ارواح مورد پرستش قرار می گیرند.

بدین ترتیب حزب کمونیست روشهای عملی متفاوتی برای رویارویی با هر یک از اقلیت های ملی اخذ کرد.

نشریح احساسات اقلیت ها نسبت به وضع موجود مشکل است و اطلاعات چندانی راجع به آن وجود ندارد. ولی به طور کلی می توان گفت که برخی از جوامع بدی احتمالاً فاقد احساس هویت ملی بوده و بدینجهت در جستجوی استقلال بیشتر نیز نمی باشند. به علاوه آنان در تماس خود با چینی ها از منافع مادی بیشتری بهره ور شده اند. به نظر می رسد دیگر اقلیت ها مانند مغولها و ایشور، استقلال داخلی محدود را در مقابل بپیوند وضع اقتصادی و اجتماعی خود پذیرفته اند. از سوی دیگر، تبیه ها ملی شورشی در سال ۱۹۵۹، نارضایتی

عمیق خود را نسبت به فرسایش جامعه سنتی اقلیت تبتی نشان دادند. بدون تردید بزرگان ولاماهای تبتی برای حفظ قدرت در آن شورش نقش زیبای داشته و از حمایت بسیاری از مردان قبیله‌ای هوانخواه استقلال برخورد آرشدند. پدیدنجهت چین در رویا رویی با این اقلیت دوراه حل دریش داشت، یکی آنکه آنها را بهحال خود گذاشته و ادامه نظام ارباب رعیتی، و نایاب ریهای اجتماعی را بهامید یک تکامل تدریجی تحمل نماید یا آنکه از طریق بافتاری و ساختگیری تحولاتی بوجود آورده، حتی اگر این تحولات بسیاری از افراد را نسبت به حکومت چین بیگانه می‌ساخت انتخاب راه حل آسان بود، بویژه آنکه چینی‌ها بهبود چونه به استقلال ملی تبتی‌ها رضایت نمی‌دادند. به علاوه نقش قدرتهای خارجی مسئله را غامق تر کرد. آمریکا و هندوستان در مسئله تبت دخالت کرده و چینی‌ها نیز نسبت به امنیت مرزهای خود توجه زیادی داشتند. از آن تاریخ بعد، چین در به کار بردن سیاست‌های همکاری و تحولات تدریجی کوشای بوده است، اگرچه در منطقه تبت محدود بودن تعداد کادرهای اقلیتی و اسنه پهجم و حکومت کاملاً محسوس است.

ظهور کلی مسئله امنیت ملی می‌باشد مربوط به اقلیت‌های ملی را تحت الشاع خود قرار می‌دهد. با توجه به این حقیقت اکه اغلب اقلیت‌ها در طول مرزهای مورد اختلاف چین با اتحاد شوروی و هندوستان زندگی می‌کنند، تعداد کثیری سر بازان چینی‌دراین نواحی مستقر می‌باشند و از سوی دیگر تعداد کثیری هانهای چینی به «مین کیانگ» و مغولستان داخلی کوچ کرده و در آنجا اقامت گزیده‌اند. این فشارها و نقل و انتقالات میان این دو کشور فروتنی رشد و وابستگی‌های اقتصادی بین دولت مرکزی و نواحی اقلیت نشین از سوی دیگر موضوع ادعام آنها را در دولت مرکزی بیش از پیش تقویت می‌کند.

بها ١٥٠ دریال

